



مجله علمی پژوهشی دوفصلنامه  
مطالعات علوم انسانی





# الاربعين

مجلة علمى پژوهشى دوفصلنامه  
مطالعات علوم انساني



عتبه امام حسين عليه السلام  
مركز كربلاء للدراسات والبحوث



جلد دوم، سال دوم، شعبان ۱۴۴۵ هـ.ق، مارس ۲۰۲۴ م، ضميمه (۴)  
شماره ویژه مجموعه مقالات هفتمين كنفرانس علمى بين المللى  
زيارت اربعين

# الاربعين

مجلة علمى پژوهشى دوفصلنامه  
مطالعات علوم انسانى

\*\*\*

شعبان ١٤٤٥ هـ، مارس ٢٠٢٤ م، ضميمه (٤)

\*\*\*

جمهورى عراق - شهر مقدس كربلا  
عتبه امام حسين عليه السلام  
مركز كربلاء للدراسات والبحوث

\*\*\*

رقم الإيداع في دار الكتب والوثائق العراقية  
ببغداد (٢٤١٠) لسنة ٢٠٢٢م

\*\*\*

المراسلات  
توجه جميع المراسلات الخاصة بالمجلة إلى:  
مجلة الاربعين - مركز كربلاء للدراسات والبحوث

\*\*\*

E-mail: arbnj.k.center@gmail.com

\*\*\*

ص. ب (٤٢٨) كربلاء

\*\*\*

شماره تماس :

٠٠٩٦٤٧٧٥٣٣٢٠٦٦

\*\*\*





سرديين: أ.د. نذير جبار حسين الهنداوي  
 معاون علمي مركز كربلا للدراسات والبحوث  
 أ.م.د. ثامر مكي علي الشمري  
 دانشكده ادبيات / دانشگاه المستنصرية

محل كار	هيئت تحرير
دانشكده تربيت / دانشگاه واسط / عراق	أ.د. حسين سيد نور الاعرجي
دانشكده آموزش علوم انسانی / دانشگاه الموصل / عراق	أ.د. برزان ميسر حامد
دانشكده الآداب / دانشگاه بغداد / عراق	أ.د. اياد محمد علي الازناؤوطي
دانشكده التربية للبنات / دانشگاه بغداد / عراق	أ.د. طلال خليفة سلمان
دانشكده علوم گردشگری / دانشگاه كربلاء / عراق	أ.د. عبد علي كاظم الفتلاوي
دانشكده الاداب / دانشگاه كوفة / عراق	أ.د. وجدان صالح عباس محمد
دانشكده علوم اسلامي / دانشگاه كوفة / عراق	أ.د. فاضل مدب المسعودي
موسسه عالی تمدن اسلامي / دانشگاه زيتونه / تونس	أ.د. صلاح الدين العامري
دانشكده علوم اسلامي / دانشگاه جزائر / جزائر	أ.د. نور الدين أبو لحية
دانشكده باستان شناسی / دانشگاه قاهرة / مصر	أ.د. عادل محمد زيادة
دانشكده مطالعات خاورميانه / دانشگاه سليمان / لبنان	أ.د. حنا جميل إسكندر
کتابخانه تخصصی تاريخ اسلام و ایران / ایران	أ.د. رسول جعفریان
تحقيقات علمي ومطالعات بين المللی / دانشگاه شانگهای / چين	أ.د. وانغ يو يونغ
مؤسسه مطالعات فرهنگ و مذاهب اسلامي / دانشگاه جوتيه / المان	أ.د. رنا سعد الصوفي
دانشكده ادبيات / دانشگاه المستنصرية / عراق	أ.م.د. غصون مزر حسين
دانشكده اموزش پايه / دانشگاه ميسان / عراق	أ.م.د. كامل جاسم دهش
دانشكده ادبيات / دانشگاه اهل البيت / عراق	أ.م.د. جعفر علي عاشور
دانشكده التربوية المفتوحة / وزارت اموزش و پيروش / عراق	أ.م.د. مؤيد ناجي أحمد
مركز كربلاء للدراسات والبحوث / عراق	م.د. علاء عبد الهادي المالكي
دانشكده علوم گردشگری / دانشگاه اهل البيت / عراق	م.د. محمد جمال الطيف
دانشكده علوم اجتماعي رسانه / ایران	د. محمد رضا النواب

## ارزیابی متون

### زبان عربی

أ.د. أياد محمد علي الارناؤوطي (دانشگاه بغداد)  
أ.م.د. جعفر علي عاشور (دانشگاه أهل البيت)

### زبان انگلیسی

أ.م.د. مؤيد ناجي أحمد (دانشگاه التربوية المفتوحة-بغداد)

### زبان فارسی

أ.د. عبد علي كاظم الفتلاوي (دانشگاه كربلاء)  
م.د. محمد جمال الطيف (دانشگاه وارث الأنبياء)

### طراح

عماد محمد البيرماني

نور قاسم الساعدي

## اهداف مجله :

۱. محافظت از زیارت اربعین به عنوان یک مناسک دینی-اجتماعی با استفاده از مدرن ترین شیوه های مستندسازی و ارائه و رصد آثار آن بر فرد و جامعه.
۲. واقف شدن بر خواسته های اساسی زیارت اربعین و تامین نیازهای آن در زمینه ها و ابعاد مختلف.
۳. الهام گرفتن از آموزه های انقلاب امام حسین (ع) در ترویج مفاهیم وحدت و مقابله با جنگهای نرم.
۴. پیوند مفاهیم قرآنی، دینی و اعتقادی با میراث حسینی و زیارت اربعین برای افزایش فرهنگ و آگاهی خانواده ها و جوانان.
۵. رصد کردن چالشهای پیش روی زائرین در تمامی بخشهای خدماتی و ارائه راه حلهای علمی و عملی .
۶. ارائه خدمات به پژوهشگران، کتابخوانها و علاقمندان به تحقیقات و مطالعات تخصصی در زیارت اربعین.
۷. تلاش برای اطلاع جامعه بین المللی از اهمیت این زیارت ملیونی ؛ از آنجا که میراث فرهنگی و انسانی برای جامعه عراق به طور خاص و وبصورت عام عاشقان اهل بیت است، می تواند منبع علمی برای علاقه مندان به زیارت اربعین و عامل مهمی در حفظ پرونده ارائه خدمات و پذیرایی در زیارت اربعین که در سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی یونسکو در سال ۲۰۱۹ میلادی که توسط مرکز کربلا با همکاری وزارت فرهنگ، گردشگری و آثار باستانی ثبت شده است باشد.

## دیدگاه مجله

مجله علمی پژوهشی الأربعین به دنبال این است که بستری علمی برای انتشار تحقیقات و مطالعات مرتبط با زیارت اربعین باشد، برای دستیابی به یک افزوده علمی برای علاقه مندان به این شعیره مبارک.

## سیاست حریم خصوصی

مجله علمی پژوهشی الأربعین معتقد به دقت، متانت و محرمانه بودن در کار خود را دارد، برای حفظ سلامت فکری تحقیقات دریافتی و متعهد به حفظ حریم خصوصی داده ها و اطلاعات ارسال شده توسط محققین بدون افشای آنها میباشد.

## سیاست نشر در مجله:

مجله علمی پژوهشی الأربعین از آثار پژوهشگران داخل و خارج عراق استقبال می کند و تحقیقات آنها را در زمینه های مختلف انسانی، علمی و کاربردی به زبان های عربی و انگلیسی منتشر می کند که مهمترین آنها عبارتند از: (مطالعات اجتماعی و مردم شناسی، فرهنگی، فکری و کلامی، مطالعات تاریخی و میراثی، مطالعات جغرافیایی، مطالعات اقتصادی و گردشگری، مطالعات حقوقی و با رعایت قوانین زیر منتشر میکند:

۱. پژوهش و مقاله ارسالی باید از نظر موضوع متمایز و جدید بوده و شرایط روش تحقیق علمی را دارا باشد.

۲. پژوهش نباید داخل یا خارج از عراق منتشر یا برگرفته از کتاب باشد یا از (اینترنت) کپی شده باشد، مشروط بر اینکه پژوهشگر تعهد کتبی همراه با پژوهش ارائه دهد، در صورتی که میزان کشف سرقت علمی بیش از ۲۰ درصد باشد، تحقیق به پژوهشگر عودت داده میشود.

۳. پژوهش باید خالی از خطاهای لغوی و دستوری باشد.

۴. پژوهشگر در نگارش علمی از نظر ترتیب و ساماندهی به شرایط فنی پیروی کند.

۵. قرار دادن نقشه ها، تصاویر و جدولها در متن پژوهش.

۶. مقالات می بایست در برنامه (word) و با کاغذ (A۴) و تایپ شده با فونت (Arabic simplified) و اندازه فونت متن اصلی (۱۴) برای مقالات عربی و برای انگلیسی (۱۲) و با (CD) ارسال و حد اقبل ۱۰ صفحه و حد اکثر ۲۵ و بیش از ان پژوهشگر ملزم به پرداخت هزینه خواهد شد.

۷. منابع باید در انتهای پژوهش به ترتیب حروف الفبا قرار گیرند و ترتیب آنها به شیوه های پذیرفته شده در نگارش منابع علمی رعایت شود. همانند: نام خانوادگی ، اسم مؤلف ، عنوان کتاب ، اسم محقق ( در صورت تحقیق کتاب ) ، شماره چاپ ، اسم چاپخانه ، مکان انتشار ، سال انتشار .

۸. قالب بندی پاورقی ها بر اساس (درون متنی) ( APA ) مطابق با استانداردهای مورد تأیید وزارت علوم و تحقیقات علمی.

۹. مختصری از رزومه علمی نویسنده به همراه اطلاعات تماس ضمیمه شود.

۱۰. صفحه اول پژوهش باید حاوی اطلاعات زیر باشد: آدرس پژوهشگر، نام، محل کار، شماره تلفن و پست الکترونیکی محقق و با در نظر گرفتن عدم ذکر نام پژوهشگر یا پژوهشگران در متن پژوهش به زبان عربی یا انگلیسی، مانند الگوی مجله.

۱۱. کلیه مقالات به منظور تأیید نشر توسط هیئت تحریریه و گروه علمی متشکل از اساتید در رشته های مختلف علمی مورد ارزیابی علمی و به صورت محرمانه قرار می گیرد و ارزیابی به روش زیرانجام میشود:

- حداکثر ظرف مدت دو هفته از تاریخ ارسال مقاله به پژوهشگر جواب داده خواهد شد.

- اعلام هیئت تحریر پژوهشگرانی که مقاله آنها مورد تأیید قرار گرفته برای نشر آن در مجله .

- عودت مقالات پژوهشی که نیاز به اصلاح یا اضافات داشته باشد به همراه نظرات خاص برای انجام اصلاحات نهایی به صاحبان آنها

- مقالات رد شده بدون ذکر علت رد به آنها ابلاغ خواهد شد

- اعطای يك نسخه از شماره مجله به صاحب مقاله که مقاله آن الکترونیکی یا ورقی منتشر شده است .

۱۲. ترتیب مقالات منتشر شده مشروط به الزامات فنی است و اولویت انتشار با در نظر گرفتن موارد زیر است:

- تاریخ دریافت مقاله توسط سردبیر

- تاریخ ارائه مقاله که در مورد اصلاح قرار گرفته

- لقب علمی پژوهشگر

۱۳. پژوهشگر نمی تواند پس از ارسال تحقیق خود به هیأت تحریریه تقاضای عدم انتشار کند ، جز به دلایلی که هیأت تحریریه قانع شده باشد، مشروط بر اینکه ظرف مدت دو هفته از تاریخ ارائه تحقیق وی باشد.

۱۴. مجله علمی پژوهشی اربعین متعهد به حفظ حقوق معنوی نویسندگان است.

۱۵. نویسندگان حقوق انحصاری از جمله انتشار، توزیع مجلات کاعذ و الکترونیکی، ذخیره سازی و استفاده مجدد برای تحقیق را به مجله اعطا می کند.

۱۶. مقالات پژوهشی باید به آدرس ایمیل مجله علمی پژوهشی بین المللی ارسال شود:

**arbnj.k.center@gmail.com**

و برای سؤال بیشتر به شماره زیر تماس بفرمایید

۰۰۹۶۴۷۷۵۳۳۲۰۶۶

ادرس مجله

عراق - کربلاء المقدسة - باب بغداد - شارع السيدة زينب الكبرى عليها السلام

مرکز کربلاء للدراسات والبحوث - شعبة زيارة الأربعين.

تمام دیدگاه های بیان شده در مجله بیانگر نظرات نویسندگان  
والزاما بیانگر نظر مجله نیست

بسم الله الرحمن الرحيم

Republic of Iraq  
Ministry of Higher Education &  
Scientific Research  
Research & Development  
Department



جمهورية العراق  
وزارة التعليم العالي والبحث العلمي  
دائرة البحث والتطوير  
قسم الشؤون العلمية

No.:

Date:

الرقم: ٥٦٢٥/٤٥٥  
التاريخ: ٢٠٢٣/٧/٤

الامانة العامة للعتبة الحسينية المقدسة / مركز كربلاء للدراسات والبحوث

م/ مجلة الاربعين

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

اشارة الى كتابكم المرقم م/٤٨١ بتاريخ ٢٠٢٣/٣/٨ ، والمتضمن استحداث واعتماد مجلتكم لاغراض النشر والترقيات العلمية وتسجيلها ضمن موقع المجلات الاكاديمية العلمية العراقية ، حصلت الموافقة بتاريخ ٢٠٢٣/٦/٢١ على اعتماد المجلة المذكورة في الترقيات العلمية والنشاطات العلمية المختلفة الاخرى ، واعتباراً من المجلد الاول - العدد الصفري - آذار- لسنة ٢٠٢٣ لتسجيل المجلة في موقع المجلات الاكاديمية العلمية العراقية.

للتفضل بالاطلاع وابلغ مخول المجلة لمراجعة دائرتنا لتزويده باسم المستخدم وكلمة المرور ليتسنى له تسجيل المجلة ضمن موقع المجلات الاكاديمية العلمية العراقية وفهرسة اعدادها ، ويعتبر ذلك شرطاً أساسياً في اعتمادها بموجب الفقرة (٣١) من ضوابط استحداث وصدار المجلات العلمية في وزارتنا.

...مع وافر التقدير

أ.د. لبنى خميس مهدي  
المدير العام لدائرة البحث والتطوير  
٢٠٢٣/٧ /٢

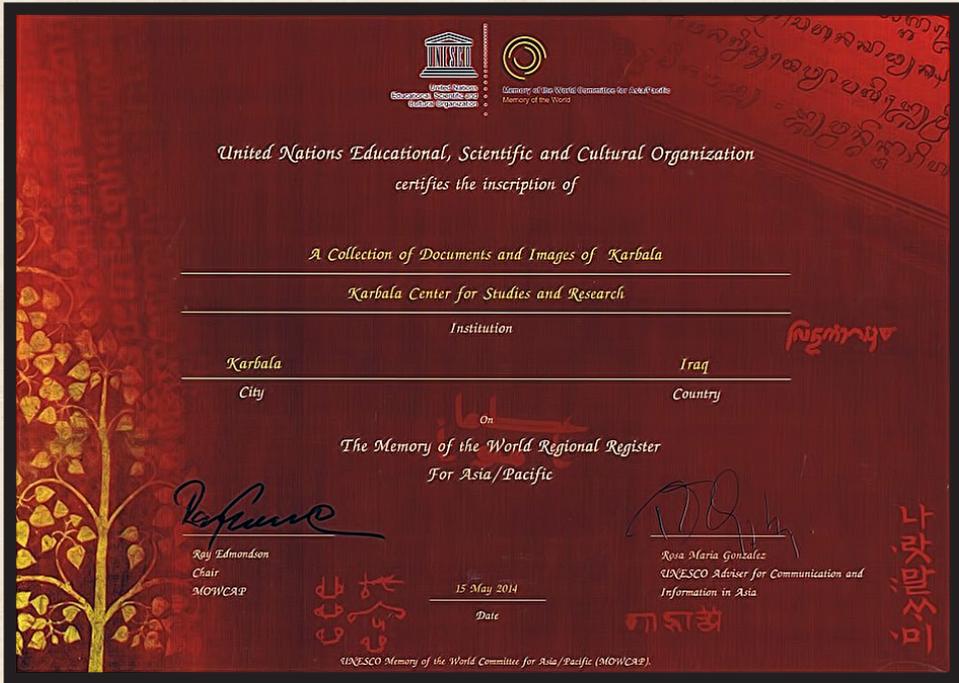
نسخة منه الي:

- مكتب السيد وكيل الوزارة لشؤون البحث العلمي/ اشارة الى موافقة سيادته المذكورة اعلاه والمثبتة على اصل مذكرتنا المرقمة ب ت م ٥٠٩١/٤ في ٢٠٢٣/٦/٢١
- قسم الشؤون العلمية/شعبة التأليف والترجمة و النشر... مع الاوليات
- الصادر

مهند ابراهيم  
٧/٣ - ٦/٢٦

وزارة التعليم العالي والبحث العلمي - دائرة البحث والتطوير - القصر الأبيض - المجمع التربوي - الطابق السادس  
قسم الشؤون العلمية rdd.edu.iq scdep@rdd.edu.iq





گواهی بین المللی مرکز کربلاء للدراسات والبحوث

از یونسکو ( برنامه حافظه جهانی )

تاریخ ثبت ۱۳۹۳/۷/۶ هـ ش - ۲۸ /۱۰ /۲۰۱۴ م



## Convention for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage

The Intergovernmental Committee for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage  
has inscribed

### *Provision of services and hospitality during the Arba'in visitation*

on the Representative List of the Intangible Cultural Heritage of Humanity  
upon the proposal of Iraq

*Inscription on this List contributes to ensuring better visibility of intangible cultural heritage  
and awareness of its significance, and to encouraging dialogue that respects cultural diversity*

Date of inscription

*12 December 2019*

Director-General of UNESCO

*Audrey Azoulay*

گواهی ثبت پرونده (ارائه خدمات و پذیرایی در ایام زیارت اربعین) ثبت شده  
توسط مرکز کربلا للدراسات والبحوث با همکاری وزارت فرهنگ، گردشگری  
و آثار باستانی سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی (یونسکو)

در تاریخ ۲۳-۲۵ / ۹ / ۱۳۹۸ هـ ش - ۱۴-۱۶ دسامبر ۲۰۱۹

## فهرست مطالب

تاثیر شرکت در پیاده روی اربعین بر بهزیستی روانشناختی دانش  
جویان..... ۲۱

ستاره موسوی دانش آموخته دکتری علوم تربیتی

\*\*\*

تبیین زیارت بامعرفت اربعین حسینی راهکاری برای رستگاری  
انسان معاصر..... ۴۱

عباسعلی اخوان ارمکی

\*\*\*

تحویل إعلامی ظاهرة زیارة الاربعین العظيمة (بالقاء نظرة على  
الحج الغربي) رسانه ای سازی پدیده عظیم اربعین (با نگاهی به  
زیارت های پیاده غربی)..... ۸۱

حجت حاجی محمدی یزدی دانشگاه تهران

\*\*\*



بسم الله الرحمن الرحيم

## سخن سردبیری شماره

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على النبي الهادي الأمين أبي القاسم محمد، وعلى آله الطيبين الطاهرين، وصحبه المنتجبين. وبعد

زیارت اربعین امام حسین علیه السلام در طول تاریخ متمادی خود به دلیل مضامین و معانی بزرگی که در روح و جان مسلمانان به ویژه مردم عراق دارد، مورد توجه بسیاری قرار گرفته است، زیرا این زیارت شامل صحنه های زیادی از انسانیت می باشد از قبیل اشاعه اصل همزیستی مسالمت آمیز میان زائران با فرهنگ ها و وابستگی های فکری متفاوت، و میزان انسجام فرهنگی و اجتماعی، ایثارگری و پیشتازی در ارائه خدمات به اقشار مختلف (جامعه اربعینی)، تا این که این راهپیمای به يك هویت فرهنگی و تمدنی برای مردم سخاوتمند عراق تبدیل شد.

این امر باعث شد تا مرکز مطالعات و تحقیقات کربلا وابسته به آستان مقدس امام حسین علیه السلام برای ثبت این زیارت به عنوان یک آیین مذهبی، اجتماعی در فهرست میراث ناملموس جهانی در سازمان بین المللی یونسکو، مجدانه تلاش کنند.

این شماره به انتشار مجموعه مقالات هفتمین همایش بین المللی زیارت اربعین که با شعار (زیارت اربعین... اصالت ارزش ها و رمز تمدن) در تاریخ ۲۳-۲۴ هـ صفر ۱۴۴۵ / ۸-۹ ایلول ۲۰۲۳، توسط مرکز مطالعات و تحقیقات کربلا وابسته به آستان مقدس امام حسین علیه السلام برگزار شد، اختصاص دارد. شایان ذکر است که این شماره شامل شش پژوهش به زبان فارسی که به محورهای مختلف این کنفرانس پرداخت است.

مرکز مطالعات و تحقیقات کربلا که به اهمیت مطالعات همه جانبه در باره زیارت مبارک اربعین اعتقاد دارد، از این رو هفتمین دوره همایش بین المللی امسال به مجموعه ای از محورهای علمی مرتبط با موضوع زیارت و ابعاد اساسی آن اختصاص نمود.

در اینجا لازم به ذکر است که جلسات کنفرانس شاهد مشارکت گسترده پژوهش های

با بعد کاربردی، علاوه بر پژوهش های اجتماعی و بشردوستانه بود که در آن نخبگان زیادی از متخصصان و پژوهشگران در چندین زمینه شرکت داشتند.

مجموع پژوهش های ارسالی به کمیته علمی کنفرانس چه از داخل و چه از خارج عراق بالغ بر ۱۷۷ پژوهش است که به محورهای اصلی کنفرانس پرداخته، و پس از ارائه به کارشناسان علمی، تعداد (۹۵) پژوهش برای شرکت در کنفرانس مورد قبول واقع شده است.

امید داریم که این تلاش علمی و داده های آن از سوی تصمیم گیرندگان در جهت توسعه خدمات و تلاش های مردمی ارائه شده به زائرین ابی عبدالله الحسین علیه السلام مورد استفاده قرارگیرد.

والحمد لله رب العالمین

کمیته علمی کنفرانس

سر دبیر

۱۴۴۵ ق - ۲۰۲۴ م

تأثیر شرکت در پیاده روی اربعین بر  
بهزیستی روانشناختی دانشجویان

ستاره موسوی

دانش آموخته دکتری علوم تربیتی، استاد مدعوف فرهنگیان

[setarehmousavi@gmail.com](mailto:setarehmousavi@gmail.com)



## چكیده

هدف اصلي پژوهش حاضر بررسی تاثیر شرکت در مراسم اربعین بر بهزیستی روانشناختی بود. ۶۰ دانشجو در این پژوهش شرکت کردند و در گروه مداخله، و گروه کنترل گمارده شدند. نتایج نشان داد که اربعین درمانی در افزایش بهزیستی روانشناختی در گروه آزمایش، در مقایسه با گروه کنترل، موثر بود. همچنین در زیر مقیاسهای بهزیستی روانشناختی، پذیرش خود، ارتباط مثبت با دیگران، خودمختاری، رشد شخصی و تسلط بر محیط در مرحله پس‌آزمون بهبود نشان دادند.

**واژه‌های کلیدی:** اربعیندرمانی، بهزیستی روانشناختی، دانشجویان اثر المشاركة في مسيرة الأربعين على الحالة النفسية للطلبة

## ملخص

كان الغرض الرئيسي من هذه الدراسة هو التحقق من تأثير المشاركة في مراسم الأربعين على الرفاه النفسي. شارك ٦٠ طالباً في هذا البحث وتم تعيينهم في مجموعة التدخل والمجموعة الضابطة. أظهرت النتائج أن العلاج بالأربعين كان فعالاً في زيادة الرفاهية النفسية في المجموعة التجريبية مقارنة بالمجموعة الضابطة. أيضاً، في المقاييس الفرعية للرفاهية النفسية، وقبول الذات، والعلاقة الإيجابية مع الآخرين، والاستقلالية، والنمو الشخصي والسيطرة على البيئة، أظهروا تحسناً في مرحلة ما بعد الاختبار.

الكلمات المفتاحية: العلاج بالأربعين، الرفاه النفسي، الطلاب.

## The effect of participation in the Arbaeen walk on students' psychological well-being

### Abstract

The main purpose of the present study was to investigate the effect of participation in the Arbaeen ceremony on psychological well-being. 60 students participated in this research and were assigned to the intervention group and the control group. The results showed that Arbaeen therapy was effective in increasing psychological well-being in the experimental group, compared to the control group. Also, in the sub-scales of psychological well-being, self-acceptance, positive relationship with others, autonomy, personal growth and control over the environment, they showed improvement in the post-test stage.

Key words: Arbaeen therapy, psychological well-being, students

مقدمه

در سال های اخیر گروهی از محققان حوزه سلامت روانی از روانشناسی مثبت نگر، رویکرد نظری و علمی متفاوتی برای تبیین و مطالعه این موضوع برگزیده‌اند. آنان سلامت روان را معادل کارکرد مثبت روانشناختی تلقی و آن را در قالب واژه (بهزیستی روانشناختی) تصویر سازی کرده اند. این گروه نداشتن بیماری را برای احساس سلامتی کافی نمی دانند (تروی و ماس، ۲۰۱۱). این گروه بر این باور هستند که این واژه جنبه های مثبت را به ذهن متبادر می کند (ریف، ۱۹۹۸). بهزیستی روانشناختی دارای شش زیر مجموعه است که در این تحقیق به دو مولفه پذیرش خود و رشد شخصی پرداخته شده است. پذیرش خود به معنی داشتن نگرش مثبت به خود و زندگی گذشته خویش است. اگر فرد در ارزشیابی خود، استعدادها، توانایی ها و فعالیت های خود در کل احساس رضایت کند و در رجوع به گذشته خود احساس رضایت کند، عملکرد روانی مطلوبی خواهد داشت. همه انسان ها تلاش می کنند علی رغم محدودیت هایی که در خود سراغ دارند، نگاه مثبتی به خویش داشته باشند. این نگرش پذیرش خود است (گروتز و گاردسون، ۲۰۰۶). مولفه دیگر بهزیستی روانشناختی در این پژوهش رشد شخصی است که به معنای استعدادها و توانایی های بالقوه فرد در طی زمان و در طول زندگی بالفعل خواهد شد (میکائیلی منیع، ۱۳۸۹). رشد شخصی به گشودگی نسبت به تجربیات جدید از طریق تجربه گفته می شود (ریف، کی یس، ۱۹۹۵، لیندفورس و همکاران، ۲۰۰۶). برخی از محققان، بهزیستی روانشناختی را از نظر مولفه ها و فرایندهایی نظیر فرایندهای عاطفی مفهوم سازی می کنند و برخی دیگر بر فرایندهای جسمانی تاکید کرده اند و خاطر نشان می سازند که بین سلامت جسمانی بالا و کیفیت زندگی بالا رابطه

وجود دارد، برخی دیگر از محققان بهزیستی روانشناختی را بیشتر به صورت یک فرآیند شناختی در زندگی توصیف می کنند. عده ای نیز در توصیف بهزیستی روانشناختی بر نقش فرایندهای معنوی تأکید دارند، بنابراین به نظر می رسد از جمله عواملی که می تواند بر بهزیستی روانشناختی به ویژه مولفه رشد شخصی و پذیرش خود موثر باشد معنویت است. معنویت بخش مهمی از زندگی افراد را تشکیل می دهد و تأثیر بسزایی بر سلامت و بهزیستی آن ها دارد( چراغی و مولوی، ۱۳۸۵). محققان پس از نظریه پردازان و آزمون های بسیار، به این نظریه دست یافته اند که علایق مذهبی و باورهای دینی در کاهش یا حتی رفع بیماری های مختلف روحی و جسمی نقش به سزایی دارد. آنان بر این باورند که ایمان به خدا یا هر قدرت معنوی دیگر، به انسان مومن انگیزه های می بخشد که در تحمل سختی های عمیق زندگی به کمک او می آید. این نیرو می تواند نگرانی و اضطراب را کاهش دهد، انسان را که تحت فشارهای مختلف روحی روانی است یآوری کند( بزرگبرویی، ۱۳۹۳). اهمیت رشد معنوی انسان تا حدی است که سازمان جهانی بهداشت در تعریف ابعاد وجودی انسان به ابعاد جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی اشاره می کند، بعد چهارم یعنی بعد معنوی را نیز در تکامل انسان مطرح می سازد( غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۲). روان درمانی مبتنی بر معنویت به این معناست که بشر می تواند فراتر از خودش و بدنش فکر کرده و به عمق شخصیتش بیندیشد. سعی کند والاتر از گذران عادی زندگی بیندیشد و با شیوه معنویت به درمان افراد کمک کند و به این مرحله برسد که بتواند دنیا و خود را فراتر از مادیات و خودش ببینند(بابایی، لطیفی، اسماعیلی، ۱۳۹۳). اهمیت رشد معنوی انسان در چند دهه گذشته به صورت روزافزون توجه متخصصان را به خود جلب کرده است(حبیب وند، علی مراد، ۱۳۸۶) و باعث به وجود آمدن رویکردی به نام معنویت درمانی در درمان بیماری های ذهنی

شده است (زره پوش و همکاران، ۱۳۹۲). اژدری فرد، قاضی و نورانی پور (۱۳۸۹) به این نتیجه رسیدند که آموزش معنویت باعث افزایش سلامت روان و بهبود عملکرد جسمانی و عملکرد اجتماعی و کاهش اضطراب و افسردگی دانش آموزان شده است. همتی مسلک پاک، احمدی و انوشه (۱۳۸۹) نشان دادند که باورهای معنوی یک مولفه مهمی است که کیفیت زندگی دختران مبتلا به دیابت را تحت تأثیر قرار می دهد و یکی از عوامل مهم سازگاری دختران نوجوان مبتلا به دیابت در موقعیت های ملتهب معنویت بوده و ضروری است. همچنین نتایج تحقیقات نشان می دهد که میان مذهب و سلامت روانی (تبرایی و همکاران، ۱۳۸۷ و غلامی و بشلیده، ۱۳۹۰) عزت نفس زیاد (قمری گیوی، ۱۳۸۷) و کاهش افسردگی (چراغی و مولوی، ۱۳۸۵)، حمایت اجتماعی (فایریکتور و هندال، ۲۰۰۴) نوعی همبستگی مثبت وجود دارد. پژوهش ها نشان داده اند که ایمان به خدا و انجام دستورات آن موجب ارتقای سطح سلامتی و بهزیستی فرد شود (نقل از بزرگر بفرویی، ۱۳۹۳) همچنین بزرگر بفرویی (۱۳۹۳) این نتیجه رسید که معنویت درمانی از دیدگاه اسلام بر بهزیستی روانشناختی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان موثر واقع شده است. دسر و سیرس و میلر (۲۰۰۷) در پژوهش خود نشان دادند کسانی که از باورهای مذهبی برخوردارند، در مقابله با فشارهای تحصیلی از سلامت روان بیشتری برخوردارند، همچنین مک گر گوری، ۲۰۰۸ و کزدی و همکاران (۲۰۱۰) نشان دادند که آموزش مسائل دینی در کودکی باعث تمایل آن ها در نوجوانی و جوانی به دین و مذهب شده، روی سلامت روانی آن ها تأثیر مثبت به جای می گذارد. در بیان اهمیت و ضرورت این پژوهش شایان ذکر است که در جامعه اسلامی ایرانی که بسیاری از رفتارهای ما متأثر از آموخته های دینی ماست، این موضوع به ویژه برای نوجوانان حائز اهمیت است که شالوده ی شخصیتی آنان در حال رشد و شکل گیری است. با ادامه روند کنونی و کم رنگ

شدن ارزش های دینی و معنوی در جامعه از سویی و رویکرد جوانان به الگوهای به ظاهر معنوی و عرفانی از سوس دیگر، سبب خواهد شد این شور و میل جوانان و باورهای دینی و معنوی آن ها به انحراف و نهایتاً به نها سقوط کشیده شود. نوجوانان و جوانان از سرمایه های ارزشمند هر جامعه ای به حساب می آیند و نیازمند حمایت آموزش و پرورش صحیح هستند. عدم توجه به بعد معنوی و خودشناسی در زندگی، طبق نظر نظریه پردازان و تحقیقات انجام شده، مانع رشد و شکوفایی می باشد. پیشگیری از به شکل دادن چنین موردی که بی گمان هم سلامت و بهداشت روانی فرد را تخریب کرده و هم باعث فروپاشی اجتماعی و زوال باورهای معنوی و دینی می شود (اژدری فرد و همکاران، ۱۳۸۹). محقق را بر آن داشت که به بررسی شرکت در مراسم اربعین با رویکرد بومی بر بهزیستی دانشجویان بپردازد.

مطالعه نیک فرجام و همکاران (۱۳۸۰) در تاج و اللهی (۱۳۹۴) نصیری و همکاران (۱۳۹۵) بر اهمیت این موضوع تاکید کردند.

## روش

پژوهش حاضر از نوع نیمه تجربی با گروه کنترل همراه با ارزیابی به صورت پیش آزمون، پس آزمون بود. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان شهر اصفهان بودند. نمونه شامل ۶۰ نفر بود. برای نمونه گیری از روش انتخاب تصادفی خوشه‌ای استفاده شد.

هدف پژوهش حاضر بررسی شرکت در مراسم اربعین بر بهزیستی روانشناختی دانشجویان است، جامعه آماری شامل همه دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ بوده است تعداد افراد نمونه ۶۰ نفر بوده است که ۳۰ نفر دانشجویانی بودند که در اربعین شرکت کردند و ۳۰ نفر دانشجویانی بودند

که در مراسم اربعین شرکت داشتند. پس از توافق با آنان درباره شرکت در اجرای پژوهش پرسشنامه جمعیت شناختی و پرسشنامه بهزیستی روانشناختی ریف در اختیار آنها قرار داده شد و از آنها درخواست شد تا آن را تکمیل کنند. سپس آزمودنی‌ها با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب و در دو گروه کنترل و آزمایش گمارده شدند. برای گروه آزمایش یک دوره اربعین درمانی شرکت کرده بودند. در حالی که آزمودنی‌های گروه کنترل، در لیست انتظار قرار گرفتند و چنین مداخله‌ای (در اعتکاف شرکت نکردند) دریافت نکردند. پس از پایان جلسات، از آزمودنی‌های هر دو گروه آزمایش و کنترل، پس‌آزمون به عمل آمد.

## ابزار پژوهش

پرسشنامه بهزیستی روانشناختی ریف: مقیاس بهزیستی روانشناختی را ریف در سال ۱۹۹۵ طراحی نمود، فرم اصلی دارای ۱۲۰ پرسش است ولی در بررسی‌های بعدی فرم‌های کوتاه‌تر ۸۴، ۵۴، ۱۸ سوالی نیز پیشنهاد شده است. در این پژوهش بر پایه پیشنهاد ریف (۱۹۹۵) به پژوهشگران فرم ۸۴ سوالی آن به کار برده شد. مقیاس بهزیستی روانشناختی دارای ۶ خرده‌مقیاس پذیرش خود، رابطه مثبت با دیگران، خودمختاری، زندگی هدفمند، رشد شخصی، تسلط بر محیط است. در فرم ۸۴ سوالی هر عامل دارای ۱۴ پرسش است و طی اجرا از شرکت‌کنندگان درخواست می‌شود پرسش‌ها را خوانده و نظر خود را بر روی یکی از گزینه‌های شش‌گانه کاملاً مخالف تا کاملاً موافق علامت بزند. برای هر پرسش نمره‌های یک تا شش اختصاص داده می‌شود. نمره بالاتر بیانگر بهزیستی روانشناختی بهتر است. بیانی و همکاران (۱۳۸۷)، این مقیاس را هنجاریابی نمودند. همسانی درونی مقیاس بر حسب روش تصنیف، برابر با ۰/۸۹

و پایایی آزمون به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ گزارش گردید.

پرسشنامه اطلاعات جمعیت شناختی: به منظور جمع‌آوری اطلاعات فردی و دموگرافیک آزمودنی‌ها، برگ اطلاعات فردی طراحی گردید که در آن سن، جنس، تحصیلات پدر و مادر، معدل تحصیلی و سایر اطلاعات فردی جهت ترسیم تصویر جمعیت شناختی آزمودنی‌ها تهیه و استفاده گردید.

## یافته ها

جدول (۱) داده‌های توصیفی نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه‌ها در بهزیستی روانشناختی و زیر مقیاس‌های آن

پس آزمون		پیش آزمون		گروه	متغیر
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین		
۶/۱۱	۵۲/۳۰	۷/۶۸	۴۸/۴۵	اربعین درمانی	پذیرش خود
۵/۹۵	۵۰/۱۴	۵/۸۶	۵۰/۲۵	کنترل	
۱۱/۲۲	۶۰/۸۵	۱۱/۹۱	۵۷/۶۰	اربعین درمانی	رابطه مثبت با
۹/۶۴	۶۰/۵۵	۹/۶۴	۶۰/۵۵	کنترل	دیگران
۶/۰۴	۵۵/۴۰	۸/۷۵	۵۲/۱۰	اربعین درمانی	خودمختاری
۵/۰۵	۵۶/۲۰	۵/۰۲	۵۵/۲۵	کنترل	
۶/۱۸	۶۳/۳۰	۶/۷۷	۶۱/۰۰	اربعین درمانی	زندگی هدفمند
۷/۰۴	۵۸/۹۵	۶/۷۱	۵۹/۴۰	کنترل	

۷/۰۹	۶۰/۰۵	۹/۵۸	۵۷/۷۵	اربعین درمانی	رشد شخصی
۵/۳۲	۵۷/۵۰	۵/۴۶	۵۸/۷۰	کنترل	
۶/۱۸	۶۰/۳۵	۸/۷۶	۵۷/۸۰	اربعین درمانی	تسلط بر محیط
۵/۷۶	۵۷/۸۰	۵/۷۶	۵۷/۸۰	کنترل	
۲۷/۰۰	۳۴۴/۲۵	۳۵/۸۰	۳۲۵/۷۰	اربعین درمانی	بهزیستی
۱۶/۳۶	۳۴۲/۱۵	۱۶/۳۰	۳۴۲/۸۵	کنترل	روانشناختی (کل)

همان طور که در جدول ۱ ملاحظه می شود، میانگین و انحراف معیار نمرات بهزیستی روانشناختی و زیر مقیاس های آن در دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پیش آزمون و پس آزمون نشان می دهد که میانگین نمره کل بهزیستی روانشناختی در گروه اربعین درمانی از پیش آزمون (۳۳۵/۷۰) به پس آزمون (۳۵۴/۲۵) افزایش یافته است، اما در گروه کنترل میانگین آن تغییر معناداری پیدا نکرده است (۳۴۲/۸۵ در برابر ۳۴۲/۱۵).

همچنین نتایج جدول ۱ نشان می دهد که نمرات پس آزمون دانشجویانی که در اربعین شرکت کردند، در زیر مقیاس های بهزیستی روانشناختی تفاوت زیادی با پیش آزمون دارد.

علاوه براین، نتایج نشان می دهد که نمرات پس آزمون دانشجویانی که در اربعین شرکت نکردند (گروه کنترل) در زیر مقیاس های بهزیستی روانشناختی تفاوت زیادی با پیش آزمون ندارد. با استفاده از روش تحلیل کواریانس و با حذف تاثیر پیش آزمون از روی نمرات پس آزمون در گروه های آزمایش و کنترل، بهزیستی روانشناختی گروه ها با یکدیگر مقایسه می شود. نتایج در جدول ۲ ارائه

جدول ۲ نتایج تحلیل کواریانس تاثیر عضویت گروهی برنمرات کل بهزیستی روانشناختی در مرحله پس آزمون با کنترل نمرات پیش آزمون

توان آزمون	میزان تاثیر	معناداری	Fنسبت	میانگین مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع تغییر
۱/۰۰۰	۰/۸۱	۰/۰۰۱	۲۲۳/۷۰	۵۲۳۶۸/۶۵	۱	۵۲۳۶۸/۶۵	پیش آزمون
۱/۰۰۰	۰/۶۰	۰/۰۰۱	۴۰/۸۷	۹۴۶۲/۰۴	۲	۱۹۲۲۴/۰۸	عضویت گروهی

بر اساس نتایج جدول ۲ تفاوت بین میانگین‌های تعدیل شده پس‌آزمون در گروه آزمایش و کنترل پس از کنترل نمرات پیش‌آزمون به لحاظ آماری معنادار است ( $P < 0.001$ ). در واقع مداخله اربعین‌درمانی بر افزایش بهزیستی روانشناختی در مرحله پس‌آزمون موثر بوده است. میزان این تاثیر ۰/۶۰ است. یعنی ۶۰ درصد واریانس تفاوت‌های فردی در مرحله پس‌آزمون مربوط به تاثیر عضویت گروهی است. چنانچه مشاهده می‌شود توان آزمون ۱۰۰ می‌باشد که بیانگر این است که میزان دقت این تحلیل در کشف تفاوت‌های معنادار صد در صد بوده است و توان آماری یک نمایانگر کفایت حجم نمونه می‌باشد.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، مقایسه تاثیر مداخلات اربعین‌درمانی بر افزایش بهزیستی روانشناختی بود. نتایج پژوهش نشان داد که به طور کلی عضویت گروهی بر مجموعه متغیرهای وابسته موثر بوده است و گروه‌ها از نظر تاثیر

متفاوت بوده اند. میزان این تاثیر نیز ۶۰ درصد است. بدین معنی که ۶۰ درصد مجموع تفاوت نمرات پس آزمون روی هم رفته ناشی از عضویت گروهی و شرکت در جلسات آموزشی اربعین درمانی بوده است. نتایج بدست آمده به طور غیر مستقیم با نتایج پژوهش مورفی و همکاران (۲۰۱۶)، ماکسیمینیو و همکاران (۲۰۱۰)، کوئالسکی و همکاران (۲۰۱۰)، (یوسفی و همکاران (۱۳۹۴)، (نوپ و فی (۲۰۱۲)، (احمدی و همکاران (۲۰۱۳)؛ وبل و همکاران (۲۰۱۶) همخوانی دارد. در تبیین این مسئله می توان گفت در هر پژوهشی در حوزه علوم انسانی، توجه به موقعیتهای اجتماعی امری لازم و قابل توجه است. امروزه یکی از موضوعات مهم در این راستا مبحث سلامت می باشد و از طریق آن، می توان راهبردهای موفقیت انسان را به کار گرفت. همین امر سبب شده که برخی سازمان های جهانی بهداشت به بازنگری تعاریف موجود درباره انسان و ابعاد وجودی او بپردازند. سازمان جهانی بهداشت در تعریف ابعاد وجودی انسان، به ابعاد جسمانی، روانی و اجتماعی اشاره می کند و بعد چهارم یعنی بعد معنوی را نیز در رشد و تکامل انسان مطرح می سازد. هیچ شکی وجود ندارد که معنویت یکی از موضوعات اساسی است و افراد در جستجوی معنا در کارشان هستند، آنها به دنبال مسیری هستند که زندگی شان را با معنویت ارتباط دهند و همین پیوند با معنویت به آنها اجازه می دهد که با نیرویی لایتنهایی در همه جوانب زندگی شان مرتبط شوند. در واقع افراد شرکت کننده در اربعین ، به آرامش خاطر و رضایت باطن و یک شادی طولانی دست می یابند و بستری را فراهم می آورند تا دیگران هم از این رضایت درونی برخوردار شوند. افرادی که دارای معنویت درونی شده و فعال می باشند و همچنین از حس اخلاقی و نوع دوستی قوی و حاکمیت بر نفس خود برخوردارند، انگیزه اصلی خود را در انسان و حفظ کرامت او به منظور تقرب به درگاه خداوند جستجو می کنند و با روی آوردن

به معنویات سلامت خود و دیگران را حفظ می نمایند. از دلایل دیگر اثربخشی اربعین، می توان به این نکته اذعان داشت که ما در اجتماعی بسر می بریم که بیش از ۹۸ درصد افراد آن معتقد به دین اسلام هستند، لذا غفلت از ارزش های معنوی در شیوه های درمانگری، از دست دادن حوزه مفیدی از راهبردهای مقابله ای برای تعمیق و تداوم نتایج درمانگری است. از دیدگاه وست (۱۳۸۷)، درمان های غیرمذهبی محدودیت دارند و توجه به نقش عوامل معنوی در روان درمانی ضرورتی اجتناب نا پذیراست. از سوی دیگر به دلیل آنکه فرهنگ، ظرفی است که گنجایش بسیاری از باورهای دینی را دارد، حتی افرادی که یک دین خاص را رسماً نپذیرفته اند اغلب در معرض نظام های ارزشی آن قرار دارند. آنان احتمالاً ویژگی های فضیلت پرورانه هماهنگ با آن نظامهای ارزشی مذهبی را درخود پرورش می دهند، علی رغم آن که آن دین را فی نفسه مورد تأیید قرار ندهند. هر چند عوامل تعیین کننده در بومی شدن روانشناسی در میان جوامع و ملیت های مختلف می تواند بسیار گوناگون باشد ولی با این حال می توان عواملی همچون: تصوراتی که نسبت به شخصیت انسان وجود دارد، بافت اکولوژیک، گرایشات و ارزشهای اخلاقی- مذهبی، بستر فرهنگ، مناسبات سیاسی و پیشینه ی تاریخی را در نظر گرفت. بنابراین اربعین، از مهمترین عوامل فرهنگی هستند که به تجارب، رفتار و ارزش های انسان ها معنی می بخشد.

مراسم اربعین بر شناخت و باورکردن حضور خدا، خود آگاهی جسمی و روحی، اجتماعی و معنوی، معنای زندگی و نقش دین و معنویت در زندگی، پاسخ به احساس تنهایی، کاهش دادن ترس از مرگ و کاهش رنج و معنا دادن به زندگی آدمی تأکید داشت. باور به حضور خدا بر رشد شخصی نوجوانان دختر اثرگذار است به این دلیل که سنین بلوغ سرشار از بحران های روحی است که

احساس حضور خداوند و اطمینان قلبی حاصل از آن به این نوجوانان آرامش بیشتری در برخورد با سختی ها می دهد. جوانانی که از خودآگاهی برخوردارند و آن را به تمام ابعاد زندگی خود جاری می کند احساس پذیرش خود بالاتری گزارش می کنند و سازگاری بهتری با تغییرات سریعی که در این سن با آن مواجه هستند دارند و راحت تر با آن کنار می آیند چرا که با توجه به نظر نظریه پردازان عدم توجه به بعد معنوی مانع شکوفایی می شود و سلامت روانی را به خطر می اندازد. از طرفی توجه به معنای زندگی برای نوجوانان دختر که در آستانه ی انتخاب های مهمی در زندگی خویش هستند به ایشان کمک می کند تا هدفمند بیندیشند و تصمیم بگیرند. خداوند سرچشمه آرامش روحی است و در سختی های زندگی تکیه گاه انسان می باشد. پس چه خوب است با آگاهی و آموزش این حقیقت به جوانان آنان را در برابر دشواریهای زندگی واکسینه کنیم. توضیح پدیده مرگ، اربعین در این جلسات به جوانان کمک کرد تا با ترس ناشی از ناآگاهی از واقعیت مرگ کنار آمده و تلاش کنند با خودآگاهی به گونه ای زندگی کنند که بتوانند هم توشه ای برای آخرت خود بیندوزند و هم از لحظات زندگی خود بهره ببرند. از مهم ترین علل دین ریزی نوجوانان ایران اسلامی آموزش های غلطی است که توسط والدین یا در محیط آموزشی به این نوجوانان داده می شود بنابراین خوب است با اطلاع الگوهای آموزشی گامی در جهت بهبود رابطه نوجوانان با مقوله اربعین برداشته شود به این دلیل که در روح و فطرت همه ی انسان ها اعم از جوانان گرایش به اربعین وجود دارد. بنابراین توصیه می شود با آموزش های درست و دوری از افراط به آموزش معنوی نوجوانان پرداخته شود چرا که سلامت روانی جوانان، سلامت خانواده و در نهایت پیشرفت جامعه را در پی دارد.

- قرآن کریم

۱. اژدری فرد، پ؛ قاضی، ق؛ نورایی پور، ر. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر آموزش عرفان و معنویت بر سلامت روان دانش‌آموزان. اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، دوره (۲): ۱۰۵-۱۲۷.
۲. بابایی، ز؛ لطیفی، ز؛ اسماعیلی، م. (۱۳۹۴). اثربخشی معنویت‌درمانی بر کیفیت زندگی، سلامت روان زنان مبتلا به دیابت. روانشناسی ودین، (۲): ۳۷-۵۰.
۳. برزگر بفرویی، ک. (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش معنویت‌درمانی از دیدگاه اسلام بر بهزیستی روانشناسی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر. اخلاق، (۳): ۱۲۶-۱۵۲.
۴. بیانی، ع؛ عاشور، محمد؛ بیانی، ع. (۱۳۸۷). روایی و پایایی مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف. روان‌پزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال چهاردهم: ۱۴۶-۱۵۱.
۵. تیرایی، ر؛ فتحی آشتیانی، ع؛ رسول‌زاده، ک (۱۳۸۷). بررسی سهم تأثیر جهت‌گیری مذهبی بر سلامت روان در مقایسه با عوامل جمعیت‌شناختی. روانشناسی و دین، دوره یک (۳): ۳۷-۶۲.
۶. چراغی، م؛ مولوی، ح. (۱۳۸۵). رابطه بین ابعاد مختلف دین‌داری و سلامت عمومی در دانشجویان دانشگاه اصفهان. پژوهش‌های تربیتی و روان‌شناختی، سال دوم (۲): ۱-۲۲.
۷. چراغی، مونا و مولوی، حسین. (۱۳۸۵). رابطه بین ابعاد مختلف دین‌داری و سلامت عمومی در دانشجویان دانشگاه اصفهان. مجله پژوهش‌های تربیتی و روان‌شناختی، دانشکده ی علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان، سال

- دوم، شماره ۲، شماره پیاپی ۶، صص ۲۲-۱.
۸. حبیب وند، ع. (۱۳۸۶). رابطه جهت‌گیری مذهبی با اختلالات روانی و پیشرفت تحصیلی. روانشناسی و دین، دوره ۱(۳): ۱۰۷-۷۹.
۹. درتاج، فریبا؛ الهی، ذبیح. (۱۳۹۴). بررسی اثربخشی مراسم اعتکاف در سلامت روان و شادکامی دانشجویان. علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، دوره ۳، شماره ۴، صص ۷۵-۸۸.
۱۰. دلاور، ع؛ کوشکی، ش. (۱۳۹۲). بررسی رابطه مؤلفه‌های بهزیستی روان‌شناختی با سلامت عمومی در بین دانش‌آموزان دبیرستانی. تحقیقات روانشناسی، (۱۹): ۱۱۵-۱۲۶.
۱۱. زره پوش، الف؛ زارعی، م؛ کجاف، م. (۱۳۹۲). بررسی اثربخشی معنویت‌درمانی بر کیفیت زندگی و امید در زنان متأهل شهر اصفهان. حوزه علمیه، سال سوم، (۱۱)، ۱۵۷-۱۷۶.
۱۲. شریف، مرتضی، موسوی، علی بن حسین. (۱۴۱۷ق). المسائل الناصریات. تهران: رابطه الثقافة و العلاقات الإسلامية
۱۳. طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی
۱۴. علامه حلی حسن بن یوسف. (۱۴۰۰). تذکره الفقهاء. بیروت: موسسه آل لیبیت.
۱۵. غباری بناب، ب (۱۳۸۷) کودک و نوجوان، معنویت، تهران: نشر یسپرون.
۱۶. غلامی، ع؛ بشلیده، ک. (۱۳۹۰). اثربخشی معنویت‌درمانی بر سلامت روان زنان مطلقه. مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۱(۳): ۳۴۸-۳۳۳.
۱۷. قمری گیوی، ح. (۱۳۸۶). معنویت، هویت و بهداشت روانی در گستره زندگی. روانشناسی و دین، ۱(۴): ۴۳-۲۱.

۱۸. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۵۳). تفسیر نمونه. قم: دارلکتاب الاسلامی.
۱۹. میکائیلی منیع، ف. (۱۳۸۹). بررسی وضعیت بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه ارومیه. افق دانش، دوره شانزده (۴): ۶۵-۷۲.
۲۰. نصیری، کبری؛ زارع، مهدی؛ بوکانی، سلیمان، ولیزاده، سمیه. (۱۳۹۵). بررسی نقش اعتکاف در بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان. فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال ششم، شماره ۲ (پیاپی ۱۹)، صص ۱۲-۲۰.
۲۱. نیک فرجام، مسعود؛ الاهنگ، حسن؛ دریس، فاطمه؛ صولیتی، سیدکمال. (۱۳۸۰). بررسی تاثیر اعتکاف در سلامت روان معتکفین شهر شهرکرد. مجله غدد درون ریز و متابولیسم ایران. دوره ۳، صص ۶۰-۶۵.
۲۲. یوسفی ایل ذوله، زینب و افشاری نیا، کریم، ۱۳۹۴، تأثیر معنویت درمانی گروهی در افزایش بهزیستی روانی زنان مبتلا به فشارخون اساسی شهرکنگاور، اولین همایش علمی پژوهشی روانشناسی، علوم تربیتی و آسیب شناسی جامعه، کرمان، <https://civilica.com/doc/438602>،،،
23. Ahmadi SH, Asadi E, Amini Z, Kazerooni N, Kazemi H. (2013). The causal model of relation between religious attitude, hopelessness, and depression in students. Presented at 13th European Congress of Psychology.
24. Beatz, M,& Toews,j (2009) clinical implication of reseach on religion, spirituality, and mental health concolin journal of psychology,v,54(5), p.293-501.
25. Cohen, d, & et al (2009) differentiating them pact of spiritual experiences, religious practices and on gregational support on the mental health of individuals whit heterogeneous medical disorder international journal for

the psychology of religion, v-19(1).121- 138.

26. Gratz KL, Gunderson JG. (2006) . Preliminary data onan acceptance-based emotion regulation groupintervention for deliberate self-harm among womenwith borderline personality disorder. Behav Ther.; (37): 25-35.
27. Kampel, & et al (2011) General quality of life whit type 1 diabetes: relationship to patient management and diabetes- specific family.Confilict, Diabetes care, v. 26, p.3067-3073.
28. Knoop HH, Fave AD. (2012). Well-being and cultures. New York: Springer
29. Kowalski C, Ommen O, Driller E, Ernstmann N, Wirtz MA, Kohler T, et al. Burnout in nurses-the relationship between social capital in hospitals and emotional exhaustion. Journal of Clinical Nursing. 2010; 19(11-12):1654-63.
30. Krause, N, & Bastida, E (2009) Religoin. Suffering and health among older Mexican, Americans. Journal of Agilg Studies.(23): 114-123.
31. Lindfors, P. Berntsson, L. & Lundberg, U(2006) Factor Structure of Ryff's Psychological Well-being Scales in Swedish Female and Male Whitecollar Workers, Personality and Individual Differences, 40: 1213–1222.
32. Maximino C, de Brito TM, Batista AW, Herculano AM, Morato S, Gouveia A. Measuring anxiety in zebrafish: a critical review. Behavioural Brain Research. 2010; 214(2):157-71
33. Murphy NM, McCarthy FP, Khashan AS, Myers JE, Simpson NA, Kearney PM, et al. Compliance with national institute of health and care excellence risk-based screening for gestational diabetes mellitus in nulliparous women. European Journal of Obstetrics & Gynecology and

- Reproductive Biology. 2016; 199:60-5.
34. Ryan RM, Deci EL(2001) On happiness and human potentials: a review of research on hedonic and eudaimonic well-being. *Ann Rev Psych*; 52: 141–166.
35. Ryff, C. D. & Keyes, C. L. M (1995) “The structure of psychological well-being revisited. *Journal of Personality and Social Psychology*, 69, 719-727.
36. Ryff, C. D. & Keyes, C. L. M (1995) “The structure of psychological well-being revisited. *Journal of Personality and Social Psychology*, 69, 719-727.
37. Ryff, C.D(1995) Psychological well-being in adult life. *Cur Dir Psych Sci*; 4: 99–104.
38. Ryff, C.D(1995) Psychological well-being in adult life. *Cur Dir Psych Sci*; 4: 99–104.
39. Ryff, C.D, Singer B(1998) The contours of positive human health. *Psych Inqu*; 9: 1–28.
40. Ryff, C.D, Singer B(1998) The contours of positive human health. *Psych Inqu*; 9: 1–28.
41. Troy, A.S., & Mauss, I.B. (2011). Resilience in the face of stress: emotion regulation as a protective factor. In S.M, Southwick, & B.T, Litz, & D, Charney, & M.J, Friedman. (Eds.), *Resilience and Mental Health: Challenges Across the Lifespan* ((pp. 30-44). London: Cambridge University Press.
42. Webel AR, Sattar A, Schreiner N, Phillips JC. Social resources, health promotion behavior, and quality of life in adults living with HIV. *Applied Nursing Research*. 2016; 30:204-9.

تبیین زیارت بامعرفت اربعین حسینی  
راهکاری برای رستگاری انسان معاصر

عباسعلی اخوان ارمکی

[akhavan1330@yahoo.com](mailto:akhavan1330@yahoo.com)



## چکیده

مهم ترین اهداف ادیان الهی هدایت انسان ها به سوی رستگاری بوده است. بر این اساس، در سیره پیامبران و اولیای خدا این مهم جلوه گری کرده و همواره مورد توجه احیاگران و مصلحان دینی قرار گرفته است. در دوران معاصر که انسان ها راه زندگی حقیقی خود را گم کرده و در چاه مشکلات گرفتار شده اند، هر کس در جستجوی روشی است که به سوی سعادت و رستگاری رهنمون شود. از آنجا که حضرت امام حسین (علیه السلام) از مقربان بارگاه الهی هستند، این سوال مطرح می شود: آیا زیارت بامعرفت اربعین حسینی می تواند راهکاری برای رستگاری انسان معاصر قرار گیرد؟ در پاسخ سوال مذکور، این فرضیه مطرح می شود که زیارت اربعین موجب ارتباط با آن حضرت است، که آن بزرگوار منشاء خیر و برکت و نزول فیض و رحمت الهی بوده و هستند. آن گونه که اگر شخصی در زمان حیات و دوران زندگی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل البیت آن حضرت به دیدار آن بزرگواران می رفت، آنان او را به سوی خدا و معارف و کمالات الهی دعوت می کردند، بعد از مرگشان هم اگر زائری به قصد زیارت آن ها بشتابد، زائر را به سوی خدا راهنمایی کرده و علائم و نشانه های رستگاری را به او نشان خواهند داد. در این تحقیق که به روش توصیفی- تحلیلی انجام شده است سعی کرده ایم، با مطالعه آثار این موضوع، خیر و برکت هایی که زیارت بامعرفت اربعین برای زائران حسینی به همراه دارد و انسان معاصر را به سوی رستگاری هدایت می کند، بررسی نماییم.

**واژگان کلیدی:** رستگاری، زیارت بامعرفت، اربعین حسینی.

## Abstract

The most important goals of divine religions have been to guide people to salvation. Based on this, in the lives of the prophets and saints of God, this importance has been highlighted and has always been the focus of religious revivalists and reformers. In the modern era, when people have lost their true way of life and are stuck in the well of problems, everyone is looking for a way to lead to happiness and salvation. Since Imam Hussain (peace be upon him) is one of the close friends of the divine court, this question is raised: Can pilgrimage with the knowledge of Hussain's Arbaeen be a solution for the salvation of contemporary man? In response to the mentioned question, this hypothesis is proposed that Arba'in pilgrimage is the cause of connection with that saint, who was and is the source of goodness and blessing and the descent of divine grace and mercy. In the same way that if a person went to visit those dignitaries during the lifetime of the Prophet (peace and blessings of God be upon him) and his family, they would invite him to God and divine knowledge and perfections, even after their death. If a pilgrim rushes to visit them, they will guide the pilgrim to God and show him the signs and symptoms of salvation. In this research, which has been carried out in a descriptive-analytical way, we have tried to study the benefits and blessings that pilgrimage with the knowledge of Arbaeen brings to Hosseini pilgrims and guides the contemporary man towards salvation.

**Keywords:** salvation, knowledgeable pilgrimage, Arbaeen Hosseini.

## ملخص

كانت أهم أهداف الأديان السماوية إرشاد الناس إلى الخلاص. وبناءً على ذلك، في حياة أنبياء الله وقديسيه، تم تسليط الضوء على هذه الأهمية وكانت دائماً محط أنظار الإصلاحيين والدينيين والمصلحين. في العصر الحديث، عندما فقد الناس طريقتهم الحقيقية في الحياة وعلقوا في بئر المشاكل، يبحث الجميع عن طريقة تقودهم إلى السعادة والخلاص. بما أن الإمام الحسين (عليه السلام) من أصدقاء البلاط الإلهي المقربين، فإن هذا السؤال يطرح: هل يمكن أن يكون الحج بمعرفة الحسين عليه السلام حلاً لخلاص الإنسان المعاصر؟ ورداً على السؤال المذكور، يقترح هذا الفرض أن حج الأربعين هو سبب الارتباط بهذا القديس، الذي كان ولا يزال مصدر الخير والبركة ونزول النعمة والرحمة الإلهية. وبنفس الطريقة التي إذا ذهب الإنسان لزيارة تلك الوجهاء في حياة الرسول صلى الله عليه وسلم وآله، فإنهم يدعونه إلى الله والعلم والكمال حتى بعد وفاتهم. إذا هرع الحاج لزيارتهم، فإنهم سيرشدون الحاج إلى الله ويظهرون له علامات وأعراض الخلاص. في هذا البحث الذي تم إجراؤه بطريقة وصفية تحليلية، حاولنا دراسة الفوائد والبركات التي يجلبها الحج بمعرفة الأربعين لحجاج الحسيني ويوجه الإنسان المعاصر نحو الخلاص.

**الكلمات المفتاحية:** الخلاص، الحج العارف، الأربعين حسيني.

## ۱. مقدمه

در طول تاریخ، ادیان الهی برای رستگاری انسان به طور دقیق برنامه ریزی کرده و پیامبران قوانین آن‌ها را به مردم ابلاغ می‌کرده‌اند. مسیحیان عقیده دارند، مرگ حضرت عیسی (علیه السلام) فقط برای برگزیدگان و ایمان آوردندگان به او نبوده است، بلکه آن حضرت برای رستگاری جهانیان جان فدا کردند (انجیل: ۲۹/۱ نامه یوحنا) و با مرگ خود کیفر گناهکاران را به تعویق انداختند، تا انسان‌ها برای زندگی و توبه فرصت پیدا کنند. دین حضرت مسیح (علیه السلام) عمل به احکام و شریعت را برای نیل به رستگاری لازم می‌داند که در انجیل آمده است: «ای برادران من! چه فایده ای دارد، اگر کسی بگوید ایمان دارم وقتی که عمل نداشته باشد؟ آیا ایمان می‌تواند او را نجات بخشد؟ پس اگر برادری یا خواهری برهنه و محتاج خوراک باشد و کسی از شما به ایشان بگوید: «به سلامتی بروید و گرم و سیر شوید» اما می‌تواند بدن را به ایشان ندهد، چه نفعی دارد؟ هم چنین ایمان نیز اگر اعمال ندارد در خود مرده است» (انجیل: رساله یعقوب، ۱۴/۲).

با ظهور هر پیامبری مردم موظف به رعایت دستورالعمل او بوده‌اند و شریعت پیامبر سابق هم منسوخ می‌شده است.

شریعت دین به این معناست که خداوند بر اساس مصالح و مفاسدی که در انجام یا ترک یک عمل نهفته، دستورهایی را ابلاغ کرده که باعث تعالی شخصیت انسان و رسیدن او به رستگاری است. در عین حال به این نکته باید توجه داشت که اجرای شریعت به تنهایی کافی نیست و باید با اعتقادات صحیح و صفای باطن همراه شود؛ به عبارت دیگر رستگاری در گرو اصلاح عقیده، اخلاق و عمل است. از دیدگاه اسلام هر انسانی با فطرت پاک به دنیا می‌آید و بار گناه ذاتی

بر دوش هیچ کس نیست. خداوند برای رستگاری بشر از گمراهی به وسیله پیامبران، به آنان، عقل و وحی عنایت کرده و قدم اول را برای بازگشت خطاکاران برداشته است؛ «...إِنَّ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (قرآن: توبه، ۱۱۸).

به فرمایش قرآن نجات از کیفر گناهان، چه آثار وضعی و چه استحقاق عقوبت، با توبه و استغفار و دعا حاصل می شود، که در قرآن آمده است: «وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ» (قرآن: هود، ۵۲). و ای قوم، از خدای خود آمرزش طلبید و به درگاه او توبه کنید تا از آسمان بر شما رحمت فراوان نازل گرداند و بر قوت و توانایی شما بیفزاید و زنهار به نابکاری و عصیان روی مگردانید.

قرآن راه رستگاری را ایمان، عمل صالح و سفارش به حق و صبر دانسته است و گروهی را بر صراط مستقیم هدایت و دسته ای را در ضلالت و گمراهی و عده ای را اهل عناد و انکار معرفی کرده است؛ اهل عناد کسانی هستند که حق را شناخته ولی با آگاهی و بصورت عمدی از پذیرش آن سرباز زده و با آن به مخالفت برخاسته اند. خداوند برای این گروه دوری از رحمت و عذاب جاودانه را در نظر گرفته است؛ «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (قرآن: بقره، ۲۵۶).

حضرت امام حسین (علیه السلام) هم فرموده اند: «لَأَفْلَحَ قَوْمٌ آثَرُوا مَرْضَاةَ أَنْفُسِهِمْ عَلَىٰ مَرْضَاةِ الْخَالِقِ» (حرانی، ۱۳۶۶: ۲۴۹) گروهی که خشنودی خود را بر خشنودی خداوند برگزیدند، هرگز رستگار نخواهند شد.

## ۱.۱. اهمیت موضوع

از گذشته های بسیار دور تا کنون رستگاری آرزوی دیرینه انسان ها بوده و هر کس از این مهم تصویری در ذهن خویش می پرورانده است. در روزگار ما که انسان ها راه زندگی حقیقی خود را گم کرده و بدون اینکه خود از آن آگاه باشند، یک دنیا رنج و گرفتاری را بر دوش خود نهاده اند، یافتن راه رستگاری بسیار دشواری است. کار طاقت فرسا از یک طرف و زندگی ماشینی از طرف دیگر انسان را در چاه مشکلات و سرگردانی گرفتار کرده است.

با این حال همه در جستجوی رستگاری هستند و به ظاهر ادعا می کنند، می توانند به رستگاری این گمشده نسل ها و عصرها برسند.

از آنجا که حضرت امام حسین (علیه السلام) از مقربان الهی هستند، که به فرموده حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) زائری که آن حضرت را بامعرفت زیارت کند، برای او هزار حج و هزار عمره مورد قبول نوشته می شود و اگر بدبخت باشد او را در زمره رستگاران قرار می دهد و پیوسته درون رحمت و بخشایش خدای بلند مرتبه خواهد بود (حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۱۰، ۳۵۵)، بررسی نقش زیارت بامعرفت اربعین حسینی راهکاری برای رستگاری انسان معاصر از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

## ۲.۱. سؤال های تحقیق

۱. آیا تبیین زیارت بامعرفت اربعین حسینی می تواند راهکاری برای رستگاری انسان معاصر قرار گیرد؟
۲. منظور از زیارت بامعرفت چیست؟
۳. زیارت با معرفت اربعین چه نتایجی برای زائران حسینی دارد، که باعث

رستگاری آن‌ها می‌شود؟

### ۳.۱. پیشینه تحقیق

درباره نقش زیارت تحقیقات بسیاری انجام شده، که حاصل آن چندین مقاله و کتاب شده است که از آن جمله می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

در سال (۱۳۹۲) امینی، نرجس و همکارانش تحقیقی با عنوان «بررسی جایگاه زیارت در مهندس فرهنگی» انجام داده‌اند. نویسندگان این تحقیق با بیان نقش زیارت در بهبود وضعیت‌های روحی و روانی افراد جامعه، لزوم رویکرد جدی به زیارت به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر فرهنگ ساز را ضروری می‌دانند.

همچنین، در سال (۱۳۹۷)، ناصح ستوده، پژوهشی با عنوان «فلسفه زیارت و نقش آن در جامعه دینی» انجام داده است. نویسنده در این تحقیق با هدف ایجاد بستر ذهنی مناسب نسبت به جایگاه ولایت و هرگونه پیوند و ارتباط با اهل‌البیت (علیه السلام)، در سطح کلان جامعه و اعطای دید روشنی نسبت به فلسفه زیارت و تأثیرات سازنده آن، به آحاد جامعه پرداخته است.

محقق با مفروض گرفتن جایگاه والای زیارت در نگاه قرآن، احادیث و اهل‌البیت (علیه السلام)، تلاش نموده است، تا فلسفه زیارت و تأثیرات سازنده آن را در دو بعد فردی و اجتماعی و نیز در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مورد بررسی قرار دهد.

### ۴.۱. هدف تحقیق

از آنجا که زیارت بامعرفت اربعین حسینی، باعث تزکیه نفس انسان می‌شود و او را به سوی سعادت سوق می‌دهد، هدف از این پژوهش ارائه راهکاری مناسب

برای رستگاری انسان معاصر است.

## ۲. تعاریف واژگان

### ۱،۲. زیارت اربعین حسینی

زیارت که به زبان انگلیسی آن را «pilgrimage» گویند، واژه‌های عربی است که استفاده از آن در زبان فارسی نیز با همین ماده و شکل معمول شده است. زیارت به معنای دیدار کردن با شخص بزرگ و محترم، بازدید کردن، به مشاهده بقاع متبرکه رفتن، دعاییکه به عنوان تشریف باطنی برای امام، امامزاده و اولیاء خوانند، آورده شده است (معین، ۱۳۵۴: ج ۲، ۱۷۶۷).

در اصطلاح دینی، زیارت تمایلی است که افزون بر میل و حرکت حسی، قلب هم گرایش جدی پیدا کرده و نسبت به مزور با اکرام و تعظیم قلبی و انس روحی همراه باشد و این معنا در مرتبه برتر و کامل خود اقبال قلبی، فکری، روحی، اخلاقی و عملی نسبت به مزور را با خود دارد (طریحی، ۱۴۱۴: ج ۱، ۳۰۵). در دعای «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ زَوَّارِكِ» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۸۱، ۳۷۷). زیارت به معنای قصدکنندگان به سوی او، پناه آورندگان به درگاهش تفسیر شده است (طریحی، ۱۴۱۴: ج ۱، ۳۰۴).

زیارت سه رکن اساسی دارد:

۱. زائر؛ شخصی که میل یا گرایش به چیزی یا کسی دارد.
۲. مزور، یعنی؛ شخص یا چیزی که میل به سوی اوست.
۳. خصیصه ای نفسانی به نام گرایش قلبی که با تکریم و تعظیم و انس گرفتن با مزور همراه است.

بدیهی است هرچه ارکان سه گانه فوق از بنیان و اساس محکم تری برخوردار باشند، حقیقت زیارت و آثار آن آشکارتر خواهد بود.

حضرت امام حسین (علیه السلام) و یارانش در سال (۶۱) هجری در کربلا به شهادت رسیدند و خانواده آن حضرت را به اسارت بردند. آنان بعد از چهل روز برای زیارت شهدا به کربلا بازگشتند. از آن روز تاکنون از گوشه و کنار دنیا در روز اربعین برای زیارت آن حضرت به سوی کربلا حرکت می کنند و چند سالی است که با پای پیاده زائران حسینی برای شرکت در این مراسم و پیمان بستن با اهداف آن امام همام به سوی کربلا می شتابند. همچنین زیارت نامه ای هم با همین عنوان برای این روز وارد شده است.

## ۲،۲. معرفت

معرفت در لغت، به معنی شناختن، شناسایی، علم و دانش، ادراک امر جزئی یا بسیط است (معین، ۱۳۵۴: ج ۵، ۲۱۳).

معرفت، از مفاهیم بدیهی و غیرقابل تعریف است. دلیل این که شناخت قابل تعریف نیست، به خاطر آن است که گفته اند: ما همه چیز را به علم می شناسیم، اگر بخواهیم علم را به علم تعریف کنیم، این تعریف دور مصرح خواهد بود و اگر بخواهیم به غیر علم بشناسیم، لازم است آن غیر علم را توسط علم بشناسیم، آنگاه علم را به وسیله آن بشناسیم، چنان تعریفی نیز به مثابه دور مصرح است. پس آنچه در تعریف معرفت و یا علم گفته می شود، تعریف حقیقی نبوده، بلکه تعریف تشبیهی است.

بدون شک تحقق معرفت متوقف بر اموری است. اولین اموری که تحقق معرفت مستلزم آنهاست، معلوم، عالم و علم است (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۸۷).

۱. معرفت، در فلسفه اطلاق بر معانی زیر است:
  ۴. ادراک مطلق اعم از تصور و تصدیق
  ۵. تصور تنها که آن را معرفت و تصدیق را علم گویند.
  ۶. ادراک جزئی
  ۷. ادراک جزئی از روی دلیل که آن را معرفت استدلالی می گویند.
  ۸. ادراک دوم از چیزی که اول ادراک کرده باشند و بعد از فراموش کردن مجددا متذکر شوند.
  ۹. ادراک بعد از جهل که ادراک مسبوق بعد گویند (هجویری ۱۳۶۳: ۳۴۲).
- قشیری گفته است: «معرفت علم بود و همه علم معرفت بود و هر که به خدای عزوجل علم بود عارف بود و هر که عارف بود عالم بود و به نزدیک این گروه، معرفت صفت آن کس بود که خدای را بشناسد به اسماء و صفات او. پس صدق در معاملات به جای آرد. پس از خوی های بد دست بدارد» (هجویری، ۱۳۶۳: ۵۴۰).
- معرفت یا حسی و یا عقلی است، معرفت حسی، معرفتی است که از راه حواس ظاهری نسبت به اشیاء خارجی حاصل می شود. اما معرفت عقلی مدرکات کلی عقل است.
- در اصطلاح عرفانی معرفت شهودی است که در مقابل معرفت استدلالی است و مراد همان برهان صدیقین است، که از شهود ناصب آیات و موجد آنها به ذات خود موجود می برند.
- همچنین، معرفت کشفی یا عیانی معرفتی است که در آن حال تمام شکوک و شبهات از پیش سالک حق بین برخیزد و به کشف و عیان ببیند، آنچه را به

نظر و استدلال نتوان دانست. پیامبر بزرگوار اسلام (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: « الشَّرِيعَةُ أَقْوَالِي وَ الطَّرِيقَةُ أَفْعَالِي وَ الْحَقِيقَةُ أَحْوَالِي وَ الْمَعْرِفَةُ رَأْسُ مَالِي » (محدث نوری، ۱۴۰۷: ج ۱۱، ۱۷۳) شریعت سخنان من، طریقت کار های من، حقیقت حالات من و معرفت از همه بالاتر است.

### ۳،۲. رستگاری

رستگاری، در فرهنگ نامه ها به معنای آزادی، رهایی و نجات یافتن آمده است. این واژه معادل کلمه فلاح در عربی است. فلاح را فوز و بقای در نعمت و خوبی معنی کرده اند (معین، ۱۳۵۴: ج ۱، ۱۴۵۶). مراد از رستگاری دستیابی به خیر و بقای همیشگی در نعمت و خوبی است، که کامل این نعمت ها در آخرت حاصل می شود.

### ۴،۲. تبیین

تبیین به معنی، بجای آوردن، شناختن، آشکار کردن، روشن شدن، روشنگری و هویدا شدن آمده است (معین، ۱۳۸۶: ج ۱، ۱۰۲۴).

### ۵،۲. زنده و شاهد بودن حضرت سیدالشهدا (علیه السلام)

اگر چه برخی از افراد و فرق مذهبی بر این باورند که انسان بعد از مرگ، عملش قطع می شود و این فرق نمی کند، چه کسی باشد؛ می خواهد پیامبر و اولیای الهی و یا از مردم عادی باشد. هیچ اثری بر حیات زندگان ندارد و نمی تواند عنایتی به بازماندگان داشته باشد؛ دعا، شفاعت و استغاثه و استغفار برای خود و دیگران از آنها ساخته نیست و مثل سنگی هستند که در کنار دیواری افتاده باشد، ولی حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) فرموده اند: « هر ولی و

پیامبری که از دنیا برود، خداوند بعد از سه روز روح و گوشت و استخوان و جسد او را به آسمان می برد. آنان زنده اند، مردم به زیارت محل دفن آنها می آیند و یا از راه دور بر ایشان سلام می فرستند، آنها سلام را می شنوند و بر زندگی مردم اشراف کامل دارند» (محدث نوری، ۱۴۰۷: ج ۱۰، ۸۶).

در قرآن هم آمده است: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (قرآن، ۱۳۳۸: احزاب، ۵۶) خدا و ملائکه الهی بر پیامبر درود و سلام می فرستند، شما مومنان هم بر او سلام و درود بفرستید و کاملا تسلیم فرمان او باشید.

این آیه دلالت بر حیات پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) دارد که مومنان را موظف کرده است، تا بر او سلام کنند و حیات و ممات هم شرط نشده است. لذا؛ در نماز هم موظفیم بگوییم: «السلام علیک ایها النبی و رحمه الله و برکاته» یعنی؛ هم بر پیامبر (ص) و هم بر آل او درود بفرستیم.

قرآن هم شهدا را زنده معرفی کرده است؛ «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (قرآن، ۱۳۳۸: آل عمران، ۱۶۳) یا «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ» (قرآن، ۱۳۸۸: بقره، ۱۴۹).

«ملا احمد نراقی» در «معراج السعاده» آورده است: «بدان که نفوس قدسیه، خصوصا نفوس مقدمه انبیاء و ائمه (علیه السلام) هرگاه از ابدان شریفه خود رحلت نمودند و دست از بدن برداشتند و صعود به عالم بالا نمودند، نهایت احاطه و غایت استیلا، براین عالم از برای ایشان حاصل می شود و تمامی امور این عالم در نزد ایشان منکشف و ظاهر می گردد و تمکن از تصرف و تاثیر در این عالم، از برای ایشان حاصل می شود. پس هر که به قبور مطهره ایشان حاضر شد به جهت زیارت ایشان، بر او مطلع می گردند و از احوال زوار مرقد مطهرشان استحضار

تمام دارند و سوالات و تضرعات و توسلات ایشان را می شنوند و نظر به رأفت و مهربانی ایشان نسبت به مخلصان، نسیم الطاف ایشان بر آنان می وزد. پس دامن شفاعت به میان می زنند و از خدا طلب حوائج ایشان را می نمایند و همین سر در ترغیب به زیارت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیه السلام) است» (نراقی، ۱۳۶۶: ۷۰۳).

## ۶،۲. زیارت بامعرفت

«محمد بن ابی نصر بنطی» نقل کرده است: در کتاب امام رضا (علیه السلام) خواندم که فرمودند: «ابلق شیعتی: انّ زیارتی تعدل عندالله عزّ و جلّ الف حجه، فقلت لابی جعفر الف حجه؟ قال: ای واللّه، و الف الف حجه، لمن زاره عارفاً بحقه» (شیخ صدوق، ۱۴۰۴: ج ۲، ۳۴۵). به شیعیان من بگو که زیارت قبر من معادل هزار حج است. من این مطلب را به امام جواد (علیه السلام) عرض کردم و گفتم: که آیا واقعا ثواب زیارت قبر پدرتان معادل هزار حج است؟ فرمودند: نه هزار حج، بلکه هزار هزار حج، به شرط این که عارف به حق او باشند. همچنین، حضرت امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: «فَمَنْ زَارَهُ مُسَلِّمًا لِأَمْرِهِ عَارِفًا بِحَقِّهِ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ جَلًّا وَعَزًّا كَشَهْدَاءِ بَدْرٍ» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۹۹، ۴۱)

نکته ای که در این روایات وجود دارد و ارزش و اهمیت زیارت را مشخص می کند «معرفت و شناخت» است. حضرت امام حسین (علیه السلام) از جد بزرگوارش نقل فرموده اند: «المعروف بقدرالمعرفة» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۴۴، ۱۹۶) ارزش هر کار خوبی به قدر معرفت صاحب آن فرد است. حضرت امام صادق (علیه السلام) در این باره فرموده اند: «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَةٍ وَلَا مَعْرِفَةً إِلَّا بِعَمَلٍ فَمَنْ عَرَفَ دَلَّتْهُ الْمَعْرِفَةُ عَلَى الْعَمَلِ وَمَنْ لَمْ يَعْمَلْ فَلَا مَعْرِفَةَ لَهُ إِلَّا إِنَّ الْإِيمَانَ بَعْضُهُ مِنْ بَعْضٍ» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۱، ۱۲۰۶) خداوند عزّ و جلّ عمل را

بدون علم و شناخت نمی پذیرد و شناخت و معرفتی بدون عمل نیست. یعنی؛ اگر علم بدون عمل باشد، اصلاً علم نیست و کسی که عمل نمی کند معرفتی برای او نیست. همانا ایمان بعضی از بعض دیگر و مربوط به هم است.

حدیث فوق بیانگر این حقیقت است که: خداوند هیچ عملی را بدون معرفت نمی پذیرد؛ زیرا معرفت روح عمل است. همچنین، اگر کسی عارف و عالم باشد، ولی به معرفت خود عمل نکند، علم او اثر نداشته و در حکم معدوم است.

### ۳. عوامل رستگاری از دیدگاه قرآن

برخی از اصولی که باعث رستگاری انسان می شود و در قرآن آمده است، عبارتند از:

#### ۱-۳. جهاد در راه خدا

خداوند در قرآن می فرماید: «و جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (قرآن: مائده، ۳۵) همچنین، قرآن می فرماید: «لَكِنَّ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأَوْلِيكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأَوْلِيكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (قرآن: توبه، ۸۸).

#### ۲،۳. پایداری در مقابله با دشمن

پایداری در مقابله با دشمن نتیجه اش رسیدن به سعادت است. خداوند می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (قرآن: انفال، ۴۵).

#### ۳،۳. دوستی با دوستان خدا و رسولش (ص) و دشمنی با دشمنانشان

در قرآن آمده است؛ «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (قرآن: مجادله، ۲۱ و ۲۲).

## ۴،۳. صبر و شکیبایی

خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (قرآن: آل عمران، ۲۰۰).

## ۵،۳. وفای به عهد

در سوره مؤمنون از جمله هفت صفتی که برای مؤمنان رستگار شمرده است، وفای به عهد و پیمان است «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (قرآن: مؤمنون، ۸)..

## ۶،۳. دادن زکات

خداوند در سوره «اعلی» فرموده است: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى» (قرآن: اعلی، ۱۵).

مصدق دیگر برای این موضوع انفاق در راه خدا است، در سوره روم آمده؛ «فَاتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهٗ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لِّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (قرآن: روم، ۳۸).

۷،۳. اهمیت دادن به نماز

از عوامل بسیار مهم رستگاری، نماز است؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» (قرآن: مومنون، ۱)  
همچنین؛ در سوره حج آمده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (قرآن: حج، ۷۷).

#### ۴. تبیین زیارت بامعرفت اربعین حسینی راهکاری برای رستگاری

##### انسان معاصر

از آنجا که پیامبر بزرگوار اسلام (صلی الله علیه و آله) و اهل البیتش (علیه السلام) به بارگاه حق تعالی راه یافته و از مقربان مستجاب الدعوه و مظاهر کامل و جامع اسماء حسناى الهی هستند، زیارت آنها برای رستگاری انسان مفید و کارساز است؛ آن گونه که در قرآن آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (قرآن، ۱۳۳۸: مائده، ۳۹) ای کسانی که ایمان آورده اید، تقوای الهی پیشه کنید و (برای تقرب به او) وسیله بجوئید. حضرت علی (علیه السلام) در تفسیر این آیه فرموده اند: «من آن وسیله هستم» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۴: ج ۳، ۷۵).

حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) فرموده اند: «کسی که قبر امام حسین (علیه السلام) را بامعرفت زیارت کند، برای او هزار حج و هزار عمره مورد قبول نوشته می‌شود و اگر بدبخت باشد او را در زمره رستگاران قرار می‌دهد و پیوسته درون رحمت و بخشایش خدای بلند مرتبه خواهد بود (حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۱۰، ۳۵۵).

زیارت بامعرفت اربعین موجب ارتباط با امام حسین (علیه السلام) است که

آن بزرگوار منشاء خیر و برکت و نزول فیض و رحمت الهی هستند. زیرا حیات اولیاء خدا پس از مرگشان هم، تمامی آثار و برکات حال حیاتشان را دارد. همان گونه که در حال حیات و دوران زندگی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیه السلام) اگر زائری به زیارت آن بزرگواران می رفت، هرگز آنان اشخاص را به خود نخوانده، بلکه به خدا و معارف و کمالات الهی دعوت می کردند، بعد از مرگ آنان هم اگر زائری به قصد زیارت آنها بشتابد، آنها زائر را به سوی خدا راهنمایی کرده و علائم هدایت و نشانه های رستگاری را به او نشان خواهند داد.

زیارت بامعرفت اربعین به دلایل زیر می تواند الگویی برای رستگاری انسان معاصر قرار گیرد:

۱.۴. شناخت حضرت امام حسین (علیه السلام) راهکاری برای رستگاری در زیارت اربعین می خوانیم: «السَّلَامُ عَلَی وَلِیِّ اللّهِ وَحَبِیْبِهِ السَّلَامُ عَلَی خَلِیْلِ اللّهِ وَنَجِیْبِهِ السَّلَامُ عَلَی صَفِیِّ اللّهِ وَابْنِ صَفِیِّهِ . السَّلَامُ عَلَی الْحُسَیْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِیدِ السَّلَامُ عَلَی اَسِیرِ الْکُرْبَاتِ وَ قَتِیلِ الْعَبْرَاتِ اللّهُمَّ اِنِّی اَشْهَدُ . اَنَّهُ وَلِیْکَ وَابْنُ وَلِیْکَ وَ صَفِیْکَ وَابْنُ صَفِیْکَ الْفَائِزُ بِکِرَامَتِکَ اَکْرَمَتْهُ بِالشَّهَادَةِ وَ حَبُوْتَهُ بِالسَّعَادَةِ وَ اَجْتَنِبَتْهُ بِطِیْبِ الْوِلَادَةِ وَ جَعَلْتَهُ سَیِّدًا مِنَ السَّادَةِ وَ قَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ وَ ذَائِدًا مِنَ الذَّادَةِ وَ اَعْطَيْتَهُ مَوَارِیْثَ الْاَنْبِیَاءِ وَ جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَی خَلْقِکَ مِنَ الْاَوْصِیَاءِ» (قمی، ۱۳۷۹: ۲۴۸). سلام بر ولی خدا و دوست او. سلام بر خلیل خدا و بنده نجیب او. سلام بر بنده برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش. سلام بر حسین مظلوم و شهید. سلام بر آن بزرگواری که به گرفتاری ها اسیر بود و کشته اشک روان گردید. خدایا! من براستی گواهی دهم که آن حضرت ولی تو و فرزند ولی تو بود و برگزیده ات و فرزند برگزیده ات بود که کامیاب شد.

به بزرگداشت تو، گرامیش کردی به وسیله شهادت و مخصوصش داشتی به سعادت و برگزیدی او را به پاکزادی و قرارش دادی یکی از آقایان و از رهروان پیشرو و یکی از کسانی که از حق دفاع کردند و میراث های پیامبران را به او دادی و از اوصیایی که حجت تو بر خلقت هستند قرارش دادی.

اولین شرط رسیدن به رستگاری، داشتن الگویی کامل است، تا انسان او را سرمشق خویش قرار دهد. زائر اربعین حسینی بر این عقیده است که حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) انسان کاملی است که از طرف خداوند برای هدایت بشر انتخاب شده و جانی ملکوتی دارد که پیوسته با عالم اعلی در ارتباط است؛ آنگونه که حضرت امام صادق (علیه السلام) فرموده اند: «کسی که قبر امام حسین (علیه السلام) را زیارت کند، در حالی که می داند، او امامی است که از ناحیه خداوند، اطاعتش بر بندگان واجب است، خداوند گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد و شفاعت او را در باره پنجاه انسان گناهکار می پذیرد و هر حاجتی که در نزد قبر او از خداوند خواسته شود، اجابت می گردد» (شیخ طوسی، ۱۴۰۱: ج ۶، ۱۰۸).

عارف نامی «میرزا جواد ملکی تبریزی» شناسایی امام و ولایت او را شرط اصلی در صحت عمل و قبولی آن می دانستند و عقیده داشتند: «اگر بنده ای تمام روزگار خود را روزه بدارد و تمام عمرش را به نماز و عبادت و حج قیام کند و تمام مال خود را صدقه دهد، وقتی امام زمان خود را نشناخته باشد، یا او را دوست نداشته باشد و این اعمال را به دلالت و راهنمایی او نیاورده باشد، از او پذیرفته نمی شود» (ملکی تبریزی، ۱۳۶۸: ج ۲، ۲۱۵).

حضرت امام جواد (علیه السلام) معرفت به امام را این گونه تفسیر کرده اند: «عَارِفًا بِحَقِّهِ يَعْلَمُ أَنَّهُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ بَابُهُ الَّذِي يُؤْتَى مِنْهُ، فَسَلَّمَ عَلَيْهِ»

(مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۹۹، ۳۷). عارف به حق امام (علیه السلام) یعنی؛ علم به این که او حجت الهی برای مردم است و در پرتو این برهان باهر است که همه چیز روشن می شود.

حضرت امام حسین (علیه السلام) نشانه راستین حضرت حق در جهان و وسیله نجات و راه یابی خلق به سوی خالق هستند و چون خداوند متعال آن حضرت را وسیله نجات و هدایت خلق قرار داده، قطعاً باید عمل به اوامر او را واجب و مخالفت با دستوراتش را حرام دانست. شناخت امام و ولایت او آن قدر اهمیت دارد، که زائران محروم از شناخت آن، هرگز «وفد» و مهمان الهی نبوده و از ضیافت معنوی برخوردار نمی شوند.

بی تردید اولیای خدا طهور و عامل پاکی قلب هستند. آن گونه که در زیارتشان می خوانیم: «صلی الله علی روحک و بدنک طهر طاهر مطهر من طهر طاهر و مطهر» (شیخ طوسی، ۱۴۰۱: ج ۶، ۲۷). همان خاندانی که به اراده الهی از طهارت خاص برخوردار شده و همه رجس ها از محدوده وجودی و قلمرو هستی آنان زدوده شده است؛ «أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (قرآن، ۱۳۳۸: احزاب، ۳۳) خداوند می خواهد آلودگی را از شما خاندان بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

زیارت اربعین حسینی که بستری مناسب برای حضور در محضر اولیای خدا و آشنایی و تثبیت و تحکیم ولایت است، پاکی و طهارت نفس انسان را به همراه دارد. در برخی زیارت نامه ها اولیای خدا «عین الحیاه» (شیخ طوسی، ۱۴۰۱: ج ۶، ۸۰) معرفی شده اند و این بدان علت است، که ولایت منبع حیات ملکوتی و جان انسانی است که در سایه الله، حیات و زندگی انسانی معنا پیدا می کند. اگر انسان بخواهد از تیرگی ها رهایی یابد، چاره ای جز پیوند با آنان ندارد. در

زیارت حضرت فاطمه (سلام الله علیها) می خوانیم، «فَإِنَّا نَسْأَلُكَ إِن كُنَّا صَدَقْنَاكِ إِلَّا الْحَقَّتْنَا بِتَصْدِيقِنَا لَهُمَا لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّآ قَدْ طَهَّرْنَا بِوِلَايَتِكَ» (شیخ طوسی، ۱۴۰۱: ج ۶، ۱۰) از شما درخواست می کنیم که اگر ما شما را تصدیق کردیم و اهل صداقت و تصدیق بودیم، پس ما را مزدگانی دهید، تا ما هم خود را بشارت دهیم، در سایه ولایت شما، چنین طهارتی به ما دست داده است.

همچنین آن بزرگواران «طاهر»، «مطهر» و «طهور» معرفی شده اند؛ زیرا با توسل به آنان، کدورت و تیرگی های اعتقادی، اخلاقی و رفتاری از وجود انسان پاک و زدوده می شود. بنابراین، نقش زیارت در این رابطه بسیار والاست که هم انسان را به چشمه زندگی متصل می کند و هم در زلال حقیقت طهور پاکیزه می سازد.

شناخت حضرت امام حسین (علیه السلام)، در حقیقت درک و آگاهی به حق ولایت ایشان است؛ زیرا آنان از ما به ما و مصالحمان آگاه ترند؛ زیرا که آگاهی آن ها شهودی است و محبتشان غریزی و محدود نیست، بلکه ربوبی است. آن بزرگواران از همه کشش های نفسانی آزادند. آنان به راه های آسمان آگاه تر از زمین هستند. تلفیق این آگاهی و آزادی عصمت می شود و همین زیربنا و رمز پذیرش ولایت و تسلیم در برابر اوست.

شناخت حق معرفت حضرت امام حسین (علیه السلام) این چنین است که بدانی آن بزرگوار امام واجب اطاعه و زنده می باشد و تو را می بیند و نجوایت را می شنود و شاهد اعمال زائران و بندگان است.

۲،۴. زیارت اربعین و اظهار محبت به امام حسین (علیه السلام) محبت ادامه معرفت است. با درک آن امام بزرگوار و آگاهی از مقام ولایتشان، محبتشان دردل می نشیند و عشق به آن حضرت که عشق به همه خوبی ها و زیبایی هاست، در قلب آدمی ریشه می گستراند.

«ابوبکر حضرمی» نقل کرده، که امام محمدباقر (علیه السلام) فرموده اند: «هر کس می خواهد بداند که از اهالی بهشت است، باید محبت ما را بر قلبش عرضه کند؛ اگر آن را قبول کرد، پس او مومن است و هر کس که عاشق ما باشد می باید رغبت و میل به زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) داشته باشد. زیرا اگر کسی زائر حسین (علیه السلام) باشد، ما عشق و محبت او را نسبت به اهل البیت (علیه السلام) می فهمیم و همانا او از اهل بهشت خواهد بود (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۹۳). یکی از راهکارهایی که باعث رستگاری زائران اربعین می شود، اظهار محبت و ارادت به اولیا خدا و آشکار کردن دشمنی و عداوت با دشمنان و معاندان آنان است. به عبارت دیگر تولی و اظهار دوستی به اهل البیت (علیه السلام) و اظهار عداوت و بیزاری از دشمنان آنان نشانه معرفت زائر است.

هنگامی که زائر اربعین به وسیله محبت، به سیدالشهدا (علیه السلام) نزدیک می شود، درحقیقت به خصایص و اخلاق و رفتار آن بزرگوار نزدیک شده و آنجا که از دشمنانش بیزاری می جوید، در واقع از خصلت ها و اوصاف ناشایسته این افراد گریزان شده است، که این شیوه عملی در افزایش معنویت و قرب به کمال زائر بسیار مؤثر است.

برای ایجاد و تثبیت محبت و دوستی اهل البیت (علیه السلام)، زیارت آن بزرگواران توصیه شده است. زیارت اربعین امام حسین (علیه السلام) نه تنها افکار و آرمان ها را هم جهت می سازد، بلکه دل ها را هم همسو می کند. اگر دلی زیارت آن بزرگوار را آرزو کرد، این نماد اجابت الهی به دعای حضرت ابراهیم

(علیه السلام) است، که وقتی آن حضرت، حضرت اسماعیل و هاجر را در کنار بیت عتیق رها کردند، دست به دعا برداشتند و از خدا خواستند که دل های مردم به سوی آنها گرایش یابند. (قرآن، ۱۳۳۸: ابراهیم، ۳۷) گرچه ظاهر این دعا حضرت هاجر و اسماعیل هستند، اما تأویل این است که خداوند دل ها را به سوی اهل البیت (علیه السلام) متمایل کرده، تا دوستی و ولایت آنها در دلشان ایجاد شود. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: «آسایش و راحتی، کامیابی و رستگاری و پیروزی، برکت و گذشت و تندرستی و عافیت، بشارت و خرمی و رضایتمندی، قرب و خویشاوندی، یاری و پیروزی و توانمندی، شادی و محبت، از سوی خدای متعال، بر کسی باد که علی بن ابیطالب (علیه السلام) را دوست بدارد، ولایت او را بپذیرد، به او اقتدا کند، به برتری او اقرار نماید، و امامان پس از او را به ولایت خود بپذیرد. بر من است که آنان را در شفاعتم وارد کنم. بر پروردگار من است که خواسته مرا درباره آنان اجابت کند. آنان پیروان من هستند و هر که از من پیروی کند، از من است» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۲۷، ۹۲). بنابراین، دوستی حضرت امام حسین (علیه السلام) که همان دوستی خداست، باعث ایجاد معنویت در روح انسان می شود. در این باره «جابر بن عبدالله انصاری» به عطیه کوفی گفت: پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «هر کس قوم و مردمی را دوست داشته باشد، با آنها در عملشان شریک است (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۵۶، ۱۳۱). لذا؛ در زیارت نامه ها می خوانیم: «يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۹۸، ۱۶۶). ای کاش با شما بودم و به رستگاری عظیمی نایل می شدم.

آنچه می توان بر این موضوع افزود، درک این نکته است که این محبت دو طرفه است. این گونه نیست که فقط ما آن بزرگواران را دوست داریم، بلکه آن ها هم به ما محبت دارند و حتی از ما به ما مهربان تر هستند.

### ۳،۴. زائر اربعین و اظهار برائت از ستمکاران برای رستگاری

در زیارت اربعین می خوانیم: «...وَاطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَالنَّفَاقِ وَحَمَلَةَ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّى سَفَكَ فِي طَاعَتِكَ دَمَهُ وَأَسْتَبِيحَ حَرِيمَهُ اللَّهُمَّ فَالْعَنَهُمْ لَعْنًا وَبِيلاً وَعَذَّبَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» (قمی، ۱۳۷۹: ۲۴۸) و پیروی کردند از میان بندگان آنانی را که اهل نفاق بودند و کسانی را که بارهای سنگین گناه بدوش می کشیدند و بدین جهت مستوجب دوزخ گشته بودند. آن حضرت با شکیبایی و پاداش جویی با آنها جهاد کرد تا خونس در راه پیروی تو ریخت و حریم مقدسش شکسته شد. خدایا آنان را لعنت کن به لعنتی وبال دار و به عذابی دردناک، عذابشان کن.

«تولی» و «تبری» لازم و ملزوم یکدیگرند، که اگر یکی از آن دو نباشد، دیگری هم ارزشی نخواهد داشت. راز اسرار تبری در زیارت نامه ها در همین نکته نهفته است، که تولی خالصانه و بی شائبه باشد و دوستی با انحرافات فکری و اخلاقی آلوده نگردد. زائر اربعین حسینی (علیه السلام) در هنگام زیارت، بیزاری خود را از دشمنان آن حضرت اعلام می دارد. آن گونه که در زیارتنامه خطاب به آنان می گوئیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْهَادِي وَالْوَلِيُّ الْمُرْشِدُ أُبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِكَ وَ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِوِلَايَتِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةً اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ» (قمی، ۱۳۷۹: ۲۵۶) گواهی می دهم که تو امام راهنما و سرپرست ارشادکننده هستی، در پیشگاه خداوند از دشمنانت بیزاری می جویم و در یرتو ولایت و دوستی تو، به درگاه الهی تقرب می نمایم، صلوات و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

یا در زیارت عاشورا می خوانیم: «وَوَالْبِرَاءَةِ مِمَّنْ أَسَّسَ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۹۸، ۲۹۴).

در اغلب زیارت نامه ها برای شناسایی دشمن، آنان را دسته بندی کرده و

بیزاری خود را از هر دسته اعلام می دارند، برای مثال؛ در زیارت عاشورا دشمنان را به گروه های زیر تقسیم بندی کرده اند:

الف. گروهی که اساس ظلم و ستم معرفی شده و حق اهل البیت (علیه السلام) را غضب کرده اند؛ « فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّتًا أَسَّسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَ الْجَوْرَ عَلَیْكُمْ أَهْلَ الْبَیْتِ (علیه السلام) » (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۹۸، ۲۹۵) این گروه بودند که جریان سقیفه را به وجود آوردند و ثمره منحوس آن جریان، کشته شدن فرزند دلبند پیامبر (صلی الله علیه و آله) در کربلا بود.

ب. گروهی که به طور مستقیم در شهادت امامان معصوم (علیه السلام) دست داشتند و به آنها ظلم و ستم کردند؛ « وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ » (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۹۸، ۲۹۴).

ج. گروهی که عالمانه حق ولایت را از اهل البیت (علیه السلام) سلب کردند. این گروه کسانی بودند که با انگیزه های انتقام جویی اجازه ندادند، تا ائمه معصومین (علیه السلام) از موقعیت خلافت و ولایت الهی که به آنان سپرده شده بود، برای سعادت انسان ها بهره بگیرند و آنها را از این مقام و جایگاه دور ساختند. از این گروه این گونه اظهار انزجار می کنیم: « وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنِ مَقَامِكُمْ وَ أَزَالَتْكُمْ عَنِ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَتَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا ». (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۹۸، ۲۹۴).

د. گروهی که زمینه ساز ظلم به اهل البیت (علیه السلام) بودند. این گروه با آماده سازی و ایجاد فضای تبلیغاتی، مردم را علیه امام (علیه السلام) می شوراندند و با تهمت و افترا مردم را تحریک می کردند. لذا؛ در زیارت نامه ها می خوانیم: « وَ لَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمْكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ » (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۹۸، ۲۹۴). هـ. گروهی که از روی نادانی در کشتن ائمه معصومین (علیه السلام) شرکت

کرده اند. حضرت امام سجاد (علیه السلام) فرمودند: «لَّ يَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِدَمِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۲۲، ۲۷۴) گروهی برای نزدیک شدن به خدا، حسین بن علی را به شهادت رساندند. این عبارت، بیان کننده آن است که عده ای از روی نادانی و سفاقت در دام سیاستمداران زمان خود قرار گرفتند و برای دنیای ناچیز-که هرگز به آن هم نرسیدند- به دشمنی با امام (علیه السلام) پرداختند و آن عزیز را به شهادت رساندند. چنانکه عمرسعد در صبح روز عاشورا به لشگریان خود می گفت: «ای لشگر خدا سوار شوید، که شما را به بهشت بشارت می دهم» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۴۴، ۳۹۱). لذا؛ در زیارت عاشورا می خوانیم؛ «وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَ أَلْجَمَتْ وَ تَنَقَّبَتْ لِقِتَالِكَ» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۹۸، ۲۹۴).

و. گروهی که با شنیدن خبر شهادت امام (علیه السلام) به این عمل رضایت دادند. این گروه کسانی بودند که در صف دشمن نبودند و اقدام عملی هم انجام ندادند، اما اندیشه و حرکت ظالمان را تأیید کردند. این افراد در تمام زمان ها بوده و هستند. لذا؛ انزجار خویش را از آنان هم اعلام می داریم؛ «و لعن الله امه سمعت، بذلك فرضیت به» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۹۸، ۲۹۴).

۴,۴. اساس رستگاری زائر اربعین در پیروی کامل از امام حسین (علیه السلام) در زیارت اربعین درباره حضرت امام حسین (علیه السلام) آمده است: «بَدَلْ مُهَجَّتَهُ فَيْكَ لَيْسْتَ نَقْدَ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ» (قمی، ۱۳۷۹: ۲۵۰). خون خود را در راه تو نثار کرد، تا بندگان از دریای ضلالت و جهالت نجات یابند. برای رستگار شدن پیروی از الگوی کامل لازم است، زیرا انسان همواره نیازمند اسوه و الگوست، تا عقاید خود را بر عقیده او و اخلاق خود را بر خلق او و رفتار خود را بر کردار او منطبق سازد.

قرآن هم پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به عنوان بهترین الگو معرفی کرده و فرموده است: «قَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (قرآن، ۱۳۳۸: احزاب، ۲۱).

در مقام ولایت که باطن هر مقام است، اعم از نبوت و رسالت و امامت میان رسول خدا و عترت ایشان تمایزی نیست، بلکه تمایز در نبوت و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. با این معیار امام حضرت حسین (علیه السلام) که انسان کامل هستند، الگو و سرمشقی برای جامعه انسانی خواهند بود.

با معرفت و محبت آن بزرگوار به ولایت و سرپرستی آن حضرت می‌رسیم. ولایت نه به معنای محبت که به معنای سرپرستی و تولیت در امور و امامت و پیشوایی است؛ یعنی؛ سرپرستی و حاکمیت آن امام بزرگوار بر فرد و جامعه، بر فکر و احساس و عمل و بر این اندیشه و در تمام زندگی باید خود را نشان دهد. که حضرت

امام رضا (علیه السلام) فرموده اند: «امام، زمام دین و باعث تحکیم نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مؤمنین است. امام اساس اسلام پویا و زنده و شاخه بلند آن است. کامل شدن نماز و زکات و روزه و جهاد و زیاد شدن غنائم و صدقات و اجرای حدود و احکام و نگاه داری مرزها به وسیله امام صورت می‌گیرد. امام حلال و حرام خدا را برای مردم بیان کرده و حدود خدا را برپا داشته و از دین خدا دفاع می‌کند و مردم را از راه حکمت و موعظه به راه خدا دعوت می‌کند» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۱۶).

به همین علت زائر اربعین حسینی وظیفه خود می‌داند، تا سنت و سیرت امام حسین (علیه السلام) را بیاموزد و می‌کوشد تا بر سنت و سیرت آن حضرت باشد و از اخلاق، منش و روش مخالفان و دشمنانشان دوری کند. زائر اربعین

حسینی زمانی رستگار خواهد شد، که اوصاف والای انسانی و الهی آن امام (علیه السلام) را بشناسد و از شایستگی هایش آگاه گردد. بنابراین؛ وظایف زائر اربعین، اعتراف به فضایل و کمالات امام از یک طرف و اقرار به ضلالت و بی کفایتی دشمنان و مخالفانش از طرف دیگر است. چنانکه در برخی زیارت نامه ها عبارت «عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ»، «مَقْرَرٌ بِفَضْلِكُمْ» و «مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ وَ بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكُم» ( شیخ صدوق، ۱۳۹۲: ج ۲، ۶۱۴) در کنار هم آورده شده است. در این باره امام صادق(علیه السلام) فرموده اند: «اگر کسی تمام شب به عبادت برخیزد و هر روز روزه بدارد و تمام مالش را صدقه دهد و همه عمرش را حج کند، اما ولایت ولی خدا را نشناسد تا از او پیروی کند و همه کارهایش به راهنمایی او باشد، او را بر خدای عزوجل حق ثوابی نیست و از اهل ایمان نباشد.» (کلینی، ۱۴۰۱: ج ۲، ۷۰).

## ۵.۴. زیارت اربعین تجدید پیمان وفاداری با امام حسین (علیه السلام)

معرفت به حضرت امام حسین(علیه السلام) و محبت به آن بزرگوار، زمینه ساز عهد و پیمان با آن امام همام می شود؛ زیرا عشق و ولایت بدون مسئولیت پذیری، هوسی بیش نیست.

عهد، التزام خاص و نوعی تعهد پذیری در مقابل شخص یا کاری است. عهد و پیمان با امام (علیه السلام) یعنی؛ خود را به وظایفی که نسبت به آن حضرت داریم ملتزم سازیم و با آن بزرگوار برای انجام خواسته ها و آرمان هایشان عهد ببندیم و آن عهد را با اسباب و وسایلی محکم کنیم (حر عاملی، ۱۳۶۶: ج ۱۸، ۴۴). و در نهایت با آنان بیعت کرده و دست در دست آنان نهاده از آنان پیروی کنیم. حضرت امام رضا (علیه السلام) به «ابی هشام داود بن قاسم جعفری» فرموده اند: «ای داوود بی تردید، ما به گردن شما به خاطر پیامبر(صلی الله علیه و آله) حقی داریم و شما را بر گردن ماحقی است. پس هر که حق ما را شناخت،

حشش بر ما واجب می شود و هر که حق ما را نشناخت، حقی بر ما ندارد» (حرانی، ۱۳۶۶: ۸۱۰).

یکی از اصول نظام فکری اسلام، پیمان هایی است که از طرف خداوند آمده است؛ پیمان هایی مانند توحید، رسالت و نبوت پیامبران و قبول امامت و ولایت اوصیاء که از مهم ترین پیمان های ناگسستنی الهی هستند.

زیارت، همان تثبیت میثاق و تحکیم عهد رسالت و امامت است. زیارت عرصه بسیار مناسب و مؤثری در بازشناسی پیمان ها و تجدید و تحکیم این قراردادهاست. بدون شک بهترین عامل برای نهادینه کردن و تقویت بافت های ایمانی و الهی و التزام فکری و روحی و عملی مؤثر، زیارت است. همین پیمان هایی که میثاق حقیقی بین انسان و حقایق الهی ایجاد می کند و انسان در پناه این میثاق ها از لغزش و خطا مصون می ماند. این پیمان ها حلقه های ناگسستنی است، که انسان را از فرو افتادن در ورطه زشتی ها و پلیدی ها بازمی دارد و به عالم خوبی ها رهنمون می سازد.

در تمام زیارت نامه ها این پیمان به طور صریح آمده است. چنانکه در زیارت نیمه شعبان به یک یک ائمه سلام می دهیم و می گوئیم: «شهادت می دهیم که شما حجت و برهان های الهی هستید و من میثاقی را که با شما دارم تجدید می کنم و از خداوند میخوام تا ما را بر این عهد و پیمان موفق بدارد» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۹۷، ۲۶۶).

لذا؛ در زیارت اربعین حسینی می گوئیم؛ «اللَّهُمَّ اِنِّي اَشْهَدُكَ اَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاهُ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ بِابِي اَنْتَ وَاُمِّي يَا بْنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ كُنْتَ نُوْرًا فِي الْاَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْاَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُجَسَّكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِاَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبِسْكَ الْمُدْلِهَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا وَاَشْهَدُ اَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّيْنِ وَاَرْكَانِ الْمُسْلِمِيْنَ وَمَعْقِلِ

الْمُؤْمِنِينَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْأَمَامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأُمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَأَعْلَامُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَأَشْهَدُ أَنِّي بَكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلِيمٌ وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ عَدُوُّكُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ» (قمی، ۱۳۷۹: ۲۴۹) خدایا! من تو را گواه می گیرم که من دوست دارم، هر که او را دوست دارد و دشمنم با هر که او را دشمن دارد. پدرم و مادرم به فدایت ای فرزند رسول خدا! گواهی دهم که تو برستی نوری بودی در پشت پدران بلند مرتبه و رحم هایی پاکیزه که اوضاع زمان جاهلیت به آلودگی هایش که آلوده ات نکرد و از لباس های چرکینش به تو نپوشاند و گواهی دهم که برستی تو از پایه های دین و ستون های محکم مسلمانان و پناهگاه مردمان با ایمان هستی و گواهی دهم که تو برستی پیشوای نیکوکار با تقوا و پسندیده و پاکیزه و راهنمای راه یافته ای و گواهی می دهم که همانا امامان از فرزندان تو روح و حقیقت تقوی و نشانه های هدایت و رشته های محکم (حق و فضیلت) و حجت هایی بر مردم دنیا هستند و گواهی دهم که من به شما ایمان دارم و به بازگشتتان یقین دارم با قوانین دینم و عواقب کردارم و دلم تسلیم دل شما است و کارم پیرو کار شما است و یاریم برایتان آماده است تا آنکه خدا در ظهورتان اجازه دهد. پس با شمایم نه با دشمنان شما، دروهای خدا بر شما و بر روان های شما و پیکرهایتان و حاضران و غائبان و آشکارتان و نهانتان باشد.

## ۶,۴. رستگاری زائر اربعین با آمرزش گناهان

انسان ها به خاطر وابستگی های دنیایی، خواسته یا ناخواسته دچار لغزش و گناه شده اند و این امر سابقه ای تاریکی در شناسنامه ذهنشان ثبت کرده است. از این رو حزن نسبت به گذشته و خوف از آینده آنان را راحت نمی گذارد. لذا؛ همه در جستجوی پناهگاهی امن هستند، تا بتوانند خود را آرام سازند.

از آنجا که پیامبر (صلی الله علیه و آله) و خاندانش (علیه السلام) می توانند دستی بر گذشته کشیده و تیرگی های دل را بزدایند و با نگاهی به آینده افق روشن و مطمئنی در منظر ما بکشایند، زیارت پل ارتباطی چنین حقیقتی است، که خداوند در قرآن فرموده است: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا» (قرآن، ۱۳۳۸: نساء، ۶۷) هیچ رسولی را نفرستاده ایم مگر این که به اذن الهی اطاعت شود و اگر مردم وقتی بر خود ستم کرده و معصیت نمودند، نزد تو آمدند و از خداوند طلب مغفرت کردند، پیامبر نیز برای آنها طلب مغفرت کرد، قطعاً خداوند را نسبت به گذشته توبه پذیر و نسبت به آینده رحیم می یابند.

نگاه عمومی ائمه معصومین (علیه السلام) بر این نکته توجه دارد که گذشته را با مغفرت و آینده را با شفاعت و همراهی خود در مواقع دشوار برزخ و قیامت امید می بخشد؛ که «ابن مسکان» از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) نقل کرده که فرموده اند: «کسی که امام حسین (علیه السلام) را زیارت کند، وجه الله به او رو می کند و خدا از گناهانش او را نجات می دهد مانند کودکی که تازه از مادر متولد شده باشد و چنین کسی را فرشتگان در طول مسیر همراهی می کنند و نیز فرشتگان الهی عفو و بخشایش را از پروردگار برای زائر امام حسین (علیه السلام) می خواهند و به زائر ندا می دهند که پاک شدی و پاک شد هرکس

تو را زیارت کرد و در میان خانواده اش نیز محافظت و مراقبت است (حرعاملی، ۱۴۱۴: ج ۱۰، ۳۹۰).

پیامبر بزرگوار اسلام (صلی الله علیه و آله) هم فرموده اند: «ای علی! کسی که مرا در حال حیات یا بعد از مرگم زیارت کند، یا تو را در حال حیات یا بعد از مرگ، یا فرزندان تو را در حال حیاتشان یا بعد از مرگشان زیارت کند، تعهد می کنم که در روز قیامت از سختی های آن روز آنها را نجات داده و در مرتبه خود در بهشت قرار دهم» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۹۷، ۱۲۳).

زیارت بامعرفت اربعین موجب آمرزش گناهان و سبکبالی زائران می شود، زیرا «مقابر ائمه (علیه السلام) محل حضور، شهود و عنایت جدی آن ارواح عالیه و اشباح برزخیه و نوریه است. آنان در ملأ اعلی شاهد قصه زیبای زیارت و ناظر بر اعمال زائرانند. نظارتی که هزاران خیر و برکت را به همراه دارد» (ملا محسن فیض، ۱۴۱۲: ج ۱۴، ۱۴۸۲). زائر اربعین به خاطر آن که به این یقین رسیده است که خداوند گناهان او را می آمرزد، احساس رستگاری می کند، که «زید حشام» از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که فرموده اند: «هرکس به زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) بیاید، در حالی که مشتاق به زیارتش باشد، خداوند نام او را در زمره امان یافتگان در قیامت می نویسد و نامه عملش را به دست راستش می دهند، تا اینکه وارد بهشت شود. او زیر پرچم سیدالشهدا (علیه السلام) است و در بهشت در درجه سیدالشهدا (علیه السلام) ساکن می شود (حرعاملی، ۱۴۱۴: ج ۱۴، ۴۹۷).

۷،۴. زیارت بامعرفت اربعین عاملی برای برآوردن حاجات زائران حسینی حضرت امام محمدباقر (علیه السلام) فرموده اند: «همانا حسین (علیه السلام) صاحب کربلاست، او مظلومانه، غصه دار و لب تشنه عطشان کشته شد و بر

خداوند عزوجل است که هیچ دردمند و گرفتار و گناهکار و اندوهناک و لب تشنه و بیماری را برنگرداند، مگر اینکه درد و غمش را برطرف سازد و حاجتش را به او عطا کند و گنااهش را بیامزد و عمرش را طولانی کند و در روزیش گشایش ایجاد نماید» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۱۰۱، ۴۶).

قدرت و اختیار اولیاء الهی در تصرف و تسخیر پدیده های تکوینی بر اساس اعتقادات دینی و براهین عقلی و نقلی مسلم و غیر قابل تردید است. چنانکه در زیارت جامعه کبیره آمده است: «بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ وَ بِكُمْ يُنَزَّلُ الْغَيْثَ وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَيِ الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِكُمْ يُنْفَسُ الْهَمُّ وَ يَكْشِفُ الضَّرَّ» (شیخ طوسی، ۱۴۰۱: ج ۶، ۹۹) در سایه وجود شما اهل البیت است که باران می بارد و به برکت وجود شماست که آسمان در اوج خود بر زمین نمی افتد، تا آن را ویران کند و همه این ها به اذن و اراده الهی است و در سایه وجود شما همت ها و تلاش ها به نتیجه می رسد و بدی ها و مصائب از بین می رود.

برخی از روایات شرف و کمال انسان و برآوردن حاجات را در گرو زیارت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیه السلام) می داند، مانند: زمانی که به سوی بیت الله الحرام حرکت کردید، پس از انجام مناسک، حج را به زیارت رسول الله تمام کنید، زیرا ترک زیارت او جفای به حضرت است و نیز حج خود را به قبوری که خداوند عالم حق آنها را بر عهده شما قرار داده است و زیارت آنها بر شما الزام کرده به پایان رسانید و از نزد آنها رزق و روزی دنیا و آخرت طلب کنید (شیخ صدوق، ۱۴۱۶: ۶۱۶).

از همین دیدگاه است، که همه دین باوران با حضور در مشاهده مشرفه از ارواح طاهره و نفوس زکیه آنان استمداد می جویند، تا در عبور از تنگناهای زمانه با هدایت و عنایت آنان راه را به پیش ببرند. لذا؛ درباره زیارت امام حسین (علیه

السلام) روایت شده است که موجب طول عمر و حفظ و صیانت جان و مال و سبب فزونی روزی و رهایی از سختی ها و برآوردن حاجت می شود (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۹۸، ۴۵).

برای برآوردن حاجات زائرین امام حسین (ع علیه السلام) که باعث رستگاری آنان می شود، ابوبصیر از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده که فرموده اند: «خداوند بزرگ برای قبر حسین (علیه السلام) هفتاد هزار فرشته را مأمور کرده که هر روز با حالت اندوه بر او درود بفرستند و در حق زوَّار آن حضرت دعاکنند و بگویند خدایا این ها زائران حسین هستند، حوائج شان را چه بگویند و چه نگویند برآورده ساز» (شیخ صدوق، ۱۳۹۲: ج ۲، ۵۸۱).

## ۵. یافته های تحقیق

زائر اربعین حسینی عقیده دارد، که حضرت امام حسین (علیه السلام) انسان کاملی هستند، که جانی ملکوتی دارند و پیوسته با عالم اعلی در ارتباط هستند. لذا؛ با عشق و محبت به زیارت آن بزرگوار می شتابد و دوستی خود را اظهار می کند و با بیزاری از دشمنانشان به صفات پسندیده روی آورده و از صفات رذیله دوری می جوید. همچنین؛ وظیفه خود می داند، به احترام دوستی با آن حضرت سنّت و سیرتش را بیاموزد و از اخلاق و منش و روش آن بزرگوار در رسیدن به رستگاری پیروی کند.

زائر اربعین حسینی کدورت و تیرگی های اعتقادی، اخلاقی و رفتاری خود را در زلال عین الحیاه سیدالشهد (علیه السلام) می زداید.

آنچه از رهگذر زیارت بامعرفت اربعین حسینی نصیب زائران می شود، قابل توصیف نیست؛ زیرا در پرتو زیارت، حضور آن بزرگوار را در صحنه های مختلف

زندگی می تواند احساس کند و این حضورتا به جایی می رسد که تعلقات و وابستگی ها و عواملی که انسان را از مسیر کمال باز می دارد رها کرده و در اندیشه ساحت قدس الهی می شود. لذا، زیارت بامعرفت اربعین حسینی می تواند الگویی برای رستگاری انسان معاصر قرار گیرد.

## ۵. پیشنهاد

برای این که انسان معاصر از زیارت اربعین حسینی کاملا بهره مند شود و به قله های رستگاری صعود کن د، موارد زیر پیشنهاد می شود:

۱۰. شناساندن شخصیت والای سیدالشهدا (علیه السلام) و آشناکردن زائران با سیره و سنت آن حضرت.

۱۱. آشنا ساختن مردم از چگونگی زیارت بامعرفت اربعین حسینی از طریق رسانه ها به ویژه صدا و سیما و تهیه و بخش فیلم ها و سریال هایی در این زمینه با توجه به درک مخاطبان.

۱۲. شناساندن آثار و برکات زیارت اربعین حسینی از طریق رسانه ها.

۱۳. تشویق و ترغیب نویسندگان و هنرمندان به خلق آثار ماندگار و تأثیرگذار در زمینه زیارت اربعین حسینی.

۱۴. برگزاری اردوهای زیارتی و آگاهی دادن به زائران اربعین حسینی در این زمینه.

۱۵. راهنمایی های لازم توسط افراد آموزش دیده و با اخلاص در حرم مطهر آن بزرگوار.

۱۶. گنجاندن مطالبی با موضوع زیارت اربعین حسینی در کتاب های درسی از مقطع ابتدایی تا دانشگاه.

۱۷. زدودن غبار خرافات از برداشت های عامیانه از چهره زیارت اربعین حسینی .
۱۸. برگزاری همایش هایی با حضور اندیشمندان و صاحب نظران و ارائه راهکار هایی در این زمینه.
۱۹. آموزش به مسئولان کاروان های زیارتی و دفاتر گردشگری و چگونگی راهنمایی کردن زائران اربعین حسینی.
۲۰. آموزش آداب زیارت اربعین حسینی در مراسم مختلف مذهبی در مساجد و حسینیه های سراسر دنیا..

## منابع

۱. انجیل: منبع الکترونیکی.
۲. ابن قولویه، جعفر بن محمد بن قولویه، (۱۳۵۶). کامل الزیارات. نجف: نشر مطبوعه المرتضویه، چاپ دوم.
۳. ابن شهر آشوب، (۱۳۷۴). مناقب. قم: نشر علامه، چاپ دوم.
۴. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۱). مراحل اخلاق در قرآن. قم: نشر اسراء، چاپ هشتم.
۵. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۶). معرفت شناسی در قرآن. قم: نشر اسراء، چاپ چهارم.
۶. حرانی، (۱۳۶۶). تحف العقول عن آل رسول. ترجمه علی اکبر غفاری، تهران: کتاب فروشی اسلامیه، چاپ سوم.
۷. حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴). وسایل الشیعه. نشر دارالحیا، بیروت: نشر التراث العربی، چاپ اول.

۸. حرعاملی، محمدبن حسن، (۱۳۶۶). اثباه الهداه بالنصوص والمعجزات. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم.
۹. شیخ صدوق، محمد بن علی بن الحسین، (۱۳۹۲ق). من لا یحضره الفقیه. قم: انتشارات جامعه مدرسین، چاپ سوم.
۱۰. شیخ صدوق، محمد بن علی بن الحسین، (۱۴۱۶). الخصال. تصحیح غفاری، قم: نشر اسلامی، چاپ اول.
۱۱. شیخ صدوق، محمد بن علی بن الحسین، (۱۴۰۴). عیون اخبار الرضا. اول، بیروت: نشر مؤسسه الاعلمی.
۱۲. شیخ طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۰۱). تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه. بیروت: نشر دارالصعب و دارالتعارف، چاپ اول.
۱۳. طریحی، فخرالدین، (۱۴۱۴ق). مجمع البحرین. تحقیق احمدحسینی، قم: نشر بنیاد بعثت، چاپ دوم.
۱۴. قرآن، (۱۳۳۸). ترجمه الهی قمشه ای. تهران: نشر محمدعلی علمی، چاپ دوم.
۱۵. قمی، شیخ عباس، عباس بن محمد رضا، (۱۳۷۹). مفاتیح الجنان. تهران: نشر آفتاب، چاپ هفتم.
۱۶. کلینی، محمدبن یعقوب کلینی، (۱۴۰۱). الکافی. تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: نشر دارالصعب و دارالتعارف، چاپ دوم.
۱۷. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۰). بحار الانوار. بیروت: نشر مؤسسه الوفا، چاپ دوم.
۱۸. محدث نوری، حسین بن میرزا محمدی تقی نوری طبرسی، (۱۴۰۷).

- مستدرک الوسائل. بیروت: نشر آل البيت (علیه السلام)، چاپ اول.
۱۹. ملکی تبریزی، جواد، (۱۳۶۸). المراقبات. ترجمه میرزا حکیم خسروانی، تهران: نشر فقیه، چاپ اول.
۲۰. ملامحسن فیض کاشانی، (۱۴۱۲). الوافی. تصحیح ضیاءالدین علامه، اصفهان: نشر امیرالمومنین، چاپ اول.
۲۱. معین، محمد، (۱۳۵۴). فرهنگ معین. تهران: امیرکبیر، چاپ پانزدهم.
۲۲. هجویری، عبدالکریم بن هوازن هجویری (۱۳۶۳). رساله قشیریه. ترجمه ابو علی حسن بن احمد عثمانی، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، چاپ هشتم.
۲۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۹۷ق). غیبت. چاپ اول، مکتبه الصدوق، تهران.



تحويل إعلامي ظاهرة زيارة الاربعين  
العظيمة (بإلقاء نظرة على الحج الغربي)  
رسانه ای سازی پدیده عظیم اربعین (با نگاهی به زیارت  
های پیاده غربی)

حجت حاجی محمدی یزدی  
دکتری مدیریت رسانه دانشگاه تهران

[hojatyazdi69@ut.ac.ir](mailto:hojatyazdi69@ut.ac.ir)



## خلاصة

في السنوات الأخيرة ، أصبح حفل مشي الأربعين حسيني ظاهرة فريدة من نوعها أذهلت العالم ، فلدى هذا المجتمع البشري الضخم العديد من الفرص والتهديدات التي تستحق التحقيق والتحليل من قبل خبراء في مختلف العلوم. الغرض من هذه الدراسة هو تحليل تحويل إعلامي لروايات الحجاج أثناء الحج على الأقدام. في السنوات الأخيرة ، لم يكن لدى الحجاج إمكانية الاتصال ببيوتهم أثناء الحج والعودة منه. فقط بعد العودة من الرحلة والوصول إلى المنزل ، سيشركون قصصهم مع أحبائهم. تدريجياً ، مع ظهور الخطوط الأرضية وأجهزة الكمبيوتر المتصلة بالإنترنت والهواتف الذكية ، انخفض وقت مشاركة قصص السفر مع العالم الخارجي. من خلال فحص روايات الحج المنشورة على الإنترنت (شبكات التواصل الاجتماعي) ، تبين أن التجربة الحميمة للحجاج أصبحت منتجاً إعلامياً يؤثر ، عند نشره ، على رواية القصص والتجربة الفعلية للحج.

الكلمات الدالة: الأربعين ، الحج على الأقدام ، الحجيج ، تحويل إعلامي.

## Abstract

In recent years, the Arbaeen Hosseini walking ceremony has become a unique phenomenon that has amazed the world. This huge human community has many opportunities and threats that deserve to be investigated and analyzed by experts in various sciences. The purpose of this study is the mediatization analysis of the narratives of the pilgrims of the pilgrimage on foot. In recent years, pilgrims did not have the possibility to contact their homes during the pilgrimage and return from it. Only after returning from the trip and reaching home, they would share their stories with their loved ones. Gradually, with the advent of landlines, computers connected to the Internet, and smart phones, the time to share travel stories with the outside world decreased. Examining pilgrimage narratives published on the Internet (social networks), shows that the intimate experience of pilgrims has become a media product that, when published, affects both storytelling and the actual experience of pilgrimage.

Keywords: Arba'in, Foot-pilgrimage, Pilgrims, Mediatization

## چکیده

مراسم پیاده روی اربعین حسینی در سال های اخیر به پدیده منحصر به فردی تبدیل شده که موجب تحیر جهانیان گردیده است، این اجتماع عظیم بشری فرصت ها و تهدیدهای بسیاری را به دنبال دارد که شایسته است از سوی متخصصان علوم مختلف مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد. هدف از این مطالعه تحلیل رسانه ای سازی روایت های زائرین زیارت پیاده می باشد. در ساله های نه چندان دور، زائرین امکان تماس با خانه های خود را در طول سفر زیارتی و بازگشت از آن نداشتند. تنها پس از بازگشت از سفر و رسیدن به خانه روایات خود را با عزیزانشان در میان می گذاشتند. به تدریج با ظهور تلفن های ثابت، رایانه های متصل به اینترنت و تلفن های هوشمند، مدت زمان به اشتراک گذاشتن روایات سفر با دنیای خارج کاهش پیدا کرد. بررسی روایات زیارتی منتشر شده در اینترنت (شبکه های اجتماعی)، نشان می دهد که تجربه صمیمی زائران به یک محصول رسانه ای تبدیل شده است که وقتی منتشر می شود، هم در داستان سرایی و هم در تجربه واقعی زیارت تأثیر می گذارد.

کلیدواژه ها: اربعین، زیارت پیاده، زائرین، رسانه ای سازی.

## ۱. مقدمه

پیاده روی اربعین، از همان اولین اربعین امام حسین علیه السلام آغاز شد، و پس از فراز و فرودهای بسیاری امروزه به صورت گسترده و عظیم، و با یک حرکت جمعی چند میلیونی شکل می گیرد. از ویژگی‌های مراسم پیاده روی اربعین این است که با شور و شغف و شادی خاصی برگزار می شود، حرکت زائران در طول شبانه روز قطع نمی شود و همه با شور و شغف و شوق رسیدن به کربلای معلی گام برمی دارند. در این مراسم مذهبی زائران از هشتاد الی چهارصد کیلومتر را تا رسیدن به کربلای معلی طی می کنند، که در نوع خود یک ورزش همگانی بی نظیر، و تجلی بخش وحدت است؛ که نمونه دیگری برای آن نمی توان یافت. پیاده روی اربعین در ظاهر فعالیت بدنی است، ولی در واقع تلاش معنوی عظیمی است که زائران با فعالیت بدنی برای رسیدن به هدف اصلی خود، که همان طهارت روحی است، تلاش می کنند. همچنین پیاده روی اربعین تجربه های معرفتی و شناختی جدیدی برای زائر دارد؛ زیرا دنیای جدیدی کشف می کند و با افراد و شخصیت های تازه و آداب و رسوم سایر شیعیان آشنا می شود. روایت‌ها نقش اساسی در زندگی انسان‌ها دارند، زیرا با ظرفیت داستان‌گویی پیوند خورده‌اند و در نتیجه دنیای ما را شکل می دهند. فلوسر (۲۰۰۴) خاطر نشان می کند که زبان "پایه جهان" است، همانطور که در متن کتاب مقدس "در آغاز کلمه وجود داشت" فرض شده است. اما به نظر نویسنده، زبان به بعد تولید واقعیت و انتشار آن اشاره دارد. به همین معناست که بحث از روایت مورد استفاده در اینجا می خواهد تجربه را در چارچوبی از رسانه ای سازی قرار دهد. یعنی در بستری که در آن همه اشکال زندگی تحت تأثیر لایه‌ای از فرهنگ رسانه‌ای قرار می گیرند که راه‌های تماس و ارتباطات جدیدی را ایجاد کرده است.

روایات که در جوامع مذهبی اهمیت حیاتی دارند، پیوندهایی را بین عمل بازگویی و تماس با امر مقدس در یک محدوده نمادین تشکیل می دهند. با این کار، آنها یک مرجع اصلی را تشکیل می دهند که آموزه ها و مناسک دینی بر آن استوار است. روایات نیز از نظر انتقال تجربیات دینی جایگاه مناسبی را به خود اختصاص داده اند. اعضای یک گروه مذهبی از طریق روایات با احساس خود برخورد می کنند و دیگران را برای انجام همین کار تشویق می کنند. بیش از این، روایات تجربه دینی واقعی را به گردش در می آورند. این دیدگاه زمانی سودمند است که شرایط فعلی را در نظر بگیریم که در آن انعکاس ارتباطات بدون بحث در مورد گردش معانی که در حوزه رسانه آشکار می شود غیرممکن است.

بین تجربه و روایت رابطه مستقیمی وجود دارد. با این حال، رابطه فوق العاده پیچیده است. بر اساس نظریه روایی پل ریکور (Ricoeur 1984, 1985, 1988)، می توان گفت: یک تجربه مبتنی بر روایت ناشی از تفسیر تجربه زیسته، تجربه روایت (عمل) تاریخ تجربه زیسته، و تجربه تفسیر تجربه طرف مقابل از طریق روایتی که در اختیار طرفین قرار می گیرد. این گردش در آنچه نویسنده «تقلید سه گانه» می نامد گنجانده شده است. علیرغم رایج بودن در تحقیقات علمی برای جداسازی تجربه روایی، و جداسازی آن از موارد دیگر، ضروری است که کل روایتی را که شامل آن می شود از دست ندهیم.

به دلیل تفکیک ناپذیری روایت و تجربه، و مرتبط بودن این مشکل در زمینه دینی، این مقاله به دنبال بررسی این است که چگونه فرآیند رسانه ای سازی زیارت اربعین نه تنها اشکال روایت این تجربه، بلکه نحوه تجربه زیارت را نیز تغییر داده است. به این دلیل است که تجارب زائران به طور فزاینده ای شکل محصولی را می گیرد که برای گردش رسانه ای ایجاد شده است، بنابراین،

حوزه‌های صمیمی و عمومی را یکپارچه می‌کند.

برای درک این تأثیرات از چندین تکنیک رویکرد روش‌شناختی استفاده شد، مانند تحقیق در مورد الهامات قوم‌نگاری در مسیر پیاده روی زیارتی، تحلیل گزارش‌های زائران در رسانه‌های مختلف (وبلاگ‌ها، شبکه‌های اجتماعی، کتاب‌ها) و مصاحبه‌ها. در بخش‌های بعدی، جزئیات بیشتری از این روش‌شناسی و همچنین رابطه بین تجربه روایی و رسانه‌ای نشان داده خواهد شد. ابتدا برخی از جنبه‌های تاریخی زیارت اربعین مورد بحث قرار خواهد گرفت.

## ۲. مناسک زیارت

زیارت یک مراسم سنتی در میان ادیان اصلی جهان مانند هندوئیسم، بودیسم، یهودیت، اسلام و مسیحیت است، و از جوامع قبیله‌ای بی‌شمار نیز یاد نمی‌کنیم. زیارت به معنای به حرکت درآوردن خود در جهت مکانی مقدس است که بر اثر یک احساس عمیق (معمولاً مذهبی/عبادی) هدایت می‌شود. انگیزه زائر، مسیر و مقصد اجزای اساسی هستند (Cardita 2012, p. 197).

از نظر تاریخی، زیارت‌ها از یک سلسله مراتب پدید می‌آیند (الیاد ۱۹۸۷) - به عبارت دیگر، تجلی امر مقدس در جهان: یک معجزه، یک تجلی فراطبیعی، یا حفظ برخی یادگاری مقدس. آن‌ها نقاطی را در فضا تشکیل می‌دهند که مانند مراکزی عمل می‌کنند که کسانی را که می‌خواهند تجربه‌ای داشته باشند جذب می‌کنند که در آن حضور خدا را احساس کنند. طبق نظر ترنر و ترنر (۲۰۱۱) و ون جنپ (۱۹۶۰)، زیارت، مانند سایر آیین‌ها، مستلزم غوطه‌ور شدن در تجربه‌ای در حاشیه ساختار اجتماعی است. این فرایند شامل سه مرحله است: جدایی از جامعه‌ای که فرد بخشی از آن است. حاشیه (یا آستانه)، که با کاهش

موقعیت های اجتماعی سلسله مراتبی در جامعه، و غوطه ور شدن در منطق آیینی مشخص می شود. و ادغام مجدد، زمانی که شرکت کننده بار دیگر به جامعه باز می گردد و دوباره بخشی از ساختار اجتماعی می شود. در مناسک عبور، آخرین مرحله با صعود به یک موقعیت اجتماعی جدید مشخص می شود (ون جنپ ۱۹۶۰).

علیرغم اینکه زیارت یک آداب گذر محسوب نمی شود، زیرا منجر به تغییر موقعیت در جامعه نمی شود،

ترنر و ترنر (۲۰۱۱) و ون جنپ (۱۹۶۰) موافق هستند که این یک تجربه آیینی است که به موجب آن با ساختار اجتماعی و روال روزمره قطع ارتباط وجود دارد.

Van Gennep (1960, p. 185) می گوید: «هر زائری از زمان عزیمت تا بازگشت، خارج از زندگی عادی و در حالت گذار خواهد بود». ترنر (۱۹۹۱)، ص ۱۷۷ در فرآیند آیینی قبلاً تأکید کرده بود که لحظه آستانه توسط سازمانی مشخص می شود که توسط جماعت وارگی ارجاع داده شده است که «جامعه را به عنوان یک کل غیرمتمايز و همگن ارائه می کند، که در آن افراد به طور یکپارچه با یکدیگر روبرو می شوند، و نه به عنوان «بخش بندی» به وضعیت ها و نقش ها». در تصویر و فرهنگ در زیارت مسیحی، تالیف ترنر و ترنر (۲۰۱۱)، شباهت هایی بین ویژگی های زیارت و آداب معابر ترسیم شده است، مانند:

رهایی از ساختار دنیوی؛ همگن سازی وضعیت؛ سادگی لباس و رفتار؛ جماعت وارگی؛ مصیبت؛ تأمل در معنای ارزشهای اساسی دینی و فرهنگی؛ اجرای آیینی تناظرهای بین پارادایم های دینی و تجربیات مشترک بشری؛ ظهور شخص جدایی ناپذیر از چند شخصیت؛ حرکت از یک مرکز دنیوی به یک

پیرامون مقدس که به طور ناگهانی و گذرا برای فرد محوری می شود، محوری از ایمان او. خود جنبش، نمادی از جماعت وارگی، که با زمان تغییر می کند، برخلاف سکون، که نمایانگر ساختار است. فردیت در برابر محیط نهادینه شده قرار گرفته است. (Turner and Turner 2011, p. 61)

نهادینه شدن زیارت ممکن است زائران را به مخالفت با هنجارهای مؤسسات مذهبی از نظر دسترسی به مکان های مقدس سوق دهد (Eade and Salnow 1991). برای این مقاله، یادآوری این نکته ضروری است که این آیین، صرف نظر از میزان دخالت یک مؤسسه دینی، خواستار گسست از ساختار زندگی روزمره، یعنی کار، خانواده و عادات است. این به معنای کندوکاو در واقعیت دیگری است که مملو از تجربیات غیرعادی است. نحوه انجام این تجربیات به ویژگی های خاص هر سفر زیارتی بستگی دارد که شامل عوامل مذهبی و زمینه ای است.

### ۳. زیارت و پیاده روی مذهبی

در ادبیات معاصر، زیارت دینی به عنوان زیرمجموعه ای از زیارت مدرن تلقی می شود. (Jackowski & Smith, 1992, p. 93) که شامل یک سفر با انگیزه مذهبی به مکان مقدس است که می تواند شامل موارد زیر باشد: الف) عناصر محیط طبیعی مانند کوه ها، رودخانه ها، غارها، بیسه ها یا حتی حیوانات. ب) اماکن مذهبی مانند کلیساها، معابد یا زیارتگاه ها؛ ج) محل برگزاری فعالیت های مذهبی، آیین ها یا جشنواره ها (Cohen, 2000, p. 439, Shackley, 2006). ساختار زیارت مستلزم چگونگی انجام یک زیارت است. پیاده روی به سمت مکان مقدسی که زیارت را با پای پیاده انجام می دهد، در فرض ساختار یک زیارت قرار می گیرد، زیرا نشان می دهد که چگونه زیارت انجام می شود (Bremborg, 2013). به منظور تحقق زیارت های پیاده، مسیرهای مشخصی برای زائران ایجاد

شده است تا سفر فیزیکی را آغاز کنند.

برخی از مسیرهای زیارتی مذهبی ادعای اصالت خود را فقط بر روی مسیرهای پیاده‌روی می‌گذارند، مانند سانتیاگو د کامپوستلا در اسپانیا، بودیسم شینگون در شیکوکو در ژاپن (یک تا دو ماه برای تکمیل مسیر به طور کامل لازم است) و زیارت یک روزه پابرهنه در اوت. به کروگ پاتریک در ایرلند شمالی. حتی امروزه، زائران می‌توانند انتظار داشته باشند که در سفر خود با نوعی سختی مواجه شوند، اما در مقایسه با قرون وسطی، چنین مشقاتی معمولاً جزئی هستند و جزء اصلی تجربه زیارت محسوب می‌شوند.

علاوه بر مسیرهای زیارتی، «مقام زائر» موضوعی کلیدی است که در مطالعات پیاده‌روی غربی مورد بررسی قرار گرفته است. بلک ول (۲۰۰۷) تأیید می‌کند که "مقام زائر" گواهی برای کسانی است که تجربه زیارتی آنها شامل سختی و رنج است. اثر شرارد (۱۹۷۷، ص ۱۰۲) بازدیدکنندگان کوه آتوس را از مقام زیارت محروم می‌کند، اگر مسیرهای طولانی، شیب دار و اغلب بی‌امان را طی نکرده باشند. ملاحظات مشابهی در مطالعات مربوط به زیارت به سانتیاگو دوباره ایجاد شده است (Reader, 2007; Slavin, 2003). علاوه بر این، الگوی پیاده روی زائر موضوع دیگری در مطالعات پیاده روی است. در مکان‌های زیارتی ژاپن الگوهای زیارت به الف) زیارت ۱۰۰٪ پیاده روی تقسیم می‌شود. ب) زیارتی که توسط شخصی دعوت می‌شود و با هم می‌روید یا ج) زیارتی که از طریق ترکیبی از پیاده روی با اتوبوس یا قطار انجام می‌شود (Eiki, 2007 p. 63-64).

#### ۴. اعتقاد شیعه، کربلا و زیارت

اسلام، مانند بسیاری از ادیان دیگر، همواره دارای چند انشعابات داخلی بوده است. تفاوت عمده در اسلام بین سنی و شیعه است. همه مذاهب اسلام به یگانگی خدا و کتاب آسمانی اعتقاد دارند و از این رو اشتراک همچنان پابرجاست. شیعیان دومین فرقه بزرگ در اسلام هستند که معتقدند پس از رحلت پیامبر اسلام، سلسله ای متشکل از دوازده نفر از فرزندان متقیان حضرت محمد ﷺ به نام امامان وجود داشته است که قرار بود جانشین او شوند و از دامادش علی شروع شد (Aghaie, 2005). شیعیان این امامان را رهروان دینی معصوم برای بشریت می دانند، البته نه پیامبر، و همچنین معتقدند که ارادت به ائمه، آنان را به خدا نزدیک می کند. از این رو، مبارزات و زندگی مصیبت بار آنان برای شیعیان (پیروان اسلام شیعه) از اهمیت بالایی برخوردار است (Musa, 2013). اعتقاد شیعیان به قداست متمایز ائمه موجب شده است تا از مکان‌هایی که امامان در آن دفن شده‌اند، زیارت کنند و در نتیجه بیشتر از مسلمانان سنی بر زیارت حرم (معروف به «زیاره») تأکید شود (Nasr, 2007 p. 255). مقاصد اصلی زیارت شیعیان، عربستان سعودی (مدینه)، ایران (مشهد) و عراق (نجف، کربلا، کذمین و سامرا) شهرهایی هستند که زیارتگاه‌های امامان شیعه را در خود جای داده‌اند. زیارت حرم امام حسین علیه السلام در کربلا، نوه حضرت محمد صلی الله علیه و آله دارای فضایل استثنایی است. از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «خداوند گناهان کسانی را که به قصد رضای خدا زیارت می کنند، محو می کند. آنها مانند یک نوزاد تازه متولد شده بی گناه خواهند بود. فرشتگان آنها را در راه زیارت همراهی می کنند. فرشتگان بالهای خود را بر آنها می گسترانند تا به خانواده خود بازگردند.» (بن قولویه قمی، باب ۵، حدیث ۵). مقام بی نظیر امام حسین علیه السلام مقارن با فداکاری‌های او در نبرد کربلا (۶۸۰ میلادی) است که یکی از مهم‌ترین

و نمادین‌ترین رویدادهای تاریخ اسلام است. در سال ۶۸۰ میلادی در دشت کربلا، امام و ۷۲ تن از یارانش پس از سه روز محرومیت از آب و غذا توسط سپاهیان یزید به قتل رسیدند. در دهمین روز از ماه اول قمری (محرم)، یاران امام حسین علیه السلام یکی یکی در نبرد کشته شدند و امام حسین علیه السلام آخرین نفری بود که به شهادت رسید. (Nakash, 1993). این روز هر سال در دهم ماه اول قمری «محرم» به عنوان «عاشورا»، چهل روز از آن به بعد، بیستم صفر (دومین ماه قمری)، اربعین (در لغت به معنای چهلمین) برگزار می‌شود. پس از شهادت امام در سال ۶۸۰ هجری قمری، پسر و خواهرش حضرت زینب علیها السلام به همراه بانوان بزرگوار و فرزندان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به اسارت به دمشق برده شدند. پس از آزادی، قبل از بازگشت به مدینه (زادگاه حضرت محمد صلی الله علیه و آله در عربستان سعودی، در روز ۲۰ صفر (سالروز اربعین) وارد کربلا شدند. زائران در طول سال از کربلا بازدید می‌کنند، با این حال، تاریخ‌های ویژه تقویم قمری که مربوط به مهم‌ترین زمان زیارت کربلا است، عاشورا و اربعین است (Davidson & Gitlitz, 2002). بازدیدهایی که در این تاریخ‌های خاص انجام می‌شود، «زیارة المخصوص» که به «زیارة خاص» ترجمه شده است، نامیده می‌شود.

به یاد نبرد کربلا، مسلمانان شیعه در محل سکونت خود نیز با انجام آداب و رسوم مختلف، اربعین را گرامی می‌دارند. مجالس عزاداری در ایام عزاداری چهل روزه از اول محرم (اولین ماه قمری در تقویم اسلامی) به معنای شهادت امام حسین علیه السلام تا روز اربعین برگزار می‌شود. در جماعات علما سخنرانی می‌کنند و اشعار (لطمیة) در روایت مصیبت وارده بر اهل بیت پیامبر در کربلا خوانده می‌شود. در روایات شیعه، عزاداری در منازل مستحب است (Bin Quluya Al) (Qummi, p. 175).

## ۵. زیارت اربعین

بزرگداشت سالانه اربعین در عراق میلیون ها زائر را به خود جذب می کند و آن را به بزرگ ترین گردهمایی سالانه جهان در یک مکان تبدیل می کند (Moufahim, 2013; Piggot, 2014). این زائران؛ در زبان عربی به زوار معروف است (اسم برای کسانی که زیارت می کنند)، برای رسیدن به کربلا به عراق سفر می کنند و روش های مختلف حمل و نقل را در پیش می گیرند. تعداد بسیار زیادی از این زوارها زیارت اربعین را با پای پیاده انجام می دهند، پدیده خاصی که از آن به مشایه یا پیاده روی یاد می شود. آنها مسافت های مختلفی را طی می کنند. ۵۵ کیلومتر، مسیر نجف-کربلا (بزرگراه امام حسین) که به طور متوسط سه روز طول می کشد، ۴۲۵ کیلومتر، اگر از شهرهای همجوار کربلا مانند بندر بصره پیاده روی کنید، که دو هفته طول می کشد، یا پیاده روی از ایران با عبور از مرز معادل صدها کیلومتر است (Mahdi al Modarresi, 2014).

زائران پیاده از هر گروه سنی و جنسیتی در پیاده روی شرکت می کنند (مشایه) زنان زوار (زائر) با لباس های بلند سیاه پوشیده شده اند و مردان با لباس های معمولی خود از لباس های بلند سفید/مشکی. عده ای پرچم هایی با شعار خطاب به مادر امام حسین علیها السلام حمل می کنند. به تو قول می دهیم ای زهرا، حسین را فراموش نکنیم. موج میلیون ها زائر در کنار تیرهای شماره دار که مسیر را مشخص می کنند، قدم می زنند و از میان «مواکبها» (خیمه های موقت و برخی خانه های ساخته شده) که توسط عراقی های محلی و برخی مؤسسات خیریه بین المللی برپا شده اند، می گذرند تا فضایی برای خواب پیاده روها فراهم کنند، غرفه های غذای سرو می کنند. چای داغ، آبمیوه ها، غذای اصلی، تنقلات و انواع غذاها. لطمیه (شعر خوانی به یاد امام حسین و واقعه کربلا) با صدای بلند

پخش می شود، داروخانه های بهداشتی، صندلی های ردیف شده برای نشستن افرادی که ممکن است احساس خستگی کنند، مردان و زنان مشتاق ماساژ و نوازش پاهای خسته زوار. (زائران) از کسانی که مسیر صدها کیلومتر را انتخاب می کنند استقبال می کنند.

## ۶. روایت، رسانه سازی و گردش

«همه روایات، تفسیری از تجربه و بازسازی توسط ما به واسطه هوش از طریق بودن در زمان حال می باشد» (سزار ۱۹۹۸، ص ۲۷). زائر هنگام بیان داستان خود، از طریق تجربه ای که به چندین زبان بیان شده است (کلمات، عکس ها، فیلم ها و غیره) به زیارت خود دسترسی پیدا می کند. این ممکن است دیگران را تشویق کند که همین کار را انجام دهند. این امر در گفتگو با زائران مشهود است، که اکثر آنها به دلیل پیوندهای قوی با روایت های دیگر زائران یا به دلیل محصولات رسانه ای (کتاب، فیلم یا موارد دیگر) در مورد زیارت تصمیم به انجام زیارت پیاده کامینو گرفتند (De Sousa 2020).

ریکور (۱۹۸۴، ص ۵۳) هنگام بحث از مسئله زمان در روایات، لحظه تفسیر را تقلید می نامد و نشان می دهد که تفسیر صرفاً با تکرار ذهنی روایت های خلق شده توسط دیگری مطابقت ندارد، بلکه عملیاتی است که با واسطه تخیل، تقلید و آفرینش را به هم مرتبط می کند. تفسیر و اختراع ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. به اصطلاح تقلید سه گانه نیز شامل دو لحظه دیگر است. تقلید اول با دنیای از پیش ساخته شده مطابقت دارد، با «از قبل داده شده» (زبان ها، ارزش های فرهنگی و مذهبی) که افراد هنگام نوشتن متن به آن روی می آورند. این لحظه از گستره ی بهینه متنی، تقلید دوم نامیده می شود. فرد رویدادها، نشانه ها و حالت های زمانی را انتخاب می کند و آنها را به گونه ای سازمان دهی می کند که

بتوان داستانی را بیان کرد. چرخه‌های تقلیدی با تقلید سوم به پایان می‌رسند، زمانی که رویارویی بین «دنیای متن» و «دنیای خواننده» منجر به متن‌های جدید می‌شود (Ricoeur ۱۹۸۸، p. ۱۵۹).

ورون (۲۰۱۳، ۲۰۱۴) در یک جنبه نظری که بیشتر با مطالعات گفتمان و رسانه ای سازی هماهنگ است، معتقد است که گوینده و مفسر هر دو در موقعیتی هستند که معنا را بسازند. تولید (اعلام) و تشخیص (دریافت) "بر اساس منطق و شرایط خاص" (فاوستو نتو ۲۰۱۶، ص ۶۴) عمل می‌کنند، به گونه ای که "گرامرهای تولید و گرامرهای تشخیص هرگز دقیقاً منطبق نیستند" (ورون ۱۹۸۰، ص ۲۰۱). ورون با برجسته کردن فقدان همزمانی دستوری، بر «اختلاف» به عنوان عاملی اساسی در تولید معنا تأکید می‌کند. هنگامی که یک اعلان تفسیر، تخصیص و یک بار دیگر در گردش قرار می‌گیرد، مستعد اختلافات پی در پی است. به این ترتیب، با توجه به اینکه فعالیت تفسیری، از طریق درجه ابداع، همیشه چیز جدیدی اضافه می‌کند، هرگز یکسان نمی‌ماند. بنابراین، هر بار که به جلو منتقل می‌شود، بیان با ارزش در تعاملات (روزا ۲۰۱۹) لایه بندی می‌شود و قدرت تولید مدارها را به دست می‌آورد.

ریکور (۱۹۸۴) و ورون (۱۹۸۰، ۲۰۱۳) موافق هستند که تفسیر با انفعال گیرنده مشخص نمی‌شود. علی‌رغم وجود جریان‌های نظری متفاوت، رویکردهای آنها در تحلیل ما مکمل یکدیگر هستند. ریکور به ما کمک می‌کند تا روایت را فرآیندی بدانیم که به تجربه زیسته نظم و معنا می‌بخشد. ورون در بحث چگونگی مشارکت رسانه‌ها در فعالیت تولید معنا و ترکیب تجربه با ما مرتبط است - یعنی با کمک به تعامل بین سوژه‌ها، شرایط جدید تولید و شناخت امکان جابجایی بین زمان تجربه را فراهم می‌کند. و روایتگری که از طریق گردش رسانه ای جفت می‌شوند.

به گفته ورون (۲۰۱۳، ۲۰۱۴)، رسانه ای سازی فرآیندی فنی، اجتماعی و فرهنگی است که دامنه گفتمان‌ها را در بر می‌گیرد، معانی که وقتی «فرایندهای ذهنی» به شکل ابزارهای مادی بیرون می‌آیند، قطع می‌شوند که او آن را «پدیده‌های رسانه‌ای» می‌نامد. (Verón 2014, p. 14). به نظر نویسنده، «رسانه ای سازی صرفاً نامی است برای یک توالی تاریخی طولانی از پدیده‌های رسانه‌ای که در جوامع بشری و پیامدهای متعدد آن نهادینه شده‌اند» (ورون ۲۰۱۴، ص ۱۵).

ورون (۲۰۱۳، ۲۰۱۴) رسانه ای سازی را به عنوان یک فرآیند طولانی تاریخی درک می‌کند که به عنوان یک دیدگاه انسان‌شناختی دیده می‌شود، زیرا تأکید آن بر بعد انسانی است. یعنی این دستگاه‌ها و فناوری‌ها نیستند که امکان رسانه ای سازی را فراهم می‌کنند، بلکه استفاده‌ها و تملک‌های انسان هستند که گسست‌های بین مکان و زمان را از طریق ابزارهای فنی پویا می‌کنند. بنابراین، برای ورون (۲۰۱۴)، رسانه ای سازی پدیده‌ای است که مشخصه همه جوامع، از جمله جوامع ماقبل تاریخ است. برای هاروارد (۲۰۰۸)، ظهور رسانه ای سازی اخیراً اتفاق می‌افتد و به دهه‌های آخر قرن بیستم باز می‌گردد. این نویسنده این مفهوم را با تغییرات اجتماعی مرتبط با رسانه های الکترونیکی و دیجیتال مرتبط می‌کند و بر نقش نهادهای متاثر از بروز فرهنگ رسانه ای تمرکز می‌کند. بنابراین در این رویکرد رسانه ها نقش محوری دارند. با این حال، ذکر این نکته ضروری است که از نظر ما، چشم‌انداز بلندمدت رسانه ای سازی سازنده‌تر به نظر می‌رسد، زیرا اجازه می‌دهد اشیاء تجزیه و تحلیل شده بر اساس یک دیدگاه تاریخی قرار گیرند، و با نگاهی به اینکه چگونه پیکربندی‌های اخیر رسانه‌ای با پیکربندی‌های گذشته مرتبط هستند. این رویکرد دروازه رویکرد فرآیندی را باز می‌کند.

وقتی به روایت‌های زیارتی رسانه‌ای شده در وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی فکر می‌کنیم، که با انواع دیگر داستان‌های زائران در زمان‌های قبل متفاوت است، تحول مربوط به تصاحب رسانه‌ها توسط افراد قابل توجه است. هنگام بحث از رسانه‌ای سازی همیشه از ایده تحول استفاده می‌شود. علیرغم تفاوت‌های بین نویسندگان و رویکردها، به نظر می‌رسد اتفاق نظر وجود دارد که «می‌توان رسانه‌ای سازی را مفهومی تعریف کرد که برای تحلیل رابطه متقابل (درازمدت) بین تغییر رسانه و ارتباطات از یک سو و تغییر فرهنگ و جامعه از سوی دیگر به شیوه‌ای انتقادی استفاده می‌شود» (هپ ۲۰۱۳، ص ۶۱۹).

این تغییرات دامنه گفتمان‌ها، در تولید معنا را در بر می‌گیرد، اما در رفتار افراد، در شیوه زندگی آنها نیز دخالت می‌کند. با دسترسی بیشتر به فناوری‌های ارتباطی، تجربیاتی که زمانی محدود به حوزه‌ای خصوصی و صمیمی بودند، اکنون به طور فزاینده‌ای از طریق رسانه‌ها عمومی می‌شوند. این «رسانه‌ای شدن فراگیر» (براتوسین ۲۰۱۶) نه تنها در محتواسازی تجربه، که آن را از طریق رسانه‌ها روایت می‌کند، آشکار است، بلکه در شیوه‌ای که برای روایت تجربه می‌شود، از جمله شیوه تصور آن، آشکار است. جوهر افراد نیز در این فضای رسانه‌ای شده (گومز ۲۰۱۶، ۲۰۱۷) از طریق شروع "منطق‌های رسانه‌ای" (هجارورد ۲۰۰۸) در تجربیات آنها تغییر کرده است.

بنابراین، هنگام مطالعه چگونگی تأثیر رسانه‌ای سازی بر زیارت‌های مدرن، باید در نظر گرفت که تجربه یک زائر در محل به طور علی با پویایی روایت‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی خود به اشتراک می‌گذارند، مرتبط است. این امر مستلزم چند رویکرد روش‌شناختی است تا فرآیند زیارت را به تصویر بکشد و به شیوه‌ای تأثیرگذار به آن واکنش نشان دهد.

## ۷. روش شناسی

سه روش روش‌شناختی برای تحلیل رابطه بین زیارت، روایت و رسانه‌ای سازی اتخاذ شد: تحلیل روایات منتشر شده در اینترنت، مشاهده مشارکت‌کنندگان و مصاحبه. تجزیه و تحلیل گزارش‌ها به ما این امکان را می‌دهد که فاصله بیشتری با موضوع تحقیق داشته باشیم (Yamine 2000, p. 185) و مفاهیمی را که افراد برای تجربه خود ساخته‌اند درک کنیم (De Sousa and da Rosa 2017; Coleman and Elsner 2003; Sánchez y Sánchez 2016; Barret and Gurgand 1982). روش قوم‌نگاری مشاهده مشارکتی، سنتی در تحقیق در مورد آیین‌ها و زیارت‌ها (Turner and Turner ۲۰۱۱; Eade and Salnow ۱۹۹۱)، این مزیت را دارد که محقق را وادار می‌کند تجربه‌ای را که در حال تجزیه و تحلیل و مشاهده رفتارها، احساسات لحظه‌ای و چیرستی آن است، تجربه کند. در گزارش‌ها حذف شده است، یا با معیارهای شخصی مرتبط، یا به این دلیل که به چیزی مربوط می‌شود که فرد می‌خواهد پنهان کند. از سوی دیگر، مصاحبه‌ها محقق را قادر می‌سازد تا توضیحات و اطلاعاتی را از پاسخ‌دهندگان خود به صورت واضح‌تر و مستقیم‌تر به دست آورد. در زیر نحوه استفاده از هر تکنیک تجزیه و تحلیل را شرح خواهیم داد.

تجزیه و تحلیل روایات: ما محتواهای منتشر شده در رابطه با پیاده روی اربعین را جمع‌آوری کردیم که در کانال‌ها و گروه‌ها شبکه‌های اجتماعی (ایتا، واتس‌آپ، تلگرام، فیس‌بوک) و پیج‌های اینستاگرام پست شده بودند. در مجموع بیش از ۱۰۰۰ پست جمع‌آوری شد. یک طبقه‌بندی شامل ۹ مورد پیشنهاد کردیم: ۱- انتشار محصولات و خدمات برای زائران. ۲- کنجکاوی در مورد پیاده روی اربعین ۳- پیام‌های انگیزشی/معنوی. ۴- اخبار ۵- درباره خود

گروه ۶- بی ارتباط با موضوع گروه ۷- روایات زیارتی ۸- اختلافات در مورد زیارت ۹- درخواست کمک و توصیه. مورد با بیشترین تعداد پست، روایت ها (۵۶۵) بود. این روایات با استفاده از نظریه روایت ریکور (۱۹۸۴) و نشانه‌شناسی ورون (ورون ۱۹۸۰، ۲۰۱۳) تحلیل شدند.

مشاهدات شرکت کننده: نویسنده خود در چندین سال پیاپی در پیاده روی اربعین شرکت داشته است. در طول پیاده روی، به دلیل دوستی که بین شرکت کنندگان ایجاد می شود، گروه های کوچکی تشکیل می شود، اما آنها گروه های فزّاری هستند که اغلب از هم می پاشند یا خودشان را اصلاح می کنند. به دلیل این پیکربندی خاص زیارت در پیاده روی اربعین، محقق خود را وقف رعایت قاعده‌ها کرد - یعنی رفتارها و گفتارهایی که در بین زائران مختلفی که در طول مسیر ملاقات می کرد تکرار می شد و مربوط به رسانه ای شدن تجربیات او و یادداشت برداری در دفتر خاطرات میدانی بود.

مصاحبه‌ها: محقق در زمان انجام تحقیقات میدانی در پیاده روی اربعین، ۱۹ مصاحبه رسمی انجام داد. ملاک انتخاب مصاحبه شونده‌گان این واقعیت بود که آنها فعالیت هایی را که مستقیماً با زیارت مرتبط است انجام می دهند. از مطلعین در مورد کارشان در پیاده روی اربعین و اینکه چه تغییراتی را در نمایه زائران در دوره ای که وظایف خود را انجام داده اند، به ویژه در رابطه با تعامل با رسانه ها، مشخص کرده اند. صوت مصاحبه ها با رضایت مصاحبه شونده‌گان ضبط شد و آنها نیز اجازه انتشار نام و نام خانوادگی را دادند. در مورد زائرانی که محقق با آنها به صورت آنلاین یا در سفر به نجف و کربلا در طول نظرسنجی مشاهدات شرکت کننده صحبت می کرد، برای حفظ ناشناس ماندن، فقط نام‌های کوچک ذکر شد.

توجه به این نکته مهم است که مصاحبه‌ها، و همچنین مشاهده مشارکت کنندگان و تجزیه و تحلیل روایات آنلاین، بخشی از تحقیقات گسترده‌تر در مورد رسانه‌ای سازی تجربه زیارت است (De Sousa ۲۰۲۰). برای این مقاله تنها از داده‌های مرتبط با هدف پیشنهادی استفاده شد، یعنی درک اینکه چگونه رسانه‌ای سازی بر شیوه‌های زندگی زیارتی با تغییر شکل‌های روایت تجربه تأثیر می‌گذارد.

### ۸. روایت زیارت در زمان‌های دیگر

روایات زائران از قرون وسطی و مدرن معمولاً دو سفر رفت و برگشتی را به همراه دارد: سفر رفت و سفر برگشت. سفر برگشت نیز بخشی از سفر زیارتی بود، و حتی مرسوم بود که از مسیرهای انحرافی برای گذراندن در اماکن مقدس دیگر، مانند اویدو (معمول در قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹)، یا حتی انجام یک زیارت بزرگ دیگر، به روم یا اورشلیم استفاده کنند. (Bonniecaze 2009; Henry and Vialle 2009; Barret and Gurgand 1982). در این مدت، زائر با خانه خود ارتباط برقرار نمی‌کند.

بین پایان قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم، سفر برگشت از روایات زیارتی شروع می‌شود. اشاره به بازگشت به خانه از بین می‌رود یا قبل از تأمل نهایی در مورد تجربه به ذکر مختصری تنزل می‌یابد. اگرچه نمی‌توان کاملاً مطمئن بود، اما ما معتقدیم که این امر با معرفی و رواج فناوری‌های حمل‌ونقل همراه است که زمان سفر را به میزان قابل توجهی کاهش می‌دهد.

با این وجود، برخی سنت پیاده روی در کامینو را تداوم بخشیدند، مانند خاویر مارتین آرتاخو (آرتاخو ۱۹۵۴) که در سال ۱۹۲۶ در جمع دو دوست از

مادرید به سانتیاگو د کامپوستلا رفت. او که به خاطر ایمان کاتولیک و حس ماجراجویی خود رانده شده بود، ۶۲۰ کیلومتر را در ۲۳ روز پیمود. خاویر و دوستانش در زمانی قدم زدند که محبوبیت زیارت کاهش یافته بود. این واقعیت که جوانان سانتیاگو د کامپوستلا را با پای پیاده انجام می دادند توجه مطبوعات محلی را به خود جلب کرد که در مورد این شاهکار گزارش دادند. در انتظار ورود زائران، یک اسقف آنها را برای شرکت در یک توده دعوت کرد و آنها را برای یک مخاطب خصوصی پذیرفت (Caamaño 2017). چیزی مشابه زمانی رخ داد که بارت و گورگاند (۱۹۸۲) در سانتیاگو د کامپوستلا، از Vezélay (فرانسه)، در سال ۱۹۷۷ به راه افتادند. آنها ملاقاتی را با سرپرست مرکز مطالعات Limoges Compostela ترتیب داده بودند، اما متوجه شدند که دیرتر از حد انتظار خواهند رسید، آنها پیشاپیش تماس گرفتند تا نسبت به تاخیر خود هشدار دهند. به محض ورود، آنها با برگزاری جشنی توسط انجمن های محلی که سنت قدیمی پذیرایی از زائران جشن گرفته شده بود، مورد استقبال قرار گرفتند.

استفاده از فناوری های ارتباطی و حمل و نقلی که توسط زائران و سازمان هایی که فعالیت هایی را در مسیر پیاده روی اربعین سازماندهی می کنند، تأثیر مستقیمی بر نحوه انجام کل تجربه دارد. قطارها و وسایل نقلیه خودکار منجر به اولین پیامد، یعنی کاهش زمان زیارت می شود که منجر به "زیارت های موتوری" می شود (تالبات ۲۰۱۶). برای کسانی که به پیاده روی در اربعین ادامه می دهند، به معنای کاهش نصف زمان سفر به دلیل از بین رفتن زمان برگشت از زیارت بود.

در محدوده روایت، سفر برگشت کمتر رایج هستند و به یادداشتی کوتاه یا تأملی در درس های آموخته شده از تجربه تبدیل می شوند. بارت و گورگاند

(۱۹۸۲، ص ۲۸۲) به محض ورود به سانتیاگو د کامپوستلا، یادداشت های خود را پایان می دهند. آنها در چند سطر آخر القامی کنند که مسیر برگشت را پیاده طی می کنند، اما کتاب به همین جا ختم می شود. آنها در فرانسه وقایع سفر را در مجله فرانسوی *Nouvel Observateur* منتشر کردند، قطعه ای که بعداً ویرایش شد و در کتاب *Priez pour nous à Compostelle* (بارت و گورگاند ۱۹۸۲) گنجانده شد.

تکامل فن‌آوری‌های ارتباطی، به‌ویژه اختراع تلفن ثابت، به امکان ارتباط بلادرنگ با جهان از خانه منجر شد. فقدان کامل اطلاعات یا دانش اندک و منسوخ شده از وقایع، به تعامل در زمان واقعی با دنیای خانگی و سایر جهان های دور از واقعیت بدیهی زائر تغییر می کند.

انزوای کامل زائر با در نظر گرفتن خانه از بین می رود. این امکان ایجاد شده است که روایت تجربه زیارت در میان گروه محدودی از مردم در حین اجرای تجربه عمومیت یابد. فواصل زمانی که روایت مذکور در آن اجتماعی می شود با توجه به در دسترس بودن دستگاه ها در مناطق شهری متفاوت است. به گفته زائر برزیلی مارسیا، که بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷ بیش از ۲۰ بار از کامینو د سانتیاگو سفر کرد، این منبع در طول اولین سفرهای زیارتی او کمیاب بود: «قبل از تلفن‌های عمومی... خیلی اوقات در سرما... خیلی خوشحال شدم وقتی یکی را پیدا کردم... برای تبادل اخبار با مردم در خانه... ما هرگز نمی دانستیم که چه چیزی پیدا خواهیم کرد... ما از هیچ چیزی جز روستایی که در آن بودیم خبری نداشتیم.» (مارسیا؛ ۲۰۱۷)

پدر خوزه ایگناسیو دیاز پرز، کشیش محله در کلیسای سانتیاگو ال رئال، در لوگرونو، اولین زیارت خود را در سال ۱۹۸۲ انجام داد و در مورد تلفن ها

صحبت کرد: «دو بار اول که کامینو را انجام دادم، تلفن وجود داشت، اما تلفن همراه نبود. می‌توانستم تماس تلفنی برقرار کنم، اما باید منتظر می‌شدم تا با تلفنی که بتوانم از آن استفاده کنم، به روستایی برسم. بنابراین، زمانی که در کامینو بودم، در دستان خدا تنها بودم» (دیاس پرز؛ ۲۰۱۸).

با توجه به شکسته شدن انزوای کامل، به‌عنوان بخشی از مراسم به‌طور کلی ناپدید نشده است. مارسیا وقتی می‌گوید از هیچ خبری غیر از مکانی که در آن است، و ابراز خوشحالی از پیدا کردن تلفن عمومی، اظهار می‌کند که تماس بین دنیای بیرون و واقعیت فوری زائر چیزی معمولی نبوده است. دنیای بازگشت به خانه فقط در لحظات خاصی زیارت را علامت گذاری می‌کرد. نظر پدر خوزه ایگناسیو دیاز پرز با بیان این که از تلفن فقط هنگام رسیدن به یک شهرک شهری استفاده می‌شد، به همین جهت منتهی می‌شود و فراتر می‌رود و می‌گوید: «وقتی در کامینو بودم، تنها بودم، در دستان خدا». (دیاس پرز؛ ۲۰۱۸).

برای کشیش، «بودن در کامینو» متضمن تجربه‌ای است که در آن انزوا و غیرقابل‌پیش‌بینی بودن عناصری هستند که تجربه زائر را در مقایسه با زندگی‌های ساختاری آنها متفاوت می‌کند (Turner and Turner 2011)، تجربیات همیشگی آنها از دنیای بازگشت به خانه. اگرچه روستاها (پوئبلوها) و مناطق شهری بخشی از مسیر زیارتی بودند، اما بخشی که به عنوان "کامینو" شناخته می‌شد، بخشی بود که دربرگیرنده خلوت و گشودگی به ماوراء طبیعی بود که این خلوت میسر می‌کرد.

به این ترتیب، یک زائر لحظاتی را عمیقاً غوطه ور در انزوا سپری می‌کرد، که با تماس منظم با کسانی که در خانه از طریق تلفن ثابت برقرار می‌شد، مشخص می‌شد. با توجه به غیرقابل پیش‌بینی بودن جایی که او هر شب می‌گذراند،

تماس باید توسط او آغاز شود. همه چیز بستگی به اتفاقاتی دارد که در امتداد مسیر پیاده روی و در دسترس بودن محل استراحت رخ داده است. ارتباط با سایر زائران شخصاً یا از طریق پیام‌هایی که زائران در حال حرکت به سمت عقب برای کسانی که عقب مانده اند انجام می‌شود، یعنی هیچ فرصتی برای پاسخگویی برای کسانی که پشت سر هستند وجود نخواهد داشت. سر جیو ریس (۱۹۹۷)، در گزارشی درباره زیارت خود در سال ۱۹۹۲، از زائری صحبت می‌کند که با او دوستی برقرار کرد و پس از چند لحظه تجربه مشترک، به تنهایی به راه افتاد. این دو هرگز ملاقات نکردند و در طول مدتی که او در کامینو بود هرگز فرصتی برای گفتگو نداشتند. با این حال، در برخی خوابگاه‌ها و کلیساها، سر جیو در کتاب‌های امضا و پیام، کلمات تشویقی خطاب به او را یافت که توسط این «دوست اهل کامینو» به جا مانده بود (ریس ۱۹۹۷).

کوتاه شدن دوره‌های انزوا همزمان با هموار شدن تدریجی زمان فیلتر کردن تجربه برای «پیکربندی» و «تغییر شکل» روایت است (Ricoeur 1984). به عبارت دیگر، فاصله بین تقلید دوم و سوم به شدت کاهش می‌یابد زیرا شیوه‌های حمل و نقل برای مردم و گردش روایت‌های آنها از طریق رسانه‌ها توسط افراد ابداع و تصاحب می‌شود.

همانطور که مشاهده می‌شود، تغییرات تکنولوژیکی به طور مستقیم بر نحوه نمایش این تجربه و نحوه روایت آن تأثیر می‌گذارد. زائران گذشته تنها پس از اتمام سفر برگشت به زیارت خود پایان دادند. بنابراین، آنها یک دوره طولانی را زندگی کردند که کاملاً با تجربیات خود جذب شدند و گزارشی خلاصه تهیه کردند که پس از بازگشت به خانه با عزیزانشان در میان گذاشته می‌شد.

فناوری‌های حمل‌ونقل با کاهش زمان فیلتر کردن تجربه به نصف، تحول

اولیه را در روایت زیارت ایجاد کردند. با این حال، انزوا و اشتراک گذاری روایت به صورت استقرایی باقی می ماند. هنگامی که فناوری های ارتباطی همزمان، به ویژه تلفن ثابت، در تجربه زائر وارد می شود، فاصله بین تجربه و اشتراک گذاری به میزان قابل توجهی کاهش می یابد. روایت سریالی است. سریال سازی به این معناست که گزارش تجربه در قسمت هایی ارائه می شود که تا پایان زیارت پیش می رود. بنابراین، هر تماس جدید با توجه به آنچه از آخرین تماس اتفاق افتاده است، به روز رسانی می کند. زمان فیلتر کردن تجربه به طور قابل توجهی کاهش می یابد زیرا زمان نوشتن یک روایت به ترتیب تسریع می یابد.

## ۹. رسانه ای سازی زائر در عصر دیجیتال

اینترنت تغییرات حساسی را در ارتباطات رسانه ای ایجاد کرده است. اقتصادهای تعاملی جدید در محدوده شیوه های رسانه ای شکل گرفته اند که از طریق آن مدل های ارتباطی رسانه ای "یک-یک" و "یک-همه" اکنون در کنار حالت دیگری به نام "همه-همه" (لوی ۱۹۹۸) کار می کنند و با آن بیان می شوند. که در آن پخش برای گروه های بزرگ دیگر منحصراً توسط شرکت های رسانه ای انجام نمی شود، بلکه اکنون توسط افراد عادی نیز انجام می شود که نقشی دوگانه به عنوان گیرنده و انتشار محتوا دارند.

در مورد پیاده روی اربعین، تغییرات قابل توجهی در نحوه تجربه زیارت وجود دارد که مستقیماً با اشکال روایت تجربه ای که از طریق استفاده و تصاحب رسانه های دیجیتال توسط زائران پدیدار می شود، مرتبط است. ارتباط زائران دیگر محدود به چند عضو خاص از جهان در خانه نیست، آنها برای گفتگو در فواصل زمانی منظم انتخاب شده اند و در عوض به یک محصول رسانه ای تبدیل می شوند که می تواند توسط تعداد بی شماری از مردم در زمان های مختلف مصرف

شود. این تأثیرات تعیین‌کننده‌ای بر ابزار ساخت داستان دارد، که در برندهایی که ظهور رژیم‌های گفتمانی جدید را در محدوده رسانه ای سازی روایت‌های زیارت نشان می‌دهند، تحقق می‌یابد.

زائر برزیلی مگنوس کاسارا، زمانی که تجربه خود را در مورد کامینو د سانتیاگو در کتاب خود (Casara 2013) بیان می‌کند، اشاره می‌کند که مطالب مرجع برای این کار وبلاگی بود که او به دنبال پیشنهاد دخترش ایجاد کرده بود "ارائه دسترسی به کل خانواده و حلقه دوستان خود و همچنین دریافت بازخورد در قالب نظرات" (کاسارا ۲۰۱۳، ص ۸۸). مگنوس تصمیم گرفت تلفن همراه یا دفترچه یادداشت نبرد، زیرا احساس می‌کرد که در تجربه‌ای که در آن زائران باید «زمانی برای خود» بگذارند، «تداخل‌های غیرضروری و نامطلوب» خواهند بود (کاسارا ۲۰۱۳، ص ۸۵). با این حال، در طول سفر، از تلفن‌های عمومی و رایانه‌ها در هاستل‌ها یا کافی‌نت‌ها استفاده کرد.

او در دفتر خاطرات خود خاطرنشان می‌کند که صحبت کردن آنلاین در مورد تجربه و پاسخ دادن به نظرات به یک عادت روزانه تبدیل شد که تنها زمانی قطع می‌شد که کامپیوتر یا اینترنت در دسترس نبود. عدم وقت‌شناسی این فناوری‌ها، زائر را وادار می‌داشت تا با توجه به تغییرات موقتی گزارشی که با فراوانی انتشار تقریباً روزانه ایجاد می‌شد، در روایات خود تغییراتی ایجاد کند.

بدون اینترنت عمومی، برداشتم از روز را روی یک دفترچه یادداشت کوچک یادداشت می‌کردم، از پایان روز، آفتاب لذت می‌بردم، در حالی که با دیگر زائرانی که آرام آرام می‌رسیدند گپ می‌زدم (کاسارا ۲۰۱۳، ص ۱۳۲).

سپس وارد یک کافی‌نت شدم، تشنه دسترسی به اینترنت بودم، چون می‌دادم تا به وبلاگم دسترسی داشته باشم، و برداشتم را از این چند روز اول

بنویسم. خواندن نظرات خانواده و دوستان برای من بسیار مفید بود. لبخند زنان رفتم تا در مسیر کال مایور به راه زائر برگردم (کاسارا ۲۰۱۳، ص ۱۴۰).

از منظر عادات برخورد، داستان زائر به چیزی شبیه به اپیزود روزانه یک سریال یا سریال سرگرمی تبدیل می‌شود که مشتاقانه منتظر قسمت‌های بعدی آن می‌شویم. روایت زیارت به یک محصول رسانه‌ای تبدیل می‌شود، مخاطب علاقه‌مندی دارد که می‌خواهد بداند بقیه داستان چگونه پیش می‌رود، با توجه به نحوه تفسیر آن که حتی منجر به اقتباس‌هایی در قالب روایت (و زندگی) تجربه می‌شود. همچنین قابل ذکر است که تقاضای «مخاطب» در نهایت باعث می‌شود که خود زائر «اشتیاق» داشته باشد، نه تنها در به اشتراک گذاشتن تجربه‌اش، بلکه در احیای آن در عمل روایت، جاودانه‌سازی آن از طریق ثبت یک بعد خلاقانه، از آنجایی که تجربه با هدف گردش و با در نظر گرفتن تعلیمات تاکتیک‌های فرهنگ رسانه‌ای شروع به شرح و بسط می‌کند.

کلیسی اولین زیارت خود را در کامینو د سانتیاگو در سال ۲۰۰۰ انجام داد و پنج بار دیگر بعد از آن بازگشت. او هنگام صحبت از پست‌های خود در شبکه‌های اجتماعی در طول سفر زیارت سال ۲۰۱۶، تأکید کرد که واکنش‌ها در فیس‌بوک بسیار سریعتر از وبلاگ او بود که برای سفرهای دیگر استفاده می‌کرد. "مزیت" وبلاگ دسترسی افراد خارج از حلقه او بود که به او اجازه می‌داد دوستان جدیدی پیدا کند. در طول سفر زیارت سال ۲۰۱۶، او برای اولین بار شروع به پست روزانه در فیس‌بوک کرد. "نکته جالب در مورد پست‌های روزانه: احساسات، تجربه هنوز در تمام شکوه خود وجود دارد! بنابراین، شما تجربه را با احساسات بیشتری منتقل می‌کنید! من یک دفتر خاطرات می‌نویسم، یک داستان تعریف می‌کنم و از طریق فیس‌بوک نکاتی را برای ایجاد کنجکاوی در

مورد روز بعد می گذارم. من نمی توانم به سادگی عکس ها را پست کنم، باید یک داستان کوچک بگویم. بازخورد و مشارکت فوری هستند! دوستان من از روشی که من داستان را به هم می بافم لذت می برند" (Cleici؛ ۲۰۱۷).

اظهار نظر زائر نشان دهنده تغییر در هدف خود زیارت است و در یک حوزه رسانه ای و چرخشی گفتمانی فرو رفته است. بنابراین، دیگر تمرکز صرفاً بر آنچه تجربه می شود نیست، بلکه بر نحوه ارائه آن نیز متمرکز است. به این ترتیب، تغییری در هدف و مکان تجربه زیسته، و نیز تغییری در تصویر مرتبط با زیارت که به تنهایی انجام می شود، وجود دارد.

پس از رسانه ای سازی دیجیتالی، تجربه صمیمی زائر دیگر توسط خود تجربه ارزیابی نمی شود، بلکه به عنوان محصولی که با جلب توجه مخاطب یک رسانه، این کار را از طریق ویژگی های زیبایی شناختی خود، از طریق روایت های رسانه ای شده انجام می دهد که به دست می آید. از طریق قابلیت هایی به زبان هر نرم افزار یا پلتفرم. این شیوه روایت جدید «دستور زبان های تولید و شناخت» (ورون ۱۹۸۰، ۲۰۱۳) را دوباره پیکربندی می کند که از طریق آن روایت زیارت، تفسیر و تجربه می شود و خود را به عنوان موضوعی از گردش رسانه ای پیکربندی می کند. واکنش ها به داستان ها در وبلاگ ها و شبکه های اجتماعی در نحوه تجربه و روایت آنها گنجانده می شود. گزارش مگنوس کاسارا در وبلاگ خود (شکل ۱) نیز نشانه هایی از این تأثیرات دنیای بازگشت به خانه را در نحوه روایت و تجربه زیارت ارائه می دهد. مگنوس پس از چند بار پست در وبلاگ، عکس هایی را به نشریات خود اضافه کرد و کنجکاوی کسانی را که او را دنبال می کردند برآورده کرد.



Rose em 8 de novembro de 2010 às 19:52

Ainda bem que tu começou a postar as fotos! Por aqui os comentários eram que o teu caminho era virtual, dentro de um cyber! Obrigada por compartilhar as fotos, acabando assim com estas calúnias! Grande abraço!

↳ Responder



diariodeummagnus em 9 de novembro de 2010 às 13:07

Poxa, alguém ainda duvidava ??? Mas ok, conforme for baixando as centenas de fotos, reedito alguns posts ilustrando-os com as fotos pertinentes. Assim , mato a curiosidade !!! Gr bjo !

Magnus Casara

↳ Responder

شکل ۱. نظر در مورد وبلاگ یک زائر (وبلاگ روزانه مگنوس). ترجمه در کادر ۱.

رز: خیلی خوب است که شروع به ارسال عکس کردی! حوالی اینجا شنیده می شد که کامینو شما مجازی است، داخل یک کافی نت! با تشکر از به اشتراک گذاری عکس ها، در نتیجه پایان دادن به این شایعات! با احترام!

دفترچه خاطرات مگنوس: مرد، آیا کسی هنوز شک دارد؟ اما خوب، همانطور که صدها عکس را دانلود می کنم، برخی از پست ها را ویرایش می کنم تا آنها را با عکس های مربوطه نشان دهم. اینطوری میتونم حس کنجکاوی رو کم کنم!!! عشق فراوان!

کادر ۱. ترجمه گفتگو در شکل ۱.

بازخوردها (نظرات، واکنش‌ها) بر اساس روایت و تجربه زندگی گنجانده می‌شوند. اظهار نظر رز در پست مگنوس، حتی اگر به شوخی گفته شود، می‌تواند باعث شود که زائر بیشتر نگران انتشار عکس‌ها باشد تا سفر واقعی خود. به همین ترتیب، کلیسی نگران گفتن داستانی جالب برای دوستانش است و روایت او را اقتباس می‌کند. روایتی که زمانی در نتیجه و محصول نهایی تجربه پدیدار شد، عمل زیارت را از طریق نیاز به پی‌کربندی زیارت در قالب رسانه ای و با بازخوردهای دریافتی در مورد روایت در گردش، یکپارچه و دگرگون می‌کند. به این ترتیب، شرایط شناخت بر شرایط تولید تأثیر می‌گذارد. این روایت اکنون به صورت آزمایشی و بر اساس آزمایشات زائران در وب ساخته شده است. همانطور که براگا گفته است، کثرت تلاش‌ها، در موقعیت‌های مشابه، فرآیند ذاتی و اساسی در توسعه آن است: دستگاه‌ها در عمل اجتماعی انتخاب می‌شوند و به‌طور متوالی (...) از طریق یک نوع فرآیند داروینیستی سازگار می‌شوند: سازگاری بهتر با طیف وسیع تری از موقعیت‌ها، شانس تکرار و نگهداری آن را افزایش می‌دهد (براگا ۲۰۱۲، ص ۷).

تغییر در شکل روایت تجربه به طور علی با دسترسی به فناوری‌های ارتباطی مرتبط است. گزارش کاسارا (۲۰۱۳) مکرراً به دسترسی به پایانه‌های رایانه در کافه‌های اینترنتی در روستاها (پئوبلو) و خوابگاه‌ها در سال ۲۰۱۰ اشاره می‌کند. در طول مطالعه مشاهداتی مشارکت‌کننده که توسط De Sousa در سال ۲۰۱۸ انجام شد، هیچ کافه اینترنتی در روستاها (پئوبلو) مشاهده نشد. و شهرهای کامینو، و تعداد بسیار کمی از هاستل‌ها رایانه ارائه می‌دهند که اکثر آنها قدیمی بوده و به ندرت توسط زائران استفاده می‌شود. با این حال، نگرانی زائران در مورد دسترسی بودن وای فای و به ویژه دسترسی به پریزهای برق برای شارژ

دستگاه هایشان وجود داشت. برخی از میزبانان و صاحبان خوابگاه فاش کردند که وای فای معیاری در نظر گرفته می شود که تعیین می کند آیا زائر اقامتگاه خود را می پذیرد یا خیر.

گوشی هوشمند به عنوان یک آیتم ضروری برای زیارت در برنامه روزانه زائر گنجانده شده است. از آن نه تنها برای نقل تجربه به کسانی که دور هستند استفاده می شود، بلکه برای مشورت با برنامه های مکان یابی جغرافیایی و گپ زدن با سایر زائرانی که در طول مسیر ملاقات می کنند استفاده می شود. ماریسا، یک زائر برزیلی که قبل و بعد از تبدیل شدن گوشی های هوشمند به کارهای روزمره، کامینو را انجام می داد، مقایسه ای را ارائه کرد: «پیش از این، هموطنان شما فقط آن هایی بودند که در آن روز با شما بودند... امروزه، هرکسی را که در مسیر ملاقات می کنید، می بینید. تماس را تا سانتیاگو حفظ می کند ... با هم یا نه ... واتس اپ فاصله را کوتاه می کند» (ماریسا؛ ۲۰۱۷). ارتباط یک طرفه به ارتباطات چند جهته تغییر می کند، که شامل کسانی می شود که با هم راه می روند و کسانی که در زیارت دیجیتال هستند و از طریق روایت های رسانه ای پیگیری می کنند.

استفاده و تصاحب گوشی های هوشمند و برنامه های کاربردی توسط زائران منجر به ظهور چیزی می شود که «ارتباط گسترده» نامیده می شود (De Sousa ۲۰۱۸). شکل جدیدی از جماعت وارگی شکل می گیرد (Turner ۱۹۹۱)، یک جماعت وارگی رسانه ای شده که از طریق آن روابط همراهی و دوستی که بین افراد برقرار می شود فراتر از موقعیت های حضور مشترک در مکان و زمان گسترش می یابد. مردم با هم راه می روند، جدا هستند. ادیت لئاندر و فریرا پینتو، یک میزبان داوطلبانه در هاستل محله استلا، توضیح می دهد که در طول سفر

زیارتی خود، با چهار اسپانیایی در خوابگاهی در امتداد کامینو ملاقات کرد. یک گروه واتس آپ توسط صاحب خوابگاه به منظور حفظ تماس ایجاد شد. با وجود اینکه زائران از لحاظ فیزیکی با هم نبودند، از طریق واتس آپ از همدیگر مراقبت می کردند، در مورد پیاده روی می پرسند، هشدارها و پیشنهاداتی را می گذارند (فریرا پینتو؛ ۲۰۱۸).

از سوی دیگر، یک جامعه رسانه ای شده تحت فشار دستورات «منطق رسانه ای» قرار می گیرد (Hjarvard 2008). در تجربه زائران که منجر به این احساس می شود که آنها یک "بسته زیارت" را تجربه می کنند (De Sousa 2018) زمانی که استفاده از تلفن های هوشمند به این معنی است که تعامل با محیط و با افرادی که از نظر فیزیکی نزدیک هستند کاهش می یابد. زائر ایتالیایی آدامو (۲۰۱۸)، که اولین سفر زیارتی خود را در امتداد کامینو در سال ۲۰۱۳ آغاز کرد، خاطرنشان کرد که ورود تلفن هوشمند به روال روزانه زائران منجر به کاهش قابل توجه تعامل با جمعیت محلی می شود. در گذشته، وقتی کسی گم می شد، می ایستاد و از یکی از ساکنان می پرسید. با محبوبیت تلفن های هوشمند، زائران شروع به مشورت با آنها کردند تا بررسی کنند که آیا آنها در مسیر درست هستند یا خیر. به دلیل امکان رزرو و بررسی راه با استفاده از برنامه های جغرافیایی سازی، امنیت و قابل پیش بینی افزایش یافت. با این حال، کنترل بیشتر تجربه منجر به این احساس می شود که توسط فناوری های رسانه ای کنترل می شود. زائر برزیلی، ادواردو، استفاده بیش از حد از تلفن های هوشمند را با از دست دادن آنچه او به عنوان «روح زائر» یاد می کند، به دلیل کاهش تعامل بین زائرانی که با هم قدم می زنند، مرتبط دانست. «اکثریت، عموماً جوان تر از من، به سادگی وارد خوابگاه شدند، تخت‌هایشان را مرتب کردند و به وای فای وصل شدند و ...

همین [ارتباط بین زائران] بود» (ادواردو؛ ۲۰۱۷). زیارت رسانه‌ای شده معاصر، انزوایی را که از لحاظ تاریخی مشخصه تجربه زیارت بود، می‌گسلد، اما با آن اشکال جدیدی از انزوا ایجاد می‌کند، «انزوای رسانه‌ای» به دلیل کاهش تعامل با حاضران.

بنابراین، امکان برقراری ارتباط و انتقال روایت زائر به صورت آنلاین، سطوحی از تنش را به تجربه زائر می‌افزاید، که با خود حمل می‌شود و باید در طول سفر با آن برخورد کرد. هنگام تحلیل دگرگونی‌های گستره بهینه‌ی روایت، به تداوم روند سریال‌سازی روایت زیارت از دهه‌های قبل اشاره می‌شود. با این حال، سه تفاوت اصلی هنگام مقایسه روایت دیجیتال با آنچه زمانی از طریق تلفن عمومی انجام می‌شد، به وجود می‌آید: (۱) امکان روایت تجربه برای عموم مردم (۲) کاهش آشکار در فاصله بین تجربه و اشتراک‌گذاری (۳) این واقعیت که زائران به طور فزاینده‌ای کمتر به فناوری موجود در محیط نزدیک وابسته هستند، زیرا آنها اکنون فناوری رسانه‌ای لازم برای روایت تجربیات خود را حمل می‌کنند. پیامد این نوع روایت‌سازی رسانه‌ای تجربه این است که در تقریب بین زمان تجربه، زمان گستره‌ی بهینه‌ی روایت (تقلید دوم) و زمان بازسازی (تقلید اول) ممکن است به آمیختگی زمان منجر شود. در انتقال زنده، یعنی زمانی که بین تجربیات، روایت و تفسیر هماهنگی وجود دارد، زمانی که تقلید اول و دوم را جدا می‌کند حذف می‌شود.

کولدری (۲۰۱۵)، هنگام بحث در مورد احتمالات روایی ناشی از فناوری‌های ارتباطی معاصر، از احتمال "از دست دادن روایت" صحبت می‌کند. زمان بین پی‌گیری (تقلید دوم) و تفسیر (تقلید سوم) حذف می‌شود، با توجه به اصرار برای گفتن و پاسخ فوری، که اقدامات انسانی سیستم داده را از طریق نگرش‌های

خودکار به طور فزاینده تقریب می‌کند. هنگام تجزیه و تحلیل روایت‌های زائر در فیس‌بوک و اینستاگرام، می‌توان متوجه شد که انتقال زنده، تماس‌های ویدیویی و صوتی و «داستان‌ها» به طور فزاینده‌ای رایج هستند و با حالت‌های دیگری ترکیب می‌شوند. بسیاری از زائران انتظار دارند به عمودی در راه برسند که باید عصر خود را در آنجا بگذرانند تا با استفاده از متن، تصاویر و ویدئو، روایتی دقیق تر از آنچه در طول روز تجربه کرده‌اند تولید کنند (شکل ۲). این پست طولانی تر معمولاً از طریق پست‌های فیس‌بوک و اینستاگرام به اشتراک گذاشته می‌شود (تصویر زیر را ببینید). بنابراین، در گفتگو با کولدری (۲۰۱۵) و ورون (۲۰۱۳)، هنگامی که وی به دسترسی به فضای گفتمانی بازیگران متعدد اشاره می‌کند، توجه می‌شود که زمان تفسیر یا تقلید سوم از موضوع تولید کننده به سمت گیرنده حرکت می‌کند. در یک رابطه رله‌ای ثابت در اینجا روایت پاک نمی‌شود؛ در عوض، با توجه به پارامترهای زمانی و اجتماعی دیگر که پایدار یا ثابت نیستند، تحقق می‌یابد. روایت‌های واسطه‌ای، بسیار بیشتر از اتوماسیون، استقلال گفتمانی در جریان را نشان می‌دهند. به عبارت دیگر، دنیایی از روابط و تعاملات وجود دارد که فراتر از آن چیزی است که راوی پیشنهاد می‌کند، زیرا نشانه‌شناسی اجتماعی بی‌نهایت و غیرقابل پیش‌بینی است.

بنابراین، روایت‌هایی با زمان‌بندی‌های متنوع در تجربه این زائر وجود دارد که باید با منطقی که بر زیارت تأثیر می‌گذارد و سعی در تصرف آن دارد، مذاکره کند. برخی از زائران پس از بازگشت به خانه، این داستان‌های رسانه‌ای شده را به محصولات دیگری مانند کتاب یا مستند تبدیل می‌کنند. نه تنها یک حالت روایی، بلکه چندین مدل روایی وجود دارد که تضمین می‌کند روایت همچنان در اصطلاح رسانه‌ای به گردش در می‌آید و معانی جدیدی تولید می‌کند.

نکته قابل توجه این است که روایت‌های حاصل از این گزارش‌های رسانه‌ای در نهایت به روایت دیگری تبدیل می‌شوند، زیرا جایگاهی متمایز از ناظر می‌خواهند. ورون (۲۰۱۳)، پس از تأمل در معرفت‌شناسی ناظران، سه موقعیت مشاهده را پیشنهاد می‌کند که نمونه شتاب تاریخی رسانه‌ای سازی است، یعنی: کنشگر اجتماعی (کسی که در کامینو زندگی می‌کند و تجربه خود را بر اساس مشاهده خود و سایر بازیگران روایت می‌کند)؛ ناظرانی که می‌دانند توسط اشخاص ثالث مشاهده می‌شوند (در این مورد، زائرانی که برای مخاطبان و اعضای خانواده که گزارش‌ها را از مسیر مربوطه دنبال می‌کنند، روایت تولید می‌کنند). و در نهایت، ناظرانی که این دو نوع اول را بیان می‌کنند (زائران واقعی سلسله روایات تولید شده در طول مسیر را مشاهده می‌کنند، کسانی که از مشاهده پدیده و حتی موضوعاتی که تحولات روایی جدید ایجاد می‌کنند آگاه هستند با این اوصاف، درک این نکته مهم است که گردش، این روایت‌ها را نه تنها در شکل تولید، بلکه ارزش آن‌ها به‌عنوان ماده‌ای مهم که در آزمون زمان مقاومت می‌کند، بازسازی می‌کند. همانطور که زیارت با ورود به حرم تمام نمی‌شود، گردش روایات نیز با تصمیم زائر به توقف روایت پایان نمی‌پذیرد. این نشان می‌دهد که در سناریوی ابزار دیجیتال، جریان‌های تعاملی تا حد زیادی تجربه زیات پیاده، دسترسی به این قلمرو نمادین و تجربه زیارت را تغییر می‌دهند.



شکل ۲. ارائه «اینترنت و تلفن رایگان» به زائران پیاده روی اربعین

### ۱. نتیجه گیری

این مقاله با هدف بررسی رابطه بین زیارت، روایت و رسانه‌ای‌سازی با هدف تحقیق در مورد دگرگونی تجربه نویسندگان زیارت‌های پیاده بود. تحلیل نشان داد که رسانه‌ای‌سازی زیارت معاصر به تغییراتی در تعامل بین تجربه و روایت منجر شده است. داستان دیگر آن چیزی نیست که از زیارت حاصل می‌شود. در عوض، تجربه را به عنوان فعالیتی که آن را تغییر می‌دهد، در خود جای می‌دهد. این یک فرآیند تاریخی است که شامل حداقل سه دگرگونی اصلی است که مستقیماً با تصاحب نوآوری‌های تکنولوژیک توسط زائران مرتبط است که به طور قابل توجهی شکاف موجود بین تجربه، پیکربندی روایت و گردش را کاهش می‌دهد.

اولین تحول مربوط به وسایل حمل و نقل موتوری است که عملاً زمان زیارت را به نصف کاهش می‌دهد. گزارش‌های مربوط به سفر بازگشت به خانه، که در یادداشت‌های روزانه زائران قرون وسطی و مدرن رایج است، ناپدید شده‌اند یا

بعداً به یادداشت‌های کوتاه یا تأملات محدود شده‌اند. درک زیارت تغییر می‌کند. به‌جای اینکه شامل دو سفر رفت و برگشتی باشد (سفر به آنجا و بازگشت)، از زمان خروج تا رسیدن به مقصد تشکیل می‌شود.

وجود تلفن‌های ثابت در مسیر زیارت با دومین تحول همراه است: شکستن انزوای کامل زائر از طریق تماس منظم با دنیای بازگشته به خانه، که منجر به سریالی شدن روایت زیارت می‌شود. پیامد دیگر این رسانه‌ای سازی روایت زیارت، تأثیرپذیری در منطق مناسک به‌عنوان لحظه‌ای حاشیه‌ای/آستانه‌ای است (ون جنپ ۱۹۶۰؛ ترنر ۱۹۹۱). زیارت به‌طور فزاینده‌ای با دستورات بیرونی که ناشی از واقعیتی است که زائر از آن فاصله گرفته تا به این تجربه که با گنجاندن تلفن‌های هوشمند در زندگی روزمره زائران تشدید می‌شود، نشانه می‌رود. بنابراین، بین انگیزه زیارت و غلبه بر ناپختگی، در دنیای خصوصی زائر، برای گذرگاهی که مرزهای صمیمی و عمومی در آن فرو می‌ریزد، کرنشی وجود دارد. تغییر سوم مربوط به تبدیل تجربه زائر به یک محصول رسانه‌ای بر اساس گردش آن در محیط‌های دیجیتال است. امکان اشتراک‌گذاری تجربه در وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی آنلاین به این معنی است که روایت دیگر صرفاً نتیجه‌ی تجربه‌ای نیست، بلکه وارد حالت واقعی می‌شود که گویی زیارت را تجربه می‌کند تا بتوان آن را در قالب‌های رسانه‌ای روایت و منتشر کرد. همانطور که ورون (۲۰۱۳) نشان داد، گرامرهای بازشناسی شروع به تأثیرگذاری بر گرامرهای تولید روایت و گرامرهای تجربه خود زیارت می‌کنند. روایت زیارت به‌عنوان یک محصول رسانه‌ای، ویژگی‌های مشابهی با ویژگی‌های یک محصول سرگرمی پیدا می‌کند که داستان سفر یک قهرمان را روایت می‌کند و از زائر اقتباس‌های متوالی خاصی در روایت خود می‌خواهد تا مخاطب را مجذوب خود کند: تولید حساب

در زمان‌های مختلف و از طریق منابع روایی متمایز. لحظه‌ای بودن برای کسانی که آن را همراهی می‌کنند ارزش بسیار ستودنی است، که منجر به ادغام زمانی بین تقلید دوم و سوم در پخش زنده می‌شود: تجربه، روایت، و تفسیر زندگانی در یک زمانمندی همزیستی دارند. علاوه بر این، ارزش‌های دیگری از فرهنگ رسانه‌ای به عنوان تاکتیک‌های تماسی به روایت‌های زیارت پیاده اضافه می‌شود، مثلاً تولید تصویر همزمان با انتشار آن (آنلاین) و صمیمیت مسیر را به نمایش می‌گذارد.

در این تغییر، حاشیه سرایت شده به دنیای بازگشت به خانه، زیارت را به یک محصول رسانه‌ای تبدیل می‌کند که راوی آن را تجربه می‌کند و توسط کسانی که روایت‌های زائر را از راه دور دنبال می‌کنند مصرف می‌شود. و فرصتی را ایجاد می‌کند تا جوامع رسانه‌ای شده را از طریق ارتباط گسترده‌ای که با افراد دوردست یا کسانی که در مسیر ملاقات می‌شوند برقرار می‌شود، آزمایش کنیم، گرچه تنش‌ها نیز از طریق تأثیر منطق‌های خارج از قلمرو زیارت به وجود می‌آیند و زائران آن را زوایای تحریف تجربه می‌دانند، تحقق این احساس که تجربه یک زیارت گره خورده است یا اینکه انزوای رسانه‌ای ایجاد شده است، تجربه جماعت وارگی زائر را به خطر می‌اندازد.

بنابراین، باید توجه کرد که زیارت پیاده دیگر شبیه گذشته نیست. با توجه به شتاب تاریخی زمان، گزارش ورون (۲۰۱۴)، آیین، تجربه و روایت زیارت تغییر کرده است. صرفاً این نیست که بگوییم حضور رسانه‌ها تجربه را تغییر داد، بلکه هر چه زیارت پیاده بیشتر به یک رسانه تبدیل شود، سوژه‌های سفر خود را در فضاهای رسانه‌ای مانند شبکه‌های اجتماعی بیشتر روایت می‌کنند و در عین حال به افراد دیگر اجازه می‌دهید حتی از راه دور در این تجربه شرکت کنند.

این بدان معنی است که زیارت پیاده از بعد فضایی-سرزمینی خود فراتر می رود و بعد گردش رسانه ای افزایش می یابد. بنابراین، بیش از گزارش تجربه، زائر عامل معانی زیارت می شود و از طریق روایتی که در مدارهای بی پایان می گذرد، تجربه صمیمی را در حوزه عمومی ثبت می کند.

## منابع

1. Amaro, Suzanne, Ângela Antunes, and Carla Henriques. 2018. A closer look at Santiago de Compostela's pilgrims through the lens of motivations. *Tourism Management* 64: 271–80. [CrossRef]
2. Artajo, Javier Martín. 1954. *Caminando a Compostela*. Madrid: Editorial Católica—Ano Santo Compostelano.
3. Barret, Pierre, and Jean-Nöel Gurgand. 1982. *La aventura del Camino de Santiago*. Vigo: edicións Xerais da Galicia.
4. Blackwell, R. (2007). Sacred pilgrimage and tourism as secular pilgrimage. In R. Raj, & N. D. Morpeth (Eds.). *Religious tourism and pilgrimage festivals management: An international perspective* (pp. 35–47). Wallingford, UK: CAB International.
5. Bonnacaze, Jean. 2009. Pèlerinage de Bonnacaze à S. Jacques de Compostelle. In *Chemins de Compostelle. Trois Récits de Pèlerins Partis vers Saint-Jacques*. Edited by Christine Henry and Jean-Pierre Vialle. Paris: Cosmopole, pp. 173–83.
6. Braga, José Luiz. 2012. Circuitos Versus Campos Sociais. In *Mediação & Mídiação*. Edited by Maria Ângela Matos, Jeder Janotti Jr. and Nilda Jacks. Salvador: UDUFBA, pp. 31–52. Available online: <https://repositorio>.

ufba.br/ri/bitstream/ri/61871//MIDIATIZACAO\_repositorio.pdf (accessed on 15 January 2020).

7. Brämer, R. (2012). Heile Welt zu Fuß. Empirische Befunde zum spirituellen Charakter von Pilgern und Wandern [Heal the world on foot. Empirical findings on the spiritual character of pilgrimage and hiking]. In H. Hopfinger, H. Pechlaner, S. Schön, & C. Antz (Eds.). *Kulturfaktor Spiritualität und Tourismus* (pp. 47–58). Göttingen: ESV.
8. Bratosin, Stefan. 2016. La médialisation du religieux dans la théorie du post néo-protestantisme. *Social Compass* 63: 405–20. [CrossRef]
9. Bremborg, A. D. (2013). Creating sacred space by walking in silence: Pilgrimage in a late modern Lutheran context. *Social Compass*, 60(4), 544–560.
10. Caamaño, Juan. 2017. “Caminando a Compostela”. *La Peregrinación a Santiago de los Hermanos Martin Artajo*.
11. Cardita, Ângelo. 2012. Peregrinação: Possibilidades de Compreensão Crítica de uma Experiência. *Sociologia Revista da Faculdade de Letras da Universidade do Porto XXIV*: 195–213.
12. Casara, Magnus. 2013. *Diário de um Magnus sobre o Caminho de Santiago de Compostela*. Porto Alegre: Real Academia de Letras.
13. Cesar, Constança Marcondes. 1998. O problema do tempo. In Paul Ricoeur: *Ensaio*. Edited by Constança Marcondes Cesar. São Paulo: Paulus.
14. Cohen (2000). Pilgrim. In J. Jafari (Ed.). *Encyclopedia of Tourism* (pp. 438). Routledge.
15. Coleman, Simon, and John Elsner. 2003. *Pilgrim Voices: Narrative and Authorship in Christian Pilgrimage*. New York and Oxford: Berghahn Books.

16. Concello, Consorcio da Cidade de Santiago de Compostela, Universidade de Santiago de Compostela, pp. 433–76.
17. Couldry, Nick. 2015. O Tempo e as Mídias Digitais: Aprofundamento do Tempo, Déficits de Tempo e Configuração Narrativa. Parágrafo 2: 63–73.
18. De Sousa, Marco Túlio, and Ana Paula da Rosa. 2017. Faith, Entertainment, and Conflicts on the Camino de Santiago (The Way of St. James): A Case Study on the Mediatization of the Pilgrimage Experience on Facebook Groups. *ESSACHESS—Journal for Communication Studies* 10: 145–69. Available online: <https://www.essachess.com/index.php/jcs/article/view/393439/> (accessed on 2 February 2019).
19. De Sousa, Marco Túlio. 2018. Un smartphone sur le “Chemin”: Tensions et négociations dans le processus de médiatisation de l’expérience de pèlerinage de Saint-Jacques-de-Compostelle. In *Believe in Technology: Mediatization of the Future and the Future of Mediatization Actes du 4e colloque international ComSymbol*. Edited by Mihaela-Alexandra Tudor and Stefan Bratosin. Les Arcs: Editions IARSIC, pp. 425–443.
20. De Sousa, Marco Túlio. 2020. Pelos Caminhos de Santiago: Dicotomias em uma experiência de peregrinação midiaticizada. Ph.D. dissertation, Universidade do Vale do Rio dos Sinos, São Leopoldo, RS, Brasil.
21. Eade, John, and Michael J. Sallnow. 1991. *Contesting the Sacred: The Anthropology of Christian Pilgrimage*. London and New York: Routledge.
22. Eiki, H. (2007). Current increase in walking pilgrims. In M. D. R. del Alisal, P. Ackerman, & D. P. Martinez (Eds.). *Pilgrimages and spiritual quests in Japan* (pp. 63–70). New York: Routledge.
23. El Debate Hoy. May 20. Available online: <https://eldebatedehoy.es/historia/peregrinacion-martin-artajo/> (accessed on 10 January 2020).

24. Eliade, Mircea. 1987. *The Sacred and the Profane: The Nature of Religion*. Orlando: Harcourt.
25. Fausto Neto, Antonio. 2016. O conceito de recepção na obra de Eliseo Verón: 1968–2013. *Galáxia* 33: 63–76. [CrossRef]
26. Fernández, Modesto. 2018. El Ferrocarril en España. *La Vanguardia*. October 5. Available online: <https://www.lavanguardia.com/historiayvida/historia-contemporanea/2018092047312534370//elferrocarril-en-espana.html> (accessed on 20 January 2020).
27. Fernández, Xosé Ramon Barreiro. 2003. De la tutela eclesiástica a los inicios de la andadura burguesa (1808–1875). In *Historia de la Ciudad de Santiago de Compostela*. Edited by Ermelindo Portela Silva. Santiago de Compostela:
28. Fleischer, A. (2000). The tourist behind the pilgrim in the Holy Land. *International Journal of Hospitality Management*, 19(3), 311–326.
29. Flusser, Vilém. 2004. *Língua e Realidade*. São Paulo: Annablume.
30. Frey, L. (2010). Stories of the return: pilgrimages and its aftermath. In E. Badone, & S. R.
31. Gardner, Steven, Carlos Mentley, and Lisa Signori. 2016. Whose Camino Is It? (Re)defining Europe on the Camino de Santiago. In *The Camino de Santiago in the 21st Century Interdisciplinary Perspectives and Global Views*. Edited by Samuel Sánchez y Sánchez and Annie Hesp. New York: Routledge, pp. 1–57.
32. Gomes, Pedro Gilberto. 2016. Mediatization: A Concept, Multiple Voices. *ESSACHESS—Journal for Communication Studies* 9: 197–212.
33. Gomes, Pedro Gilberto. 2017. *Dos Meios à Mídiação—Um Conceito em Evolução. From Media to Mídiação—An Evolving Concept*. São Leopoldo: Editora Unisinos.

34. Greenwood Press.
35. Hanegraaff, Wouter J. 1999. New Age Spiritualities As Secular Religion: A Historian's Perspective. *Social Compass* 46: 145–60. [CrossRef]
36. Henry, Christine, and Jean-Pierre Vialle. 2009. *Chemins de Compostelle: Trois Récits de Pèlerins Partis vers Saint-Jacques*. Paris: Cosmopole.
37. Hepp, Andreas. 2013. The communicative figurations of mediatized worlds: Mediatization research in times of the “mediation of everything”. *European Journal of Communication* 28: 615–29. [CrossRef]
38. Hervieu-Léger, Danièle. 1999. *Le Pèlerin et le Converti. La Religion en Mouvement*. Paris: Flammarion.
39. Hjarvard, Stig. 2008. The Mediatization of Society A Theory of the Media as Agents of Social and Cultural Change. *Nordicom Review* 29: 105–34.
40. Jackowski, A., & Smith, V. L. (1992). Polish pilgrim-tourists. *Annals of Tourism Research*, 19, 92–106.
41. *Journal of Heritage Tourism*, 1(2), 133–141.
42. Lacarra y de Miguel, José María. 1966. Las peregrinaciones a Santiago en la Edad Moderna. *Príncipe de Viana* 27: 33–46.
43. Lévy, Pierre. 1998. *Qu'est-ce Que le Virtuel?* Paris: Editions La Découverte.
44. Lois González, R. N. C. (2013). The Camino de Santiago and its contemporary renewal: Pilgrims, tourists and territorial identities. *Culture and Religion*, 14(1), 8–22.
45. Lopez, Lucrezia, David Santomil Mosquera, and Rubén Camilo Lois González. 2015. Film Induced Tourism in The Way of Saint James. *Alma Tourism Journal of Tourism, Culture and Territorial Development* 6: 18–34. [CrossRef] Oficina del Peregrino (Santiago Pilgrim's Reception Office).

2004–2019. Estadísticas. Available online: <https://oficinadelperegrino.com/estadísticas/> (accessed on 20 March 2020).

46. Mental Health, Religion and Culture, 16(9), 887–902. <http://dx.doi.org/10.1080/13674676.2013.766449>.
47. Morinis (Eds.). Sacred places, sacred spaces: The geography of pilgrimages (pp. 41–60). Dept. of Geography and Anthropology, Louisiana State University: Geoscience Publications.
48. Morinis, A. (Ed.). (1992). Sacred journey: The anthropology of pilgrimage. Westport, CT:
49. Morishita, S. S. (2001). Teodori. Cosmological building and social consolidation in a ritual dance. Gregorian Biblical BookShop.
50. Picaud, Aymeric. 1991. Texto. In Guía del Peregrino Medieval (“Codex Calixtinus”). Translated and Edited by Millán Bravo Lozano. Sahagún: Centro de Estudios del Camino de Santiago.
51. Reader, I. (2007). Pilgrimage growth in the modern world: Meanings and implications.
52. Reis, Sérgio. 1997. O Caminho de Santiago. Uma peregrinação ao Campo das Estrelas. Porto Alegre: Artes e Ofícios, Foco Editorial.
53. Religion, 37(3), 210–229.
54. Ricoeur, Paul. 1984. Time and Narrative. Volume 1. Translated by Kathleen McLaughlin, and David Pellauer. Chicago: University of Chicago Press.
55. Ricoeur, Paul. 1985. Time and Narrative. Volume 2. Translated by Kathleen McLaughlin, and David Pellauer. Chicago: University of Chicago Press.
56. Ricoeur, Paul. 1988. Time and Narrative. Volume 3. Translated by Kathleen McLaughlin, and David Pellauer. Chicago: University of Chicago Press.

57. Rihan, Tatiana Fadel. 2014. Uma Viagem em um Bloco de Notas. Porto Alegre: Imprensa Livre.
58. Rodriguez Fernández, María Magdalena, Clide Rodríguez Vásquez, Valentín Alejandro Martínez Fernández, and Oscar Juataney Boga. 2013. Análisis de un Modelo Singular de Gestión y Estrategias de Comunicación Social Para el Posicionamiento de un Producto Turístico: El Camino de Santiago. In Libro de Actas.
59. Rosa, Ana Paula. 2019. Circulation: From multiple perspectives of value to the appreciation of the visible. *Intercom Revista Brasileira de Ciências da Comunicação* 42: 21–33. [CrossRef]
60. Sánchez y Sánchez, Samuel, and Annie Hesp. 2016. Introduction. In *The Camino de Santiago in the 21st Century Interdisciplinary Perspectives and Global Views*. Edited by Samuel Sánchez y Sánchez and Annie Hesp. New York: Routledge, pp. 1–22.
61. Sánchez y Sánchez, Samuel. 2016. Lost and Found: Material Culture and Personal Transformation on the Camino de Santiago. In *The Camino de Santiago in the 21st Century Interdisciplinary Perspectives and Global Views*. Edited by Samuel Sánchez y Sánchez and Annie Hesp. New York: Routledge, pp. 1–67.
62. Schnell, T., & Pali, S. (2013). Pilgrimage today: The meaning-making potential of ritual.
63. Shackley, M. (2006). Costs and benefits: The impact of cathedral tourism in England.
64. Sherrard, P. (1977). Paths of Athos. *Eastern Churches Review*, 9(1–2), 100–107.
65. Singul, Francisco. 1999. *O Caminho de Santiago: A Peregrinação Ocidental*

na Idade Média. Rio de Janeiro: EdUERJ.

66. Slavin, S. (2003). Walking as spiritual practice: The pilgrimage to Santiago de Compostela. *Body & Society*, 9(3), 1–18.
67. Stoddard, R. (1997). Defining and classifying pilgrimages. In R. H. Stoddard, & E. A.
68. Talbot, Lynn. 2016. Revival of the Medieval Past: Francisco Franco and the Camino de Santiago. In *The Camino de Santiago in the 21st Century Interdisciplinary Perspectives and Global Views*. Edited by Samuel Sánchez y Sánchez and Annie Hesp. New York: Routledge, pp. 1–56.
69. Tudor, Mihaela-Alexandra, and Stefan Bratosin. 2020. Croire en la technologie Médiatisation du futur et futur de la médiatisation. *Communication* 37. [CrossRef]
70. Turner, Victor, and Edith Turner. 2011. *Image and Pilgrimage in Christian Culture*. Nova Iorque: Columbia University Press.
71. Turner, Victor. 1991. *The Ritual Process: Structure and Anti-Structure*. Chicago: Cornell Paperbacks.
72. Van Gennep, Arnold. 1960. *The Rites of Passage*. Chicago: University of Chicago Press.
73. Verón, Eliseo. 1980. *A Produção do Sentido*. São Paulo: Cultrix.
74. Verón, Eliseo. 2013. *La Semiosis Social, 2 Ideas, Momentos, Interpretantes*. Buenos Aires: Paidós.
75. Verón, Eliseo. 2014. Teoria da midiatização: Uma perspectiva semioantropológica e algumas de suas consequências. *MatriZes* 8: 13–19. [CrossRef]
76. Worobec (2013). Russian orthodox pilgrims in late imperial Russia: A

social profile by Christine D. Worobec (Northern Illinois University) paper prepared for the XIV April international academic conference on economic and social development, Higher School of Economics, Moscow, 2–4 April 2013.

77. XIII Congreso Internacional Ibercom. Edited by Margarita Ledo Andi6n and Maria Inmacolata Vassallo de Lopes. Santiago de Compostela: IBERCOM, AssIBERCOM, AGACOM, pp. 3733–53. Available online: [https://www.assibercom.org/arquivos/01\\_livro\\_de\\_atas\\_2013.pdf](https://www.assibercom.org/arquivos/01_livro_de_atas_2013.pdf) (accessed on 5 November 2019).
78. Yamine, David. 2000. Narrative and Religious Experience. *Sociology of Religion* 61: 171–89. [CrossRef]

ظرفیت پیادهروی اربعین بر بیداری  
و همگرایی در عرصه جهان اسلام

علیرضا نائیج

دکتری روابط بینالملل و مدرس دانشگاه



## چکیده

پیاده‌روی اربعین حسینی که در بین شیعیان و مسلمانان از زمانهای دور در ایام اربعین حسینی از نجف تا کربلا مورد توجه قرار داشت در دهه اخیر به عنوان یک پدیده اجتماعی که نه تنها جامعه عراق، بلکه جهان اسلام و جامعه جهانی را معطوف به خود داشته است و بسیاری از افراد را با یک تجربه مردمی بدون حضور حاکمیتها مواجه کرد و این پرسش را بوجود می‌آورد که « ظرفیت اربعین به عنوان یک پدیده اجتماعی چه تاثیری بر بیداری و همگرایی در عرصه جهان اسلام میتواند داشته باشد؟» وجود خیل عظیمی از مشارکت کنندگان مردمی از کشورهای گوناگون اسلامی و غیراسلامی در جنس و سنین مختلف از قشرها و طبقات گوناگون در پیاده‌روی اربعین بدون توجه به دیدگاه حاکمیت‌های سیاسی به عنوان یک پدیده برخاسته از ارزش و فرهنگ اسلامی و انسانی در ایجاد و شکلگیری زبان مشترک و فهم بین‌الاذهانی بین جوامع ایجاد نمود. همین فهم بین‌الاذهانی موجبات بیداری، همگرایی و صلح را در جوامع اسلامی به دنبال خواهد داشت و از سوی دیگر موجب کاهش منازعات و تنشهای هویتی غیردینی در این جوامع میگردد. همانگونه که جمله حب الحسین یجمعنا به زیبایی این همگرایی را در بین توده‌های عظیم اسلامی و انسانی متبلور مینماید. این تحقیق مبتنی بر روش توصیفی- تحلیلی و گردآوری داده‌ها بصورت کتابخانهای و اینترنتی میباشد.

**واژگان کلیدی:** اربعین، همگرایی، فرهنگ، جهان اسلام، اهل بیت (علیهم‌السلام)،

پیاده‌روی

## The capacity of Arbaeen walk on awakening and convergence in the field of Islamic world

Alireza Naeij

The Arbaeen Hosseini walk, which was popular among Shiites and Muslims since ancient times during the days of Arbaeen Hosseini from Najaf to Karbala, in the last decade as a social phenomenon that not only the Iraqi society, but also the Islamic world and the international community. It has brought many people to face a popular experience without the presence of the authorities and raises the question that "the capacity of Arbaeen as a social phenomenon can have an effect on the awakening and convergence in the field of the Islamic world." have?" The existence of a huge number of people participating from different Islamic and non-Islamic countries in different sexes and ages from different strata and classes in the Arbaeen walk regardless of the political authorities' view as a phenomenon arising from Islamic and human values and culture in creating and the formation of a common language and intersubjective understanding between communities. This intersubjective understanding will lead to awakening, convergence and peace in Islamic societies, and on the other hand, it will reduce non-religious identity conflicts and tensions in these societies. As the sentence of Hab al-Husain Yajamana beautifully crystallizes

this convergence among the huge Islamic and human masses. This research is based on descriptive-analytical method and data collection in library and internet.

Key words: Arbaeen, convergence, culture, Islamic world, Ahl al-Bayt , walking

## سعة تأثير زيارة الأربعين على الصحة والتقارب في العالم الإسلامي

### الملخص

إن زيارة الأربعين التي كانت منتشرة منذ القدم أوساط الشيعة وكافة المسلمين في أيام الأربعين الحسيني ومن النجف إلى كربلاء ، ظهرت في العقد الأخير كظاهرة اجتماعية ليست فقط في المجتمع العراقي بل العالم الإسلامي والمجتمع الدولي كله ، وواجهت الكثير من الناس بتجربة شعبية و دون حضور الحكومات وهنا يطرح التساؤل "ما هو تأثير قدرة الأربعين كظاهرة اجتماعية على الصحة والتقارب في العالم الإسلامي؟"

وجود عدد هائل من المشاركين من الدول إسلامية وغير الإسلامية و من الذكر والانثى و من مختلف الاعمار و الطبقات و بغض النظر عن رؤية الحكومات السياسية كظاهرة ناشئة عن القيم الإسلامية والإنسانية، الثقافة في ايجاد وتشكيل لغة مشتركة وتفاهم بين الذات و بين المجتمعات.

سیؤدي هذا الفهم الذاتي إلى الصحوه والتقارب والسلام في المجتمعات الإسلامية من جانب ومن جانب آخر سيقبل من النزاعات وتوترات الهوية غير الدينية في هذه المجتمعات.

كما تبلور الجملة المعروفة ( حب الحسين يجمانا) بشكل جميل هذا التقارب بين الجماهير الإسلامية والإنسانية الضخمة.

يعتمد هذا البحث على المنهج الوصفي التحليلي وجمع البيانات من المكتبات والانترنت.

**الكلمات المفتاحية :** الاربعين ، التقارب ، الثقافة ، العالم الاسلامي ، اهل البيت (عليه السلام) ، مشيا على الاقدام.

## ۱. مقدمه

پيادهروی اربعين حسینی هر چند که به شکل امروزی بعد از شهادت امام حسین برگزار نمیگردید ولی یک سنت شیعی است که در زمان ائمه معصومین این حرکت بصورت انفرادی پایهگذاری گردید و در زمان حکومتهای بنیامیه و بنیعباس نیز انجام میگرفت (قاضی طباطبایی، ۱۳۶۸: ۲). این حرکت در ادامه بصورت مردمی و بدون دخالت و حمایت حکومتهای زمان خود و گاهی در تقابل با آنان صورت میگرفت تداوم یافت و در زمان حکومت حزب بعث نیز صورت سیاسی به خود گرفت که منتهی به إنتفاضه صَفَرِ عراق در صفر سال ۱۳۹۷ هجری قمری (برابر با ۱۹۷۷م - ۱۳۵۵ش) گردید. با توجه به تغییرات سیاسی در عراق که منجر به سرنگونی حزب بعث و صدام در سال ۲۰۰۳م گردید، پیادهروی اربعین رونق دوباره گرفت و با حضور میلیونی مردم عراق و شیعیان جهان در این مراسم، پیادهروی اربعین تبدیل به بزرگترین همایش مردمی

سالانه جهان شد. در این اجتماع عظیم علاوه بر شیعیان، مسلمانان از مذاهب گوناگون و حتی افرادی از ادیان غیراسلامی نیز شرکت مینمایند. این پدیده نه تنها تنوع مذهبی و ادیانی را در خود دارد بلکه به لحاظ تنوع جمعیتی، طبقاتی و جغرافیایی نیز منحصر بفرد میباشد و از اقصی نقاط جهان در آن حضور دارند. بیشترین جمعیت حاضر آن را مردم عراق و ایران تشکیل میدهند.

حضور میلیونی مردم در طی چند روز در یک جغرافیای مشخص و با تعاملات گسترده اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی فراجغرافیایی موجبات تبادلات زیادی را در این حوزهها برای مشارکت کنندگان به همراه دارد و منجر به ایجاد گسترده تبادل فرهنگی میشود این تبادلات نه تنها بر جغرافیای اجتماعی و فرهنگی جوامع تاثیر میگذارد بلکه فراتر از آن حکومتها را نیز مجبور به اتخاذ تدابیر و سیاستهایی میکند که متاثر از این اجتماعات و گردهماییها میباشد.

پیادهروی اربعین از ابتدای آغاز بصورت انفرادی و سپس شکل جمعی و مردمی گرفت و در ادامه از فضای مردمی و اجتماعی عبور نمود و به عرصه دولتها رسید و در تداوم راه خود از جغرافیای عراق عبور نمود و تبدیل به یک حرکت اجتماعی منطقهای و جهان اسلام گردید. امروزه در این اجتماع عظیم علیرغم سکوت رسانهای جهانی افرادی از اقصی نقاط جهان با ملیتها و ادیان گوناگون شرکت مینمایند که میتواند به عنوان الگویی از همزیستی و صلح برای زندگی انسانی مورد توجه قرار گیرد.

آیا چنین گردهمایی میتواند بر ساختارهای بینالذهنی افراد، اجتماع و حکومتها تاثیر بگذارد و آنها را به سوی اقدامات و کنشهای فرهنگی و اجتماعی هماهنگ رهنمون نماید؟ یا این ساختارهای بینالذهنی چقدر میتواند در کاهش منازعات اجتماعی، مذهبی و قومیتی بین کشورها تاثیر بگذارد؟ چنین

اجتماعاتی چه تاثیر بر بیداری افراد در امور اجتماعی و سیاسی کشورها، منطقه و جهان اسلام میتواند داشته باشد؟ چقدر میتواند به سوی زندگی انسانی مبتنی بر فطریات و ارزشهای الهی و انسانی حرکت نماید؟ آیا این پدیده میتواند ساختارهای بینالذهنی را تغییر داده و هویتی جدید از تعاملات انسانی را برای انسان در عرصه جهانی ترسیم نماید؟ در واقع مساله پژوهش بررسی ظرفیت پیاده‌روی اربعین بر بیداری و همگرایی در عرصه جهان اسلام میباشد؟

در موضوع اربعین، تحقیقات بسیاری صورت گرفته که بیشتر آنها از زوایای دینی، فرهنگی و مذهبی به نقش اربعین در تمدنسازی اسلام پرداختند به چند مورد از تحقیقات صورت گرفته در این زمینه اشاره میشود:

افتخاری (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «نقش پیاده‌روی اربعین در تحقق تمدن نوین اسلامی با تاکید بر فرمایشات مقام معظم رهبری» نشان داد که ایجاد تمدن نوین اسلامی از نظر مقام معظم رهبری امری ضروری است که از مهمترین اهداف و اصول نظام اسلامی است، برطبق بیانات ایشان؛ پیاده کردن برنامه اسلامی به خصوص تمدن نوین اسلامی از ظرفیت‌های اثرگذار اربعین حسینی است. تمدن نوین اسلامی با وجود پیشینه و سابقه تاریخی آن هنوز نیاز به حمایت و غنیسازی دارد. پیاده‌روی اربعین با ظرفیت بسیار بالا میتواند عرصه معنوی مناسبی برای تربیت و کادرسازی مسلمین جهان باشد.

تاجبخش (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان «پیاده‌روی اربعین و ابعاد تربیتی آن» نشان دادند که موضوع تربیت در دوره کنونی به یک موضوع چندجانبه و درعین حال پیچیده تبدیل شده است. تعظیم و بزرگداشت اربعین، تاثیرات شگرفی بر فرد، خانواده و جامعه برجای میگذارد و حقیقتی اجتنابناپذیر است. فرصتی استثنایی برای همگرایی والدین، فرزندان و تقویت تعاون و همکاری درسایه

عبودیت و بندگی است. زائران حسینی خود را عضوی از جامعه اسلامی میدانند و زیارت قبور متبرکه نقش موثری بر سلامت روان و حفظ و افزایش حرمت فرزندان و والدین دارد.

غفاری هشجین و آقایی (۱۳۹۷) در موضوعی با عنوان «پیادهروی اربعین به مثابه جنبش اجتماعی» نشان دادند که در جنبشهای اجتماعی از عناصر استمرار، وحدت، تعداد به کرات استفاده میشود. پیادهروی اربعین به مثابه یک جنبش اجتماعی میباشد که قدرت همراهی و مشارکت سایر ادیان را در قالب یک جنبش اجتماعی دارد. اهمیت سیاسی اربعین حسینی میتواند ملتها را حول یک محور مهم به نام اسلام گردهم آورد و جایگاه حقیقی اسلام نسبت به گذشته احیاء خواهد شد.

ستوده (۱۳۸۷) در مقاله «جهانی شدن و همگرایی کشورهای اسلامی» با تاکید بر مساله جهانی شدن که موجب نفوذپذیری مرزها، تحول در هویت‌های ملی و افزایش روابط فراملی، منطقی‌های و جهانی شد. کشورهای اسلامی در مواجهه با جهانی شدن، نیازمند افزایش تعاملات درون منطقی‌های و تنظیم روابط خود با قدرتهای بزرگ مداخلهگر در مناطق اسلامی هستند. دستیابی به این هدف در گرو افزایش سطح قدرت در سطح منطقی‌های و جهانی است و به نظر میرسد به کارگیری دیپلماسی رسمی، عمومی و فرهنگی میتواند سازوکار مؤثری در تحقق بخشیدن به آن باشد؛ چرا که تصویرسازی مثبت از طریق دیپلماسی همه جانبه و به صورت هماهنگ میتواند گام مؤثری در ایجاد ایستارهای همکاریجویانه، همگرایی منطقی‌های و حفظ کشورهای اسلامی در تعامل با جهانی شدن و قدرتهای بزرگ باشد.

اکوانی (۱۳۹۹) در موضوعی با عنوان «بررسی تاثیر راهپیمایی اربعین حسینی

در ترویج فرهنگ حسینی و تمدن شیعی» نشان دادند که اربعین حسینی اشاعدهنده فرهنگ ایثار، شهادت و ازخودگذشتگی در بین ملت‌های مسلمان خواهد بود و اصل تمدن شیعه را احیاء خواهد کرد و باشکوهتر برگزار کردن این رویداد مهم آثار بسیار ارزشمندی برای دولت‌های شیعی خواهد داشت. راهپیمایی اربعین دال مرکزی هویت اسلامی انقلابی است، گفتمان اصولگرایی شیعی همان گفتمان حسینی است که نظام انقلاب اسلامی از مهمترین نظام‌های تمدن شیعی است که مکتب حسینی و اعتقاد به مهدویت جزو پایه‌های اصلی انقلاب اسلامی می‌باشد.

امامی و غیائی (۱۳۹۶) در مقاله «همگرایی تمدنی در طریق زیارت؛ با تاکید بر پیاده روی زیارت اربعین» با تاکید بر به عناصر نرم و تمدن ساز نهاد زیارت، همگرایی تمدنی در طریق زیارت را مورد بررسی قرار میدهند و به مهمترین الزامات همگرایی در سطح تمدنی می‌پردازند نویسندگان با توجه به مفاهیم «زیارت»، «ارتباطات میان فرهنگی»، «تمدن» و «همگرایی» نگاهی فرهنگی و تمدنی به این مفهوم دارند و آن را نوعی همسویی و هم‌نوایی در گرایش‌ها، بینش‌ها و رفتار، در اجتماعی از مردم تلقی می‌کنند. مساله همگرایی در طریق زیارت را به عنوان یک الگوی همگراکننده دینی و انسانی در نظر می‌گیرند.

طاهرخانی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «راهپیمایی اربعین نمادی از شکل‌گیری هویت جمعی مسلمانان» با تاکید بر این که هر ساله در اربعین ملیت‌های مختلف از نژاد و زبان‌های متفاوت اعم از شیعه و سنی و حتی پیروان سایر ادیان نیز در این مراسم حضور دارند و این افراد با هویت‌های ملی، قومی، فردی و اجتماعی متفاوت ولی به شکل منسجم و متحد در این راهپیمایی شرکت میکنند. پیاده روی اربعین را موجب شکل‌گیری هویت جمعی، وحدت،

همبستگی و بیداری اسلامی تحت لوای حسینی بودن میدانند، این تحقیقی با روش کمی انجام گرفته است.

در خصوص پیاده‌روی اربعین و ظرفیتهای آن جهت همگرایی و وحدت در جهان اسلام با رویکرد جهان اسلامی و مبتنی بر ساختارهای بینالذهنی و هویت اسلامی و انسانی تحقیقی صورت نگرفته است؛ این پژوهش به لحاظ روش و توجه به عناصر بینالذهنی از سایر تحقیقات متمایز است.

## ۲. چارچوب نظری

مکتب برسازی یا سازهانگاری برخلاف جریان اصلی روابط بینالملل، علاوه بر شرایط و نیروهای مادی بر انگارها و اندیشهها نیز توجه دارد، به بیانی دیگر سازهانگاران بر روی اعتقادات بینالذهنی تاکید دارند، منافع و هویت‌های انسانها به گونهای که آنان خود را در روابط با سایرین درک میکنند شکل مییابد (قوام، ۱۳۸۸: ۲۲۲) از منظر آنان هویت کنشگران در نظام بینالملل ثابت نیست و به همین جهت بر ساخته بودن هویت کنشگران و نقش هویت در شکلگیری منافع و کنشها تاثیر دارد (دلآوری، ۱۳۸۶: ۳-۴). سازه انگاران، سرشت اجتماعی کنشگران چه در داخل یک واحد سیاسی و چه در نظام بینالملل را مورد توجه داشته و از نظر آنان، هر کنشگری دارای هویت اجتماعی است و این هویت در بطن تعاملات اجتماعی ساخته میشود از این رو نمیتوان یک کنشگر «ما قبل اجتماعی» را تصور کرد. هویت کنشگران از تعامل میان آنها شکل میگیرد؛ بنابراین هویت به معنای فهمهای نسبتاً ثابت و مبتنی بر نقش خاص از خود و انتظارات از دیگران است و هر کنشگری هویت خود را از طریق مشارکت در «معانی جمعی» به دست می‌آورند. پس انسانها، کنشگران و دولتها هویت‌های از

پیش تعیین شده ندارند و هویتها در روابط اجتماعی شکل میگیرد، در نتیجه همه کنشهای انسانی در فضای اجتماعی شکل گرفته و معنا پیدا میکند (سلیمی و عیوضزاده، ۱۳۹۵: ۱۵۵). این ساختار بین الاذهانی اجازه میدهد، معانی خاص به تواناییهای مادی تبدیل شوند. بنابراین دنیای بدون هویت نه تنها وجود ندارد بلکه دنیای هرج و مرج است، هویتها ما را به خود و دیگران، و سایرین را به ما معرفی مینمایند. کنشگران سایرین را بر اساس هویتی که به آنها نسبت میدهند درک مینمایند و بطور هم زمان از طریق اعمال اجتماعی روزانه به بازتولید هویت خود میپردازند (قوام، ۱۳۸۸: ۲۲۵). در نتیجه از آنجا که کنشگران ذاتا اجتماعی هستند، هویتها و منافع آنها به شکل اجتماعی ساخته میشود و محصول ساختارهای اجتماعی بیناذهنی میباشند (مشیرزاده و طالبی، ۱۳۹۳: ۲۸۰)

هر چند که در بین رویکردهای سازهانگاران تفاوتی در برسازای نوگرا و پسانوگرا و همچنین در برسازای سیستمی، واحدنگر و کلنگر وجود دارد. برسازان سیستمی با اولویت دادن به ساختارهای هنجاری سیستمی در ساخته و پرداخته کردن هویت و منافع بازیگران دولتی و سطوح مختلف رفتار رقابتی و همیارانه در نظام بینالملل تاکید دارند. در حالیکه برسازان واحدنگر به تفاوت واکنشهای دولتها به فشارهای سیستمی و منابع داخلی هویتها و منافع دولتها توجه دارند. و برسازان کلنگر به سرشت نظم سیاسی در سطح داخلی و سطح بینالمللی بطور متقابل توجه میکنند (گرفتس، ۱۳۸۸: ۲۰۸). در مجموع همه رویکردهای برسازای بر نقش هنجارها، فرهنگ، هویت و اندیشهها به مثابه عوامل تعیین کننده پدیدههای بینالمللی تاکید دارند (همان: ۲۱۳)

بطور خلاصه میتوان چنین گفت که مکتب برسازای با تاکید بر اهمیت مردم و گروهها و ایجاد مفاهیم و منافع مشترک در شناخت هویتها، منافع نهادها و

برداشتها و ادراکات آنها در رفتار بینالمللی زمینه را برای نظرات و آگاهیهای بین بازیگران عرصه روابط بینالملل از طریق تعاملات مشترک فراهم میسازد، در واقع سازهانگاری با تاکید بر رابطه میان وابستگی متقابل مادی و فهم هویت و اجتماع با ایجاد درک ساختار بینالذنهانی از احساس تعلق به یک اجتماع منطقیهای خاص با ایجاد زمینه تغییر منافع و هویتها همگرایی را امکان پذیر مینماید.

پیادهروی اربعین به عنوان یک پدیده اجتماعی و سنتی که در بین شیعیان وجود دارد و در کشوری مانند عراق که دارای فرهنگ عربی و جغرافیایی خاص میباشد و تنوع فرهنگی زیادی را تاکنون در خود ندیده است و از سوی دیگر مشارکت مسلمانان و غیرمسلمانان با فرهنگهای متفاوت در پیادهروی اربعین، آیا ظرفیت همکاری و همگرایی در جامعه اسلامی و شیعیان را افزایش میدهد یا میتواند تبدیل به آسیب جدی فرهنگی برای فرهنگ عربی عراق باشد؟ به بیان دیگر وجود اختلافات و تفاوتهای عمودی و افقی فرهنگی و اجتماعی در عراق با حضور میلیونی زائران اربعین حسینی، به چه میزان میتواند در ایجاد ساختارهای بینالذنهانی اجتماعی در جهت همگرایی، همکاری، همدلی و همافزایی در بین شیعیان عرب و جهان اسلام و همچنین بین شیعیان با مسلمانان و غیرمسلمانان از کشورهای عربی و غیرعربی در تقویت ارزشها، آرمانها، ایجاد همدلی، همافزایی، همکاری و همگرایی موثر باشد.

از آنجا که ساختارهای هنجاری و فکری، از سه طریق: تخیل (تصوری بودن/ذهنی بودن)، ارتباطات و محدودیت، هویت و منافع کنشگران را شکل میدهند (مشیرزاده و طالبی، ۱۳۹۳: ۲۸۶) به بررسی ظرفیت پدیده اربعین در همگرایی جهان اسلام میپردازیم.

### ۳. اربعین و تنوع فرهنگی با هویت جمعی

فرهنگ به عنوان مجموع ویژگی‌های رفتاری و عقیدتی اکتسابی یک جامعه (کوئن، ۱۳۸۶: ۳۹) است که هویت آن جامعه را شکل می‌دهد و توانایی تغییر در زمانهای گوناگون را دارد. تغییر فرهنگ را باید در واقع تغییر ساختارهای بینالذهانی دانست زیرا تغییر این ذهنیتها و تخیل، نگاه افراد و اجتماع را نسبت به پدیدهها و تعامل یا تقابل آنان مشخص میکند. هرچه ارتباط و گفتگو بیشتر باشد به سمت تعامل و هر چه کمتر باشد احتمال تقابل و منازعه افزایش مییابد. بنابراین فرهنگ دارای اهمیت و کارکردهای زیادی است، جهان امروزی عرصه‌ای برای جلوه فرهنگها و گفتگوهای فرهنگی است. گفتگو و تعامل فرهنگی، بهترین گزینه برای رفع تعارضات و سوء تفاهمات بین فرهنگهای مختلف در بین افراد، منطقه و جهان است. تعامل، تبادل و توسعه فرهنگها و سنتها موجبات افزایش فهم، هم‌افزایی و ایجاد ساختارهای بینالذهانی بین افراد و جوامع را موجب می‌گردد و همچنین موجب کاهش تعارضات فرهنگی می‌گردد، در نتیجه افزایش همکاریها، تشکیل سازمانها، نهادها و ایجاد همکاریهای مشترک و صلح را به دنبال دارد.

با فرض اینکه یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌های همگرایی منطقه‌ای، فرهنگ مشترک باشد، پیاده‌روی اربعین با حضور تنوع فرهنگی متفاوت می‌تواند عامل همگرایی میان مردم و کشورهای شیعه و جهان اسلام باشد. پژوهشی که در خصوص تحلیل پیمایشی راهپیمایی اربعین حسینی انجام گرفت، شرکت کنندگان در راهپیمایی اربعین حسینی، اهدافی چون تقویت اتحاد و همبستگی بین مسلمانان، شناخت بهتر اهل بیت (علیهم‌السلام)، افزایش آمادگی برای ظهور، احیای ارزشها و تقویت مقاومت و پایداری را مورد اشاره قرار داده‌اند (عاملی، ۱۳۹۶:

۹۷). در واقع زائران مبتنی بر تصویری که از پیادهروی اربعین دارند در آن شرکت میکنند و این تصورها متاثر شرایط سیاسی و اجتماعی یا امور مذهبی و یا توأمان هر دو باشد. بنابراین ساختارهای ذهنی و بینالذنهانی بوجود آمده میتواند در نحوه کنش مشارکت کنندگان و هویت جدید تاثیر بگذارد.

پیادهروی اربعین سبب شکلگیری فهم بینالذنهانی نوع و هویتی فراتر از مرزهای ملی شده است که سبب پیوند عاطفی میان زائران بخصوص زائران ایرانی و عراقی گردید که همان هویت جمعی اربعینی است و زائران هنگام برجستهسازی و ابراز این هویت، تفاوت‌های ملیتی میان خود را کنار گذاشته و سعی در نزدیک شدن به یکدیگر از طریق اتحاد حسینی دارند (تاجبخش و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۴).

در واقع باید گفت که پیادهروی اربعین در سالهای اخیر با وجود تنوع فرهنگی، در ایجاد و شکلگیری مبادلات فرهنگی و فهم بین‌الذنهانی مشترک (تقویت ایده‌های غیر مادی، باورها و ارزش‌های مشترک و...) زمینه را برای همگرایی فرهنگی فراهم آورد و از طریق تعامل و تبادل فرهنگی در ساخت اجتماعی و فهم بین‌الذنهانی باعث همگرایی در روابط کشورها و جوامع شیعی و اسلامی گردید و هویت جدیدی را بین آنان در کنار هویت‌های دیگر ایجاد کرد، علیرغم جنگ ایران و عراق میزان تعاملات انسانی، اقتصادی و سیاسی بین این دو کشور بعد از سرنگونی صدام به شدت افزایش پیدا نمود و تخیل و تصوره‌های گذشته که به منازعه و مقابله منتهی میگردد به نوعی در حال فروپاشی و از بین رفتن است. ایرانیان و عراقیها تصورات و تخیلاتی منفی نسبت به یکدیگر به مانند گذشته نه تنها ندارند بلکه با وجود ارتباطات گسترده ذهنیتهای بهتری دارند و با ایجاد و گسترش پیادهروی اربعین به سمت هویت جمعی مشترکی

حرکت مینمایند.

ارتباطات پیونددهنده فرهنگ‌ها و هویت‌ها است، و هویت یک مفهوم ارتباطی در نظام معنایی است و ارتباطات به عنوان دومین طریق در ایجاد هویت و منافع کنشگران از اهمیت بسزایی برخوردار است، زیرا که از طریق ارتباطات مردم معانی، نشانه‌ها و فرهنگ را می‌آموزند. فرهنگ، اساسا به تولید و تبادل معانی در میان اعضای یک جامعه یا یک گروه وابسته است. دو نفر متعلق به یک فرهنگاند، به معنای آن است که آنها جهان را به شیوه‌هایی تقریبا مشابه تفسیر کرده و خود را مینمایانند و افکار و احساسشان راجع به جهان به شیوه‌هایی اظهار میشود که توسط یکدیگر فهم شدنی است و این منجر به ایجاد هویت میگردد (شفیعی وهمکاران، ۱۳۹۳: ۱۴-۱۳). نمادها و نشانه‌ها و دل بستگی به آنها هویت افراد را تحقق میبخشد. و انسانها تمایل دارند که هویت خود را آگاهانه در گروهی خاص جستجو نمایند. تمایل انسانها برای دستیابی به هویت‌های جمعی منجر به پذیرش چندین هویت میشود. چنانکه تعلق همزمان به چند هویت، در هویت هر انسانی با هم میتواند سازش داشته باشند (گلمحمدی، ۱۳۸۱: ۹۱).

پیاده‌روی اربعین که با حضور میلیونی زائران موجبات ارتباطات گسترده‌ای بین افراد، جوامع قومی و فراملی در عرصه جهان اسلام را بوجود آورد. حضور فراملیتی در مراسم پیاده روی اربعین یکی از مسائل جذابی است که در تمامی گزارش‌های خبری مخابره شده از این رویداد بزرگ به چشم می‌خورد. این حضور فراملیتی به قدری پررنگ است که آمارها از حضور اتباع بیش از هشتاد کشور جهان در این رویداد عظیم حکایت دارد (قندی و شکوری، ۱۳۹۵: ۱۱۲). این حضور و ارتباطات موجب شکلگیری هویت جمعی اربعینی به مانند هویت‌های جهان وطنی و اجتماعگرایی گردید که در باز تولید معنا و فهم بینالذنهانی از

طریق ارتباطات و در ایجاد منافع ، همگرایی و صلح نقش بسزایی دارد.

بدون شک یکی از مهمترین عواملی که نقشی مهمی در روابط دوستانه و همگرایی بین کشورها و جوامع شیعی در سالهای اخیر داشته و در رفتار و کنش شیعیان و واکنش مسلمانان ظهور داشته است برگزاری مراسم پیادهروی اربعین میباشد، که موجب ایجاد معنا، ساختارها و فهم بینالذنهانی را در منطقه متحول نموده است و این خود میتواند به همگرایی منطقیهای در جهان تشیع و به واگرایی و منازعه در جهان اسلام تبدیل شود. فهم بینالذنهانی نیروهای همگرا و واگرا در تعیین چگونگی و کیفیت آنها نقش عمدهای دارند، مفاهیم منفک از هم نیستند، بلکه متغیرهایی هستند که دارای پیوندی معکوس و متاثر از هم میباشند. به عنوان نمونه شاید بتوان به تحولات سالهای اخیر در ایران و عراق در آستانه اربعین و پس از آن اشاره نمود که چگونه فهم بینالذنهانی افراد و جوامع ایران و عراق علیرغم وجود ارزشها و هنجارهای مشترک و بخصوص مذهب تشیع، دچار برخی از منازعات و واگرایی داخلی و بینالمللی با حضور بازیگران فراملی و فراملی نسبت به یکدیگر گردید.

پیادهروی اربعین یک پدیده فراملی و تمدنی است هر چند که در جغرافیای سیاسی و اجتماعی عراق شکل گرفته و برگزار میشود، اما افراد آنجا زندگی مؤمنانه و نظمی مؤمنانه را تجربه میکنند. سبک زندگی مؤمنانه دیده میشود و همه با آن نسبت دارند. برادران اهل تسنن و حتی از مذاهب دیگر مثل ارتدوکسها و کاتولیکهای مسیحی هم به این مراسم میآیند و منعی برای ایشان جهت شرکت در این راهپیمایی نیست. این نشان دهنده آن است که راهپیمایی اربعین میتواند با فرهنگهای دیگر نسبت برقرار کند. به دلیل نظام معنایی درون خود که فراتر از جغرافیای خاص است توسط کنشگران قابل مصادره نیست ولی

همه کنشگران فروملی، ملی و منطقهای از آن بهره بردند. پیادهروی اربعین در سطح سیاسی طرح خاورمیانه آمریکا را به هم زد و ملت‌های ایران، عراق، لبنان، سوریه و غیره را در یک ترکیب جدید قرار داد. نه تنها این کشورها تجزیه نشدند بلکه وحدتی مؤمنانه را در راهپیمایی اربعین تجربه کردند (رضا دوست و شهریار، ۱۴۰۱: ۶۷).

بنابراین همانگونه که پیادهروی اربعین در ایجاد فهم بینالذلهانی میتواند فرصتهایی را ایجاد نماید و موجبات همگرایی در عین تنوع فرهنگی گردد عکس آن نیز محتمل است. زیرا فهم بینالذلهانی افراد و جوامع نقش بسزایی در شکلگیری هویت و تغییر فرهنگی جهت همگرایی یا واگرایی دارد. پس برای رسیدن به جامعه و منطقه امن نیازمند تغییر فهم بینالذلهانی زائران، مشارکتکنندگان و کارگزاران میباشیم که پیادهروی اربعین این فرصت را با وجود تنوع فرهنگی و تبادل فرهنگی مهیا نموده است تا هویت جمعی جدیدی مبتنی بر ارزشهای مذهبی، اسلامی و انسانی شکل گیرد که فراتر از مرزهای ملی است.

فهم بینالذلهانی زائران، مشارکت کنندگان و کارگزاران در کنشهای بیرونی به صورتهای گوناگون میتواند تحقق یابد که میتوان از کارکردهای پیادهروی اربعین برشمرد:

#### ۴. افزایش آگاهی

مهمترین بخش زیارت اربعین، بیانگر هدف بزرگ قیام و شهادت آن حضرت است: «و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة و حیره الضلالة» خداوند! حسین خون قلب خویش را در راه تو نثار کرد تا بندگان را از جهالت و حیرت گمراهی، نجات بخشد (زیارت اربعین). پیادهروی اربعین با تولید نظام معنایی

خود در اثر ارتباطات موجب افزایش آگاهی اشتراکات بینادذهنی مشارکتکنندگان با خود و دیگران در عرصه جهان تشیع و اسلام میشود. برخی تجربه دینی (پیداهروی اربعین) را دارای سه ویژگی برشمردهاند: نخست اینکه متضمن آگاهی از امر متعالی است دوم اینکه شخص مذهبی به امر متعالی به عنوان غیرخودش آگاهی دارد و سوم اینکه احساسی از خضوع و خشوع در برابر امر متعالی تجربه میکند، آگاهی به خدا و امام در سرتاسر این پیداهروی موج میزند و موجب خضوع و خشوع نسبت به تعامل و ارتباط با همه عناصر و افراد در این راه میگردد (رضادوست و شهریار، ۱۴۰۱: ۶۷) که منجر به تولید معانی بینالادذهانی با افراد و احساس هویت و منافع مشترک در ارزشها و آرمانها میشود. همین آگاهی و معانی بینادذهنی موجب هویت جمعی و همگرایی و کاهش منازعات فردی، فروملی و فراملی در عرصه کنشگران اجتماعی و منطقیهای میگردد.

##### ۵. ارتباط اجتماعی عامل اعتماد اجتماعی

تعلق هویتی و تقویت سرمایه اجتماعی؛ میزان شناخت و نحوه ادراک افراد یک جامعه از یکدیگر مبنای اصلی تعامل آنها با یکدیگر است. اینکه ما دیگران را چگونه مورد فهم و ارزیابی قرار می دهیم نقش شایان توجهی در برقراری ارتباط، دوری گزیدن و یا نفی و حتی حذف دیگران دارد. اصولاً انسانها در قبال دیگران همانگونه رفتار میکنند که میاندیشند «بایدها» متأثر از نقش ذهنیت و جهتگیریهای ذهنی خود، چیزهایی را میبینند، که ببینند، ترکیب شناختها (اعتقادات و باورها)، احساسات (هیجانها و عواطف) و آمادگی برای عمل (تمایلات) نسبت به پدیدههای معین و دیگران در چگونگی کنش و واکنش ما تأثیر قابل ملاحظه ای دارد (رضادوست و شهریار، ۱۴۰۱: ۷۸). اعتماد اولین جزء سرمایه اجتماعی محسوب میگردد. وجود ارتباطات بینالادذهانی در شکلگیری و گسترش

اعتماد اجتماعی بین گروهها و اجتماعات امری بدیهی است. پیادهروی اربعین در سالهای اخیر در تعمیق و ایجاد اعتماد اجتماعی بین جوامع شیعی و مسلمانان نقش بسزایی داشته است و موجب ارتباطات و تعاملات بیشتر کنشگران با افراد در عرصه فروملی و فراملی گردیده است. میتوان به پدیده موکبهای در اربعین توجه کرد که افراد عراقی و ایرانی با هم آن را شکل دادند. بنابراین میتوان حضور فعال و ارتباط موثری که در پیادهروی اربعین بین زائرین شکل میگیرد را به نوعی اعتماد اجتماعی تعبیر کرد که از حس اعتماد بین آنها سرچشمه میگیرد.

## ۶. اتحاد در عقاید و رفتار عامل تقویت هویت دینی

در راهپیمایی بزرگ اربعین همسانیها و اشتراک افراد حاضر از مناطق مختلف جهان یک احساس و هویت مشترکی را میان حاضران پررنگ میکند که افراد در موطن خود کمتر با این حجم و تعداد از افراد دارای اندیشه و احساس و باور مشترک روبرو بودهاند. احساس لذت "ما" بودن و کثرت و پرشماری میان افراد متعلق به یک هویت در نهادینگی و تثبیت آن هویت کمک شایانی میکند. در اربعین توجه به مسیر و مقصد احساس تعهد و باور نسبت به قیام سالار شهیدان زنده نگه داشتن یاد امام حسین علیه السلام به منزله احیاگر دین اسلام به تقویت هویت دینی و فرهنگ حسینی و حماسی کمک شایانی می کند (پژوهش خبرگزاری صدا و سیما، ۱۳۹۶/۸/۱۵). این باورها و ارزشها همان نظام معنایی و بینادهنی بین کنشگران است که عامل تقویت هویت دینی بین کنشگران میباشد.

نفس تجمع و همافزایی و همدلی و همگرایی شیعیان در این واقعه عظیم که از کشورهای مختلف و قارههای مختلف راهی عراق شده و در کنار هم هستند و موکبهای عراقی و ایرانی بدون نگاه به ملیت و نژاد و زبان به هم مهر میورزند،

زمینه‌های اتحاد هر چه بیشتر مذهبی و تقویت هویت مذهبی شیعه را رقم می‌زند. پدیده اربعین در حیث اجتماعی و متشکل کردن بر اساس انگیزه‌های دینی و ایجاد وحدت میان شیعیان در طول تاریخ بی‌بدیل است و اینکه تفاوت‌ها رنگ می‌بازد و اشتراک‌های دینی و حرکت حول شعار "لبیک یا حسین" همه اختلافات و مجادلات را به حاشیه می‌راند (استادیان، ۱۳۹۸/۷/۲۷). بنابر این می‌توان اتحاد در عقاید و رفتار در شکل‌گیری "هویت اربعینی" موثر دانست و آن را به عنوان یکی از عوامل انتقال فرهنگی بین زائران به حساب آورد.

## ۷. پیاده‌روی اربعین، همگرایی و صلح

همگرایی به معنای ادغام و ترکیب شدن اجزاء در یک کل است، همگرایی در درون واحدهای فروملی، ملی و فراملی قابل بررسی است، همگرایی را هرچند که به عنوان فرایند در نظر می‌گیرند ولی بصورت وضعیت نیز میتوان تعریف نمود، وضعیت یعنی شرایطی که در آن کنشگران به یک اجتماع جدیدی میرسند. فرایندی بودن همگرایی مبتنی بر داوطلبانه و اجماع میباشد (ایوانز و نونام، ۱۳۸۱: ۳۸۴) نظریه‌های همگرایی غالباً پروسه آغاز همگرایی را از مبادلات تجاری و اقتصادی دو یا چند جانبه برمی‌شمرند و به حوزه‌های دیگر گسترش میدهند.

در روابط بین‌الملل، یکی از شرایط لازم برای همکاری، ارتباطات است که به مذاکرات، همکاری و همگرایی منتهی میگردد. از نظر کارل دوئیچ، ارتباطات شکل‌دهنده و هویتبخش جوامع انسانی است. به نظر وی جریان شدید ارتباطات میان ملتها و دولتها میتواند به تدریج به پیدایش جامعه سیاسی - جهانی منتهی شود، ارتباطات نقش بزرگی در نزدیکی جوامع بازی میکند. بنابراین هر چه ارتباطات بیشتر باشد جوامع بیشتر به هم نزدیک میشوند (کاظمی، ۱۳۷۰: ۱۴۹).

۳۸) برخی چون ارزست هاس زمینه همگرایی را منوط به منافع رهبران سیاسی میدانند، در صورتی که روند همگرایی به نفع آنان نباشد با آن مخالفت میکنند (سیفزاده، ۱۳۷۶: ۳۰۹-۳۰۵).

نظریه‌های همگرایی با نگاهی کارکردگرایانه، به نقش فرهنگ در عرصه روابط بین‌الملل فعال هستند. بر مبنای این نظریات امکان از بین رفتن مرزهای سیاسی دولت‌های ملی فراهم میشود و موجودات سیاسی جدیدی که پاره‌ای از اختیارات و صلاحیت‌های دولت‌های ملی به آن‌ها تفویض شده، شکل می‌گیرند. در این نظریه‌ها، ضرورت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی تشریح می‌شود که نشان می‌دهند نیازهای جدیدی ظهور و بروز یافته‌اند که دولت‌های ملی توان برآورده ساختن آن‌ها را ندارند. لذا زمینه به وجود آمدن نهادهای فراملی پدید می‌آید که توان و امکان برآورده ساختن نیازهای تازه را داشته باشند. درحقیقت، فرآیند همگرایی از پیدایش نیازهای جدید آغاز می‌شود؛ نیازهای جدیدی موجب می‌گردند وفاداری انسان نسبت به دولت‌های ملی کم‌رنگ شده و به سوی نهادهای فراملی سوق داده شود (سلیمی، ۱۳۷۹: ۷۸-۷۹).

همگرایی ارتباطات و تبادل فرهنگی از مهم‌ترین کارکردهایی است که ممکن است زمینه‌ساز همگرایی منطقه‌ای و جهانی شود و با گسترش ارتباطات فرهنگی نیاز به همفکری و تبادل نظر بیشتر ضرورت پیدا می‌کند. تمایل و علاقه‌مندی ملت‌ها به فرهنگ‌های یکدیگر باعث فروریزی دیوار میان آن‌ها می‌شود و بستر همکاری‌های نوین فرهنگی پدید می‌آید و این نکته نشانگر نقش، جایگاه و اهمیت فرهنگ در گسترش همکاری و همفکری بین‌المللی و نیز زمینه‌سازی برای همگرایی ملت‌هاست (امیری و محمدی، ۱۳۸۹: ۲۰۱-۲۰۰).

برای همگرایی فرهنگی اهدافی چون سیاست همگون‌سازی به منظور ایجاد

یک جامعه بدون تفاوت‌های قومی و کاهش اختلافات فرهنگی و ساختاری در بین گروه‌های قومی را مطرح میکنند. همگون‌سازی در اشکال گوناگون دولت-ملت‌سازی، در اکثر کشورهای جهان به‌وسیله نخبگان فکری و دولت‌ها دنبال شده است؛ فرض آنان بر این بوده که می‌توان هویت جمعی انسان‌ها را به راحتی تغییر و آن‌ها را در یک چارچوب جدید هویتی قرار داد (صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۱۴۲). برخی معتقدند که همگرایی فرهنگی، نوعی همسویی و هم‌نوایی در ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتار تلقی می‌شود (احمدی، ۱۳۸۱: ۲۰۷) و نتیجه همگرایی فرهنگی بی‌تردید نظم است.

اجتماع میلیون‌ها زائر اربعین در محدوده جغرافیایی خاص، با هدف زیارت، باور به قیام آزادیخواهانه امام حسین علیه السلام و تعظیم شعائر مذهب تشیع است. هرچند غیرشیعیان نیز در زیارت اربعین و در مسیر راهپیمایی حاضر میشوند اما درصد اندکی از زائران غیرشیعه هستند و به همین جهت کلیت حرکت اربعین بر مبنای عقاید و باورهای شیعیان شکل می‌گیرد. عقاید مشترک مذهبی در میان زائران منجر به تفاهم فرهنگی در میان آنها میشود. هرچند که زائران از میان اقوام و ملیتهای مختلف در عراق حاضر میشوند و هر یک با سبک زندگی متفاوت و افکار گوناگون در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند اما باور به نهایت مسیر و تلاش برای زیارت کربلا منجر به ایجاد تعاملات گوناگون فرهنگی و زبانی در میان آنها میشود (عاملی، ۱۳۹۶: ۲۰).

هرچند که تعاملات فرهنگی بدون هیچ دستور و برنامه‌های از جانب نهادهای فرهنگی و حاکمیتی عراقی و غیرعراقی شکل می‌گیرد؛ اما برنامه‌های فرهنگی و تبلیغی به ارائه خدمات فرهنگی، ترویج باور و فکر حسینی و آگاهی بخشی به سیل عظیم زائران است، عدم آگاهی کامل نسبت به زمین‌های قیام کربلا

و اهداف امام از قیام در میان عامه زائران متصور است. از این جهت میتوان به راهپیمایی اربعین به چشم فرصتی برای تبلیغ باورهای شیعی حتی در میان شیعیان دانست.

اربعین هرچند گردهمایی بزرگ شیعیان است که باور به اعتقادی واحد، آنها را با یکدیگر متحد میکند اما قطعاً اختلافات زبانی و قومی موجود میان زائران و حتی برخی اختلافات جزئی در باورهای مذهبی و فهم دین منجر به تفاوت زائران میشود. در راهپیمایی اربعین هویت‌های قومی، زبانی، ملی رنگ میبازد و جهان اندیشی در مسیری واحد شکل میگیرد. راهپیمایی بزرگ اربعین وحدت هویتی ایجاد نموده و جلوه‌های از رفق و مدارا در فرهنگ اسلامی است. منسک اجتماعی اربعین از رفق و مدارایی سخن میگوید که با خلق نظام ارزشی جهان شمول موجبات ایجاد زیرسیستم هویت در تمدن نوین اسلامی میگردد (محمدی سیرت، ۱۳۹۵: ۲۲)

حضور میلیونی زائران و شیعیان از سراسر دنیا با هدفی مشترک در این اجتماع و تفاوت‌های قومی، زبانی، نژادی و گرایش‌های فکری گوناگون، همایش اربعین را تبدیل به واقعه‌ای منحصر بفرد نمود. طبعاً حضور انبوه انسانها در محیط جغرافیایی محدود، و در منطقه خاورمیانه که شاهد بروز انواع نزاعها و اختلافات قومی و مذهبی در میان ساکنانش است، با وجود این حجم از اختلافات میتواند محمل مناسبی جهت تضادهای رفتاری باشد (عاملی، ۱۳۹۶: ۲۲).

اما با وجود این تضادها در راهپیمایی اربعین و حضور سنیها و حتی مسیحیان، ایزدیه‌ها، زرتشتیها و... هم به عنوان زائر و هم به عنوان خادم، تماشاگر بزرگترین صحنه ایثار میباشند و مهمترین تحفه آنها از این سفر فرهنگ ایثار است فرهنگی که براساس آن میتوان جهانی زیبا بنا نهاد (جمالی، ۱۳۹۵: ۴۲).

هرگاه تحول و حرکتی براساس مبانی اسلامی در هر نقطه ای از کره زمین انجام گیرد، نمیتواند تنها نظر به درون جامعهی خود داشته باشد و در حصار سرزمینی خاصی به محاصره در آید و بدون شک پیامی فراتر از مرزهای خود ارائه میدهد و درصدد صدور ارزشهای خویش به دنیای خارج برمیآید. منسک اجتماعی عظیم اربعین با ایجاد زیرسیستم تمدنی فرهنگی و هنری که بر ارزش های فطری و جهان شمول بنا شده است، معانی فرهنگی و هنری را خلق میکند که علاوه بر جامعه میزبان، مخاطبانی در سطح تمدنی را هدف گذاری کرده است

## ۸. نتیجهگیری

پیاده روی اربعین که با حضور میلیونها زائر از نقاط مختلف و تنوع فرهنگی، قومیتی و جنسیتی در یک محیط جغرافیایی اتفاق میافتد اما برای خود دارای عناصر معنایی و هویتی است که همه کنشگران را در درون خود تعریف مینماید زیرا که این عناصر و مولفههای معنایی فراجغرافیایی میباشد، فهم بینادذهنی شکل گرفته از این عناصر به کنشگران هویت جدیدی بنام هویت جمعی اربعینی اعطا مینماید که همه افراد در درون این زمان و مکان نسبت به یکدیگر از رفق و مدارا برخوردار هستند و زمینه همگرایی و همدلی و همافزایی را بیشتر مینماید بدون آنکه آنها به زبان مشترک سخن بگویند اما این ارتباطات بینادذهنی در تداوم ارتباط و اعتماد اجتماعی نقش بسزایی ایفا مینماید و موجبات افزایش همکاری در عرصههای اقتصادی و سیاسی را فراهم میآورد.

با توجه به ارتباطات بینادذهنی بوجود آمده در مراسم پیاده روی اربعین و همچنین زیست اجتماعی و چند روزه و تنفس زائرین در فضای معنوی این مراسم بستر مناسبی برای تغییر فرهنگ با توجه گفتمان و کنشگری هایی که در

این مدت دارند به صورت ارادی یا غیر ارادی در حال تحقق میباشد و این زمینه ایجاد صلح و همگرایی را در منطقه و جهان اسلام فراهم مینماید

راهپیمایی اربعین قابلیت بالایی در تقویت و تحکیم شعائر دینی، همبستگی جهان اسلام و همچنین تقویت مقاومت و پایداری جوامع اسلامی در برابر هجمه‌های تبلیغاتی، سیاسی یا نظامی کشورهای متخاصم دارد.

منابع

۱. قاضی طباطبایی، سید محمدعلی (۱۳۶۸) تحقیق درباره اول اربعین سید الشهدا،
۲. افتخاری، لاله (۱۳۹۸) «نقش پیاده‌روی اربعین در تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)»، فصلنامه رهیافت فرهنگ دینی، دوره ۲، ش ۸، صص ۳۱-۵۸.
۳. تاجبخش، غلامرضا (۱۳۹۹) «پیاده‌روی اربعین و ابعاد تربیتی آن»، فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی، سال هفتم، ش ۵۴.
۴. غفاری هاشجین، زاهد؛ آقایی، محمد (۱۳۹۷) «پیاده‌روی اربعین حسینی به مثابه جنبش اجتماعی»، دو فصلنامه دانش سیاسی، سال چهاردهم، ش ۲۷، صص ۱-۲۱.
۵. اکوانی، عباس (۱۳۹۹) «بررسی تاثیر راهپیمایی اربعین حسینی در ترویج فرهنگ حسینی و تمدن شیعی»، مجله نخبگان علوم و مهندسی، شماره ۲۶، صص ۱۳۱ تا ۱۳۸.
۶. عاملی، سعیدرضا (۱۳۹۶)، تحلیل پیمایش راهپیمایی اربعین حسینی: ظرفیتها، چالشها، نمادها و معانی، مرکز پژوهشی سیاستهای فضای مجازی دانشگاه تهران.
۷. سامانی، سید محمود (۱۳۹۷)، «کارکردهای سیاسی-اجتماعی و فرهنگی اربعین حسینی»، فصلنامه فرهنگ زیارت، ش ۳۵.
۸. غیاثی، هادی و همکاران (۱۳۹۹) «دیپلماسی فرهنگی آیین پیاده‌روی زیارت اربعین؛ ابعاد و راهبردها»، دو فصلنامه سیاست و روابط بینالملل،

دوره چهارم، ش ۷.

۹. ستوده، محمد (۱۳۸۷) «جهانی شدن و همگرایی کشورهای اسلامی»، فصلنامه علوم سیاسی، دوره یازدهم، ش ۴۲.
۱۰. امامی، سیدمجید؛ غیاثی، هادی (۱۳۹۶) « همگرایی تمدنی در طریق زیارت؛ با تاکید بر پیاده روی زیارت اربعین»، دو فصلنامه دین و سیاست فرهنگی، دوره چهارم، ش ۹.
۱۱. طاهرخانی، عبدالله؛ سوادیان، پروین؛ شریفی، منصور (۱۴۰۰)، «راهپیمائی اربعین نمادی از شکل‌گیری هویت جمعی مسلمانان»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره نهم، ش ۱۸.
۱۲. دلاوری، رضا (۱۳۸۶). « نظریه برساخت گرایی در روابط بینالملل»، تاریخ نگارش ۱۳۸۶/۰۸/۰۷ در: [www.Delawari46.blogfa.com](http://www.Delawari46.blogfa.com)
۱۳. سلیمی، حسین؛ عیوضزاده، حسن (۱۳۹۵)، «مبانی نظری تداوم ناتو پس از جنگ سرد»، فصلنامه مطالعات روابط بینالملل، سال نهم، ش ۳۵.
۱۴. گریفتس، مارتین (۱۳۸۸) دانشنامه روابط بینالملل، ترجمه علیرضا طیب، نی، تهران.
۱۵. قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۸۸)، روابط بینالملل نظریه‌ها و رویکردها، چاپ سوم، سمت، تهران.
۱۶. مشیرزاده، حمیرا؛ طالبی، روح‌الله (۱۳۹۳)، نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ دوم، میزان، تهران.
۱۷. کوئن بروس (۱۳۸۶)، درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ هشتم توتیا، تهران.

۱۸. قندی، سید محسن؛ شکوری، میثم (۱۳۹۵)، «شهر اربعین (مدینه الاربعین) رهیافتی نو به مفاهیم آرمانشهر شیعی»، مطالعات مسجد و مهدویت، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان.

۱۹. رضادوست، کریم؛ شهریاری، مرضیه (۱۴۰۱)، «بررسی پتانسیل و بسترهای مناسک زیارتی بر اساس فهم نظام معنایی مشارکت کنندگان در پیادهروی اربعین»، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۱۶، ش ۴ تابستان.

۲۰. تاجبخش، غلامرضا؛ حسینی، محمدرضا؛ موسوی، انتصار (۱۳۹۸)، «مطالعه کیفی الگوی ابراز هویت ایرانیان و عراقیها در آئین پیادهروی اربعین»، فصلنامه نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، سال نهم، ش ۲، پاییز و زمستان.

۲۱. شفیع، نودر؛ پایفرد، کیانوش؛ مرادی، مجید (۱۳۹۳)، «تکنولوژی ارتباطات؛ هویت و صلح»، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، سال نهم، ش ۲۱.

۲۲. گل محمدی، احمد (۱۳۸۱). «فرهنگ، تهاجم، تبادل و تحول»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۶.

۲۳. پژوهش خبرگزاری صدا و سیما. (۱۳۹۶ / ۸ / ۱۵)، بررسی راهپیمایی اربعین از منظر جامعه شناسی سیاسی.

۲۴. <https://www.iribnews.ir/fa/news/1886062>

۲۵. استادیان، علیرضا (۱۳۹۸/۷/۲۷)، مبانی تاثیرات جامعه شناختی پیاده روی اربعین حسینی. <https://www.pana.ir/news/961723>

۲۶. ایوانز، گراهام؛ نونام، جفري (۱۳۸۱)، فرهنگ روابط بینالملل، تهران،

میزان.

۲۷. کاظمی، سید علی اصغر (۱۳۷۰)، نظریه همگرایی در روابط بینالمللی تجربه جهان سوم، تهران، چاپ پیک ایران.
۲۸. سیفزاده، سید حسین (۱۳۷۶)، نظریه پردازی در روابط بینالملل مبانی و قالبهای فکری، تهران، سمت.
۲۹. سلیمی، حسین (۱۳۷۹)؛ فرهنگ‌گرایی، جهانی شدن و حقوق بشر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۳۰. صالحی امیری، رضا؛ محمدی، سعید (۱۳۸۹)، دیپلماسی فرهنگی، تهران، ققنوس.
۳۱. صالحی امیری، رضا؛ (۱۳۸۸)، انسجام ملی و تنوع فرهنگی، چاپ دوم، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۳۲. محمدی سیرت، حسین (۱۳۹۵)، «اربعین منسک اجتماعی در قواره ای تمدنی: ظرفیتهای و زیر سیستمهای تمدنی»، فصلنامه مسجد ومهدویت، ش ۲، پاییز و زمستان.

# مبانی قرآنی راهپیمایی اربعین حسینی

دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی  
استاد جامعه المصطفی العالمیه

@drmarezaei



## چکیده

این نوشتار بر آن است که با روش‌های تفسیری و حدیثی و تحلیل تاریخی روشن سازد پدیده عظیم راهپیمایی اربعین جهت زیارت امام حسین (علیه السلام) مبانی قرآنی دارد، همان طور که مبانی حدیثی دارد (احادیث مربوط به ثواب گام زدن جهت زیارت امام حسین (ابن مشهدی، ص ۳۴۰)

و احادیث زیارت اربعین که آن را نشانه مؤمن شیعی معرفی کرد( عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۳۷؛ اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۱۰۰)، در مورد مبانی قرآن راهپیمایی اربعین می‌توان به آیات شعائر الله (حج/ ۳۲)، ایام الله (ابراهیم/ ۵)، ولایطیئون موطأً (توبه/ ۱۲۰)، مهاجراً الی الله (نساء/ ۱۰۰)، نصرت اللہی (محمد/ ۷)، یاری مظلوم (اسراء/ ۳۳) و نیز آیات مربوط به جایگاه تکوینی اربعین «فلما بلغ اربعین» (احقاف/ ۱۵) و ارزش عبادی اربعین (اربعین لیلہ (اعراف/ ۱۴۲) اشاره کرد.

**کلید واژه‌ها:** قرآن، اربعین، امام حسین، راهپیمایی اربعین، عراق، شیعه.

## الخلاصة

يهدف هذا المقال الى توثيق الأسس القرآنية لمسيرة أربعينية الإمام الحسين (عليه السلام) من خلال الدراسات القرآنية والروائية والتحليل التاريخي، فكما أنها لها أسس روائية ( كروايات ثواب المشي الى لزيارة الإمام الحسين (عليه السلام) والروايات التي تجعل زيارة الأربعين من علامات المؤمن الشيعي ) فلتوثيق أسسها القرآنية يمكن الإشارة إلى آيات الشعائر الإلهية (الحج / ۳۲) وأيام الله (ابراهيم / ۵) و

لا يطئون موطأ (التوبة / ١٢٠) ومهاجرا الى الله (النساء/ ١٠٠) والنصر الإلهي ( محمد / ٧) والوقوف مع المظلوم (الإسراء / ٣٣) وكذلك الآيات التي تبين مكانة الأربعين التكوينية ( فلما بلغ أربعين ) ( الأحقاف / ١٥) والقيمة العبادية للأربعين ( أربعين ليلة ) (الأعراف / ١٤٢) .

الكلمات المفتاحية : القرآن، الأربعين، الإمام الحسين عليه السلام، مسيرة الأربعين، العراق، الشيعة

## Abstract

This article aims to clarify with interpretive and hadith methods and historical analysis the great phenomenon of the Arbaeen pilgrimage to visit Imam Hussaing has Quranic foundations, as well as hadith foundations (the hadiths related to the reward of walking towards the pilgrimage of Imam Hussain and the hadiths of the Arbaeen pilgrimage which introduced it as a sign of a Shia believer), regarding the Quranic foundations of the Arbaeen procession, we can refer to the verses of Sha'a'er Allah (Hajj/32), Days of God (Ibrahim/5), Valaitayoun Mota'ah (Toba/120), and Muhajire to Allah (Nisa'/100). ), Nusrat Allahi (Muhammad/7), Yari Mazloun (Isra'/33) and also the verses related to the formative position of Arba'in "Falma Balgh Arba'in" (Ahqaf/15) and the devotional value of Arba'in (Forty Nights (A'raf/142).

Keywords: Quran, Arbaeen, Imam Hussein, Arbaeen procession, Iraq, Shia.

## مقدمه

راهپیمایی بین‌المللی «اربعین» (سالگرد چهلمین روز شهادت امام حسین (ع) به عنوان بزرگترین راهپیمایی مذهبی در کره زمین، از جهات مختلف می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد، از جمله از نظر مبانی قرآنی، مبانی حدیثی، سیر تاریخی، مردم‌شناسی (نقش مردم و پیروان مذاهب و ادیان و ملیت‌ها در اربعین)، مراسم مذهبی (جایگاه خاص آن در مراسم مذهبی شیعه)، اهل بیت‌شناسی (جایگاه امام حسین (ع) و اربعین او)، آثار تکوینی و تشریحی عدد چهل، آثار تربیتی و اجتماعی و سیاسی اربعین و ... لیکن در این نوشتار بر آنیم که مبانی قرآنی این پدیده عظیم بشری را بررسی کنیم.

## مفهوم‌شناسی

۱- واژه «اربعین» به معنای «چهل» است که در اینجا مقصود چهلمین روز بعد از شهادت حضرت حسین بن علی بن ابی‌طالب (ع) امام سوم شیعیان است که در سال ۶۳ق واقع شده سپس در طول تاریخ ساگرد این روز با عنوان «اربعین» نامیده شد و در عصر ما هر سال در کشور عراق راهپیمایی عظیم بشری از شهرها و کشورهای مختلف به سوی کربلا صورت می‌گیرد.

۲- واژه «مبانی» واژه مبانی در لغت از «بنا» مشتق شده است و به معنای «پایه، پی‌نهاد، بنیاد و زیرساخت» می‌آید. (لسان العرب، ج ۱، ص ۵۰۶؛ مقایس اللغة، ج ۱، ص ۳۰۱؛ فرهنگ معین، ج ۳، ص ۳۷۷۶؛ لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۲، ص ۱۷۷۴۱)

معادل این واژه در انگلیسی Fundamentals به معنای پایه‌ها، شالوده‌ها و اصول بنیادین آمده است. (فرهنگ معاصر هزاره، ج ۱، ص ۶۳۷) پس معنای

مبانی در فارسی، عربی و انگلیسی همخوان است.

- در اینجا مقصود از مبانی، آیاتی است که عناوین و قواعد کلی را بیان می‌کند و راهپیمایی اربعین می‌تواند مصداق آن آیات قرار گیرد و مطلوبیت این پدیده عظیم بشری را نشان دهد. یعنی آن عناوین کلی در قرآن به عنوان پیش فرض پذیرفته شده و مبنای مصداق جدید در هر عصر از جمله مراسم اربعین قرار می‌گیرد.

## پیشینه

چهلمین سالروز شهادت حضرت حسین بن علی بن ابی طالب g امام سوم شیعیان را «اربعین» نامیده‌اند که اولین زائر آن صحابی جلیل پیامبر اسلام a، جناب جابر بن عبدالله انصاری بود، زیارت اربعین مورد توجه اهل بیت b بوده تا آنجا که یکی از نشانه‌های مؤمن شیعی نامیده شده است. («نشانه‌های مؤمن پنج چیز است: اول: نماز پنجاه و یک رکعت (واجب و نافله در طول شبانه روز)). سپس در طول تاریخ زیارت امام حسین g در این روز مورد توجه شیعیان قرار گرفته است.

آنگاه با عنایت به روایاتی که در مورد ثواب قدم زدن برای زیارت امام حسین (علیه السلام) وارد شد، (ابن مهدی، ص ۳۴۰).

شیوه راه‌پیمایی از شهرهای مختلف به سوی کربلا برای زیارت اربعین در عراق مرسوم شد که در دهه‌های گذشته عمدتاً توسط علمای شیعه از نجف به کربلا صورت می‌گرفت و بعد از فروپاشی رژیم بعث عراق، این راهپیمایی به یک میثاق عظیم شیعیان سراسر جهان تبدیل شد.

در مورد «اربعین» کتاب‌ها و مقالات متعددی نگارش شده که به صورت

- خاص یا عام به مراسم اربعین یا زیارت اربعین امام حسین e اشاره دارد از جمله:
- مجموعه مقالات اربعین، جمعی از نویسندگان، پژوهشکده حج و زیارت، نشر معارف، ۱۳۹۴ش.
- باخاندان وحی، از عاشورا تا اربعین، حشمت الله قنبری همدانی، ناشر: امیرکبیر
- چکیده مقالات دومین همایش علمی بین‌المللی اربعین/
- پیاده تا بهشت : سفرنامه‌ی اربعین حسینی، جواد محمدزمانی؛ تهیه شده کمیته فرهنگی- آموزشی ستاد مرکزی اربعین، تهران: نشر مشعر
- اربعین حدیث، تألیف نورالدین عبدالرحمن جامی، تحقیق علی‌اکبر ضیائی، تهران: انتشارات بین‌المللی امین،

## روش‌شناسی

در این نوشتار از روش‌های تفسیر قرآن به ویژه «روش تفسیر روایی» (منطق تفسیر قرآن (۲)، (از نگارنده (مبحث روش‌های تفسیری) و نیز از قواعد تفسیری به ویژه قاعده «جری» و نیز قاعده «بطن‌گیری» به شیوه آیت الله معرفت e (منطق تفسیر قرآن (۲)، (از نگارنده (مبحث روش‌های تفسیری) استفاده می‌شود. البته از تحلیل تاریخی و متنی نیز بهره می‌بریم. آیاتی که در این نوشتار مورد استفاده قرار می‌گیرد گاهی قواعد کلی است و گاهی در مورد اقوام و انبیای گذشته نازل شده که بعد از الغای خصوصیت، پیام کلی آیه اخذ می‌شود و بر راهپیمایی اربعین به عنوان یک مصداق جدید آن تطبیق می‌شود. این شیوه در بین علما و مفسران معاصر مرسوم است و تحت عنوان قاعده «جری» یا «بطن‌گیری» یا «پیام‌گیری» از آن یاد می‌شود. (تفسیر قرآن مهر، از نگارنده، جلد اول، مقدمه مؤلف).

البته برخی آیات مورد استناد نیز به ارزش تکوینی یا عبادی عدد «چهل»

اشاره دارد که به شیوه تداعی معانی از آنها در مورد اربعین الهام‌گیری می‌شود تا ارزش عدد «اربعین» نشان داده شود.

## اول: راهپیمایی اربعین مصداق عناوین کلی آیات

برخی آیات قرآن دارای عناوین و قواعد کلی است که در طول اعصار مصادیق متعدد پیدا می‌کند. از این‌رو راهپیمایی اربعین می‌تواند مصداق برخی از این آیات قرار گیرد و مبنای مطلوبیت این پدیده عظیم بشری باشد.

الف: راهپیمایی اربعین از شعار الله و نشانه تقوای دل

(وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ) (حج/ ۳۲)؛ «و کسانی که نشانه‌های خدا را بزرگ می‌شمارند، پس در واقع، این (کار آنان حاکی) از خود نگه‌داری دل‌هاست».

نکات تفسیری

۱. واژه‌ی «شعائر» در اصل به معنای علامت و نشانه است که شامل برنامه‌های کلی الهی، می‌شود که انسان را به یاد خدا و عظمت دین او می‌اندازد. در برخی آیات قرآن، شتر قربانی حج و صفا و مروه از شعارهای الهی شمرده‌اند. (حج آیه‌ی ۳۶ و بقره، آیه‌ی ۱۵۸).

۲. در این آیه بیان شده که بزرگ‌داشت شعارها و نشانه‌های الهی، نشانه‌ی تقوای دل است. البته بزرگ‌داشت این نشانه‌ها آن است که موقعیت این شعارها را در افکار و اذهان عمومی بالا ببرند و آنچه در خور احترام و عظمت آنهاست به جای آورند.

۳. مقصود از تقوای دل، همان پارسایی درونی انسان است؛ یعنی بزرگ‌داشت

نشانه‌های الهی، به قصد و نیت انسان وابسته است. وقتی دل انسان خود نگه‌دار و پارسا شد، بروز عملی پیدا می‌کند و تقوای روح و احساس مسئولیت انسان در برابر فرمان‌های الهی، در جسم و اعمال او تبلور می‌یابد. پس احترام و بزرگ‌داشت شعارهای الهی، نشانه‌ی تقوای درونی است. ( مهر، ذیل آیه ۳۲ حج).

۴. مفسران قرآن در مورد آیات چند تفسیر ارائه کرده‌اند:

الف) نخست آن که مقصود از شعارهای الهی همان حیوانات قربانی حج است که خدا اجازه داده تا فرا رسیدن زمان قربانی از منافع آنها استفاده کنید، سپس در مکه آنها را قربانی نمایید.

ب) دوم آن که مقصود از شعارهای الهی، مجموع مناسک حج است که برای شما تا قیامت در آنها منافی وجود دارد. سپس شخص مُحَرَّم، پس از انجام اعمال حج و طواف نساء، در کنار خانه‌ی کعبه از احرام بیرون می‌آید. ج) سوم آن که مقصود از شعارهای الهی، مجموع برنامه‌های چشم‌گیر اسلام است که خدا تا پایان جهان در آنها برای شما منافی قرار داده است. سپس پاداش شما بر آفریننده‌ی خانه‌ی کعبه است. (تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۰۰).

البته مانعی ندارد که هر سه تفسیر مقصود آیه باشد.

۵. یکی از مصادیق شعائر الهی به معنای برنامه‌های مهم و چشم‌گیر اسلامی که بر اساس روایات شعار و نشانه مؤمنان شمرده شده است («نشانه‌های مؤمن پنج چیز است: اول: نماز پنجاه و یک رکعت (واجب و نافله در طول شبانه روز)). همین راهپیمایی و زیارت اربعین امام حسین ع در عصر حاضر است که از ملیت‌های مختلف در آن شرکت می‌کنند و نماد وحدت مؤمنان و کانون

دوستی و ایثار مردم نسبت به یکدیگر شده است و وحدت و برادری مؤمنان را در برابر چشم جهانیان به نمایش می‌گذارد.

ب: مراسم اربعین یادمان ایام الله (روزهای خدایی)

(وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ) (ابراهیم/ ۵)؛ «و به یقین، موسی را با نشانه‌های (معجزه آسای) مان فرستادیم؛ که قومت را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آور و روزهای خدا را به آنان یادآوری نما؛ [چرا] که حتماً در آن (یادآوری‌ها) برای هر بسیار شکیبای بسیار سپاس‌گزاری، نشانه‌هایی (عبرت‌آموز) است».

۱. تعبیر «ایام الله» (روزهای خدا) به خاطر امتیاز و درخشش خاصی است که این روزها در تاریخ بشریت داشته‌اند؛ مثل روزهای پیروزی پیامبران الهی بر دشمنان و روزهای شکست طاغوت‌ها و سرکشان و روزهایی که خدا نعمت‌های خاص به بندگان داده است. (نمونه، ج ۱۰، ص ۲۷۱-۲۷۲).

۲. در برخی احادیث اهل بیت b بیان شده است که مقصود از «ایام الله»، روز قیام مهدی علیه السلام و روز رجعت و قیامت است و در احادیثی دیگر روز مرگ و روزهای امتحانات الهی ایام الله شمرده‌اند. (خصال، ج ۱، ص ۱۰۸؛ معانی الاخبار، ص ۳۶۵؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۵۲۶).

البته این گونه احادیث بطن آیه و مصداق‌های جدید آن را بیان می‌کنند.

۳. «ایام الله» به معنای یک روز از صبح تا غروب نیست، بلکه گاهی مقصود یک دوره‌ی خاص است و به طور کلی هر روز با عظمتی که فصل تازه‌ای در تاریخ بشریت بگشاید و درس عبرتی به آنان بدهد ایام الله است.

۴. یادآوری خاطرات روزهای سرنوشت‌ساز و یاری خدا در آن روزها، تأثیراتی روانی دارد و ملت‌ها و به ویژه جوانان را با گذشته‌ی پرافتخارشان آشنا می‌سازد و به آنان شخصیت و عزّت می‌دهد و به آینده و یاری خدا امیدوار می‌سازد. (تفسیر قرآن مهر، ذیل آیه).

از این روست که ما روزهای بزرگ تاریخ اسلام را گرامی می‌داریم، (از جمله روزهای مبارزات مجاهدان بزرگی هم‌چون امام حسین علیه السلام و شهادت آن حضرت و یارانش) و هر سال مراسمی در آن روزها برگزار می‌کنیم؛ و در عصر خود دیدیم که یاد این ایام الله چگونه در پیروزی حق‌طلبان انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی قدس سره و پیروزی رزمندگان اسلام نقش‌آفرین بود.

۵. یکی از مصادیق ایام الله، مراسم اربعین امام حسین ع است که به صورت راهپیمایی دسته جمعی مؤمنان هر سال برپا می‌شود و ملت‌ها را به یاد فداکاری امام حسین ع و یاران حضرت می‌اندازد. از این‌رو می‌توان گفت سالروز اربعین حسین ع و راهپیمایی آن، روز خدایی است که از ایام الله شمرده می‌شود. آری همان‌طور که امام حسین ع چراغ هدایت (ابن نما حلی ص ۴؛ بن سلیمان، ج ۴، ص ۵۲). است که مردم را از تاریکی‌های جهل نجات می‌دهد و به سوی نور هدایت می‌کند، (کامل الزیارات، ص ۲۲۸؛ بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۱۷۷).

مراسم اربعین نیز در ظلمات مادیت عصر حاضر نوری است که ملت‌های مسلمان را به سوی خدا هدایت می‌کند.

ج: راهپیمایی اربعین عمل صالح و موجب وحدت مسلمانان و خشم کفار (ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطَؤُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نِيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ) (توبه/ ۱۲۰)؛ «این به خاطر آن است که آنان هیچ تشنگی و رنج و گرسنگی در راه خدا به آنان نمی‌رسد و بر هیچ قدمگاهی که کافران را به خشم آورد، گام نمی‌نهند و به هیچ هدفی (از ضربه و قتل) از دشمن نمی‌رسند، مگر این که به خاطر آن، کار شایسته‌ای برای آنان نوشته می‌شود؛ [چرا] که خدا پاداش نیکوکاران را تباہ نمی‌کند».

۱. در این آیه به هفت مورد از مشکلات مسلمانان در جنگ‌ها اشاره شده، ولی این موارد برخی مصادیق آنهاست و در حقیقت، تمام سختی‌های جهاد پاداش دارد.

۲. این آیه اصول جنگی ذیل را به مسلمانان آموزش می‌دهد:

(الف) از دستور رهبری تخلف نورزید.

(ب) از جان رهبر به خوبی حفاظت کنید.

(ج) در برابر سختی‌ها مقاومت نمایید.

(د) دشمنان کافر را با عملیات خود به خشم آورید.

(هـ) هر گونه سختی که در جهاد تحمّل کنید، (تعبیر «لَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نِيْلًا» در لغت یعنی «هیچ ضربه‌ای بر پیکر دشمن وارد نمی‌سازند، مگر این که در نامه‌ی اعمالشان نوشته خواهد شد.» اما غالب مفسران با توجه به مجموع آیه این گونه معنا کرده‌اند: «مجاهدان هر گونه ضربه‌ای از دشمن ببینند، در نامه‌ی اعمالشان ثبت خواهد شد.)

ثواب کار شایسته‌ای برای شما نوشته می‌شود. (تفسیر قرآن مهر، ذیل آیه).  
 ۳. هر چند که آیه فوق در مورد جهاد نظامی در رکاب پیامبر اسلام است ولی جنگ در هر عصری شکل خاصی به خود می‌گیرد:

- گاهی جنگ نظامی است که گام نهادن در مسیر لشکرکشی و جانبازی می‌طلبد.

- گاهی جنگ فرهنگی است که مبارزه مناسب خود را می‌طلبد مثل راهپیمایی و اجتماع و تبلیغات و ... که در قرآن به عنوان جهاد کبیر از آن یاد شده است. (فرقان / ۵۲)

- گاهی جنگ اقتصادی، سیاسی و ... که مبارزه خاص خود را می‌طلبد.

۴- راهپیمایی و زیارت اربعین در عصر ما، نوعی جهاد فرهنگی در برابر دشمنان اسلام است. این پدیده عظیم بشری که نماد برادری و اخوت مؤمنان است، دشمنان را به خشم می‌آورد به طوری که خشم آنها را در بایکوت تبلیغاتی این راهپیمایی عظیم بشری (که بزرگ‌ترین راهپیمایی مذهبی انسان‌ها در کل کره زمین شمرده می‌شود و هر سال برگزار می‌شود) می‌بینیم که تمام بوق‌های تبلیغاتی غرب و شرق (جز اندکی از خبرگزاری‌ها و رادیو تلویزیون‌های متعهد) چشم خود را بر واقعیت می‌بندند.

آری بر اساس آیه فوق هر کس در راه مجاهدت اسلامی قدمی بردارد که دشمن را به خشم آورد یا ناراحتی و زحمتی را تحمل کند به عنوان عمل صالح برای او نزد خدا ثبت می‌شود و راهپیمایی اربعین حسینی در عصر ما یکی از مصادیق این امر است.

## د: راهپیمایان اربعین مهاجران خدایی

(وَمَنْ يُّهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا) (نساء/ ۱۰۰)؛ «و هر کس که در راه خدا هجرت کند، در زمین مکان‌های [آمن] فراوان و گشایشی خواهد یافت؛ و هر کس [به عنوان] مهاجرت به سوی خدا و فرستاده او، از خانه‌اش به در آید، سپس مرگ او را فرا گیرد، پس به یقین پاداشش بر خداست؛ و خدا، بسیار آمرزنده‌ی مهرورز است».

۱. هجرت يك حکم مخصوص به زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نبوده، بلکه در هر عصر و زمان و مکانی، اگر همان شرایط پیش آید، مسلمانان موظف به هجرت‌اند.

۲. پاداش نیکوکاران همیشه با خداست، اما در این آیه، به خصوص، تصریح شده که پاداش این‌گونه مهاجران بر خدا لازم است. و این نهایت عظمت و اهمیت پاداش مهاجران و لطف خدا به آنان را نشان می‌دهد.

۳. مهاجران در همان گام‌های اول که از خانه خارج می‌شوند، مشمول عنایات الهی می‌شوند، چرا که در آیه نفرمود: «هر کس هجرت کند»، بلکه فرمود: «هر کس از خانه‌اش خارج شود، در حالی که به سوی خدا و پیامبرش هجرت کند». (تفسیر قرآن مهر، ذیل آیه).

۴. مهاجرت در آیه‌ی فوق شامل اقسام مهاجرت (مثل: هجرت برای جهاد، هجرت برای تحصیل علم و تبلیغ اسلام و ...) می‌شود و همه‌ی این‌ها مصداق آن است. (تفسیر نور، ج ۲، ص ۴۲۱).

۵. حرکت برای حضور در راهپیمایی زیارت اربعین امام حسین ع می‌تواند یکی از مصادیق آیه فوق باشد که کسی از خانه خویش به سوی خدا و برای تعظیم

شعار الهی و اخوت و وحدت اسلامی و بزرگداشت شهدای کربلا و تبلیغ راه حق آنها حرکت می‌کند. آری راهپیمایان اربعین، مهاجران خدایی هستند که اگر در این مسیر گرفتار حادثه و فوت شوند پاداش آنها با خداست.

هـ: مراسم اربعین یاری خدا (کمک به دین خدا و اهل بیت پیامبر)

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ) (محمد/ ۷)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر (دین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد».

۱. در این آیه بر مسئله‌ی ایمان تکیه شده است؛ یعنی اگر کسی مؤمن باشد لازمه‌ی ایمانش آن است که خدا را یاری کند.

۲. یکی از قوانین و سنن الهی این است که هر کس خدا را یاری کند خدا نیز او را یاری می‌کند.

۳. خدا قدرتمند و شکست‌ناپذیر است، پس نیاز به یاری ندارد و مقصود از یاری خدا، یاری دین خدا و پیامبر اوست که در حقیقت یاری حق و نوعی تلاش در راه کمال بشریت است.

۴. اگر کسی خدا را یاری کند، خدا نیز او را یاری می‌رساند؛ یعنی از راه تابش ایمان بر قلب او و تقویت روح تقوا و اراده و ایجاد آرامش در فکر او و با فرستادن فرشتگان او را یاری می‌کند (فصلت/ ۳۰). و جریان حوادث و قلوب مردم را به سوی یاری‌گر خویش متمایل می‌کند و سخنان او را نافذ و گام‌های او را ثابت قدم و استوار می‌گرداند. (تفسیر قرآن مهر، ذیل آیه).

۵. ثبات قدم یکی از مهم‌ترین عوامل پیروزی در برابر دشمن است که به توفیق الهی نیاز دارد و این توفیق را خدا به یاری‌گران خود می‌دهد تا بر دشمن پیروز شوند. (بقره/ ۲۵۰).

۶. امام حسین (ع) هدف قیام خود را اعتلای کلمه الله و عزت شریعت اعلام کرد (موسوعة کلمات الامام حسین، ص ۳۳۶ و ۳۳۷). و با شهادت خود در یاری دین خدا پیشگام شد و در همین راستا کسانی که در راهپیمایی زیارت اربعین شرکت می‌کنند پاسداشت این فداکاری و یاری دین می‌کنند و در حقیقت راهپیمایان اربعین یاری گران خدا، دین الهی، پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت (ع) به ویژه امام حسین (ع) هستند. از این رو مصداق آیه فوق می‌شوند و نصرت الهی و ثبات قدم به آنها عطا می‌شود.

و: راهپیمایی اربعین یاری مظلوم

(وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا) (اسراء / ۳۳)؛ «و شخصی را که خدا (خونش را) حرام کرده، جز به حق، نکشید؛ و هر کس که مظلومانه کشته شده، پس برای سرپرستش تسلطی (بر قصاص) قرار دادیم؛ و [لی] در قتل زیاده روی نکند؛ [چرا] که او یاری شده (ی خدا) است».

۱. ریختن خون انسان‌ها و قتل از مسایلی است که همه‌ی قوانین بشری و ادیان الهی از آن منع کرده‌اند و در اسلام یکی از گناهان بزرگ به شمار می‌آید. حتی در قرآن کشتن يك انسان همانند کشتن همه‌ی انسان‌ها شمرده شده است. (مائده / ۳۲)

البته احترام خون انسان‌ها در اسلام مخصوص مسلمانان نیست و حتی کافرانی که به صورت صلح‌آمیز در کشورهای اسلامی زندگی می‌کنند، جانشان محترم و مورد حمایت است.

۲. اگر کسی مرتکب قتل یا گناهی بزرگ شود، احترام خون او از بین می‌رود و

لازم است که برای جلوگیری از کشتارهای بعدی، قصاص شود. قرآن کشتن قاتل را کشتن به حق می‌نامد.

۳. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام روایت شده که این آیه در مورد امام حسین علیه السلام است. (کامل الزیارات، ص ۶۳؛ عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۱ و کافی، ج ۸، ص ۲۵۵؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۰).

البته روشن است که این گونه احادیث یکی از مصادیق بارز مظلوم کشته شده را مشخص می‌سازد.

۴. در احادیث از امام علی (ع) نقل شده که فرمودند: «كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا»؛ (صالح، ص ۴۲۱). «یاور مظلوم و دشمن ظالم باشید».

بنابراین وظیفه هر مسلمانی است که مظلوم را به هر صورتی از جمله با اجتماع و شعار و تبلیغات یاری کند تا دشمنانش رسوا گردند و با توجه به اینکه امام حسین (علیه السلام) از مصادیق بارز «مظلوم» در آیه فوق است، بر همه ما لازم است او را یاری رسانند و راهپیمایی عظیم اربعین یکی از راه‌های یاری‌گری آن حضرت است که دشمنان را در طول تاریخ رسوا می‌کند.

آری راهپیمایی زیارت اربعین، فریاد مظلومیت سید الشهداء است.

ز: اربعین مظهر وحدت اسلامی و عواطف ایمانی

(وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ) (آل عمران/ ۱۰۳)؛ «و همگی به ریسمان خدا، تمسک جوید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خودتان، به یاد آرید، آن‌گاه که دشمنان (یکدیگر) بودید، و [او] میان دل‌های

شما آفت انداخت، پس به (برکت) نعمت او، برادران (هم‌دیگر) شدید. و شما بر کنار حفره‌ای از آتش بودید و شما را از آن نجات داد. این‌گونه، خدا نشانه‌هایش را برای شما روشن بیان می‌کند؛ تا شاید شما راهنمایی شوید».

۱. مقصود از «ریسمان الهی» هرگونه وسیله‌ی ارتباط با ذات پاك خداست و روایات متعددی از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در این مورد حکایت شده است.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام سجاد علیه السلام حکایت شده که مقصود از حبل الله همان قرآن است؛ (الدر المنثور، ج ۲، ص ۶۰؛ معانی الاخبار، ص ۱۳۲؛ نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۷۶). از امام باقر علیه السلام حکایت شده که ریسمان الهی، علی علیه السلام، یا آل محمد صلی الله علیه و آله هستند؛ (عیاشی، ج ۱، ص ۱۹۴؛ نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۷۷؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۸۰۵؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۶۹). و برخی از مفسران نیز احتمال داده‌اند مقصود از حبل الله همان اسلام باشد. (مفاتیح الغیب، ج ۸، ص ۳۲۹؛ المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ج ۱، ص ۴۸۴؛ تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۸).

اما با توجه به مفهوم وسیع «حبل الله»، یعنی «وسیله‌ی ارتباط با خدا» تمام این موارد می‌توانند از مصادیق ریسمان الهی باشند. (تفسیر قرآن مهر، ذیل آیه).  
۲. اتحاد مسلمانان نیازمند محور است و خدا محور این وحدت را «ریسمان الهی» معرفی کرده است تا امری ثابت و استوار باشد؛ چرا که وحدت بر محورهای دیگر، هم‌چون نژاد، زبان و ملیت، بی‌ثبات و شکننده است.

۳. تعبیر «ریسمان الهی» در واقع اشاره به این حقیقت است که انسان در شرایط عادی و بدون مرتبی و راه‌نما، در قعر دره‌ی طبیعت و چاه تاریک غرایز سرکش و جهل و نادانی باقی خواهد ماند و برای نجات از این چاه نیاز به ریسمان

محکمی دارد که به آن چنگ زند و بیرون آید. این رشته همان وسیله‌ی ارتباط با خداست که از طریق قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله و جانشینان واقعی او تحقق می‌یابد و مردم را به آسمان تکامل معنوی و مادی رهنمون می‌شوند.

۴. مقصود از واژه‌ی «نعمت» در آیه‌ی فوق، همان موهبت اتحاد و برادری است و تکرار آن نشان دهنده‌ی اهمیت این مطلب است.

۵. وحدت دو جنبه‌ی ظاهری و باطنی دارد که اصل همان جنبه‌ی باطنی، یعنی هم‌دلی و تألیف قلوب و برادری است و در آیه‌ی فوق بر هر دو جنبه‌ی وحدت تأکید شده است.

۶. خدای متعال در این آیه هم‌دلی مؤمنان را به خود نسبت داده است.

این اشاره به این معجزه‌ی اجتماعی اسلام است که از مردمی جاهل و بی‌تمدن که سابقه‌ی کینه‌ها، دشمنی‌ها و جنگ‌های ممتد داشتند، در مدتی کوتاه ملتی واحد و متحد و مهربان ساخت. آری این کار از طریق عادی و معمولی امکان‌پذیر نبود.

۷. تأثیر اتحاد مردم در پیشرفت اهداف اجتماعی و سربلندی ملت‌ها اعجاز‌آمیز است. مؤمنان هم‌چون قطرات آب باران هستند که از اجتماع آنها سدّی عظیم به وجود می‌آید و در مقابل دشمن می‌ایستد و از نیروی آن همه جا روشن می‌شود و چرخ عظیم صنعت به گردش در می‌آید و سرزمین‌های زیادی آبیاری می‌شود، در حالی که قطرات باران هیچ کدام به تنهایی قادر به این کارها نیستند.

۸. بر اساس احادیث فوق، امام حسین علیه السلام یکی از مصادیق حبل الله است از این‌رو امام حسین علیه السلام و مراسم اربعین ایشان مظهر و محور وحدت مؤمنان است که لازم است همه فرق و مذاهب اسلامی به ریسمان محکم الهی، سبط النبی امام

حسین g تمسک جویند و وحدت اسلامی را به نمایش گذارند.

۹. خدای متعال به وسیله وحدت دل‌های مؤمنان را به هم نزدیک می‌کند و آنها را از آتش اختلاف نجات می‌دهد. آری میلیون‌ها انسان در مسیرهای طولانی ده‌ها کیلومتر راهپیمایی می‌کنند و چندین شبانه روز پذیرایی می‌شوند و مکان‌های استراحت آنها فراهم می‌شود، بدون اینکه بودجه دولتی برای این امر اختصاص یابد، هزینه‌ها و خدمات زائران اربعین با ایثار و محبت توسط مؤمنان تأمین می‌شود.

## دوم: جایگاه اربعین در قرآن

در قرآن کریم به جایگاه تکوینی و ارزش تشریحی (عبادی) عدد چهل اشاره شده است که می‌توان با تداعی معانی از آنها در مورد اربعین امام حسین g الهام گرفت.

### الف: جایگاه تکوینی اربعین و همراهی آن با شکر

(وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفَصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ \* أُولَٰئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَتَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعَدَّ الصَّدَقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ) (احقاف/ ۱۵-۱۶)؛ «و به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند؛ مادرش با ناگواری او را بارداری کرد و با ناگواری او را بزاد، و بارداری او و از شیر بازگرفتنش سی ماه است؛ تا این که به حدّ رشدش برسد و به چهل سالگی برسد، گوید: «پروردگارا! به من الهام کن، که نعمت را که بر من و بر پدر و مادرم ارزانی

داشتی، سپاس‌گزاری کنم و این‌که [کار] شایسته‌ای، که آن را می‌پسندی، انجام دهم؛ و برای من در نسلم شایستگی پدید آور. در واقع، من به سوی تو بازگشتم و در حقیقت، من از تسلیم شدگان هستم \* آنان کسانی هستند که بهترین اعمالشان را از آنان می‌پذیریم و از بدی‌هایشان در اهل بهشت می‌گذریم؛ (این) وعده‌ی راستی است که (بدان) وعده داده می‌شدند».

۱. در این آیات نیکی به پدر و مادر، به همه‌ی انسان‌ها سفارش شده است نه فقط به مؤمنان و مسلمانان؛ یعنی نیکی به پدر و مادر از اصول انسانی و حقوق بشر است و مربوط به دین و مذهب خاصی نیست و اگر کسی به این وظیفه عمل نکند، شایسته‌ی نام انسان نیست. (تفسیر قرآن مهر، ذیل آیه).

۲. در این آیات مدت شیرخوارگی و بارداری زنان مجموعاً سی ماه و در برخی آیات مدت شیرخوارگی بیست و چهار ماه معین شده است؛ (بقره، آیه‌ی ۲۳۳). پس کم‌ترین مدت بارداری شش ماه است، همان‌طور که حکایت شده حضرت عیسی علیه السلام و امام حسین علیه السلام شش ماهه به دنیا آمدند. (کافی، ج ۱، ص ۴۶۴؛ کامل‌الزیارات، ص ۵۵؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۳۱ و تفسیر صافی، ج ۵، ص ۱۴).

و هر چه از مدت نه ماه بارداری کم می‌شود، باید بر مدت شیرخوارگی افزوده شود تا حقّ کودک ادا گردد.

۳. مقصود از «رسیدن به مرحله‌ی توانایی» همان بلوغ جسمانی، (البته برخی مفسران نیز بلوغ اشد را با مرحله‌ی چهل سالگی یکی دانسته‌اند). یعنی سن بلوغ یا هیجده سالگی است و مقصود از چهل سالگی همان مرحله‌ی بلوغ عقلانی و فکری بشر است که پیامبران الهی نیز معمولاً در این سن به رسالت برانگیخته می‌شدند. (تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۳۲۸).

۴. سن چهل سالگی نقطه‌ی عطفی در زندگی بشر است و در احادیث آمده است که اگر کسی به چهل سالگی برسد و خیر او بر شرّ او غلبه پیدا نکند، برای دوزخ آماده شود.

و نیز در احادیث آمده است که اگر کسی به چهل سالگی برسد و توبه نکند، شیطان می‌گوید: دیگر او رستگار نمی‌شود. (مشکاة الانوار، ص ۱۶۹ و تفسیر روح المعانی، ج ۲۶، ص ۱۷).

۵. این آیات چند دعای افراد چهل ساله را بیان کرده است، این دعاها در حقیقت خطوط اساسی زندگی را پس از چهل سالگی نشان می‌دهد که عبارت‌اند از:

الف) سپاس‌گزاری از نعمت‌های الهی بر خود و پدر و مادر؛

ب) انجام اعمال شایسته و مورد رضایت خدا؛

ج) اصلاح فرزندان و نسل؛

د) توبه کردن و بازگشت به سوی خدا؛

ه) تسلیم خدا و مسلمان واقعی شدن.

۶. خدا در برابر این کارهای نیک افراد چهل ساله، سه پاداش اساسی به آنان می‌دهد:

الف) بهترین اعمال آنها (یعنی واجبات و مستحبات) را می‌پذیرد، یا بر اساس بهترین اعمالشان به اعمال دیگرشان پاداش می‌دهد. (تفسیر

نمونه، ج ۲۱، ص ۳۳۱)

ب) از بدکاری‌ها و گناهان گذشته‌ی آنان می‌گذرد.

ج) آنان را در میان اهل بهشت جای می‌دهد.

۷. این آیه اشاره دارد که «چهل» رمزی تکوینی دارد، یعنی هنگامی که انسان به

چهل سالگی می‌رسد تحوّلی در او پیدا می‌شود و شکرگزار می‌شود. یعنی این مطلب ریشه در وجود انسان دارد.

آری عدد «چهل» از اسرار خلقت و عدد کمال است. شاید اربعین امام حسین (علیه السلام) و زیارت ایشان در آن روز سّری در همین عدد کمال دارد که امروز در راهپیمایی عظیم اربعین به عنوان بزرگترین راهپیمایی بشری در کره زمین هر ساله برگزار می‌شود و ملیت‌های گوناگون با حضور در این صحنه سپاس و شکر خود را به پیشگاه شهدای نینوا ابراز می‌کنند.

ب: ارزش تشریحی اربعین در تکمیل سیر و سلوک

(وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ اَرْبَعِيْنَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَاَنْتُمْ ظَالِمُوْنَ) (بقره/ ۵۱)؛ «و (یاد کنید) هنگامی را که با موسی چهل شب وعده گذاشتیم؛ آن‌گاه، پس از (رفتن) او، گوساله را (به پرستش) گرفتید، در حالی که شما ستمکار بودید».

(وَوَاَعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِيْنَ لَيْلَةً وَاَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِّمَّاتٍ رَبِّهِ اَرْبَعِيْنَ لَيْلَةً) وَقَالَ مُوسَىٰ لِاَخِيهِ هَارُوْنَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَاَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيْلَ الْمُفْسِدِيْنَ) (اعراف/ ۱۴۲)؛ «و با موسی، سی شب وعده گذاشتیم؛ و آن را با ده شب (دیگر) تکمیل نمودیم؛ پس میعادگاه پروردگارش (با او)، چهل شب تمام شد؛ و (در هنگام رفتن،) موسی به برادرش، هارون، گفت: «جانشین من در میان قومم باش و (امورشان را) اصلاح کن و راه فسادگران را پیروی مکن».

۱. در این آیه می‌فرماید: «وعده‌ی الهی سی روز بود، «میقات» از ماده‌ی «وقت» به معنای زمانی است که برای انجام کاری تعیین شده‌است. گاهی نیز به مکانی گفته می‌شود که کاری در آن انجام می‌پذیرد؛ و در این آیه به معنای

«زمان وعده» و در آیهی بعد به معنای «مکان وعده» است). سپس ده روز به آن اضافه شد»، اما در آیهی ۵۱ سورهی بقره، وعدهی الهی، چهل روز بیان شده است.

### در حدیثی از امام باقر علیه السلام حکایت شده:

هنگامی که موسی علیه السلام به وعدگاه الهی رفت، با قوم خویش قرار گذاشت که غیبت او سی روز بیش تر طول نکشد، اما هنگامی که خدا ده روز بر آن افزود، بنی اسرائیل گفتند: موسی علیه السلام تخلف کرده است و به دنبال آن، دست به کارهایی (مثل گوساله پرستی) زدند. (عیاشی، ج ۲، ص ۲۶؛ کافی ج ۱، ص ۳۶۸؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۵۸۰ و تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۶۱). ۲. از احادیث استفاده می شود که چهل روزی که موسی علیه السلام به وعدگاه الهی رفت، در ماه ذیقعد و ده روز اول ذیحجه بود و اگر در قرآن به جای چهل روز، تعبیر چهل شب شده است، ظاهراً به خاطر آن است که مناجات و گفت و گوی موسی با پروردگارش بیش تر در شبها انجام می شد. (صافی، ج ۲، ص ۲۳۲؛ بیضاوی)، ج ۳، ص ۳۳ و معالم التنزیل، ج ۲، ص ۲۲۸).

۳. شب برای مناجات و سخن با خدا منزلت خاصی دارد و عدد چهل هم در سیر و سلوک به سوی خدا دارای اسراری است. (آشتیانی، قم: انتشارات فقه، چاپ سوم، ۱۳۷۹).

۴. از این آیات استفاده می شود که عدد چهل در سیر و سلوک عبادی، رمزی است و جایگاهی ارزشمند دارد. شاید در اربعین امام حسین ع نیز عدد چهل دارای حکمت و رمز و رازی است.

اربعینی که زیارتش نشانه مؤمن شد و میلیونها نفر هر سال با راهپیمایی

عظیم خود به این عدد رمزگونه جان تازه‌ای می‌دهند و سیر و سلوک عبادی خود را در عزاداری محرم و صفر در روز چهلم به تمام و کمال می‌رسانند.

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بر اساس آیات ذکر شده روشن شد که مراسم اربعین حسینی، مصداق آیات عام قرآنی (همچون آیات شعائر الله - ایام الله - هجرت - نصرت و ...) است و بر اساس این مبانی برپایی این پدیده عظیم بشری مطلوب است و نیز جایگاه تکوینی و تشریحی اربعین از آیات دیگر قرآن (احقاف/ ۱۵ و اعراف/ ۱۴۲) قابل استفاده است.

از این رو بر همه مسلمانان است که پدیده وحدت بخش راهپیمایی اربعین امام حسین (ع) را جهت زیارت آن حضرت، هر ساله بپا دارند تا این عمل صالح، دشمنان اسلام را به خشم آورد و مأیوس سازد.

منابع

۱. ابن ابی جمهور احسائی، ابوجعفر محمد بن علی، عوالی اللالی، قم، انتشارات سید الشهداء، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۴. ابن عطیة، عبدالحق، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۵. ابن فارس، ابن الحسین احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبد السلام محمد هارون، الدار الاسلامیه، ۱۴۱۰ق.
۶. ابن قولویه قمی، ابوالقاسم جعفر، کامل الزیارات (المزار)، نجف اشرف، انتشارات مرتضویه، ۱۳۶۵ق.
۷. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الكبير، تصحیح جواد قیومی اصفهانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ق.
۸. ابن منظور محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، نشر دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۹. ابن نما حلّی، جعفر بن محمد مثیر الأحزان، مدرسه امام مهدی، قم، ۱۴۰۶ق.
۱۰. اسرار عدد چهل در قرآن و حدیث، محسن آشتیانی، قم: انتشارات فقه، چاپ سوم، ۱۳۷۹.
۱۱. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب

العلمية، ۱۴۱۵ق.

۱۲. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، مدینه معجز الأئمة الإثنی عشر، مؤسسة المعارف الإسلامية، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

۱۳. بحرانی، سید هاشم، البرهان في تفسير القرآن، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ۱۳۷۵ ق.

۱۴. بغوی حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰.

۱۵. بیضاوی عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۶ق.

۱۶. حاکم حسکانی، ابوالقاسم عبیدالله، شواهد التنزیل، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.

۱۷. حق شناس، علی محمد، حسین سامعی و نرگس انتخابی، فرهنگ معاصر هزاره، انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۸۱.

۱۸. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.

۱۹. دهخدا، دکتر علی اکبر، لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷ش، دوم.

۲۰. رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر قرآن (۲)، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن، انتشارات جامعه المصطفی العالمیه، قم، ۱۳۸۷، چ سوم.

۲۱. رضایی اصفهانی، محمد علی، و جمعی از پژوهشگران، تفسیر قرآن مهر، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، قم، ۱۳۸۷.

۲۲. رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر قرآن (۱) مبانی و قواعد تفسیر، قم،

- انتشارات مركز جهانى علوم اسلامى، ۱۳۸۷ ش.
۲۳. سيد رضى، محمد بن حسين، نهج البلاغه، تصحيح صبحي صالح، هجرت، قم: ۱۴۱۴ ق.
۲۴. سيوطي، جلال الدين عبد الرحمن، الدر المنثور في تفسير الماثور، كتابخانه مرعشي نجفي، قم، ۱۴۰۴ ق.
۲۵. صدوق، محمد بن على، معانى الأخبار، قم: دفتر انتشارات اسلامى، ۱۴۰۳ ق.
۲۶. طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، بيروت: دارالمعرفة، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق.
۲۷. طبرسى، على، مشكاة الانوار، نجف، المكتبة الحيدرية، ۱۳۸۵ ق.
۲۸. فخر رازى، محمد بن عمر، مفاتيح الغيب، بيروت: دار احياء التراث العربى، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق.
۲۹. فيض كاشانى، تفسير صافى، بيروت: مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق.
۳۰. قرائتى، محسن، تفسير نور، مركز فرهنگي درس هايي از قرآن، ۱۳۸۱.
۳۱. كلينى، محمد بن يعقوب، الكافي، تهران: دارالكتب الإسلاميه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۳۲. گروهى از نويسندگان، موسوعة كلمات الامام الحسين (عليه السلام)، مركز تحقيقات باقرالعلوم، قم، دارالمعروف، چاپ سوم، ۱۴۱۶ ق.
۳۳. مجلسى، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة، بيروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۳۴. معين، محمد، فرهنگ معين، تهران: اميركبير، ۱۳۷۵ ش.
۳۵. مكارم شيرازى ناصر، تفسير نمونه، تهران: دارالكتب الإسلاميه، ۱۳۷۴ ش.

بررسی روش های تربیتی پیاده روی  
زائرین اربعین حسینی و تأثیرات روان  
شناختی آن

د. مرضیه فتحیان دستگردی

د. قاسم نوروزی



## چکیده

توجه به مسئله پیاده روی اربعین حسینی، توجه به بزرگترین حماسه‌ی تاریخی است که نقش زائر در این میان بسیار بارز است. زائر از آن جهت که انسان است و دارای دو بُعد روحانی و جسمانی است؛ نیاز دارد تا به جسم و روانی سالم دست یابد. سلامت روان در سایه‌ی وجود مبانی و اصول تربیتی است که از دل آنها روشهای تربیتی صحیح استخراج می‌شود. این پژوهش به بیان مبانی و اصول و روش‌های تربیتی امام حسین (علیه السلام) در طول واقعه‌ی کربلا می‌پردازد و امام حسین (علیه السلام) را که سمبل یک انسان کامل است به عنوان مربی متربیان (زائرین) قرار می‌دهد و به نحوه‌ی کاربرد نظریه‌ها و روش‌های تربیتی در بین زائران می‌پردازد و در هر بخش به غنی‌سازی معرفتی و اتخاذ روش‌های نوین علمی - تربیتی، به عنوان راهکارهای حل مسائل روان‌شناختی زائرین می‌پردازد. این مقاله با بهره‌گرفتن از تکنیک‌های روش تحقیق کیفی (مصاحبه‌ی نیمه ساختار یافته و نمونه‌گیری تارسیدن به حد اشباع و مشاهده‌ی همراه با مشارکت) و مصاحبه با ۲۰ نفر از زائرین پیاده روی اربعین در سال ۱۴۰۱ (ه.ش)، پس از گذشت ده ماه از سفر اربعین ایشان، تلاش می‌کند به روش‌های تربیتی پیاده روی اربعین زائرین ایرانی دست یابد و سعی در ایجاد روش‌های تربیتی صحیح به کاربرده شده از سوی زائرین اربعین دارد. یافته‌ها حاکی از آن است که سلامت روان در سایه‌ی وجود روش‌های تربیتی صحیح شکل می‌گیرد؛ پس محقق روش‌های تربیتی و اثرات روان‌شناختی پیاده روی اربعین را بر روی زائرین بررسی نمود و به بررسی جوانب مختلف آن پرداخت. پس از تحلیل داده‌های کیفی دوازده اصل از اصول و مبانی تربیتی شناسایی شد که عبارتند از: تغییر ظاهر، تحول باطن، مداومت و محافظت بر عمل، اصلاح شرایط، مسئولیت، آراستگی و فضل، عدل، عزت، تعقل، تذکر، مسامحت، ابراز یا منع محبت. از بین روش‌های تربیتی که زائر در پیاده روی اربعین به کار می‌گیرد، جذبه‌ی حسن و احسان کمترین فراوانی و درصد

را به خود اختصاص می دهد و مبنای تربیتی تحول باطن بیشترین فراوانی و درصد را به خود اختصاص می دهد؛ که نشان دهنده ی تأثیر روش تربیتی بر بعد درونی و روانی انسان است. پیاده روی اربعین بر بالا بردن سطح تربیتی و سلامت روان انسان تأثیر بسیار دارد.

**کلیدواژهها:** پیاده روی اربعین، اصول روان شناختی، روش تربیتی، زائرین

## Investigating the educational methods of pilgrims' walking of Arbaeen Hosseini Event and its psychological effects

Marzieh Fathian Dastgerdi

Ghasem Norouzi

### Abstract

Paying attention to the issue of Hosseini's Arbaeen walk is paying attention to the biggest historical epic in which the role of the pilgrim is very clear. Pilgrim because he is human and has two spiritual and physical dimensions. Pilgrim needs to achieve a healthy body and mind. Mental health is in the shadow of educational foundations and principles from which correct educational methods are extracted. This research deals with the principles and educational methods of Imam Hussain (AS) during the incident of Karbala and places Imam Hussain (AS) who is a symbol of a perfect human being as a trainer of the students (pilgrims) and how to use It deals with educational

theories and methods among pilgrims, and in each section, it deals with knowledge enrichment and the adoption of new scientific-educational methods, as solutions to the psychological problems of pilgrims. The method of this research was qualitative with using multiple tools such as, semi-structured interview and observation of participation. 20 pilgrims were interviewed on the Arbaeen Pilgrimage in 1401 (AH). After ten months of participants' Arbaeen journey, he tries to learn the educational methods of Arbaeen walking for Iranian pilgrims and tries to create correct educational methods used by Arbaeen pilgrims. The findings indicate that mental health is formed in the shadow of the existence of correct educational methods; So the researcher investigated the educational methods and psychological effects of the Arbaeen walk on the pilgrims and investigated its various aspects. After analyzing the qualitative data, twelve principles of educational principles and foundations were identified, which are: change of appearance, inner transformation, persistence and protection of action, correction of conditions, responsibility, beauty and grace, justice, dignity, wisdom, warning, forgiveness, Expressing or withholding affection. Among the educational methods used by pilgrims during the Arbaeen pilgrimage, the attraction of goodness and benevolence is the least abundant and percentage, and the educational basis of inner transformation is the highest frequency and percentage; which shows the influence of the educational method on the inner and psychological dimension of the human being. Arbaeen walking has a great effect on raising the level of education and mental health of a person.

**Keywords:** Arbaeen walk, Psychological principles, Educational method, Pilgrims

## التحقيق في الأساليب التربوية لمشاية زوار الأربعين الحسيني وآثارها النفسية

الدكتور مرضية فتحان دستجردى  
الدكتور قاسم نوروزى

### ملخص البحث

إن الاهتمام بقضية مسيرة الأربعين الحسيني، هو الاهتمام بأعظم ملحمة تاريخية يظهر فيها دور الزائر بوضوح شديد. الزائر من حيث انه انسان وله بعدان روحاني وجسدي؛ يحتاج الوصول الى الصحة النفسية والجسمية. الصحة النفسية في ظل الأسس والمبادئ التربوية التي تستخرج منها الأساليب التربوية الصحيحة. يصف هذا البحث المبادئ والأساليب التربوية للإمام الحسين (ع) خلال حادثة كربلاء. ويجعل الإمام الحسين (ع)، الذى هو رمز للانسان الكامل، معلماً للزائرين ويتناول تطبيق النظريات والأساليب التربوية بين الزائرين.

ويتناول في كل قسم إثراء المعرفة واتخاذ أساليب علمية تربوية جديدة بعنوان انها احد الطرق الاساسية لحل مشاكل الزائرين النفسية، تستخدم هذه المقالة بالاستفادة من تقنيات أسلوب البحث النوعي (المقابلة وأخذ العينات حتى يتم الوصول إلى حد التشبع والمشاركة مع المشاركة). والمقابلة مع (٢٠) زائر في مسيرة عام ١٤٠١ هجرى، وبعد مضي عشرة اشهر من سفرهم، تحاول تحقيق اساليب مسيرة الاربعين

التربوية للزوار الإيرانيين وتسعى لابتكار طرق تعليمية صحيحة استخدمها زوّار الأربعين. تشير النتائج إلى أن الصحة النفسية تتشكل في ظل وجود الأساليب التربوية الصحيحة؛ لذلك قامت الباحثة بتقصي الأساليب التربوية والآثار النفسية لمسيرة الأربعين على الزوّار واستقصت جوانبها المختلفة. بعد تحليل البيانات النوعية تم تحديد اثني عشر مبدأ تربويا وهي: تغيير المظهر، التحول الباطني (الداخلي)، الحفظ والدوام على العمل، تعديل الشروط، المسؤولية، الوقار، العدل، الكرامة، الحكمة، الإنذار، الصفح، التعبير عن المودة أو حبها.

ومن الأساليب التربوية التي استخدمها الزائر في المسيرة الأربعة، هو أن يخصصه لنفسه جاذبية الخير والإحسان التي لها أقل وفرة ونسبة مئوية، والأساس التربوي للتحول الداخلي الذي هو أعلى وفرة ونسبة؛ مما يدل على تأثير الأسلوب التربوي على البعد الداخلي والنفسي للإنسان. للمشي في الأربعين أثر كبير في رفع مستوى التعليم والصحة النفسية للإنسان.

**الكلمات المفتاحية:** مسيرة الأربعين، مبادئ نفسية، طريقة تربوية، زوّار

## مقدمه

تربیت در زندگی بشر مهم ترین و اساسی ترین جنبه زندگی است به گونه ای که هر گونه انحراف در آن باعث انحراف در همه امور زندگی می شود. توانایی های انسان در زندگی بروز و ظهور پیدا می کند و انسانیت انسان تحقق می یابد. در اسلام به این موضوع مهم توجه بسیار شده است و قواعد مناسبی برای رشد انسان تعیین گردیده است. تربیت اسلامی به ایجاد وضعیت مناسبی اطلاق می شود که زمینه را برای بروز و ظهور استعداد های فطری آدمی فراهم می کند و او را بالنده تر و کمال یافته تر می سازد.

تربیت واژه ای عربی است. معادل فارسی آن پرورش است. این واژه در زبان فارسی به معانی گوناگونی چون پروردن، آداب و اخلاق را به کسی "آموختن" به کار رفته است.

تربیت عبارت است از فعالیتی هدفمند و دو سویه میان آموزش دهنده و آموزش گیرنده، به منظور کمک به آموزش گیرنده در راستای تحقق بخشیدن به قابلیت های وی و پرورش شخصیت او در جنبه های گوناگون فردی، اجتماعی، جسمی، عاطفی، اخلاقی، علاقه ای و غیره

هدف تربیت شکوفا نمودن و پرورش قابلیت های آموزش گیرنده در همه ی ابعاد است و تمرکز بر بُعد خاصی از ابعاد آموزش گیرنده به نوعی عدول از تربیت مطلوب است.

تربیت شامل ایجاد یا فعلیت بخشیدن هر نوع کمالی در انسان می شود که مطلوبیت و ارزش داشته باشد. این کمال گاهی جنبه ی شناختی دارد که به دانش، شناخت و آگاهی انسان مربوط می شود. گاهی نیز جنبه کنشی یا حرکتی دارد که به رفتار و اعمال عینی انسان که اغلب دارای جنبه ی آشکار هستند؛ مربوط می گردد و بالاخره گاهی جنبه ی گرایش ی عاطفی دارد که با نگرش، اعتقاد و ایمان، علایق و احساسات انسان مرتبط است.

تربیت اسلامی به ایجاد وضعیت مناسبی اطلاق می شود که زمینه را برای بروز و

ظهور استعدادهای فطری آدمی فراهم می کند و او را بالنده تر و کمال یافته تر می سازد. هدف غایی تربیت اسلامی، پرورش انسان مقرب الهی است که شاکله دینی در وجود او به طور کامل شکل بگیرد و رفتارهای دینی ریشه دار از او سر بزنند.

انسانها در تربیت دینی و اسلامی خود نیاز به یک الگوی کامل و جامع دارند تا بتوانند مسیر تربیت خود را آسان تر طی کنند. با توجه به آیه ی قران که می فرماید: "ولکم فی رسول الله اُسوةٌ حَسَنَةٌ" قطعاً برای شما در (اقتدا به) رسول خدا سرمشقی نیکوست و آیه ی "قد کانت لکم اُسوةٌ حَسَنَةٌ فی ابراهیم و الذّین مَعَه" در می یابیم که الگو می تواند خوب یا بد باشد. از طرفی الگو فقط یک فرد نمی تواند باشد (والذّین مَعَه) بلکه افرادی که از طرف الگو تصدیق شده اند نیز می توانند باشند. آیه قران صراحتاً بیان کرده که رسول خدا الگوی نیکویی است چرا که در تربیت دینی خود، همواره هماهنگی بین گفتار و کردار را رعایت می کرد.

می دانیم که نسل امامان معصوم ما از حضرت زهرا(س) و به حضرت محمد(ص) و نسل حضرت رسول به حضرت ابراهیم علیه السلام بر می گردد و می توان چنین استنباط کرد که چهارده معصوم ما الگویی حسنه اند و همه ی ائمه ی ما الگویی واحد هستند. از میان ائمه بزرگوار ما شیعیان، امام حسین علیه السلام نقش نافذتری در الگودهی دارند و می توان تمام اصول و مبانی تربیتی را از راه و روش حضرت اتخاذ کرد؛ به گونه ای که متربی در این مسیر به الگوی خود، امام حسین علیه السلام، که مربی تمام بشریت است اقتدا می کند. امام حسین علیه السلام یک الگوی نمادی و زنده است به گونه ای که تربیت شونده با مشاهده و تجسم واقعه ی کربلا به تقلید از رفتار الگو می پردازد. یکی از مسیرهایی که انسان می تواند الگوپذیری صحیح داشته باشد، پیاده روی اربعین حسینی است. همه انسانها فقط برای رسیدن به یک هدف حاضر می شوند و حرکت می کنند. شعار زائرین اربعین حسینی، حُبُّ الحسینِ یَجْمَعُنَا، می باشد.

یکی از ویژگی های منحصر به فرد پیاده روی اربعین، تأثیرات روان شناختی پیاده روی اربعین در پرتو به کارگیری روش های تربیتی آن می باشد. انسانها در این مسیر گاهی به اصلاح رفتار خویش و گاهی به ایجاد یک رفتار نیک در خویش می پردازند.

حال باید کنکاش کرد که " حب الحسین یجمعنا " چیست که بشریت را برای رسیدن به این هدف واحد گرد هم آورده است؟

زمانی یک انسان محبوب می شود که ویژگی های برجسته ای داشته باشد. قطعاً امام حسین علیه السلام در این مسیر تمام ویژگی های برجسته و کمال یافته را داشته است که همه را مشتاق خویش نموده است.

تحقیق حاضر در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که پیاده روی اربعین چه اثرات روان شناختی در پرتو به کارگیری روش های تربیتی برای زائرین اربعین دارد؟ هدف پژوهش حاضر به کارگیری روشهای تربیتی از سوی زائر در پرتو تأثیرات مثبت روانی، برای رسیدن به معرفت واقعی نسبت به محبوب (امام حسین علیه السلام) و کسب فیض از محضر ایشان است.

در اسلام توجه به ابعاد تربیتی و روان شناختی یک مسئله یعنی ارزش قائل شدن برای انسان، از آن جهت که اشرف مخلوقات است و انسان برای رسیدن به کمال نیاز دارد که خود را بشناسد. این شناخت در دو جنبه ی شناخت نیازهای فیزیولوژیکی و شناخت نیازهای روان تحقق پیدا می کند. پس از شناخت، انسان پی به استعداد های خود می برد و در صدد شکوفا ساختن استعدادهای خود با امکانات موجود است. شکوفا ساختن آنچه برای انسان درونی شده است، عامل تقویت و ارتقاء او است و رشد همه جانبه صورت می گیرد. در این راه نیاز است تا یک الگوی شایسته انسان را همراهی کند و او را به هدف رهنون سازد. انسانهایی هستند که در یافتن الگویی شایسته سفر می کنند؛ یکی از این سفرها، سفر به کشور عراق و حضور در اجتماع بزرگ اربعین حسینی برای الگوگیری همه

جانبه از قول و فعل و تقریر امام است.

توجه به ابعاد تربیتی و روان شناختی زائر اربعین، در بر طرف کردن نیازهای فیزیولوژیکی و روانی زائر، برای آسان کردن این راه دشوار، امری لازم است.

دلایلی که پژوهشگران، موضوع مورد نظر را برگزیده اند آن است که الگو در این سفر معرفی شود و مبانی و اصول بیان شود و روش های تربیتی و تأثیرات روانی پیاده روی اربعین بر روی زائر بررسی شود و در صدد ارائه ی تأثیرات روانی و تربیتی پیاده روی اربعین، به ارائه ی راهکارهای عملی و تئوری برآمده و در نتیجه زائر به هدف خود که کمال مطلوب است؛ برسد. در این قسمت به برخی از پژوهشهای انجام شده توسط سایر پژوهشگران اشاره می شود.

تاج بخش (۱۳۹۸) در مقاله خود با عنوان "مطالعه کیفی الگوی ابراز هویت ایرانیان عراقی ها در آیین پیاده روی اربعین، بیان می دارد؛ زیارت پیاده ی اربعین یکی از اشکال نوظهور سفر زیارتی است که ایرانیان قبلاً به آن توجه نداشته اند و آیین پیاده روی اربعین یک تجربه ی دینی و زیارتی متفاوت است که در آن ملت ها و فرهنگ های مختلف در یک تعامل و ارتباطات بین فرهنگی قرار می گیرند که در بر دارنده ی شناختی از نحوه ی ابراز هویت ایرانی و عراقی در بستر این مشارکت دینی خاص در ایام اربعین خواهد بود. ایشان در پژوهش خود رویکرد کیفی داشته و از طریق تحلیل مضمون، تجربه ی زیسته ی زائرین ایرانی و عراقی را مورد بررسی قرار دهد که پس از تحلیل داده های کیفی سه مضمون اصلی ۱- هویت ملی ۲- هویت شیعی ۳- هویت اربعینی شناسایی شد.

تاج بخش (۱۳۹۹) در مقاله خود با عنوان "پیاده روی اربعین و ابعاد تربیتی آن" بیان می دارد که پیاده روی اربعین در عراق به عنوان سمبل یک آیین دینی تأثیرات تربیتی شگرفی دارد. محقق با توجه به مشاهدات میدانی در این رویداد بزرگ در صدد آثار تربیتی این رویداد بی نظیر را بر فرد، خانواده و جامعه مد نظر قرار دهد. ایشان گام مفید و

مؤثری در شناخت تأثیرات تربیتی پیاده روی اربعین برداشته است و در سیاست گذاری ها و برنامه ریزی های فرهنگی و اجتماعی نیز تأثیرگذار بوده است. ایشان پس از تحلیل داده های کیفی سه مضمون اصلی را شناسایی کرده است که عبارتند از: ۱- ابعاد تربیتی فردی ۲- ابعاد تربیتی خانوادگی ۳- ابعاد تربیتی اجتماعی. نتایج کلی این پژوهش بیانگر آن است که پیاده روی اربعین نقش اساسی در تربیت اسلامی افراد، خانواده ها و جامعه دارد. فتح آبادی (۱۴۰۰) در پژوهش خود با عنوان "واکاوی اثرهای مناسک دینی در زیست خانوادگی مورد مطالعه آیین پیاده روی زیارت اربعین" خانواده را از مهم ترین نهادهای اجتماعی محسوب می کند که برای حفظ بنیان خانواده استمداد جستن از الگوهای زیست دین مدارانه یکی از مؤثرترین گزینه ها می باشد. یکی از الگوهای زیست خانوادگی مؤمنانه در جریان زیارت شکل می گیرد. یافته های این پژوهش به تأثیرات پنجگانه ۱- عقلانیت تمدن ساز ۲- ظرفیت کارآمدی در عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ۳- ایجاد پویایی و حیات مبتنی بر محبت ۴- تقویت هویت الهی می پردازد.

طاهرخانی (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان "راهپیمایی اربعین نماد از شکل گیری هویت جمعی مسلمانان" به بیان هویت ملی، قومی، فردی و اجتماعی متفاوت و در عین حال منسجم و هماهنگ زائرین می پردازد که تحت لوای یک پرچم جمع می شوند. ایشان معتقد است که ابعاد مختلف پیاده روی اربعین موجب شکل گیری هویت جمعی در بین راهپیمایان می شود. یافته های ایشان به روشنی حاکی است که راهپیمایی اربعین به عنوان یک پدیده برآمده از مذهب شیعه، در عین تجلی دینی، دارای کارکرد سیاسی نیز هست. ایشان قائل به رابطه معنادار بین بُعد سیاسی و بین المللی راهپیمایی اربعین و شکل گیری هویت جمعی بین راهپیمایان است. عدم تفاوت فقیر و غنی و نژاد و ملیت، همبستگی، وحدت و بیداری اسلامی تحت لوای نژاد و ملیت، همبستگی، وحدت و بیداری اسلامی تحت لوای حسینی بودن، برخی از ویژگیهای این هویت جمعی است.

اکوانی (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان "بررسی تأثیر راهپیمایی اربعین حسینی در ترویج فرهنگ حسینی و تمدن شیعی" بیان می‌دارد که راهپیمایی اربعین حسینی بر ترویج فرهنگ حسینی و فرهنگ تمدن شیعی اسلامی تأثیرگذار است. این راهپیمایی عظیم علاوه بر ترویج فرهنگ حسینی که شامل فرهنگ، وحدت، فرهنگ مبارزه با ظلم و ظالم، فرهنگ طاغوت ستیزی، فرهنگ ایستادگی و صبر و بردباری در مقابل تمام دشمنان تشیع و اسلام را یادآور می‌شود.

رضوی زاده (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان "ادراک و تجربه زیسته زائران پیاده ی ایرانی در عراق" به بیان زیارت پیاده اربعین به عنوان یکی از اشکال نوظهور سفر زیارتی می‌پردازد؛ که پیش از این ایرانیان توجه زیادی به آن نداشته‌اند. ایشان پس از تحلیل داده‌های کیفی به سه مضمون ۱- تجربه ی تعلیق امر مادی ۲- رنج مقدس به مثابه مولد معنا ۳- برانگیزانندگی عاطفی مناسک جمعی زیارت؛ دست می‌یابد.

فلاحی (۱۳۹۸) در مقاله خود با عنوان "نشانه شناسی پیاده روی اربعین و شباهت های آن با حکومت مهدوی" به بیان پیاده روی اربعین به عنوان یک نماد کوچک شده از جامعه مهدوی می‌پردازد و در ادامه بیان می‌دارد که در پیاده روی اربعین مردم در تمام ابعاد، سعادت و کمال را در سایه ی رهبری معصوم (عج) حس می‌کنند. یافته های مقاله نشان می‌دهد که موبک های پذیرایی، جمعیت زائرین و شمایل، رنگ ها و نمادهای مذهبی نشانه ها و نمادهای ظاهری پیاده روی اربعین و حکومت مهدوی هستند و عبودیت محض، عدالت، استحکام ارزشهای انسانی و پیوندهای اجتماعی، صلح و امنیت سامان دهی اقتصادی و امت گرایی و وحدت نشانه های مفهومی و معناگرایانه این دو اجتماع بزرگ هستند.

دغاغله (۱۴۰۰) در مقاله خود با عنوان "بخش بندی و تعیین نیم رخ روان شناختی - جمعیت شناختی و رفتاری زائرین کربلا در آیین سالانه اربعین" به بیان محبوبیت و افزایش

سفرهای زیارتی در دهه ی اخیر می پردازد. ایشان هدف از انجام این پژوهش را بخش بندی و تعیین نیمرخ روان شناختی - جمعیت شناختی و رفتاری زائرین کربلا در آیین سالانه اربعین می داند. یافته های پژوهش به سه دسته ی متفاوت از ۱- زائرین با انگیزه های مختلف سفر را نشان می دهد این سه دسته از گردشگری به نام های ۱- گردشگر زائر ۲- زائر گردشگر ۳- زائر نام گذاری شدند. نتایج این پژوهش نشان داد که گردشگران هر بخش دارای ویژگی های روان شناختی، جمعیت شناختی و رفتاری خاص خود می باشند که راهبردهای بازاریابی برای توسعه ی فعالیت های گردشگری متناسب با هر بخش متفاوت می باشد.

افتخاری (۱۳۹۸) در مقاله خود با عنوان " نقش پیاده روی اربعین در تحقق تمدن اسلامی " چنین بیان می کند که پیاده روی اربعین هر ساله بخشی از جامعه آرمانی و تمدن نوین اسلامی را به تصویر کشیده و کارآمدی آموزه های دینی و وحیانی را اثبات می کند. لذا این مقاله بر آن است تا ضمن بر شمردن ویژگی های تمدن اسلامی و نحوه ی دستیابی به آن، با بهره مندی از سخنان مقام معظم رهبری این مورد را با ویژگی ها و ظرفیت های پیاده روی اربعین حسینی (ع) انطباق دهد و این پدیده را به عنوان دروازه و مدخلی برای تمدن نوین اسلامی بررسی کند.

در تحقیقات انجام شده توسط سایر پژوهشگران، از زاویه های محدود به مسئله ی تربیتی زائر اربعین پرداخته شده است و اصول و مبانی روان شناختی و روشهای تربیتی زائر کمتر بیان شده است. در پژوهش حاضر این شکاف محدود شده است و محققین با رویکرد اسلامی به بررسی روش های تربیتی و تأثیرات روان شناختی این روش ها بر روی زائرین اربعین پرداخته اند. بنابر این، ضرورتی که پژوهشگران را برانگیخت تا به بررسی این موضوع بپردازند؛ وجود مشکلات و نیازهای فیزیولوژیکی و روانی زائرین اربعین و هموار کردن راه در رسیدن به هدف بود.

## روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش کیفی است. روش نمونه گیری در پژوهش حاضر؛ نمونه گیری هدفمند و در دسترس است در تحقیقات کیفی، مصاحبه از نظر شکل و ساختار کاملاً منسجم و سازمان یافته نیست. روش جمع آوری داده ها در پژوهش حاضر مصاحبه ی پیمایشی یا زمینه یابی است که از نوع مصاحبه ی تأییدی که یکی از انواع مصاحبه های سازماندهی شده می باشد. این نوع مصاحبه، شواهدی برای تأیید یافته هایی که قبلاً به دست آمده است فراهم می سازد. نوع مصاحبه در پژوهش حاضر؛ ترسیم وضعیت مشارکت کنندگان است. این نوع مصاحبه به این منظور استفاده می شود تا دانسته شود که چگونه مصاحبه شوندگان دنیای اجتماعی و فیزیکی خودشان را سازماندهی می نمایند. نتایج این مصاحبه ها به دست آوردن یک سیستم طبقه بندی است که به وسیله ی مصاحبه شوندگان استفاده می شود. مشاهده ی همراه با مشارکت یکی دیگر از روش های جمع آوری داده ها در پژوهش حاضر است. در پژوهش حاضر نمونه گیری از زائران ایرانی با طیف های مختلف سنی و جنسی تا رسیدن به حد اشباع نظری ادامه یافت. بر همین اساس با استفاده از نمونه گیری هدفمند از مرد و زن، نوجوان و جوان و میان سال و سالمند مسیر پیاده روی اربعین، پس از گذشت ده ماه از سفر کربلا، مصاحبه گرفته شد (گال و والتر بورگ، ۱۳۹۱: ص ۵۲۷-۵۲۹). پژوهشگران، رویکرد قیاسی را در تجزیه و تحلیل داده هایش برگزیده اند. رویکرد قیاسی بر اساس ساختاری است که توسط محققین از پیش تعیین شده است و از سوالات به عنوان راهنمای تجزیه و تحلیل داده ها استفاده کرده اند.

جدول ۱-۱ مشخصات مصاحبه شونده‌گان و تعداد حضور در پیاده روی اربعین

ردیف	کد	تخصیلات	سن	پایه روی	حضور در	تعداد	جنس	کننده	مشارکت
۱	T1	لیسانس	۴۵	دو مرتبه	دو مرتبه	۴۵	زن	I1	
۲	T2	لیسانس	۳۶	اولین مرتبه	اولین مرتبه	۳۶	زن	I2	
۳	T3	متوسطه اول	۱۴	دو مرتبه	دو مرتبه	۱۴	زن	I3	
۴	T4	ابتدایی	۱۰	دو مرتبه	دو مرتبه	۱۰	زن	I4	
۵	T5	لیسانس	۳۹	چهار مرتبه	چهار مرتبه	۳۹	زن	I5	
۶	T6	ندارد	۵	اولین مرتبه	اولین مرتبه	۵	مرد	I6	
۷	T7	لیسانس	۴۲	چهار مرتبه	چهار مرتبه	۴۲	زن	I7	
۸	T8	ابتدایی	۷۵	چهار مرتبه	چهار مرتبه	۷۵	مرد	I8	
۹	T9	لیسانس	۴۴	دو مرتبه	دو مرتبه	۴۴	زن	I9	
۱۰	T10	دیپلم	۴۲	چهار مرتبه	چهار مرتبه	۴۲	مرد	I10	
۱۱	T11	دیپلم	۴۲	چندین مرتبه	چندین مرتبه	۴۲	مرد	I11	
۱۲	T12	سیکل	۵۰	اولین مرتبه	اولین مرتبه	۵۰	مرد	I12	
۱۳	T13	متوسطه اول	۱۳	دو مرتبه	دو مرتبه	۱۳	زن	I13	
۱۴	T14	لیسانس	۲۳	اولین مرتبه	اولین مرتبه	۲۳	زن	I14	
۱۵	T15	لیسانس	۴۴	اولین مرتبه	اولین مرتبه	۴۴	زن	I15	
۱۶	T16	دیپلم	۳۲	دومین مرتبه	دومین مرتبه	۳۲	مرد	I16	

۱۷	T۱۷	متوسطه	۳۳	سومین مرتبه	مرد	I۱۷
۱۸	T۱۸	ندارد	۵	اولین مرتبه	مرد	I۱۸
۱۹	T۱۹	دیپلم	۴۴	اولین مرتبه	مرد	I۱۹
۲۰	T۲۰	دیپلم	۳۹	اولین مرتبه	مرد	I۲۰

## نتایج پژوهش

نتایج این پژوهش در قالب ۱۲ مبنای تربیتی در ذیل بیان شده است که به تفصیل به شرح آن پرداخته شده است.

## مبانی و اصول تربیتی زائر:

### مبنای اول

تأثیر ظاهر بر باطن است. منظور از ظاهر، همه ی امور مشهودی است که از انسان سر می زند و مظهر آنها بدن است و مراد از باطن، شئونی است که قابل مشاهده نیست همچون فکر و نیت. پس ظاهر انسان دست اندرکار نقش زنی بر باطن او است. بر این اساس یکی از اصول و قواعد عامه ای که باید در تربیت انسان به کار بست، ظاهرسازی است. ظاهرسازی زمانی مذموم است که متوجه به مردم و مایه ی خودنمایی باشد. در غیر این صورت، ظاهرسازی، متوجه درون و مایه ی تحول باطن خواهد بود.

روش تربیتی که زائر در تأثیر ظاهر بر باطن بر می دارد آن است که با کمک تلقین مثبت به نفس خود از طریق به زبان آوردن قول معینی و عمل به آن تأثیر مضاعفی بر وجود خود می گذارد (باقری، ۱۳۸۵: ص ۹۳).

روش امام حسین علیه السلام در واقعه کربلا بر پا داشتن نماز به عنوان یک امر ظاهری و به زبان آوردن اذکار نماز می باشد و در مرحله عمل هنگامی است که در برابر خدا می ایستد و می گوید خدایا تنها تو را می پرستم و تنها از تو یاری می جویم " تسلیم امر خداوند می شود و از غیر خدا یعنی یزیدیان آزاد است. به گونه ای که ظهر عاشورا وقتی ابو ثمامه به امام حسین (ع) گفت: "...من علاقه مندم در حالی که این نمازم را که وقت آن فرا رسیده است با شما به جای آورم و خدای را ملاقات کنم. آنگاه امام سر به آسمان بلند کرد و فرمود: شما نماز را یادآوری کردی، خداوند تو را از نمازگزاران و اهل ذکر قرار دهد. آری اکنون اول وقت برای نماز است. پس از آن امام فرمود: از آنها بخواهید که دست از جنگ با ما بردارند تا نماز را به جای آوریم" (آقائهرانی، ۱۳۸۵: ص ۱۹۰).

درس بزرگی که زائر از این واقعه می گیرد آن است که وقت شناسی در انجام نماز آثار و برکاتی چون؛ مورد عنایت و دعای امام قرار گرفتن و از ذاکرین شدن، دارد.

زائری که در مسیر اربعین قدم گذاشته است بر خود لازم می داند برای رسیدن به هدف، ظاهر خود را آراسته گرداند. با خشیت و فروتنی قدم بردارد، غسل نماید، اذکاری را قرائت کند و نماز خود را به عنوان فریضه به جا آورد. وقتی زائر از عملی نیکو کراهت داشته باشد و باطن و اعضا و جوارح خود را وادار کند تا آن عمل نیک را انجام دهد؛ باطن رمیده و بی رغبت او به بند کشیده می شود و رام و راغب می شود. در این زمان شرح صدر نصیب او می گردد.

اذکار و اعمالی که در زیارت اربعین در کتاب مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی آمده است نمونه بارز تأثیر ظاهر بر باطن است.

محقق در طی مصاحبه های بی که از زائرین داشت؛ به این سوال که: " زائر در ظاهر خود چه تغییری می دهد؟" به پاسخهای متعددی دست یافت از جمله اینکه: مصاحبه شونده ۱۲ چنین بیان کرد که: « قبل از زیارت امام حسین (ع) هر کاری که لازم است را باید انجام

داد تا قلب و دل آرام بشود و آن حجم بزرگی و عظمت را حتی شده به اندازه قطره ای درک کند. به نظرم خواندن زیارت عاشورا، ادعیه مناسب، فکر کردن به واقعه عاشورا، خواندن کتاب های حماسه حسینی می تواند کمک کند که قلب و دل و جان آدم آماده باشد.» همه مصاحبه شونده ها بر ظاهر تمیز و پاکیزه و غسل و خواندن زیارت عاشورا و ادعیه مرتبط هم نظر بودند. هر چند که پذیرش زائر از سوی امام حسین (ع) با ظاهر خاک آلود نیز در روایات نقل شده است و بعضی از مصاحبه شونده ها نیز به آن اذعان می کردند.

## مبنای دوم

تأثیر باطن بر ظاهر است. اگر تغییری در باطن آدمی رخ دهد، بر ظاهر نمودار خواهد شد. هر گاه رفتاری مطلوب در ظاهر کسی پدیدار نشد، می توان آن را ناشی از وضعیتی درونی دانست. اصل تحول باطن بیانگر آن است که در تربیت باید به فکر تحول درونی بود. هم ظاهر و هم باطن هر دو باید در کار باشند. نه تغییر ظاهر و نه تحول باطن، هیچ یک به تنهایی راه به جایی نخواهند برد؛ چون هر دو دامنه یک کوهند که ظاهراً از هم فاصله دارند اما در نقطه ی نهایی به هم می رسند (باقری، ۱۳۸۵:ص ۱۰۳).

امام حسین علیه السلام با نیت اصلاح دین امت جدشان و امر به معروف و نهی از منکر وارد عرصه ی قیام شدند. " ما خَرَجْتُ أَشْرَافاً وَلَا بَطْرَافاً وَلَا مُفْسِدَافاً وَلَا ظَالِمَافاً، وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِي، أُرِيدُ عَنِ أَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهِي عَنِ الْمُنْكَرِ" (مطهری، ۱۳۶۴:ص ۱۳۳). این خطبه ی امام حسین علیه السلام نمونه ی بارز تأثیر باطن بر ظاهر است. امام حسین (ع) امت خود و امت های آینده را به ایمان واقعی دعوت می نماید. در زمان خویش، به اصحاب خود بینشی واقعی عطا می نماید به گونه ای که شب عاشورا در پاسخ به حضرت زینب (علیها السلام) در مورد پشت کردن یاران در زمان مواجهه با دشمن از وفای یارانش سخن می گوید.

روش تربیتی که زائر در پیش می گیرد روش اعطای بینش و روش دعوت به ایمان است. وقتی زائر در مورد نظام هستی و وجود مبداء هستی، به عنوان یک نظام شاهد و مشهودی بیندیشد؛ وقتی او خود را در نظام دنیا در جایگاه محاط بدانند و مبداء هستی را محیط بر خویش بدانند؛ وقتی دنیا را محل فیض بدانند؛ وقتی زائر در مورد حقیقت وجودی خود به بینش برسد؛ وقتی زائر به بینش صحیح در مورد حقیقت مرگ و پس از مرگ برسد؛ به حالات و اعمال و رفتارهای مطلوب دست می یابد و زمینه مناسبی برای ظهور اعمال شایسته پیدا می کند. به عبارت دیگر ایمان به خدا، رعایت ارزش های اخلاقی و التزام عملی به احکام الهی یکی از مهمترین شاخصه های سلامت روان است؛ زیرا ایمان آثاری دارد که میزان و سطح سلامت روان را افزایش می دهد. بعضی از این آثار شامل نشاط روحی، امیدواری و مسئولیت پذیری است (بشیری، ۱۳۹۰: ص ۲۲). به عنوان مثال مصاحبه شونده ۴۷ در این باره می گوید: « امام حسین (ع) در ظاهر شکست خورد ولی پیاده روی چند میلیونی پیاده روی اربعین این بینش را به زائر عطا می کند که پیروز واقعی میدان امام حسین (ع) بوده است.»

## روشهای شناختی در روان درمانی - تغییر بینش فرد

برای رسیدن به رفتار مطلوب یا همان تعدیل شخصیت زائر، ضرورت دارد که ابتدا درباره تعدیل یا تغییر افکار و گرایشهای فکری ایشان اقدام شود؛ چرا که رفتار انسان به مقدار زیادی تحت تأثیر افکار و گرایشهای او قرار دارد. به همین دلیل هدف اساسی روان درمانی زائر، تغییر نوع تفکرات ایشان درباره خودشان و زائرین دیگر و مشکلاتی است که قبلاً از مقابله با آنها در سفر اربعین عاجز بودند و همین موجب اضطرابشان می شده است. اما زائر بیمار، با تغییر افکاری که در اثر درمان حاصل می کند، مشکلاتی که در گذشته سبب اضطراب و بیماری اش می شدند، به آن اندازه ای که او تصور می کرد حائز اهمیت نبوده و در واقع دلیل موجهی برای اضطراب شدیدش به خاطر آنها وجود نداشته است.

اساساً یادگیری عملی است که در جریان آن افکار، گرایشها، عادت‌ها و رفتارهای انسان تعدیل می‌شود و تغییر می‌یابد. کار روان‌درمانی در اصل، تصحیح یادگیری‌های نادرست گذشته است که بیمار در جریان آن با افکاری اشتباه، یا اوهامی درباره خود و دیگران و زندگی و مشکلات اضطراب‌انگیزی مواجه بوده است. بیمار روشهای مشخصی از رفتار دفاعی را که به واسطه آنها از روبرو شدن با مشکلات فرار می‌کرده است می‌آموزد و از شدت اضطرابش کم می‌کند.

روان‌درمانگر می‌کوشد افکار بیمار را تصحیح کند و او را وادارد که به خود و مردم و مشکلات خویش با دیدی واقع‌بینانه و درست بنگرد و به جای فرار از مشکلات با آنها مقابله کند و همچنین، به جای ادامه دادن حالت درگیری روانی - که ناشی از عجز در حل مشکلات است - در جهت حل آنها بکوشد. این تغییر نگرش، نسبت به خود و مردم و زندگی بیمار را در مقابله با مشکلات و حل آنها توانا می‌سازد و به این ترتیب از درگیری روانی و اضطراب، رهایی می‌بخشد و این موضوع معمولاً باعث نشاط و طراوت زندگی بیمار و آغاز فعالیت نوینی در زندگی‌اش می‌شود، به طوری که انسان لذت زندگی، رضایت روحی، آسودگی خاطر و خوشبختی را احساس می‌کند (عباس نژاد، ۱۳۸۴: ص ۲۱۵).  
 إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ. خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی‌دهد مگر آن که خود را تغییر دهند... (رعد/۱۱).

## بینش فرد نسبت به وقوع سختیها:

هنگامی که فرد در زندگی با مشکلات مواجه می‌شود، نوع نگرش وی در سازگاری با آنها موثر است. اگر او به دنبال یک زندگی آرام به دور از رنج و سختی باشد، تحمل فشارها و سازگاری با آنها برای وی بسیار مشکل‌تر است؛ زیرا انتظار وقوع آنها را ندارد؛ ولی اگر وقوع سختی‌ها را اجتناب‌ناپذیر بداند، خود را برای مقابله با آنها آماده می‌کند. در تعالیم اسلامی بر نگرش دوم تأکید شده است. طبیعت زندگی، آمیخته با سختیهاست. همه

انسانها در تلاش و کوشش اند و بین افراد برای کسب منافع مختلف، رقابتی شاد وجود دارد. در این مسیر، موفقیت یک فرد همراه با شکست فرد دیگر است. بنابراین مواجهه با مشکلات در زندگی امری اجتناب ناپذیر است. بر اساس متون اسلامی، مردم در زندگی دنیا در پی آسایش کامل هستند؛ اما این امر در آخرت حاصل خواهد شد؛ نه در زندگی دنیا؛ چرا که انسان در کانونی از سختی و رنج آفریده شده است. در دنیا به دنبال هر لذتی، درد و رنج و ناملایماتی نیز پدید می آید. فرد دچار ترس، تنگنای اقتصادی و فقدان عزیزان و... می شود. کسی که چنین نگرشی دارد، خود را آماده برخورد با مشکلات کرده، مواجهه مؤثرتری با آنها خواهد داشت.

علاوه بر این، اگر فرد به حکمت وقوع سختیها توجه داشته باشد و بداند که وجود فشارها برای تکامل فردی و اجتماعی بشر ضرورت دارد؛ بهتر با آنها مقابله می کند. به جرأت می توان گفت که منشأ همه پیشرفت های علمی و صنعتی بشر، وجود موانع و سختی هایی است که در سر راه زندگی بشر نهفته است؛ در زندگی فردی نیز، رشد توانایی های فکری و عملی آدمی، منوط به وقوع مشکلات است (عباس نژاد، ۱۳۸۴: ص ۳۹۹). قرآن نیز می فرماید: "چه بسا امری را خوش نمی دارید؛ اما خداوند در قرآن مصلحت فراوان در آن قرار داده است."

## مبنای سوم

ظهور تدریجی شاکله است. اعمال و رفتارها (ظاهر) و افکار و نیت ها (باطن) در تأثیر و تأثر خود حاصلی به بار می آورند که به تدریج در اعماق درون نشست می کند و رفته رفته، با رسوب بیش تر سخت و دیرپا می شود و بدین گونه، لایه ای زیرین در باطن انسان شکل می گیرد. با ظهور این سختی، شکل و طرحی در ضمیر انسان پدیدار می شود که در فرهنگ قرآن شاکله نام دارد (علمای اخلاق آن را "ملکه" و روان شناسان آن را "منش" یا "شخصیت" می نامند. نکته ی قابل توجه آن است که شاکله در عین حال که شکل است، مشگل نیز

هست یعنی به ظاهر و لایه ی رویین باطن شکل می دهد و به عبارت دیگر رفتار، ادراک و احساس آدمی را قالب می زند و آن ها را به سبک و سیاق خود می آفریند و به تعبیر قران احاطه ای بر انسان می یابد این احاطه هم در شاکله های مطلوب و هم نامطلوب هر دو صادق است.

از آنجا که در جریان تربیت، در پی آن هستیم که شاکله مطلوب در درون فرد پدیدار و پایدار شود یا به عنوان مقدمه می خواهیم نظام شاکله ی نامطلوبی را که به ظهور رسیده در هم بریزیم، نیازمند قاعده عامی هستیم که همان اصل مداومت و محافظت بر عمل است. محافظت بدون مداومت اصلاً سازنده نیست. مداومت و محافظت، اصل اصیل است که در همه شؤون تربیتی باید مورد توجه باشد (باقری، ۱۳۸۵: تلخیص ص ۱۲۲-۱۲۸).

نمونه بارز انسان دارای شاکله مطلوب، حضرت ابوالفضل العباس (ع) است. عواملی سه گانه در شخصیت فردی وجود مبارک حضرت عباس (ع) یعنی؛ وراثت، محیط، تربیت و پرورش، پر واضح است که آن حضرت دارای عالی ترین نسب، مناسب ترین و معنوی ترین محیط رشد و نمو، و بالاخره دارای کاملترین و زیباترین نوع برخورداری از تربیت و پرورش بوده است و لذا جمیع عوامل فوق منجر شده است که حضرت عباس (ع) در صلابت ایمان و فضل و علم و یقین و شرافت آداب و اخلاق، بعد از حسین (علیهما السلام) اول شخص باشد و پس از معصومین (ع) در جمیع صفات کمالیه انسانی کسی با او همتراز نباشد (دشتی، ۱۳۸۲: ص ۲۳).

زائر در جریان اربعین شاکله های مطلوب خود را محافظت می کند و به نشر این شاکله در قالب رفتارهای پسندیده می پردازد. از طرفی جریان اربعین، عرصه بر هم ریختن شاکله های نامطلوب انسان است و زائر با امداد از امام حسین علیه السلام، به حذف رفتارهای نامطلوب خویش می پردازد و با امام خویش عهدی می بندد که پیرامون رفتار ناپسند حتی فکر هم نکند. به همین جهت دائم به محاسبه ی نفس خویش می پردازد و خود را ملزم به انجام واجب و ترک حرام می گرداند.

نتایج مصاحبه ها نشان می دهد که تحول درونی که بعد از زیارت اربعین نصیب زائر می گردد شامل؛ احساس سبکی، انبساط خاطر، انقلاب درونی، زیاد شدن عشق به ائمه علیهم السلام، تغییر دیدگاه فرد به دنیا و زندگی، بالا رفتن شناخت و رسیدن به مقام قرب، ایجاد زمینه شناخت امام زمان (عج) در وجود و آمادگی برای ظهور ایشان، مزین شدن وجود به اخلاق و رفتار حسنه می باشد.

### مبنای چهارم

تأثیر شرایط بر انسان است. انسان به دلیل اتحاد نفس و بدن در وضعیت های مختلف محیطی، در معرض حالات و احساسات و افکار معینی قرار می گیرد. این امر در مورد شرایط زمانی و مکانی و شرایط اجتماعی است، که منشا آثار متفاوتی بر انسان است. طبق این ویژگی، ریشه ی برخی از افکار، نیت و رفتارهای آدمی را باید در شرایط محیطی او جست و جو کرد (باقری، ۱۳۸۵: ص ۱۳۲)

برای زدودن پاره ای از حالات و رفتارهای نامطلوب و نیز برای ایجاد حالات و رفتار مطلوب در زائر باید به دستکاری شرایط محیطی او پرداخت. وقتی زائر در شرایط زمانی و مکانی و اجتماعی اربعین قرار می گیرد و روابط انسانها و زائرین را می بیند؛ این روابط خاص، مبدأ تغییر بسیاری از حالات و رفتارهای او می شود. ایجاد تغییر در موقعیت فرد یا موقعیت جمع، آثار تغییر رفتار و افکار و ارزش ها را به تدریج آشکار می سازد.

یکی از راه های شناخت افراد دارای اختلال روانی، رفتارهای نابهنجاری است که انجام می دهند. افراد نابهنجار ویژگی هایی دارند که عبارت اند از: پریشانی شخصی، غیر منطقی بودن رفتار، تخطی از هنجارها، مغایر بودن با اهداف، خطرناک بودن و نداشتن درک و فهم صحیح است (بشیری، ۱۳۹۰: ۱۸).

برای اصلاح رفتارهای نامطلوب زائر، لازم است ملت میزبان عراق شرایط لازم را

فراهم نماید و به زمینه سازی شرایط اولیه ، که احتمال بروز رفتارها و حالات مطلوب را بالا می برد، پردازد و آن شرایط اولیه که احتمال بروز رفتارها و حالات نامطلوب در زائر اربعین را افزایش می دهد، حذف نماید. پس لازم است امکانات بالقوه ی بلند دامنه را در شرایط مختلف برای زائر ایجاد کرد.

در نظام تربیتی اسلام روش تغییر موقعیت مورد توجه قرار گرفته است اگر زائر برهه ی خاص زمانی را در سفر اربعین برای خویش لحاظ کند، مقدمه ایجاد حالات ویژه ای در ایشان است.

طبق مصاحبه ها و مشاهدات انجام شده، تعدادی از زائرین به دلیل گرمی هوا، به پیاده روی در طی شب اقدام می کنند. این تغییر موقعیت در حذف رفتارها و حالات نامطلوب زائرین اثرات بسیار دارد.

در شرایط اجتماعی اربعین بسیار مناسب است که زائر اُسوه ای نیک را برای خود برگزیند تا حالتی به نام اِسوه دراو پدید آید. اُسوه سازی به طور اساسی در شرایط واقعی اجتماعی مورد نظر است. پس زائر در شرایط واقعی اجتماع اربعین می تواند از شخصیت های تاریخی (مانند امام حسین علیه السلام و یارانش) الگوی عملی دریافت کند. طبق مشاهدات انجام گرفته توسط محقق، شبیه خوانی و تعزیت خوانی و هنرهای نمایشی که در مسیر پیاده روی اربعین در بعضی از موکب ها انجام می شود؛ بیانگر القای الگوی عملی به زائرین، بخصوص قشر کودک و نوجوان می باشد.

طی مصاحبه ای که با دو کودک ده و سیزده ساله (۱۳؛ ۱۴) انجام شد؛ دادن هدیه هایی مثل اسباب بازی به زائرین کودک، توجه به نیازهای اولیه و ثانویه کودکان زائر و معطوف کردن توجه ایشان به برنامه های جذاب کودکانه موکب ها، بر شور و نشاط کودکان زائر می افزاید و باعث تداعی خاطره های شیرین از این سفر زیارتی می گردد.

## مبنای پنجم

مقاومت زائر و تأثیرگذاری بر شرایط است. تأثیرپذیری انسان از شرایط به معنای اضطراب او در برابر آن نیست؛ بلکه این امکان نیز در وی هست که در قبال فشار ایستادگی کند و رنگ نپذیرد و در حدی فراتر بر شرایط اجتماعی نیز اثر بگذارد. مقاومت در وجه برتر خود، به تأثیرگذاری بر شرایط منجر می شود و آدمی دست به تغییر آفرینی در موقعیت می برد. در این دیدگاه، انسان موجودی خلاق، مُبدع و مبتکر است که مظهر تغییر و دگرگونی در محیط خود است (همان، ص ۱۴۷). نمونه بارز این تغییر، قیام حضرت اباعبدالله علیه السلام است. مقاومت حضرت به تأثیرگذاری بر شرایط و سپس تغییر در بازخورد قیام حضرت نزد یزیدیان و نتیجه عکس این قیام برای یزیدیان و تزلزل و فروپاشی نظام بنی امیه را در پی داشت.

امام حسین علیه السلام به جای پیروی از فشارهای بیرونی، از الزام های درونی و الهی تبعیت می کند. این الزام های درونی را احساس مسئولیت یا احساس تکلیف می نامیم. حضرت با نیمه تمام گذاشتن سفر حج و به ثمر رساندن قیام احساس مسئولیت می نماید؛ خود را تحت تأثیر «بایدی» از درون می بیند که هم الزام آور است و هم حضرت نسبت به آن احساس یگانگی و خودی دارد. به همین دلیل است که وقتی خبر شهادت مسلم و بی وفایی کوفیان در میانه راه به حضرت می رسد ایشان از ادامه مسیر باز نمی ماند و رو به اصحاب خویش می نماید و می فرماید: «خبر فاجعه آمیز کشته شدن مسلم بن عقیل و هانی بن عروه و عبدالله بن یقطر، به ما رسیده است. البته شیعیان ما، ما را ذلیل و خوار کرده اند. پس از شما هر که قصد بازگشت دارد برگردد که هیچ منعی بر او نیست و برگردن او چیزی نیست» (آقاتهرانی، ۱۳۸۵: ص ۹۱).

روش تربیتی که زائر برمی گزیند مواجهه ی خویش با نتایج اعمالش است. هنگامی که زائر ببیند پیامد عملش به زیان خودش است یا آنکه به سود خود اوست، زمینه مناسب

برای یافتن انگیزه‌ی درونی نسبت به ترک یا انجام عمل را یافته است. چشاندن نتیجه عمل به عامل، یک روش تربیتی است؛ زیرا موجب آن می‌شود که انسان، امکان بازگشت از خطا رایباید.

در روش دیگر زائر از طریق تحریک ایمان خویش (روش امام حسین علیه السلام در جذب بعضی از یاران قیام) به برپایی الزام درونی اقدام می‌کند و احساس تکلیف می‌نماید. احساس تکلیف نه تنها مؤمن را قادر به انجام تکالیف دشوار می‌سازد؛ بلکه او را حتی بر مهار زدن به امواج خفیف درونی توانا می‌گرداند.

راه دیگر؛ ابتلا و آزمودن است. خداوند در مقام تربیت انسان او را به بلا دچار می‌سازد. خداوند انسانها را دو گونه دچار بلا می‌گرداند: با فقر و غنا. انسان در تنگدستی به صبر آزموده می‌شود و در غنا به شکر. حضرت زینب سلام الله علیها مظهر انسانی است که در تنگدستی فقر و فقدان آزموده می‌شود به گونه‌ای که در شب عاشورا یکی دو نوبت حتی نمی‌تواند جلوی گریه اش را بگیرد و امام حسین علیه السلام با صحبت های خود زینب را آرام می‌کند (دلشاد حسینی، ۱۳۷۹: ۱۴۸). و می‌فرماید: «لَا يُدْهِبَنَّ حِلْمَكَ الشَّيْطَانُ» خواهر عزیزم، مبدا و ساوس شیطانی بر تو مسلط بشود و حلم را از تو برباید، صبر و تحمل را از تو برباید (مجلسی، ۱۳۷۰: ج ۴۵، ص ۲)

نتایج مصاحبه با زائرین اربعین نشان می‌دهد کم کردن تجملات، تعاون و همکاری دو جانبه، رسیدن به آرامش درونی و سیقل دادن روح، حل شدن مشکلات و کنار آمدن با سختی‌ها، زیاد شدن صبردر برابر مشکلات، زیاد شدن بخشندگی و سخاوت و سبک شدن بار گناهان از روشهای تربیتی است که زائرین برای تغییر دادن و تأثیر بر شرایط به کار می‌گیرند

تأثیر روان‌شناختی که در این اصل و روش تربیتی از سوی زائر ایجاد می‌شود آن است که زائر را به عنوان یک انسان قادر می‌سازد تا از سرمایه‌ی روان‌شناختی خود علاوه بر

مقابله ی بهتر در برابر موقعیت استرس زا، کمتر دچار تنش شده، در برابر مشکلات از توان بالایی برخوردار شود و به دیدگاه روشنی در مورد خود برسد و کمتر تحت تأثیر وقایع روزانه قرار بگیرد؛ لذا این گونه

افراد دارای سلامت روان شناختی بالاتری نیز هستند (روینز و همکاران، ۱۹۸۸).

جدول ۱-۲

کد	درصد	فروانی	دریافتهای مصاحبه شونده (زائر)	روش های تربیتی	مبانی و اصول تربیتی
T۲	۸۴	۱۰	قرائت ادعیه و اذکار	- تلقین به نفس - تحمیل به نفس	تأثیر ظاهر بر باطن (تغییر ظاهر)
		۴	خواندن کتاب های مرتبط		
		۱۰	غسل		
		۱۰	حجاب		
		۶	کمک به زائر		

TV	۸۸	۰۰	بیهوده نبودن خلقت	اعطای بینش -دعوت به ایمان	تأثیر باطن بر ظاهر (تحول باطن )
		۰۱	ایجاد ارتباط معنوی با پیامبر اکرم و امامان معصوم		
		۰۲	توجه لازم به اقشار ضعیف جامعه		
		۰۳	باز شدن روحیه و انبساط خاطر		
		۰۴	درک زمان ظهور امام زمان		
T۱۱	۸۶/۶	۰۵	توجه به اذکار	فریضه سازی محاسبه ی نفس	ظهور تدریجی شاکله-مداومت ومحافظت بر عمل
		۰۶	ادعیه و واجبات		
		۰۷	مراقبت بر اعمال		

T;T۴ ۱۳	۸۰	۱۰۰	ایجاد فضا توسط میزبان فراتر از وسع تغییر در رفتار زائر به جهت عملکرد مثبت خادمین	زمینه سازی تغییر موقعیت اسوه سازی	تأثیر شرایط بر انسان (اصلاح شرایط)
		۹۰	الگوگیری کامل از امام بالا رفتن سطح تعاملات		
		۸۰	آشنایی با آداب و رسوم اقوام		

T۱۴	۷۱/۴۲	ا	کم کردن تجملات	مواجهه بانتایج اعمال تحریک ایمان ابتلا	تأثیرگذاری بر شرایط (مسئولیت)
		ب	تعاون و همکاری دو جانبه		
		ج	رسیدن به آرامش درونی و سیقل دادن روح		
		د	حل شدن مشکلات و کنار آمدن با سختی ها		
		ه	زیاد شدن صبر در برابر مشکلات		
		و	زیاد شدن بخشندگی و سخاوت		
		ز	سبک شدن بار گناهان		

### مبنای ششم

جذبه ی حُسن واحسان است. آنچه زائر اربعین را در دفعات مکرر به سمت زیارت اربعین هر ساله می کشاند و در او رغبت و سرور ایجاد می نماید؛ زیبایی ها (ظاهری و باطنی) و خوبی هایی است که در طی این مسیر از طریق حس، درک و دریافت می کند. احسانی که از سوی مردم این سرزمین به سمت زائرین سرازیر می شود تأثیرگذارترین تراژدی است که در وی قدرشناسی و تواضع را برمی انگیزد، چنانکه امام علی (ع) فرموده اند: العدل الانصاف، و الإحسانُ التَّفَضُّلُ (حکمت ۲۳۱) و «الانسان عبید الاحسان انسان بنده احسان است.» (غرر الحکم: ۲۶۳)

یکی از حُسن‌هایی که در سفر اربعین به زائرین عطا می‌شود؛ حسن خلق از طرف میزبانان و مهمانان است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: خوش خلقی برای فراوانی نعمتها کافی است (دشتی، ۱۳۷۹: حکمت ۲۲۹).

آقا میری (۱۴۰۱) چنین گزارش می‌دهد: «هر آنچه می‌بینیم زیبایی و احسان است. موکب حضرت ابوالفضل ساوه مشغول توزیع غذای آخر به یک خواهر ایرانی بودم که دیدم ایشان غذای خود را به یک خانواده عراقی داد. گذشت و فداکاری در بین زائرین در روح و جسم بسیار تأثیرگذار است».

پژوهشگر در مشاهدات خویش دریافت که حسن خلق و احسان حاکم در اجتماع اربعین از عوامل اساسی جذب زائر می‌باشد. حُسن کلام جزئی از حُسن خلق است اطفال عراقی که بر روی بلندی ایستاده و نغمه لبیک یا حسین و خدمة الزائر شَرَفَت لَنَا، حُبُّ الْحُسَيْنِ هُوَ يَتَنَا، سر می‌دهند کلامشان گویای تعبیری است که به تنهایی به وزن یک کتاب سخن دارد و اثرش بر زائر پایدار و بادوام است.

تأثیر روان‌شناختی که بر روی اطفال در این زمینه هست بر کسی پوشیده نیست. زمانی که کودکان مسئولیت‌پذیر می‌شوند احساس خودکارآمدی در آنها تقویت می‌شود و سپس اعتماد به نفس آنها در مشارکت‌های جمعی بالا می‌رود (لوتانز و همکاران، ۲۰۰۷).

با عنایت به اصل فضل؛ روش تربیتی که برای انسان در نظر گرفته می‌شود آن است که قبل از اینکه زائر خاطی عذرخواهی کند طرف مقابل اقدام به عفو کند و خطاها و لغزشهای او را نادیده بگیرد. خداوند در عفو بلند دامنه و فراگیر چنین می‌فرماید: «... يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُوخِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى...»... خدا شما را به مغفرت و آمرزش از گناهانتان فرا می‌خواند و می‌خواهد از تعجیل در عقاب در گذرد و شما را به عجل معین بمیراند. (ابراهیم/۱۰)

یکی دیگر از روش‌های تربیتی برای زائر، روش توبه واقعی است؛ یعنی بازگشت

از گناه با پشیمانی قلبی صورت بگیرد به گونه ای که دیگر انسان طرف خطا نرود. یکی دیگر از روشهای تربیتی آن است که در مسیر پیاده روی اربعین، به زائر بشارت داده شود به عطایایی که پس از به دوش گرفتن تکالیف به فرد ارزانی خواهد شد و با کشش این امید، او را آماده قبول زحمت می گرداند. روش تربیتی دیگر مبالغه در پاداش است. بر اساس این روش، برای پاداش دادن به فردی که تن به کوشش و تلاش داده و سعی خود را ابراز کرده است، باید بر اساس فضل رفتار کرد و بهترین اعمال او را معیار قضاوت و پاداش قرار داد و ضعف ها و کمبودهای جانبی را نادیده گرفت. پاداش به چنین فردی، می تواند از مرز عدالت در گذرد و بیش از حد استحقاقش او را مورد لطف قرار داد (باقری، ۱۳۸۵: ص ۱۷۲).

پژوهشگران در مشاهدات خویش دریافتند؛ که دادن هدایا به کودکان و نوجوانان زائر در طول پیاده روی در مقابل تحمل سختی راه، نوعی پاداش محسوب می شود که نشاط را برای ایشان به ارمغان می آورد و رغبت و انگیزه شان را بیشتر می گرداند.

لوتانز می گوید تأثیر روان شناختی که از دادن هدایا به کودکان حاصل می شود آن است که احساس امیدواری در کودکان برای انجام مضاعف آن عمل نیک، افزون می گردد و خودکارآمدی کودک بالا می رود. به قول سوییتمن (۲۰۱۰) کودک به ارزش خود پی می برد و احساس کفایت و کارایی به او دست می دهد.

## مبنای هفتم

وسع ها و طاقت های مختلفی است که فهم و عمل انسانها را از یکدیگر متفاوت می گرداند. هر یک از زائرین سفر اربعین دارای وسع و طاقتهای متفاوتی از یکدیگرند. به عنوان مثال طاقت هر انسانی در برابر حرارت شدید آفتاب کربلا و تحمل عطش متفاوت است. کودک، نوجوان، جوان، میانسال و سالمند، هر یک بنا به وسع خود، طاقت و تحمل

دارند که در روانشناسی به آستانه‌ی تحمل افراد یاد شده است. اگر فرد در موقعیتی قرار گیرد که از آستانه تحملش فراتر رود، فهم و عمل انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پس باید از زائر اربعین به قدر وسع و طاقتش از او تکلیف خواست.

کودکی که زائر اربعین هست باید در این مسیر کودکی خود را داشته باشد. از ۲ تا ۷ سالگی نباید انتظار داشت که کودک تکلیف پذیر باشد؛ بلکه بازی و ویژگی اساسی این مرحله را مشخص می‌سازد. با توجه به مشاهدات پژوهشگراز وجود کودکان در مسیر اربعین؛ دادن نقش و مسئولیت به کودکان باعث نشاط و و بالا رفتن اعتماد به نفس و مسئولیت پذیری ایشان می‌گردد. از طرفی از عوامل آسیب‌زا مثل ایجاد احساس حقارت و حسادت در کودک جلوگیری می‌کند.

طی مصاحبه انجام شده با کودک پنج ساله (T6))، مصاحبه‌گر دریافت که کودک در پیاده روی اربعین از شدت گرما و عطش کلافه و ناراحت شده و توان ادامه مسیر را نداشته است. لازم است در این موارد والدین به طاقت فرزند خود بیندیشند و از ادامه پیاده روی در طول روز خودداری کنند و قسمت عمده پیاده روی را به شب موکول کنند.

یکی از اصول تربیتی که در زیر مجموعه‌ی مبنای تربیتی تطور وسع آدمی قرار می‌گیرد؛ عدل است. عدل، اصلی اصیل در تربیت اسلامی است. امام علی (ع) در تعریف عدل می‌فرماید: «العدل الإنصاف. عدل همان انصاف است. حکمت/۲۳۱» ایشان می‌فرماید: «عدالت هر چیزی را سر جای خود می‌نهد، در حالی که بخشش آن را از جای خود خارج می‌سازد. عدالت تدبیر عمومی مردم است در حالی که بخشش گروه خاصی را شامل است، پس عدالت شریف‌تر و برتر است. حکمت/۴۳۷» عدول از عدل، ظلم است که در نگرش اسلامی یکی از کریه‌ترین ضد ارزش‌ها محسوب می‌شود. خداوند متعال در ارتباط با انسانها چنان عدل می‌ورزد که کمترین میزان ظلم را نیز از خود نفی میکند. «وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ

خَرَدَلِ آتینا بها. و ما میزان های عدل را برای قیامت خواهیم نهاد و ستمی به هیچ کس نخواهد شد و اگر عملی به قدر دانه ی خردلی باشد، تحت نظر ما خواهد بود ( انبیاء/۴۷) (باقری، ۱۳۸۵: ص ۱۸۳).

یکی از علل قیام امام حسین (ع)، پر شدن جامعه از ظلم و خارج شدن جامعه از مسیر عدل است. به گونه ای که اسلام وارونه جلوه داده شد و ارکان آن توسط حاکمان ظالم نشانه رفته بود. با قیام امام حسین (ع) دین پیامبر (ص) احیا شد یعنی جامعه در مسیر حق و عدل قرار گرفت و افکار انحرافی به کنار رفت.

بعد از شهادت امام حسین (ع) یک رونقی در اسلام پیدا شد. این اثر در اجتماع از آن جهت بود که امام حسین (ع) با حرکت قهرمانانه خود، روح مردم را زنده کرد، احساس بردگی و اسارتی را که از اواخر زمان عثمان و تمام دوره معاویه بر روح جامعه اسلامی حکمفرما بود، تضعیف کرد و ترس را ریخت، احساس عبودیت را زایل کرد. به عبارت دیگر به اجتماع اسلامی شخصیت داد (مطهری، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۱۶۳). آنچه که در اجتماع بزرگ اربعین لازم است همیشه لحاظ شود؛ شخصیت دادن به این اجتماع بزرگ است. باید روح زائرین اربعین را با اعمال تدابیر سرنوشت ساز، زنده کرد به گونه ای که وقتی به وطن خویش باز می گردد در خود رونقی دوباره ببیند.

طی مصاحبه انجام شده در مورد واژه عدالت؛ مصاحبه شونده (T۱۲) بیان می کند که «مسیر پیاده روی اربعین باید تبدیل شود به تجمع بزرگ عدالت خواهان جهان. باید در خیمه های مختلفی جوان های کشورهای دورهم جمع شوند و از عدالت صحبت کنند و اینکه چه کار کنیم دنیای بهتری داشته باشیم؟»

## مبنای هشتم

کرامت است. کرامت بزرگواری است و بزرگواری حاصل بهره‌وری معین یک موجود است بی آنکه پای مقایسه با غیر در آن گشوده شود. خداوند آدمی را از بهره‌های درونی ویژه‌ای چون عقل برخوردار ساخته و به سبب همین بهره‌وری، کریم و بزرگواری داشته است. همه به گوهر انسانی مکرم اند، سیاه باشند یا سرخ یا زرد یا سفید (باقری، ۸۱۳۸۵: ص ۱۹۱). در این مبنا باید انسان مکرم را عزیز داشت و مایه‌های عزت نفس او را فراهم آورد.

مشاهدات پژوهشگر در پیاده روی اربعین نشان داد افرادی که برای زیارت اربعین به سرزمین عراق سفر کرده بودند از هر قوم و نژادی در سراسر جهان بودند. هدف مشترک زائرین، وجود مقدس امام حسین (ع) بود که ایشان را به گونه‌ای مسالمت آمیز در کنار هم و عجین با یکدیگر قرار داده بود؛ زیرا فرهنگ حسینی کرامت انسانها را در تقوی می‌داند نه در رنگ و نژاد. همچنان که قرآن کریم می‌فرماید: **إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ (حجرات/۱۳)**.

با توجه به اصل عزت نفس زائر، روش‌های تربیتی زائر، روش ابراز توانایی‌ها و روش تغافل می‌باشد. در جریان پیاده روی اربعین، زائر با توانایی‌های بالقوه خود آشنا می‌شود و سعی در بالفعل نمودن توانایی‌های خود دارد. وقتی ببیند کاری از دست او بر می‌آید، احساس سربلندی و عزت خواهد کرد و هرگاه خویشتن را ناامید بیابد و ببیند که کاری از او ساخته نیست، احساس سرافکنندگی و ذلت خواهد داشت. برای اینکه احساس عزت ناشی از بروز توانایی‌ها در مسیر عزت قرار گیرد؛ زائر باید بهره‌ای از تقوا داشته باشد تا دچار خودبینی نشود و از حرکت در مسیر الهی باز نماند. زائر برای رهایی از دام عجب باید توانایی‌های خود را نوعی عطیه الهی بداند. او باید ظهور توانایی‌هایش را نعمتی از جانب خدا بداند و با استفاده از توانایی‌های مستقر در مسیر درست و حق، به شکر این نعمت پردازد.

تأثیر روان شناختی عزت نفس زائر به گونه ای است که ایشان هدف های بالایی را برای خود تعیین می کند و وظایف دشواری را برای رسیدن به آن اهداف بر عهده می گیرد. او به استقبال چالش ها می رود و برای رویارویی با چالش ها سخت تلاش می کند، انگیزه ی فردی در ایشان به شدت بالاست و برای دستیابی به اهداف خود از هیچ تلاشی مضایقه نمی کند. او در رویارویی با موانع، ثابت قدم است (لوتانز و همکاران، ۲۰۰۷).

زمانی که فرد به امری که خارج از توانایی اوست مبادرت ورزد، خود را به تکلف انداخته است که حاصل آن خروج از عزت است. در نتیجه تقوای انسان دچار تزلزل می شود. پژوهشگر در جریان مشاهدات خویش به زائرینی برخورد کرد که خود و خانواده را به تکلف انداخته بودند بدون اینکه به آستانه تحمل افراد دیگر خانواده یا دوستان یا همراهان توجه کنند، زمینه ناتوانی و ذلت را در خویش و دیگران ایجاد کرده اند و در نتیجه خاطره ناخوشایندی از سفر اربعین را در ذهن خود و دیگران ایجاد کرده اند.

تغافل یکی دیگر از روشهای تربیتی است که تعدادی از مصاحبه شونده ها در تجربه پیاده روی اربعین به کار برده اند. تغافل به این معناست که ما از امری به واقع مطلع شویم و تظاهر به غفلت کنیم. هرگاه عمل و رفتاری را از یک انسان در این مسیر شاهد بودیم که تأمل برانگیز بود، باید به نحو مطلوبی توجیه کنیم، مگر اینکه شواهد به حدی برسد که راه هر گونه توجیه موجهی بسته شود. خطرناک ترین لحظه در امر تربیت، لحظه ای است که فرد خود را از فروپوشیدن خطای خویش بی نیاز ببیند و از برملا کردن آن ابایی نداشته باشد. تغافل تدبیری برای پیشگیری از وقوع چنین لحظه ای است. به کار بردن این شیوه، مانع از آن است که احساس عزت فرد، کاملاً از بین برود و آنچه فرد را به پرهیز از خطا موفق می سازد، همین احساس عزت است. وقتی کسی خود را در مقابل عمل دیگری به تغافل می زند نشانه بلاهت و سادگی او نیست بلکه مایه بزرگواری اوست.

## مبنای نهم

که بسیار تأثیرگذار است، اندیشه ورزی است. اندیشه ورزی همان فکر و تلاش و پویایی است که به هنگام مواجه انسان با معماها در وی جریان می گیرد. با توجه به گستردگی عرصه های فکر می توان گفت که آدمیان همه درگیر اندیشه ورزی اند. یکی از جاهایی که قرآن کریم انسان را به اندیشه ورزی وادار می دارد، سیر و سفر در زمین و دیدن احوال مردم آن و تفکر کردن در عاقبت آنها است. سفر معنوی اربعین این زمینه را ایجاد می کند تا مسافر بتواند به شناخت عمیق تاریخ، فرهنگ، شریعت و آداب و رسوم اجتماعی مردم این سرزمین پردازد و اندیشه کند. حصول علم در این مسیر باعث تعقل ورزی است و این تعقل مانع از افتادن در لغزش گاهها می شود تا نیل به مقصد یعنی کسب معرفت میسر شود. در مسیر اربعین لازم است انسان هم از حس و هم از عقل خود در کنار یکدیگر بهره برد؛ زیرا هرگونه مطلق گرایی در این دوار، آفت عقل محسوب می شود و مانع از ترکیه زائر می شود و در نتیجه در پایان سفر توشه حکمتش خالی است.

در مصاحبه انجام شده با مصاحبه شونده شماره هفت (TV)، ایشان بر این عقیده است که «تعقل فوق العاده کاربرد دارد. در این مسیر اگر انسانها از عقول خود استفاده کنند این مسیر سانت به سانتش برایت داستان دارد. دم به دم آزمایش و امتحان. با تعقل، رشد فوق العاده می تواند داشته باشد. استفاده صحیح از قوه تعقل، رسیدن به جایگاه خوب معنوی، سازندگی، احترام و شناخت و معرفت نسبت به وجود امام در این مسیر است».

اسنایدر (۱۹۹۵) در تأثیر روان شناختی به کارگیری قوه ی تعقل، به تفکر امیدوارانه اشاره دارد با این اعتقاد که فرد می تواند راهکارهای مناسبی را برای رسیدن به اهداف مطلوب خود پیدا کند. زائر نیز هنگام مواجهه با اهداف، با یک احساس مثبت گرایانه و موفقیت آمیز روبرو می شود و با به کارگیری قوه تعقل به اهداف والای خویش می رسد. برای داشتن تفکر امیدوارانه، باید یاد بگیریم که چگونه با موانع برخورد کنیم. به طور کلی،

افراد دارای امید بالا، هنگام برخورد با موانع به دلیل ایجاد راههای جانشین و جدید برای رسیدن به هدف یا استفاده از اهداف جانشین پاسخ های سازگارتری ارائه می دهند.

## مبنای دهم

آشنایی با خداوند و عدم بیگانگی با خداوند در این سفر معنوی است. انسان در ضمیر خود دل به ربوبیت بسته است؛ اما گاهی غفلت کرده و جایی دیگر را دستاویز قرار می دهد. حال لازم است برای پیدا کردن مسیر درست و رسیدن به معرفت ربوبی به او یادآوری و تذکر داده شود. یکی از مسیرهایی که انسان را ترغیب به ذکر می کند حرم های الهی است. یکی از این حرم های الهی مشاهد مشرفه و بارگاه ملکوتی معصومین علیهم السلام می باشد. بزرگترین حرم الهی قلب انسان است. اگر قلب با ذکر مأنوس شود دیگر غفلت در آن راه ندارد. در مسیر پیاده روی اربعین که هم دل حاضر است و هم مشاهد مشرفه؛ غفلت رنگ می بازد و ذکر با قلب انس می گیرد. فقط لازم است توجه خود را به سمت او کنی.

در مصاحبه های انجام شده مصاحبه شونده یاد خدا را مهم ترین ابزار برای رسیدن به هدف یعنی شناخت امام می داند. در این راه موعظه های نیکو، یادآوری نعمت ها و عبرت گرفتن از احوال دیگران باعث کسب شناخت می شود. وقتی شناخت ایجاد شد، محبت رخنه می کند. محبت اطاعت، می آورد و اطاعت، عمل نیکو.

کودکان در مسیر اربعین نیز نباید بی بهره بمانند. زمانی که برای فرزندانمان برنامه داشته باشیم این اجازه را به دیگران نخواهیم داد که به هر نحو برنامه ای متناسب با میل خود برای فرزندانمان داشته باشند. یکی از برنامه های پیشنهادی، ایجاد موبک های قصه خوانی به همراه نمایش است. زیرا نمایش تأثیر شگرفی در به یادسپاری داده های ذهنی دارد. ضمیر کودک، لوح سفیدی است که هر چه بر روی آن نوشته شود ثبت می گردد و

یا کشتزار آماده ای است که هر بذری در آن پاشی؛ همان محصول را می دهد. پس بذر وجودی فرزندانمان را در پیاده روی اربعین خریداری کنیم تا محصول خوب برداشت کنیم و در نهایت به تربیتی صحیح دست یابیم. با فرزندانمان دوست بوده و پندهای نیکو به او هدیه دهیم. نوجوان به دلیل شرایط سنی ممکن است قدرت پذیرش پند را نداشته باشند. وقتی او با الگوی عملی یک کردار خوب مواجه شود دیگر نیاز به پند و نصیحت نیست.

در مصاحبه انجام شده با مصاحبه شونده (T۱۹) در مورد اثر تعزیت بر روی خویش چنین می گوید: « چندسال پیش تعزیه ای دیدم اصلاً عجیب و قریب. بالای پل ورودی به کربلا. خیلی خرابم کرد. یکی نقش امام سجاد علیه السلام را بازی می کرد. سوار یک شتر. آقا مریض احوال بود. خیلی خراب شدم. با اینکه خیلی روضه خوانش بودم نمی فهمیدم. بعضی وقت ها انسان باید یک چیزهایی رادرک کند. چند سال است که هی به فکر همان تعزیه ام».

## مبنای یازدهم

ضعف است. مقصود از ضعف به عنوان یک ویژگی عمومی انسان، بیشتر ضعف نفس است. انسان می تواند از قوت بدنی و عقلی برخوردار باشد و هم دچار ضعف نفس باشد و فرد به رویارویی با تکالیف برخاسته و در برابر قبول مسئولیت ها قرار گرفته است. پس آدمی ضعیف خلق شده است، "خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا" نساء/۲۸ و حاصل ضعف نفس او آن است که در برابر تکفل مسئولیت ها و تکالیف از پای می نشیند. هنگامی که نفس قوت می گیرد، انسان قادر خواهد بود تکالیف را به دوش گیرد و به لغزش ها تن ندهد و وسوسه ها را تاب آورد (باقری، ۱۳۸۵: ص ۲۲۱ و ۲۲۰).

گاهی انسان در برابر به دوش گرفتن تکالیف دشوار فرو میشکند و تاب نمی آورد. در اینجا لازم است به سبب اساس بودن سهولت در تکالیف بنا را بر مسامحت گذارد.

مسامحت همان قرار دادن تکالیف بر مبنای سهولت و قابلیت نیل است. زائر اربعین در مسیر پیاده روی با تکالیف و مسئولیت‌هایی مواجه است که ممکن است او را به سختی و تکلف بیندازد. زائر ممکن است در این مسیر تاب نیاورد؛ پس لازم است به مرحله‌ای کردن تکالیف و حتی تجدید نظر کردن در تکالیف بپردازد.

ستاد برگزاری اربعین نیز باید تمام نیازهای زائر را برطرف کند؛ تا زائر بتواند با آرامش خاطر به ادامه این سفر بپردازد. نیازهای زائر شامل نیازهای فیزیولوژیکی (گرسنگی، تشنگی، خواب، مسکن و جمسی) و نیازهای مربوط به ایمنی و سلامت است. نیازهای اجتماعی زائر نیز از طرف ستاد برگزاری اربعین باید در اولویت قرار گیرد با توجه به نظریه مازلو در مورد هرم نیازها، نیازهای اجتماعی شامل احساس تعلق و عشق می‌باشد (عبدالملکی، ۱۳۹۴: ص ۲۳۲). در مورد زائری که می‌خواهد به امام حسین علیه السلام ابراز عشق و تعلق کند باید از طرف ستاد اربعین امکان فراهم آوردن این زمینه، باشد.

طی مصاحبه با مصاحبه‌شونده (T۱۷) ایشان در مورد احساس تعلق و عشق به اهل بیت چنین اذعان کرد که: «من فکر می‌کنم ما نباید شرمنده محبتمان نسبت به اهل‌البیت باشیم. این چیزی است که خود پیامبر از ما این‌جور خواسته. ایشان گفته من از شما چیز دیگری نمی‌خواهم؛ تنها خواسته است که اهل‌بیتش را دوست بداریم».

## مبنای دوازدهم

دل‌بستگی، آزمندی و شتاب است. یکی از ویژگی‌های شگفت‌آور و برجسته‌ی آدمی، دل‌بستگی است. در قرآن به حُبّ و در روان‌شناسی به عشق یاد شده است. این پدیده چون در انسان شوری عظیم بر می‌انگیزد و مبداء تحمل، قدرت و جسارتی خیره‌کننده می‌شود و انسان را برای خطرپذیری مهیا می‌کند؛ شگفتی و برجستگی خاصی دارد. هرگاه

کسی دل بسته ی چیزی شد می توان با این دل بستگی هر گونه تغییری در او ایجاد کرد. از لوازم دل بستگی، آزمندی است و از لوازم آزمندی، شتاب است. آز و حرص به معنای رغبت شدید به چیزی همراه با فعالیت و عمل است. از این رو بذل تمام همت از لوازم حرص است. شتاب در عمل ممدوح است اما شتاب پیش از موقع و موعده مذموم است (باقری، ۱۳۸۵: ص ۲۲۶).

زائر در جریان اربعین با این هدف مسیر را طی می کند که به محبوب، معشوق و دل بسته ی خود امام حسین علیه السلام برسد. زائر و هر انسانی که در مسیر اربعین قرار می گیرد از عشق و دل بستگی به ابا عبدالله صحبت می کند. شوری عظیم در او ایجاد می شود که قدرت تحمل انسان را در سختی های راه بالا می برد. به انسان قدرت و جسارتی بزرگ می دهد تا نتواند به تمنیات نفس پاسخ دهد و زائر را خطر پذیر می کند به گونه ای که شهامت تغییر در خود را پیدا می کند و متحول می گردد. اینجاست که تربیت صحیح یک انسان به آسانی صورت می گیرد و رذائل جای خود را به فضائل می دهد.

در جریان تربیت، خواه در برانگیختن بر انجام پاره ای از اعمال یا بر ترک پاره ای از آنها باید از قدرت ناشی از پیوند محبت آمیز بهره جست. یکی با بذل محبت و دیگری با منع محبت. تغییر و تحولی که در نتیجه ی پیروی از این اصل در انسان به وجود می آید بسیار ژرف و بنیادی است؛ زیرا در این اصل، رابطه ی میان محب و محبوب مورد توجه است؛ در حالی که در اصولی که ناظر به پاداش و مجازات است، در درجه اول رابطه ی میان فرد و شیء مطرح است و در مقایسه، طعم رضای محبوب از طعم پاداش او شیرین تر و درد فراق او از عذابش تلخ تر است (همان، ص ۲۲۹).

طی مصاحبه انجام شده با زائر مصاحبه شونده (T۱۸)، ایشان در مورد شدت محبت چنین اذعان می نماید که: « نمی دانیم چه اتفاقی می افتد توی اربعین که از این رو به آن رو می شویم. انگار نوری همه را دگرگون می کند. رفتار همه ی مردم یک رفتار محبت

آمیز است. من اسمش را می گذارم رفتار فاطمی. انگار جنس این رفتار از جنس حضرت زهرا(س) است. همه آرام اند. کسی با کس دیگر اختلاف ندارند؛ یعنی اختلاف هست ولی اینجا همه اختلافهایشان را کنار می گذارند. چون یک محبت قوی تر و یک کشش قوی تر هست.»

عشق و محبت بیشترین تأثیر را در فرایند روان شناختی انسان دارد که در تغییر رفتار ایشان بسیار دخیل است و انسان را متحول می گرداند. خودگویی های مثبت در انسان بالا می رود و با ترس و اضطراب می تواند مقابله کند؛ زیرا آنچه برای محب دارای اهمیت فراوان است رضایت محبوب می باشد.

جدول ۲-۲ دریافت های مصاحبه شوندگان

کد	درصد	فراوانی	دریافتهای مصاحبه شونده	روش های تربیتی	مبانی و اصول تربیتی
T20	۶۲	۶۰	پرهیز از کلام لغو و بیهوده	آراستن ظاهر و کلام عفو، توبه، بشارت	جذبه حسن و احسان (آراستگی)
		۱۰۰	پوشش مناسب و مورد پسند شرع		
		۱۰	رعایت نظافت محیط		
		۸۰	نکر در طول مسیر		
		۶۰	بازگشت از گناه		

T12 T6	۷۳/۳	۶۰	رعایت حقوق انسانها خصوصاً زائرین	تکلیف به قدر وسع انذار و مجازات به قدر خطا	تصور وسع انسان (عدل)
		۱۰۰	انجام اعمال واجب و عدم ضرورت انجام مستحبات		
		۶۰	رعایت جوانب صحیح امریه معروف و نهی از منکر		
T 1	۸۰	۱۰۰	به کار گیری و شکوفایی تمام توان و استعداد انسانها برای خدمت به یکدیگر	ایرازتوانایی ها تغافل	کرامت(عزت)
		۶۰	چشم پوشی کردن از خطای یکدیگر جهت حفظ شأنیت انسانها		
T 7	۷۰	۷۰	برنامه ریزی جهت تصفیه ی درون از بدی ها	ترکیه تعلیم حکمت	اندیشه ورزی(تعقل)
		۷۰	جایگزین کردن خوبی ها		
		۶۰	تلاش برای رسیدن به عمل مقبول		
		۸۰	پیاده روی اربعین، سرتاسر، تعلیم و تعلم است		
T19	۸۰/۵۳	۶۰	نیکو سخن گفتن، ارشاد و راهنمایی مطابق با اصول عبرت از واقعه ی تاریخی عاشورا و حرکت اربعین	موعظه حسنه، یادآوری نعمت، عبرت آموزی	تکر
		۸۰	درس گرفتن از خادمین اباعبدالله(ع)		
T16	۸۰	۸۰	انجام واجبات و فرائض دینی با برنامه ریزی دقیق در طول ساعات شبانه روز سفر اربعین	مرحله ای کردن تکلیف تجدیدنظر در تکلیف	ضعف(مسامحت)

T18	۸۰	۱۰۰	محبت امام حسین به همه مردم و نبودن قهر از جانب حضرت	بیان مهر و قهر عطا و حرمان تکلیف در عایت و سع	دلبستگی، آزمندی و شتاب (ابراز یا منع محبت سبقت)
		۸۰	عطای بی دریغ به زائر از طرف خادمین حضرت بدون چشم داشت		
		۶۰	سبقت گرفتن هر انسان در انجام افعال مورد پسند معصومین		

## نتیجه گیری

تحقیق حاضر به دنبال بررسی روش های تربیتی و روان شناختی پیاده روی زائرین اربعین بوده و در این راستا به نتایج قابل تأمل رسید. از آن جهت که اربعین حسینی بزرگترین رویداد تاریخی جهان اسلام است؛ زائر نقش به سزایی در ایجاد، دوام و بقای آن دارد. زائر اهدافی را در زیارت اربعین دارد که در رأس آن شناخت حقیقی انسانی کامل به نام حضرت اباعبدالله (ع) است. زائر برای دور کردن آلودگی از خود و سبقت دادن روح خود نیاز دارد که به الگویی کامل تکیه کند و در سایه محبتی که در ایشان از الگوی کامل ایجاد شده است، به سلامت روان برسد. سلامت روان در سایه ی وجود روش های تربیتی صحیح شکل می گیرد پس محقق اثرات تربیتی و روان شناختی پیاده روی اربعین را بر روی زائرین بررسی نموده و به بررسی جوانب مختلف آن پرداخت.

نتایج تحلیل مضمون حاصل از مصاحبه ها و مشاهدات عمیق نشانگر آن است که مهم ترین مضامین شناسایی شده در حیطه روش های تربیتی به کار برده شده از سوی زائرین، مضمون هایی با عناوین ذیل می باشد.

یافته های تحقیق حاضر نشان می دهد که هدف اصلی از پیاده روی اربعین در بین زائرین رسیدن به شناخت حقیقی از وجود ابا عبدالله (ع) است که همه انسانهایی که در مسیر پیاده روی اربعین قرار گرفتند (چه زائر و چه میزبان)؛ به نحو مؤثری به این هدف دست یافته اند. ایشان اهدافی را در رسیدن به هدف اصلی دنبال می کنند، از جمله در ظاهر خود تغییراتی دادند. خود را ملزم به خواندن ادعیه، بیان ذکرالهی در این مسیر، خواندن کتاب، غسل کردن، ایجاد پوشش مناسب کردند.

زمانی که ایشان ظاهر خود را تغییر دادند، باطنشان نیز صفا گرفته و تغییراتی در آن ایجاد شد و به بینش صحیح و ایمان به مبداء هستی، بینش به وجود خود، بینش به حقیقت مرگ دست یافته و اعمال و رفتار ایشان شایسته گردید و ایشان از پوچی و پوچگرایی دور گردیدند.

محقق به این نتیجه رسید که وقوع سختی ها در مسیر پیاده روی اربعین انسان ساز است و باعث رشد توانایی فکری و عملی انسان می شود. وجود فشارهای حاکم در مسیر پیاده روی اربعین نه تنها برای زائرین مخرب نیست بلکه برای تکامل فردی و اجتماعی آنان ضرورت دارد.

وقتی رفتار مطلوب در زائر شکل گرفت لازم است تا از آن رفتار محافظت و مراقبت کند تا جزئی از شخصیت و منش انسان بعد از زیارت گردد. با توجه به نتایج حاصل، برای ایجاد حالات و رفتار مطلوب در زائر باید به دستکاری شرایط محیطی پرداخت. ایجاد تغییر در موقعیت فرد یا جمع، آثار تغییر در رفتار و افکار و ارزش ها را آشکار می کند.

برای اصلاح رفتار نامطلوب زائر، باید شرایطی فراهم شود که احتمال بروز رفتار مطلوب را بالا ببرد و احتمال بروز رفتار نامطلوب را کاهش و حذف نماید. نمونه ی آن پیاده روی در شب به دلیل گرمای هوا برای جلوگیری از گرمزدگی و پرخاشگری ناشی از فشار جوی است.

محقق به این نتیجه رسید که زائرین الگو و اُسوه ی خود را امام حسین (ع) معرفی می کنند و در همه ی مراحل زندگی به ایشان اقتدا می نمایند؛ حتی برای فرزندان خود هم شرایطی مهیا می کنند تا بتوانند به درونی کردن این الگو به نحو شایسته و خوش آیند، پردازند. زائر پس از آنکه به اصلاح و تعیین الگوی حسنه ی خود پرداخت بر شرایط تأثیرگذار می شود و به تغییر در موقعیت می پردازد.

محقق دریافت آن احسان و حُسنی که از سوی میزبانان اربعین به سمت زائرین سرازیر می گردد، اثرش بادوام و پایدار است و در ایجاد و تداوم رفتار مطلوب از سوی زائر بسیار تأثیرگذار است. رفتارهای شایسته ی میزبانان اربعین باعث الگوگیری زائر و تغییر در رفتار ناشایست بعضی از زائرین می گردد و باب بازگشت از رفتار ناشایست در ایشان باز می شود.

محقق در زمینه ی عدالت چنین دریافت که عدل، اصلی اصیل در تربیت اسلامی است. عدالت تدبیر عمومی مردم است. عدول از عدل، ظلم است که در نگرش اسلامی یکی از کریه ترین ضد ارزش ها محسوب می شود. یکی از علل قیام امام حسین (ع)، پر شدن جامعه از ظلم و خارج شدن جامعه از مسیر عدل است. بعد از قیام بسیاری از مردم دریافتند که جامعه آنها از مسیر عدالت خارج شده است و با وجود امام بر حق است که عدالت ریشه می کند و جوانه می زند. زائر معتقد است مسیر پیاده روی اربعین باید به تجمع بزرگ عدالت خواهان جهان تبدیل شود و همه جانبه به این رکن پایبند بود. رعایت عدالت در پیاده روی اربعین یکی از بهترین روش های جذب زائرین و مجاورین در مباحث تربیتی است.

محقق در زمینه ی روش تربیتی کرامت و بزرگواری دریافت که؛ با توجه به اصل عزت نفس به این نتیجه می رسیم که ابراز توانایی ها (خودباوری و خودشکوفایی) و تغافل یکی از روش های تربیتی است که زائر در مسیر پیاده روی در ارتباط با اجتماع خود برای حفظ

عزت نفس خود و دیگران می تواند لحاظ کند.

دلبستگی یکی از ویژگی های برجسته ی آدمی است که در روان شناسی به عشق معروف است. دلبستگی فرد باعث ایجاد تغییر در انسان می گردد؛ زیرا از محبوب خود اطاعت می کند. شوری عظیم در او ایجاد می شود که قدرت تحمل انسان را در سختی های راه بالا می برد. دلبستگی و عشق حسینی است که معلول جسمانی و بیمار را به عرصه ی پیاده روی می کشاند و به انسان قدرت و جسارتی بزرگ می دهد تا نتواند به تمنیات نفس پاسخ دهد و زائر را خطرپذیر می کند به گونه ای که شهادت تغییر در خود را پیدا می کند و متحول می گردد. اینجاست که تربیت صحیح یک انسان به آسانی صورت می گیرد و رذائل جای خود را به فضائل می دهد.

در جریان تربیت، خواه در برانگیختن بر انجام پاره ای از اعمال یا بر ترک پاره ای از آنها باید از قدرت ناشی از پیوند محبت آمیز بهره جست. یکی با بذل محبت و دیگری با منع محبت. تغییر و تحولی که در نتیجه ی پیروی از این اصل در انسان به وجود می آید بسیار ژرف و بنیادی است؛ زیرا در این اصل، رابطه ی میان محب و محبوب مورد توجه است؛ در حالی که در اصولی که ناظر به پاداش و مجازات است، در درجه اول رابطه ی میان فرد و شیء مطرح است و در مقایسه، طعم رضای محبوب از طعم پاداش او شیرین تر و درد فراق او از عذابش تلخ تر است.

با توجه به اینکه پیاده روی اربعین، حرکتی جهانی شده است و با استقبال انسانهایی با فرهنگ ها و آداب و منش و ادیان مختلف مواجه شده است؛ همچنین آثار تربیتی و روانی ویژه ای را برای انسانهایی که در این مسیر قرار گرفته اند، رقم می زند؛ ضروری می نماید که مسئولین و دست اندرکاران این حوزه تسهیلات لازم را برای زائرین در این سفر معنوی فراهم سازند.

از جمله پیشنهادات آن است که نیروهای خبره و کارشناسان تربیتی و روان شناسان

زبده را در درمانگاهها و موبک های سلامت بگذارند تا به زائرین علاوه بر حیظه سلامت جسم در حیظه سلامت روان نیز ارائه ی خدمت گردد.

ایجاد بستر مناسب برای زائرین کودک و نوجوان در طول مسیر پیاده روی اربعین جهت شناساندن ارزشهای انسانی و تربیتی در اذهان کودکان با روش کودکانه. مانند برگزاری موبک تخصصی کودک که خود کودکان نیز موبک دار باشند و در آنجا قصه خوانی، شعرخوانی، اجرای نمایش هایی از حماسه امام حسین و یاران ایشان انجام شود. اهداف فرعی در این نوع موبک ها ایفای نقش مسئولیت و بالا بردن سطح اعتماد به نفس کودکان و لذت یابی کودکانه و تشویق و ترغیب کودکان در مسیر پیاده روی اربعین است. آگاه سازی دقیق زائرین از سوی ستاد اربعین و بقیه ی دستگاههای اجرایی مراسم اربعین برای ارائه ی بهترین خدمات تربیتی و روان شناسی و اطلاع رسانی و آگاه سازی زائرین در این زمینه از طریق فضای مجازی، رسانه ها، پوسترها، بروشورها و نیروهای خبره ی در مسیر.

تسهیل روند پیاده روی اربعین از طریق ارائه ی خدمات مددکاری اجتماعی به زائرین معلول جسمی و ذهنی و زائرین سالمند.

## منابع و مآخذ

- کتاب ها
- قران کریم
- نهج البلاغه
- آقاتهرانی، مرتضی (۱۳۸۵). یاران شیدای حسین ابن علی (ع). قم: نشر باقیات.
- باقری، خسرو (۱۳۹۹). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. ج اول. تهران: انتشارات مدرسه.

- بختیاری، رعنا (۱۳۸۸). اصول و مبانی روان شناسی و آداب معاشرت. تهران: انتشارات مبنای خرد.
- بشیری، ابوالقاسم (۱۳۹۰). اختلالات رفتاری. قم: نشر معارف.
- بنت الشاطی، دکترة (۱۳۷۴). شیر زن کربلا یا زینب دختر علی (ع). ترجمه سید جعفر شهیدی. تهران: نشر مشعر.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۷). حماسه و عرفان. قم: نشر اسراء.
- سیلوا، خوزه (۱۴۰۰). روش کنترل ذهن (تکنیک های شفابخشی خود و دیگران). ترجمه علی اصغر شجاعی. تهران: انتشارات نقش و نگار.
- دانشگر، بهزاد. محمد علی جعفری (۱۳۹۷). پادشاهان پیاده. ترجمه سعید دژفر. تهران: نشر عهد مانا.
- دشتی، رضا (۱۳۸۲). زندگانی حضرت ابوالفضل العباس (ع). تهران: نشر مؤسسه فرهنگی پازینه.
- دشتی، محمد (۱۳۷۹). ترجمه نهج البلاغه. قم: نشر پرهیزکار.
- دلشادتهرانی، مصطفی (۱۳۸۶). مدرسه حسینی. تهران: نشر دریا.
- زارع، حسین (۱۳۹۵). اکبر رضایی و علی مصطفائی. روان شناسی تربیتی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- شجاعی، تقی (۱۳۹۶). سید من حسینی. قم: نشر مواسات.
- صدری افشار، غلامحسین و همکاران (۱۳۸۸). فرهنگنامه فارسی. ج دوم. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- طاهرزاده، اصغر (۱۳۸۸). کربلا مبارزه با پوچی ها. اصفهان: نشر لب میزان.
- طباطبایی میرجهانی اصفهانی، سید محمد حسین (۱۳۸۹). البكاء للحسین. قم: نشر احقاف.

- عباس نژاد، محسن (۱۳۸۴) و همکاران. قران، روانشناسی و علوم تربیتی. مشهد: نشر بنیاد پژوهش های قرانی حوزه و دانشگاه.
- عبدالملکی، سعید (۱۳۹۴). مبانی روان شناسی. تهران: نشر علم.
- عمید، حسن (۱۳۶۵). فرهنگ عمید. ج اول. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- قاعدان، اصغر (۱۳۸۸). عتبات عالیات عراق. تهران: نشر مشعر.
- قمی، عباس (۱۳۸۵). نفس المهموم. ترجمه ابوالحسن شعرانی. تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- گال، مردیت، بورگ، والتر، گال و جویس (۱۳۹۱). روش های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان شناسی. ترجمه احدرضا نصر و همکاران. تهران: سمت.
- لوتانز، فرد (۲۰۱۰) و سوییتمن. سرمایه روان شناختی. ترجمه بهروز رضایی منش و همکاران. تهران: انتشارات علمی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲ق). بحار الانوار. ج ۱. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محمدی اصل، عباس (۱۳۸۶). مبانی روان شناسی اجتماعی. تهران: نشر علم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). حماسه ی حسینی. ج اول. تهران: نشر صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۴). حماسه ی حسینی. ج دوم. تهران: نشر علامه طباطبایی.
- نیلی پور، مهدی (۱۳۹۳). ۸۰۰۰ متر عشق. اصفهان: نشر مرغ سلیمان.

## مقاله ها

- افتخاری، لاله (۱۳۹۸). نقش پیاده روی اربعین در تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر فرمایشات مقام معظم رهبری. فصلنامه علمی تخصصی رهیافت

- فرهنگ دینی. سال ۲. شماره ۸. ۲۹-۵۷.
- اکوانی، عباس (۱۳۹۹). بررسی تأثیر راهپیمایی اربعین حسینی در ترویج فرهنگ حسینی و تمدن شیعی. مجله نخبگان علوم و مهندسی. جلد ۵. شماره ۵.
- تاج بخش، غلامرضا (۱۳۹۹). پیاده روی اربعین و ابعاد تربیتی آن. بصیرت و تربیت اسلامی. سال ۱۷. شماره ۵۲. ۴۱-۶۲.
- تاج بخش، غلامرضا و محمدرضا حسینی و انتصار موسوی (۱۳۹۸). مطالعه کیفی الگوی ابراز هویت ایرانیان و عراقی ها در آیین پیاده روی اربعین. فصلنامه نظریه های اجتماعی متفکران مسلمان. سال ۹. شماره ۲: ۹-۳۶.
- دغاغله، یعقوب و مریم درویشی (۱۴۰۰). بخش بندی و تعیین نیمرخ روانشناختی - جمعیت شناختی و رفتاری زائرین کربلا در آیین سالانه اربعین. فصلنامه مطالعات اجتماعی گردشگری. سال ۱۰. شماره ۱۹. ۲۲۱-۲۵۰.
- رضوی زاده، ندا (۱۳۹۶). ادراک تجربه زیسته زائران پیاده ایرانی در عراق. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. دوره ۶ شماره ۴: ۵۹۵-۶۳۱.
- رمضان‌ی تیمجانی، صدیقه (۱۳۹۹). بررسی ابعاد و اجزای ذهنی مشارکت جمعی در پیاده روی اربعین. فصلنامه دین و ارتباطات. سال بیست و هفتم. شماره اول. ۳۵۷-۳۸۴.
- صدیق اورعی، غلامرضا و مهدی باقری و شهیده صدیق اورعی (۱۴۰۰). چالش های تصمیم گیری زائر ایرانی برای زیارت پیاده اربعین. فصلنامه مطالعات اجتماعی گردشگری. سال ۹. شماره ۱۷. ۱۰۷-۱۳۶.

- طاهرخانی، عبدالله و پروین سوادیان و منصور شریفی (۱۳۹۹). راهپیمایی اربعین نمادی از شکل‌گیری هویت جمعی مسلمانان. فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام. دوره ۹. شماره ۱. ۱۳۹۰-۱۶۲.
- فرخی، میثم و زینب انگوتی (۱۳۹۸). دلایل حضور و مشارکت زنان ایرانی در پیاده روی اربعین. فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج. سال ۲۲. شماره ۸۵. ۲۹-۵۸.
- فروغی، یاسر (۱۳۹۹). مطالعه کیفی انگیزه‌های زائران ایرانی شرکت‌کننده در آیین پیاده روی زیارت اربعین. فصلنامه دین و ارتباطات. دوره ۲۶. شماره ۲. ۴۱۹-۴۵۰.
- فلاحی، سارا و مهدی شاه ولی (۱۳۹۹). نشانه‌شناسی پیاده روی اربعین و شباهت‌های آن با حکومت مهدوی. فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام. دوره ۸. شماره ۱. ۲۸۵-۳۱۰.
- مریجی، شمس‌الله (۱۴۰۱). تبیین جامعه‌شناختی زیارت اربعین و کارکردهای اجتماعی آن. فصلنامه علمی پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی. سال ۱۰. شماره ۲. ۸-۳۲.
- مقیمی، سید محمد (۱۳۹۷). آموزه‌های مدیریتی از رویداد اربعین حسینی. فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت اسلامی. سال ۲۶. شماره ۲.

منابع دیجیتال

- نرم افزار جامع الاحادیث

- نرم افزار قران نور

## منابع رسانه ای

- خبرگزاری جام جم، (۱۴۰۱). سفرنامه پیاده روی اربعین از نجف تا کربلا. ۱ مهر، ساعت ۱۸:۲۲. هیئت باران سرزمین گیلوگاه. موکب تخصصی کودکان.
- خبرگزاری روضه نیوز، (۱۴۰۱). سفرنامه نوجوان آمریکایی از پیاده روی در زیارت اربعین نجف تا کربلا. حماسه اربعین.
- خبرگزاری جام جم ۱، (۱۴۰۱). موکب رسانه ای طریق الحسین. گزارش از اسحاق آقامیری. پیاده روی اربعین ۱۴۴۴، ۲۳ شهریور ۱۴۰۱، ساعت ۱۰:۴۹. عمود ۱۲۲۲ مسیر نجف تا کربلا. برنامه ی پیاده آمده ایم.
- خبرگزاری جام جم (۱۳۹۴). حاج اقا اکبری، موکب امام رضا(ع) اردبیل. سامرا. دیوانیه، مرقد سید محمد. ۲۳ شهریور ساعت ۱۴:۱۵.
- حضور بیماران و معلولان در پیاده روی اربعین (۱۳۹۸)، شبکه جهانی بیت العباس(ع).
- خبرگزاری تبیین، (۱ آذر ۱۳۹۵). پیاده روی دختر خردسال معلول با دست در اربعین حسینی.
- خبرگزاری جام جم، (۱۳۹۵). پیاده روی حیدر-معلول جسمی از ناحیه پا. للإنسان. للمشي في الأربعين أثر كبير في رفع مستوى التعليم والصحة النفسية للإنسان.

المفردات الأساسية: مسيرة الأربعين ، مبادئ نفسية ، طريقة تربوية ، زوار

تبيين رابطه سلامت معنوی با سلامت  
اجتماعی در پياده‌روی اربعين

فاطمه احمدي بيغش

ايران - تهران

[yazahra0313@yahoo.com](mailto:yazahra0313@yahoo.com)



## حکیده

آرامش معنوی در برگیرنده ابعاد گوناگون درونی و بیرونی می‌باشد که با واسطه قابل تبدیل به همدیگر است. سلامت معنوی در کنار سلامت اجتماعی معنی پیدامی‌کند. این مقاله با روش مطالعه توصیفی - همبستگی و جامعه آماری آن شرکت کنندگان در پیاده روی اربعین هستند. چون تعداد شرکت کنندگان در این راهپیمایی معلوم نیست، جامعه آماری نامحدود مدنظر است و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برای جامعه نامحدود ۳۸۴ نفر تعیین شده است. هدف از پژوهش بررسی رابطه سلامت معنوی با سلامت اجتماعی گردشگران مذهبی شرکت کننده در پیاده‌روی اربعین است. اما باید دید بین سلامت معنوی و سلامت اجتماعی گردشگران مذهبی شرکت کننده در پیاده‌روی اربعین رابطه وجود دارد؟ آنچه به عنوان ره‌آورد پژوه از این تحقیق استنباط می‌شود این است که؛ سلامت معنوی با سلامت اجتماعی افراد و نیز ابعاد سلامت معنوی (شناختی، عواطف و کنشی) با سلامت اجتماعی رابطه معناداری دارد. همچنین وضعیت تأهل با ابعاد سلامت معنوی و نیز جنسیت با ابعاد شناختی تفاوت دارد. در نتیجه هرچه میزان سلامت معنوی افزایش پیدا کند، میزان سلامت اجتماعی بیشتر می‌گردد. در تحقیق حاضر مشخص شد که نزدیک به ۳۶ درصد از تغییرات متغیر میزان سلامت اجتماعی توسط متغیر مستقل معلوم می‌شود. پیاده‌روی اربعین با توجه به ویژگی‌هایی که دارد - از جمله حضور داوطلبانه اشخاص از طبقات مختلف جامعه با سطوح مختلف اعتقادی - زمینه مناسبی برای ایجاد همبستگی، انسجام و مشارکت اجتماعی فراهم می‌سازد که از این طریق می‌شود برای افزایش شکوفایی و پذیرش اجتماعی گام برداشت.

واژگان کلیدی: سلامت معنوي، سلامت اجتماعي، پياده‌روي اربعين،  
گردشگران

## تبين العلاقة بين السلامة المعنوية والسلامة الاجتماعية في زيارة الأربعين

فاطمه احمدى

ايران - تهران

### ملخص البحث

السلامة المعنوية تشمل ابعاداً داخلية وخارجية مختلفة ويمكن من خلال وسيط نقلها الى الاخرين . تكمن معنى السلامة المعنوية بجانب السلامة الاجتماعية . كتب البحث بالمنهج الوصفي . التضامن ومجتمعها الإحصائي هم المشاركون في زيارة اربعين . نظراً لعدم معرفة عدد المشاركين في الزيارة ، ينظر الى الاحصائية غير المحدودة ويتم تحديد حجم العينة باستخدام معادلة كوكران لعدد غير محدود ويعين ٣٨٤ شخصاً. الغرض من البحث هو دراسة العلاقة بين السلامة المعنوية والسلامة الاجتماعية للزائرين والمشاركين في زيارة اربعين. ولكن لا بد من معرفة وجود علاقة بين السلامة المعنوية والسلامة الاجتماعية للزائرين والمشاركين في زيارة الأربعين؟ ما يستنتج من هذا البحث هو: هناك علاقة وثيقة بين السلامة المعنوية مع السلامة الاجتماعية للأفراد وأبعاد السلامة المعنوية (الإدراكية والعاطفية والسلوكية) مع السلامة الاجتماعية. كما ان متوسط السلامة المعنوية بين المتزوجين والعزاب تختلف ومتوسط الابعاد المعرفية تختلف بين النساء والرجال. فبالتالي مع ارتفاع مستوى السلامة المعنوية

ترتفع مستوى السلامة الاجتماعية. في البحث الحالي ، توصلنا الى أن ما يقرب من ٣٦٪ من التغييرات في متغير السلامة الاجتماعية يتم تحديدها بواسطة المتغير المستقل. وفقاً لخصائص زيارة الاربعين ، بما في ذلك الحضور الطوعي لأشخاص من طبقات مختلفة من المجتمع بمستويات مختلفة من المعتقدات ، فإنها توفر أرضية مناسبة للتضامن والانسجام والمشاركة الاجتماعية ، والتي يمكن بهذه الطريقة أن تتخذ خطوات لزيادة الازدهار والقبول الاجتماعي .

**الكلمات المفتاحية :** السلامة المعنوية ، السلامة الاجتماعية ، زيارة الاربعين

.السواح.

Investigating the link between spiritual health and social health of religious people who attended the Arbaeen procession

Fatima Ahmadi

Abstract

Spiritual peace includes various internal and external dimensions that can be transformed into each other through mediation. Spiritual health has a meaning along with social health. This article is a descriptive-correlational study method and its statistical population is the participants in the Arbaeen walk. Because the number of participants in this march is not known, an unlimited statistical population is considered, and the sample size is determined using Cochran's formula for an unlimited population of 384 people. The purpose of the research is to investigate the relationship between spiritual health and social health of religious tourists participating in the Arbaeen walk. But is there a relationship between the spiritual health and the social health of religious tourists participating in the Arbaeen walk? What is inferred from this research as the researcher's conclusion is that; Spiritual health has a significant relationship with the social health of religious tourists, and the dimensions of spiritual health (cognitive,

emotional, and behavioral) have a significant relationship with social health. Also, marital status is different from the dimensions of spiritual health, and gender is different from cognitive dimensions. As a result, as the level of spiritual health increases, the level of social health increases. In the current research, it was found that nearly 36% of the changes in the social health variable are determined by the independent variable. According to its characteristics, including the voluntary presence of people from different classes of society with different levels of belief, the Arbaeen walk provides a suitable ground for creating solidarity, cohesion and social participation, which in this way can take steps to increase prosperity and social acceptance.

**Key words:** spiritual health, social health, Arbaeen walk, tourists

مقدمه

سلامت به حالتی از رفاه کامل جسمی، ذهنی و عملکرد فرد در محیط طبیعی و اجتماعی اشاره دارد. لذا سلامت را می‌توان مفهومی چند بعدی دانست (تونگتی، ۲۰۱۴م، ص ۱) کلمه سلامت خوردن غذاهای خاص، ورزش، خودمراقبتی عاطفی و ذهنی و... را در بردارد. سلامت معنوی هم به همان میزان اهمیت دارد. سلامت معنوی دربرگیرنده ابعاد گوناگون درونی و بیرونی است که با واسطه‌هایی قابل تبدیل به هم می‌باشند. فلسفه ارتباط برون فردی و ارتباط میان فردی برای رفع نیازهای کمبود (نیازهای فیزیولوژیک و اجتماعی) و فلسفه ارتباط درون فردی و فرافردی برای رفع فرایندها (نیاز خودیابی) است؛ به بیان دیگر سلامت معنوی در کنار سلامت اجتماعی معنی می‌یابد. (ولف، ۲۰۰۷م: ۱)

فرهنگ پیاده‌روی اربعین که هر ساله هم‌زمان با ایام منتهی به اربعین شهادت سید و سالار شهیدان حسین بن علی (علیه السلام) و شهدای کربلا در کشور عراق برگزار می‌گردد، در سال‌های اخیر به علت‌های متفاوت سیاسی و فرهنگی گسترش و عظیم‌ترین تجمع صلح‌آمیز بشری در جهان معاصر به حساب می‌آید. حضور ایرانی‌ها که از گذشته به محبین آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) مشهور بودند، در سال‌های اخیر بر کیت و کیفیت آن اضافه و نمایش میلیونی از حضور شیعیان جهان در مسیر کربلا رقم خورده است. این آیین با توجه به پیشینه تاریخی و همین‌طور کارکردهایی که آیین‌ها در جریان برگزاری خود دارند، به یکی از صحنه‌های اصلی رفتار شیعیان تبدیل گشته است. (گیویان و امینی، ۱۳۹۶ش: ۸). در مراسم پیاده‌روی

اربعین در سال ۱۳۹۸ هجری شمسی تقریباً ۲۱ میلیون نفر طی پنج تا بیست ماه صفر شرکت کردند که هفده میلیون آن‌ها شهروندان عراقی از داخل و خارج کشور بودند؛ یعنی حدود ۴۰ درصد ساکنان عراق یا حدود ۷۵ درصد جمعیت شیعیان این کشور (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۸) و به گزارش خبرگزاری موج، کمیته اطلاع‌رسانی ستاد مرکزی اربعین از ثبت نام ۱،۹۶۷،۸۹۲ فرد ایرانی در سامانه ثبت‌نام زائران اربعین ۱۳۹۸ خبر داد. (خبرگزاری موج، ۱۳۹۸).

این مراسم باشکوه با تجمع میلیونی مردم و ماندگاری و تکرار سالانه را می‌توان از رویدادهای مهم اجتماعی در عصر معاصر دانست. این رخداد اجتماعی پیام‌های مهم معنوی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زیادی در بر دارد. جدای از زیبایی‌های معنوی پیاپی اربعین و قاب‌های ماندگار آن، که برای همه الهام‌بخش است، مسئله سلامت معنوی و اجتماعی مردمی که با عشق پا در این راه می‌گذارند هم ضروری است. مطالب انتشار یافته در رسانه‌ها، فضای مجازی، رادیو و تلویزیون، مصاحبه‌های پخش شده از افرادی که در پیاده‌روی اربعین حضور داشتند، حاکی از بالارفتن سطح معنوی مردم است. (جلالی فراهانی حسینی ذیجود، ۱۳۹۸ ش: ۵۴۷) مشارکت بخش جوهری و اساسی رشد انسان و توسعه اعتماد به خود، ابتکار، سربلندی، فعالیت، مسئولیت‌پذیری و تعاون اجتماعی است. بدون چنین توسعه و تحولی در درون مردم تلاش و اقدام برای امحای فقر و توسعه نیافتگی، اگر غیرممکن نباشد، دست کم با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهد بود. (بور کلی، ۱۹۹۶، ۵۶). به نظر گائوتری، «مشارکت فرایندی اجتماعی، عمومی، یکپارچه، چندگانه، چندبعدی و چندفرهنگی است که هدف آن کشاندن همه مردم به ایفای نقش در همه مراحل توسعه است» (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳، ۲۹۰). مشارکت اجتماعی در کنار حوزه اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ... قرار می‌گیرد.

در تعریف مشارکت اجتماعی گفته شده است: مشارکت اجتماعی عبارت است از شرکت آگاهانه، ارادی، خودانگیخته و هدفمند گروه‌ها و افراد در فرایندها و امور اجتماعی جامعه به منظور تسهیم و نقش داشتن در کارها، تسهیل و تسریع امور جامعه و بهره‌برداری از نتایج آن‌ها و کمک به اهداف توسعه اجتماعی جامعه». (انصاری، ۱۳۸۳، ۶۲)

با توجه به مطالب ذکر شده، این پژوهش در پی بررسی رابطه سلامت معنوی با سلامت اجتماعی در بین گردشگران مذهبی شرکت‌کننده در پیاده‌روی اربعین است. سؤال اصلی پژوهش این است که آیا بین سلامت معنوی و اجتماعی گردشگران مذهبی حاضر در پیاده‌روی اربعین رابطه‌ای وجود دارد؟ پیرامون موضوع ذکر شده تاجایی که پژوهشگران این تحقیق جست‌وجو نمودند، چه در داخل چه در خارج، پژوهشی انجام نشده؛ ولی نتیجه بررسی‌های متعدد درباره متغیرهای مطالعه شده این تحقیق صورت گرفته است، نشان می‌دهد سلامت معنوی و سلامت اجتماعی در زمینه‌های گوناگون دارای اهمیت قابل توجهی می‌باشد.

خالقی و قاسمی در مطالعه‌ای با عنوان «مقایسه میزان هوش معنوی و شادکامی افرادی که در پیاده‌روی اربعین حضور داشتند با افرادی که شرکت نکردند» بیان می‌کنند که میزان شادکامی و هوش معنوی افرادی که در پیاده‌روی اربعین حضور داشتند به طور معناداری بیشتر از کسانی است که هیچ‌گاه در پیاده‌روی اربعین شرکت نکردند. (اصفهانی خالقی و قاسمی، ۱۴۰۰، ص ۹) همایون و بد به روشنگری انگیزه گردشگران در سفرهای معنوی پرداخته و آن را به انگیزه دینی، شخصی و اجتماعی تقسیم‌بندی می‌نمایند. (همایون و بد، ۱۳۹۷، ص: ۱۸) عیدی و علیوندی وفا به بررسی رابطه سلامت روانی، بهزیستی

اجتماعی و هیجانی با نقش میانجی بهزیستی معنوی پرداختند و نتیجه بررسی آنان حاکی از آن است که بهزیستی هیجانی و اجتماعی بیشترین اثر بر سلامت روان دارد. (عیدی و علیوندی و فافا، ۱۴۰۰ش، ص ۵) یوسفی و همکاران در مطالعه‌ای با موضوع «بررسی سلامت معنوی و ارتباط آن با سلامت روان در دانشجویان جدیدالورود دانشگاه علوم پزشکی کردستان» بیان می‌دارند که میان سلامت معنوی در دو بعد سلامت مذهبی و سلامت وجودی با سلامت روان آن‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد. (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۸ش: ۵) نازک‌تبار و شتابان در بررسی با عنوان «رابطه سلامت معنوی با سازگاری اجتماعی و کیفیت زندگی در بیماران مبتلا به سرطان» بیان می‌کنند که سلامت معنوی به علت تأثیر بر کیفیت زندگی و سازگاری فرد با بیماری در زندگی بیماران مبتلا به سرطان می‌تواند نقش ضروری ایفا کند. با توجه به نتایج به دست آمده سلامت معنوی و مؤلفه‌های آن از متغیرهای مهم در زمینه کیفیت زندگی افراد مبتلا به سرطان است. (نازک‌تبار و شتابان، ۱۳۹۸ش: ۸) اسدزندی به چگونگی تأثیر سلامت معنوی بر سایر ابعاد سلامت (جسمانی - روانی) می‌پردازد. سلامت معنوی با ایجاد شبکه حمایت اجتماعی در بعد اجتماعی، مدیریت استرس‌ها و معنی بخشیدن به حوادث زندگی در بعد روانی و ایجاد رفتارهای سالم بهداشتی در بعد جسمی بر سلامت تأثیر دارد. (اسدزندی، ۱۳۹۹ش: ۹)

جابری و همکاران در مطالعه‌ای با موضوع «تجربه سلامت معنوی بزرگسالان مسلمان در ایران: تحلیل محتوای کیفی» بیان می‌کنند که سلامت معنوی در علوم مرتبط با سلامت و پرستاری توجه زیادی به خود جلب کرده با این وجود بیشتر تحقیقات در مورد این مفهوم مبهم از روی جهان‌بینی فلسفی یهودی - مسیحی انجام گشته و جامعه مسلمانان که جمعیت زیادی از جهان به خصوص جمعیت

ایرانی را تشکیل می‌هند، بررسی نشده است. (جابری و همکاران، ۲۰۱۹م: ۹)

جعفری و همکاران در مطالعه‌ای با عنوان «بهبودی معنوی و سلامت روان در دانشجویان» به جست‌وجوی رابطه بهزیستی معنوی و سلامت روان در دانشجویان پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد میان بهزیستی معنوی و سلامت روان ارتباط معناداری وجود دارد. هم‌چنین بهزیستی روحی و وجودی در زنان به شکل معنی‌داری بیش از مردان می‌باشد و هیچ تفاوتی در رابطه با جنسیت در نمرات سلامت روان وجود نداشت. (جعفری و همکاران، ۲۰۱۳م: ۹)

بر اساس مطالب ذکر شده می‌توان گفت مطالعات انجام شده درباره سلامت معنوی و اجتماعی، بیشتر در زمینه پزشکی است و مطالعات کم نیز بر روی دانشجویان صورت گرفته و درباره حوزه گردشگری و واقعه اربعین مطالعه‌ای نشده است. بنابراین مقاله حاضر جزء اولین مطالعاتی است که در حوزه سلامت و با تأکید بر گردشگران و واقعه اربعین انجام می‌گردد. چارچوب نظری تحقیق، نظریه سلامت اجتماعی کوری کییز و نظریه سلامت معنوی است. زندگی و عملکرد شخصی فرد را نمیتوان بدون توجه به معیارهای اجتماعی ارزیابی کرد. عملکرد خوب در زندگی چیزی بیش از سلامت روانی است و تکالیف و چالش‌های اجتماعی را نیز در نظر می‌گیرد. فرد سالم از نظر اجتماعی، زمانی عملکرد خوب دارد که اجتماع را به صورت یک مجموعه معنادار و قابل فهم و بالقوه برای رشد و شکوفایی بداند و احساس کند که متعلق به گروه‌های اجتماعی خود است و خود را در اجتماع و پیشرفت آن سهیم بداند (کییز، ۲۰۰۴م: ۹) کییز بر اساس بعد اجتماعی و سطح تحلیل اجتماعی پنج بعد و شاخص اساسی، برای سلامت اجتماعی پیشنهاد کرده است که عبارتند از: ۱- شکوفایی اجتماعی. ۲- پیوستگی اجتماعی. ۳- پذیرش اجتماعی. ۴- مشارکت اجتماعی. ۵- انسجام اجتماعی.

## سلامت اجتماعی

مفهوم سلامت اجتماعی برای بیشتر افراد آشنا نیست. علت آن ممکن است این باشد که سلامت اجتماعی می‌تواند علاوه بر ویژگی‌های فردی به ویژگی‌های جامعه اشاره نماید. سلامت اجتماعی به معنی توانایی تعامل با اشخاص و محیط با هدف ایجاد ارتباط رضایت‌بخش میان فردی است. در تعریف سازمان بهداشت جهانی، سلامت اجتماعی بعدی از سلامت است که به کیفیت روابط اجتماعی مربوط است. از منظر کیز سلامت اجتماعی در قالب درک فرد از سهم داشتن در جامعه، پذیرش از سمت دیگران، قابل پیش‌بینی بودن جامعه و رخدادهای اجتماعی، حس شرکت در جامعه و پتانسیل و رشد جامعه عملیاتی می‌گردد. (زمان‌خانی و همکاران، ۱۳۹۵ش، ص ۲) باتوجه به این تعریف، سلامت اجتماعی دارای بعد پنجگانه «سهم و پذیرش اجتماعی، رشد و پیوستگی اجتماعی و یکپارچگی جامعه» است. او اعتقاد دارد گرچه این پنج شاخصه بیان‌کننده ارزیابی‌های فردی است، ولی با محیط اجتماعی پیوند جدانشدنی دارد. (فیروزبخت و همکاران، ۱۳۹۶ش: ۶). از دیدگاه کیز شخصی دارای سلامت اجتماعی است که اجتماع را به طور یک مجموعه معنی‌دار، قابل درک و بالقوه مؤثر در جهت نمو و شکوفایی بداند و احساس نماید به جامعه متعلق است، از سوی جامعه پذیرفته و در رشد آن شریک است. (ابوالقاسمی و جوانمردی، ۱۳۹۱ش: ۱۰). این تعامل منطقی میان ابعاد مختلف سلامت است که به مفهوم سلامت می‌رسد. با این اوصاف سطح کلی سلامت به این ابعاد بستگی ندارد بلکه به تعادل میان آن‌ها وابسته است. (تونگتی، ۲۰۱۴م: ۳)

انسجام مقوله‌ای است اجتناب‌ناپذیر، سیال، نسبی و خودجوش که با هم‌فکری، همیاری و هماهنگی داوطلبانه افراد جامعه در مناسبات گوناگون

فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پیش روی افراد قرار می‌گیرد. (ازکیا، ۱۳۷۶، ۲۶) انسجام موقعیتی است که در آن افراد جامعه با تعهدات مشترک اجتماعی و فرهنگی به یکدیگر پیوند می‌خورند. (میتچل، ۱۹۸۹، م، ۱۸۰) انسجام اجتماعی مجموعه‌ای از عوامل و عناصر است که امکان ارتباط درونی و پیوستگی افراد یک کشور را در واکنش به مسائل خاص از جمله پایداری در قبال مسائل مهم امنیتی، در ابعاد مختلف، فراهم می‌نماید و به این ترتیب، استحکام و ثبات جامعه را میسر می‌سازد. (ازکیا، ۱۳۷۶، ۲۶) کامل‌ترین مدل که درباره مفهوم سلامت اجتماعی وجود دارد متعلق به کوری کییز می‌باشد. کییز سلامت اجتماعی را تفکر افراد از کیفیت رابطه‌شان با دیگران، و اجتماع اطراف تعریف و آن را بعدی از سلامت ذهنی می‌داند. (تاج‌الدین، ۱۳۹۶: ۷۰). این نظر از یک اصل جامعه‌شناختی و روان‌شناختی نشأت می‌گیرد. براساس نظریه کوری کییز حلقه گم‌شده در تاریخ مطالعات مربوط به سلامت پاسخ به این سؤال است که آیا کیفیت زندگی و عملکرد شخصی افراد را بدون توجه به معیارهای اجتماعی می‌توان ارزیابی نمود؟ از نظر کییز بهزیستی یک اساس و بنیان اجتماعی دارد و به این ترتیب سلامت اجتماعی را ارزیابی شرایط و عملکرد شخص در اجتماع تعریف می‌کند و عملکرد اجتماعی مثبت در زندگی را چیزی بیشتر از سلامت روانی و جسمی می‌داند که چالش‌های اجتماعی را دربرمی‌گیرد. (پولوتزین و الیسون، ۱۹۸۲: ۱) از جمله مفاهیم برجسته و کلیدی در مطالعات اجتماعی و جامعه‌شناختی، مفهوم همبستگی اجتماعی است. همبستگی اجتماعی در زبان لاتین معادل social solidarity به کار رفته و در لغت به معنای وحدت، وفاق و وفاداری است که ناشی از علائق، احساسات،

همدلی و کنش‌های مشترک است. این واژه با واژه social cohesion مترادف است و با واژه‌های دیگری هم‌چون یکپارچگی اجتماعی (social Integration)، وحدت (unity)، وفاق اجتماعی (social harmony) نظم اجتماعی (social order) از یک خانواده هستند.

بر اساس مطالب ذکر شده در مورد همبستگی اجتماعی تعاریف مختلفی ارائه گشته است، از جمله: احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه که از آگاهی و اراده برخوردار باشند و شامل پیوندهای انسانی و برادری بین انسان‌ها به طور کلی و حتی وابستگی متقابل حیات و منافع آن‌ها باشد... به زبان جامعه‌شناختی همبستگی پدیده‌ای را می‌رساند که بر پایه آن در سطح یک گروه یا یک جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته و به طور متقابل نیازمند یکدیگر هستند. (باقی نصرآبادی، شماره ۶، ۱۶۵)

### سلامت معنوی

سلامت معنوی هر چیزی است که به سلامتی و تندرستی روح فرد مربوط می‌گردد. روح را می‌توان در مذاهب و فرهنگ‌ها به روش گوناگون تعریف نمود، ولی این مفهوم از چیزی درون فرد نشأت می‌گیرد که نه در بدن و نه بخشی از ذهن است. بسیاری معتقدند سلامت معنوی کلید تعادل میان جنبه‌های فیزیکی، ذهنی و اجتماعی روح با خدا (ها)، انرژی، جهان دیگر است. این سطح معنوی قطعاً بر سلامت معنوی و اجتماعی اثر مثبتی دارد. طبق نظریه پولوتزین و الیسون (۱۹۸۲م) سلامت معنوی دارای دو بعد عمودی و افقی است. بعد عمودی شامل حس سلامتی در ارتباط با خدا (سلامت مذهبی) و بعد افقی شامل حس

رضایت و هدفدار بودن در زندگی است (سلامت وجودی). رضایی، سید فاطمی و ادیب حاج باقری (۲۰۰۸م) در این مورد می‌نویسند: سلامت معنوی تعادل میان جنبه‌های جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی شخص که منجر به آرامش ذهن و حس تمامیت و رفاه می‌گردد و فرایندی از پیشرفت شخص به سوی ارتباطی هماهنگ که از نیروهای درونی فرد سرچشمه می‌گیرد. سلامت معنوی در مراحل بالایی هرم نیازهای مازلو قرار دارد و نشانگر کیفیت زندگی شخص در بعد معنوی است.

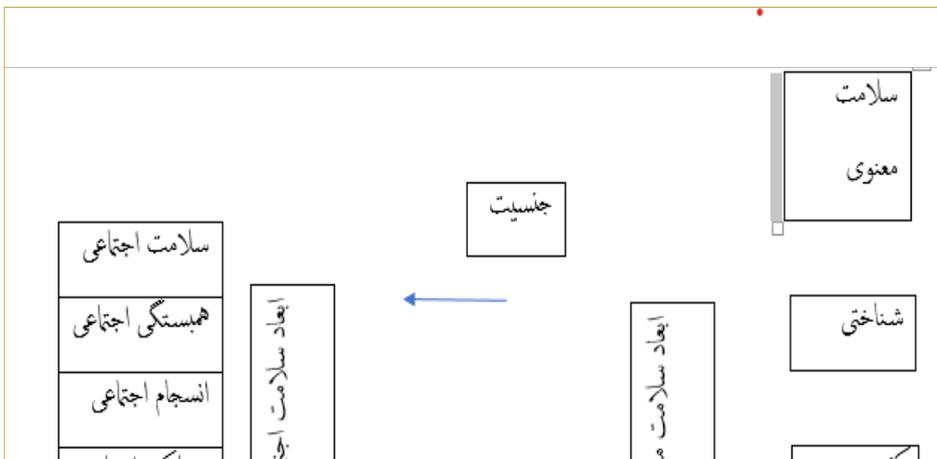
هنگامی که فرد اظهار سلامتی حقیقی می‌نماید، به این معنی است که افزون بر سلامت جسمی، به واقعیت و بنیان قوی معنوی در خویش رسیده است. (جلالی فراهانی و حسینی ذیجود، ۱۳۹۸شک: ۵۷۴) و فرد به یک شکوفایی و پذیرش اجتماعی رسیده. شکوفایی اجتماعی (social actualization): عبارت است از ارزیابی پتانسیل‌ها و مسیر تکامل جامعه و باور به اینکه اجتماع در حال یک تکامل تدریجی است و توانمندی‌های بالقوه‌ای برای تحول مثبت دارد. این افراد به آینده جامعه امیدوارند و معتقدند که خود و دیگران از پتانسیل‌هایی برای رشد اجتماعی بهره‌مند هستند و جهان می‌تواند برای آنها و دیگران بهتر شود (کییز و شاپیرو، ۲۰۰۴م: ۴۷). و منظور از پذیرش اجتماعی، درک فرد از جامعه با توجه به خصوصیات سایر افراد است. پذیرش اجتماعی شامل پذیرش تکرر با دیگران، اعتماد به خوب بودن ذاتی دیگران و نگاه مثبت به ماهیت انسانها است که همگی آنها باعث میشوند فرد در کنار سایر اعضای جامعه انسانی، احساس راحتی کند. کسانی که دیگران را می‌پذیرند به این درک رسیده‌اند که افراد بطور کلی سازنده هستند. همان گونه که سلامت روانی شامل پذیرش خود میشود، پذیرش

دیگران در جامعه هم میتواند به سلامت اجتماعی بینجامد. (keyes, ۱۹۹۸، ۱۲۱-۰۱۴) افراد برخوردار از این بعد سلامت، اجتماع را به صورت مجموعهای عمومی درک میکنند که از افراد مختلف تشکیل شده و به دیگران به عنوان افراد با ظرفیت و مهربان، اعتماد و اطمینان دارند و باور دارند که مردم میتوانند سعی و مؤثر باشند. این افراد دیدگاه مطلوبی درباره ماهیت انسان دارند و با دیگران احساس راحتی میکنند. پذیرش اجتماعی مصداق پذیرش از خود است. در پذیرش اجتماعی، فرد نگرش مثبت و احساس خوبی نسبت به خودش و زندگی گذشته‌اش دارد و با وجود ضعفها و ناتوانی‌هایی که دارد، همه جنبه‌های خود را میپذیرد (Keyes & Shapiro, ۲۰۰۴: ۱۹-۳۱).

### متدها و عناصر

روش تحقیق این پژوهش توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری، تمامی شرکت‌کنندگان در پیاده‌روی اربعین در سال ۹۸ شمسی هستند. با توجه به نامشخص بودن تعداد شرکت‌کنندگان، جامعه آماری نامحدود و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برای جامعه نامحدود ۳۸۴ نفر مشخص گشته. برای اجرای پژوهش، توضیحاتی درباره مطالعه و هدف آن برای شرکت‌کنندگان بیان شد. بعد از کسب رضایت افراد و آگاهی نسبت به این که اطلاعات دریافت شده فقط در این پژوهش استفاده می‌شود، اطلاعات جمع‌آوری شد. ابزار استفاده شده در این مطالعه به شرح زیر است: پرسشنامه سلامت معنوی: پرسشنامه بیست سؤالی سلامت معنوی پولوتزین و الیسون که ده سؤال سلامت مذهبی و ده سؤال سلامت وجودی شخص را می‌سنجد. نمره سلامت معنوی، جمع این دو

زیرگروه با دامنه‌ای میان ۲۰ - ۱۲۰ است. جواب این سؤالات به شکل لیگرت ۵ گزینه‌ای از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» تقسیم‌بندی شده است. ضریب آلفای کرونباخ ۸۲/۰ است. پرسشنامه سلامت اجتماعی: کیز و شاپیرو (۲۰۰۴م) معتقد هستند که سلامت اجتماعی، بررسی و شناخت فرد از چگونگی عملکرد او در اجتماع و کیفیت روابطش با افراد دیگر، نزدیکان و گروه‌های اجتماعی است که او خود را عضوی از آنان می‌داند؛ به عبارت دیگر توانایی فرد در رویارویی مؤثر با دیگران و اجتماع به جهت ایجاد رابطه ارضاکنده شخصی و به انجام رساندن نقش‌های اجتماعی است. کیز (۲۰۰۴م) سلامت اجتماعی را مهارت‌های اجتماعی، عملکرد اجتماعی و توانایی شناخت هر فرد از خویش به عنوان عضوی از جامعه بزرگتر دانسته است. پرسشنامه استاندارد سلامت اجتماعی دارای ۳۳ سؤال است که کیز و همکارانش در سال ۱۹۹۸ میلادی طراحی و ساخته‌اند. هدف از این پرسشنامه سنجش میزان سلامت اجتماعی در بعد گوناگون است که دارای پنج مؤلفه (همبستگی اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شکوفایی اجتماعی و پذیرش اجتماعی) است و براساس طیف لیگرت از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» نمره‌گذاری شده است.



### فرضیه‌های تحقیق:

میان بعد شناختی سلامت معنوی و سلامت اجتماعی رابطه‌ای وجود دارد.  
 میان بعد کنش سلامت معنوی و سلامت اجتماعی رابطه وجود دارد.  
 میان بعد عواطف سلامت معنوی و سلامت اجتماعی رابطه وجود دارد.  
 سلامت معنوی شناختی، عواطف و کنشی با سلامت اجتماعی همبستگی اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شکوفایی اجتماعی و پذیرش اجتماعی رابطه دارد.  
 براساس وضعیت تأهل، سلامت اجتماعی گردشگران متفاوت است.  
 براساس جنسیت، سلامت اجتماعی گردشگران متفاوت است.  
 - یافته‌ها:

تعداد ۴۰۰ پرسشنامه بین گردشگران مذهبی توزیع گشت و در مجموع ۳۸۴ تا به طور کامل تکمیل شد. یافته‌های پژوهشی حکایت از آن دارد که بیشترین تعداد نمونه در بازه سنی ۳۰ تا ۴۰ است. از همه نمونه‌ها ۲۰۰ نفر مرد و ۱۸۴ زن بودند و بیشترین تعداد مدرک تحصیلی دیپلم بود.

جدول ۱: فراوانی واحدهای پژوهش براساس مشخصات دموگرافیک

تعداد	سال	متغیر
۱۱۷	۲۰ تا ۳۰	سن
۱۲۳	۳۰ تا ۴۰	
۵۸	۴۰ تا ۵۰	
۳۷	۵۰ تا ۶۰	
۴۹	۶۰ تا ۷۰	

۲۰۰	مرد	جنس
۱۹۲	زن	
۱۶	بی سواد	تحصیلات
۹۰	زیر دیپلم	
۱۲۰	دیپلم	
۱۰	فوق دیپلم	
۵۷	کارشناسی	
۱۳	کارشناسی ارشد و بالاتر	

بر اساس نتیجه جدول شماره ۲ در میان سه زیرمجموعه بیشترین میانگین، نمره ۳۱۷۵ مربوط به زیرمجموعه بعد کنش و کمترین، نمره ۳۱۵۵ مربوط به زیرمجموعه بعد عواطف است. در میان ۵ زیرمقیاس سلامت اجتماعی، بیشترین میانگین مربوط به مشارکت اجتماعی نمره ۳۱۴۴ و کمترین آن، نمره ۲۱۹۴ مربوط به زیرمقیاس پذیرش اجتماعی است.

جدول ۱: درصد، میانگین و انحراف معیار نمرات زیرمقیاس های سلامت معنوی گردشگران

مذهبی

زیر مقیاس	سوالات	میانگین	انحراف معیار
-----------	--------	---------	--------------

۱.۱۸۶۲	۳.۶۵	نمی‌دانم هستم، از کجا	بعد شناختی
۰.۹۷۳	۳.۸۹	آدمم به کجا خواهم رفت.	
۱.۰۶۹	۳.۷۰	عقیده دارم خدامرا دوست دارد و مراقبم است.	
۱.۰۸۹	۳.۷۵	معتقدم خدا غیر قابل تجسم وبه من وزندگی	
۱.۲۱۵	۳.۴۸	روزانه‌ام توجه ندارد.	
۱.۰۸۹	۳.۷۵	باور دارم خدا به فکر من ومشکلاتم است.	
۴.۸۰	۳.۷۰	زندگی معنی زیادی ندارد معتقدم هدف خاصی برای زنده بودن وجود دارد کل	

۰.۹۵۱	۳.۷۵	در دعا و خلوت با خدا حس رضایت زیاد ندارم.	بعد عواطف
۱.۰۹۱	۳.۷۲	حس می‌کنم زندگی تجربه مثبت است.	
۱.۱۷	۳.۴۵	احساس می‌کنم آینده‌ام نامعلوم است.	
۱.۰۵۳	۳.۶۱	در زندگی به کمال رسیدم و رضایت دارم	
۱.۰۶۵	۳.۵۸	نسبت به مسیر زندگی که درپیش دارم رضایت	
۱.۰۹۴	۳.۵۸	دارم. از زندگی لذت زیاد	
۱.۰۱۰	۳.۷۲	نمی‌برم نسبت به آینده احساس	
۰.۹۵۱	۳.۸۹	خوبی دارم. ارتباط با خدا بهم کمک	
۱.۱۷۲	۲.۶۹۰	می‌کند تا حس تنهایی نکنم.	
۶.۷۴۳	۳.۵۵	احساس می‌کنم زندگی پر از ناخوشی‌هاست.	
		کل	

۱۰۳۷	۳۰۷۱	با خدا ارتباط معنی دار خاصی دارم.	بعد کنش
۱۰۱۴	۳۰۵۹	از خدا حمایت زیاد دریافت نمی‌کنم	
۱۰۱۳۰	۳۰۷۸	ارتباط رضایت بخش با خدا ندارم	
۰۹۷۴	۳۰۸۲	وقتی رابطه صمیمی با خدا دارم حس کمال دارم	
۱۰۵۱	۳۰۸۸	ارتباط با خدا در سلامتی من نقش دارد.	
۳۰۹۶۵	۳۰۷۵	کل	

جهت آزمایش فرضیه‌های پژوهش از آزمون‌های همبستگی و رگرسیون استفاده شد. با توجه به نتایج و آزمون فرضیه‌های اصلی تحقیق، مشاهده می‌گردد که فرضیات تحقیق در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌گردند.

جدول ۳: ماتریس ضریب همبستگی پیرسون میان متغیرهای ابعاد سلامت معنوی و سلامت اجتماعی

نام متغیر	ضریب هم بستگی پیرسون	P-VALUE
بعد شناختی سلامت معنوی و اجتماعی	۰.۵۵۴	۰.۰۰۰

۰.۰۰	۰.۵۷۷	بعد عواطف سلامت معنوی و اجتماعی
۰.۰۰	۰.۴۲۷	بعد کنش سلامت معنوی و اجتماعی

جدول ۴: ضریب همبستگی میان ابعاد سلامت معنوی و ابعاد سلامت اجتماعی

۳۵۵/۰	۰/۰۰۰	۰/۴۶۴	۰/۰۰۰	۰.۴۶۴	پذیرش اجتماعی
۴۴۸/۰	۰/۰۰۰	۰/۵۵۴	۰/۰۰۰	۰.۵۵۴	شکوفایی اجتماعی
۳۶۳/۰	۰/۰۰۰	۰/۵۰۴	۰/۰۰۰	۰.۵۰۴	مشارکت اجتماعی
۳۹۴/۰	۰/۰۰۰	۰/۵۱۱	۰/۰۰۰	۰.۴۹۹	اطلاق اجتماعی
۲۷۴/۰	۰/۰۰۰	۰/۳۹۶	۰/۰۰۰	۰.۳۶۷	انسجام اجتماعی
ضریب همبستگی پیرسون	P-VALUE	ضریب همبستگی پیرسون	P-VALUE	ضریب همبستگی پیرسون	سلامت معنوی
بعد کنش سلامت معنوی		بعد عواطف سلامت معنوی		بعد شناخت سلامت معنوی	

...	...	...	...	...	P-VALUE	
-----	-----	-----	-----	-----	---------	--

ضریب همبستگی میان این‌ها حاکی از یک رابطه مثبت، مستقیم و متوسط می‌باشد.

به جهت پیش‌بینی سهم سلامت معنوی و ابعاد آن در میزان سلامت اجتماعی از رگرسیون چند متغیره با روش ENTER استفاده شده است.

جدول ۵: تعیین‌کننده‌های کلی تحلیل رگرسیونی سهم سلامت معنوی و ابعاد آن در میزان سلامت اجتماعی

شاخص آماری - مدل رگرسیونی	ضریب همبستگی (R)	R <sup>۲</sup>	R <sup>۲</sup> تعدیل شده	F	سطح معناداری
۱	۵۹۹/۰	۳۵۹/۰	۳۵۴/۰	۷۰,۹۸۸	۰۰۰/۰

جدول بالا ضریب همبستگی سلامت معنوی و ابعاد آن در میزان سلامت اجتماعی را نشان می‌دهد. ضریب همبستگی میان این دو متغیر ۵۹/۰ و دارای سطح معناداری بسیار بالا است؛ بدین معنی که هرچه میزان سلامت معنوی افزایش داشته باشد میزان سلامت اجتماعی هم افزایش دارد. میزان برآورد واریانس میزان سلامت اجتماعی است که توسط ۲ منظور از R متغیر مستقل تبیین می‌گردد و در

پژوهش حاضر معلوم شد نزدیک به ۳۶ درصد از تغییرات متغیر میزان سلامت اجتماعی توسط متغیر مستقل معلوم می‌شود.

جدول ۶: ضریب رگرسیونی سهم ابعاد سلامت معنوی بر میزان سلامت اجتماعی

شاخص آماری	ضرایب رگرسیونی	خطای استاندارد	بنای استاندارد شده	T	سطح معناداری
عدد ثابت	۴۸,۳۰۸	۴,۶۳۵	-	۱۰,۴۳۳	۰,۰۰۰
شناختی	۱,۵۳۶	۴۲۲	۰,۳۳۴	۳,۶۴۰	۰,۰۰۰
عواطف	۱,۵۲۸	۲۸۲	۰,۴۷۶	۵,۴۱۷	۰,۰۰۰
کنش	-۱,۲۴۶	۴۲۷	-۰,۲۲۴	-۲,۹۲۰	۰,۰۰۴

با توجه به جدول بالا می‌توان گفت ابعاد شناختی، عواطف و کنش به ترتیب از عوامل تأثیرگذار بر میزان سلامت اجتماعی است. اثر دو بعد شناختی و عواطف فزاینده است. ابعاد شناختی و عواطف بیشترین اثر و بعد کنش کمترین اثر بر میزان سلامت اجتماعی دارد. ضریب  $۰/۳۳۴$  شناختی بدین معنی است که به ازای هر واحد تغییر در انحراف معیار شناختی،  $۰/۳۳۴$  واحد تغییر در انحراف معیار میزان سلامت اجتماعی ایجاد می‌شود و از آن‌جا که رابطه مثبت است، تغییر هم به شکل مثبت است.

## نتیجه‌گیری

این مقاله رابطه سلامت معنوی با سلامت اجتماعی در پیاده‌روی اربعین را مورد بررسی قرار داده است. همان‌طور که در جداول خروجی (۳، ۵) نتیجه نشان داده شده، می‌توان گفت فرضیه‌های تحقیق در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأیید گشته؛ بدین معنی که سلامت معنوی با سلامت اجتماعی افراد رابطه دارد. همان‌طور که گفته شد پژوهشی مانند مقاله حاضر انجام نشده ولی نتیجه این فرضیه با نتیجه تحقیق عیدی و علیوندی وفا هم‌راستاست.

نتایج مطالعه آن‌ها حکایت از آن دارد که بهزیستی هیجانی و اجتماعی بیشترین اثر بر سلامت روان و ابعاد سلامت معنوی با سلامت اجتماعی رابطه معناداری دارد. فرشادنی و همکاران (۲۰۱۸م) در بررسی‌شان بیان می‌کنند میان سلامت معنوی و سلامت اجتماعی رابطه معنی‌داری موجود است؛ افزون بر این، سلامت معنوی پیش‌بینی‌کننده معناداری بر سلامت اجتماعی است که یافته‌های این تحقیق بیانگر این موضوع است. (فرشادنی و همکاران، ۲۰۱۸م، ص ۷) هم‌چنین ابعاد سلامت معنوی با سلامت اجتماعی ارتباط معنادار دارد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که هرچه میزان سلامت معنوی افزایش پیدا کند، میزان سلامت اجتماعی هم بیشتر می‌گردد. در پژوهش حاضر معلوم شد نزدیک به ۳۶ درصد از واریانس (تغییرات) متغیر میزان سلامت اجتماعی توسط متغیر مستقل معلوم می‌شود. بر اساس جدول بالا می‌توان گفت ابعاد شناختی، عواطف و کنش به ترتیب از عوامل تأثیرگذار بر میزان سلامت اجتماعی است.

اثر دو بعد شناختی و عواطف فزاینده، ابعاد شناختی و عواطف بیشترین اثر و بعد کنش کمترین اثر بر میزان سلامت اجتماعی دارد. ضریب  $334/0$  شناختی به این معنی است که به ازای هر واحد تغییر در انحراف معیار شناختی،  $334/0$

واحد تغییر در انحراف معیار میزان سلامت اجتماعی ایجاد می‌شود و از آن جا که رابطه مثبت است، تغییر به شکل فزاینده است. لذا می‌توان با برنامه‌ریزی میزان سلامت معنوی و اجتماعی را در جامعه افزایش داد. پیاده‌روی اربعین با توجه به خصوصیات که دارد - از جمله حضور اختیاری افراد از طبقات مختلف جامعه با سطوح مختلف اعتقادی - فرصت مناسبی را برای ایجاد همبستگی، انسجام و مشارکت اجتماعی فراهم می‌نماید که از این مسیر می‌توان در راستای افزایش شکوفایی و پذیرش اجتماعی قدم برداشت و این امر صورت نمی‌گیرد مگر از طریق برنامه‌ریزی مناسب نسبت به ابعاد سلامت معنوی. قطعاً هر اندازه اعضای جامعه از میزان شناخت، عواطف و کنش سلامت معنوی بیشتری دارا باشند، میزان سلامت اجتماعی در جامعه بیشتر و با دوام‌تر خواهد بود. ولی متأسفانه دست‌اندرکاران این زمینه به اهمیت و تأثیرات این رویداد عظیم خیلی توجه ندارند.

## منابع و مآخذ

۱. ابوالقاسمی، عباس و جوانمردی، لیلا، (۱۳۹۱ش)، «نقش مطلوبیت اجتماعی، سلامت روانی و خودکارآمدی در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر»، روانشناسی مدرسه و آموزشگاه، سال ۱، شماره ۲، ص ۶-۲۰
۲. ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۰) «بررسی رابطه بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی سازمان یافته روستاییان در نواحی روستایی شهر کاشان»، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال نهم، شماره ۳۶۵
۳. اسدزندی، مینو و دیگران، (۱۳۹۹ش)، «ارزیابی تطبیقی رفتارهای سلامت

- معنوي مردم ايران در پاندمي کوويد - ۱۹ با شواهد ديني»، مجله طب نظامي، سال ۲۲، شماره ۸، صص ۸۶۴-۸۷۲
۴. اصفهاني خالقي، آتنا و قاسمي، سيداميرحسين، (۱۴۰۰ش)، «مقايسه ميزان هوش معنوي و شادکامي افرادي که در پياده‌روي اربعين شرکت کرده‌اند با افرادي که شرکت نکرده‌اند»، مطالعات اسلام و روانشناسي، شماره ۲۸، صص ۲۷۲-۲۵۵
۵. انصاری، حميد (۱۳۸۳) نظريه‌های مشارکت، جزوه درسی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعي، دانشگاه تهران.
۶. باقي نصرآبادی، علی، (۱۳۸۴)، همبستگی اجتماعي و مشارکت عمومي (ديدگاهها، عوامل تقويت، تهديد‌ها و راهکارها)، حصون، شماره ۶، صص ۱۶۵
۷. تاج‌الدين، محمد، (۱۳۹۶ش) «تعيين‌کننده‌هاي سلامت اجتماعي شهروندان منطقه دوازده تهران»، برنامه‌ريزي رفاه و توسعه اجتماعي، ۸ (۳۲)، صص ۹۶-۶۱
۸. جلالی فراهانی، عليرضا وحسيني ذيجود، سيدرضا، (۱۳۹۸ش) «پژوهش و پژوهشگران حوزه بهداشت، درمان و سلامت در خدمت پياده‌روي اربعين»، مجله طب نظامي، شماره ۲۱، صص ۵۴۷-۵۴۸
۹. زمانخاني، فريبا و ديگران، (۱۳۹۵ش)، «تحليل وضعيت سلامت اجتماعي کليه استان‌هاي جمهوري اسلامي ايران»، فصلنامه سلامت جامعه، سال ۳، شماره ۳، صص ۱۸۱-۱۸۹
۱۰. عيدي، روح‌انگيز و عليوندي‌وفا، مرضيه، (۱۴۰۰ش)، «بررسي رابطه سلامت روانشناختي و بهزيستي اجتماعي و عاطفي با نقش ميانجي بهزيستي

- معنوي»، پژوهش‌هاي نوين روانشناختي، ش ۶۴، ص ۱-۱۰
۱۱. فیروزبخت، مژگان و دیگران (۱۳۹۶ش)، «بررسی عوامل موثر بر سلامت اجتماعي زنان: یک مطالعه مروري در مجلات فارسي»، سلامت اجتماعي، سال ۴، شماره ۳، صص ۱۹۰-۲۰۰
۱۲. گیویان، عبدالله و امین، محسن (۱۳۹۶ش)، «محبت و هویت در آینه نمایش جهانی اربعین؛ مطالعه ماهیت، کارکردها و ساختار پیاده‌روي اربعین از منظر ارتباطات آییني»، فصلنامه دین و ارتباطات، ش ۵۲، صص ۱۶۷-۱۹۴
۱۳. مدیری، فاطمه و دیگران (۱۳۹۶ش)، «بررسی سلامت اجتماعي و عوامل اثرگذار بر آن»، توسعه اجتماعي، صص ۷-۲۸
۱۴. نازک‌تبار، حسین و شتابان، نیلوفر (۱۳۹۸ش)، «بررسی رابطه سلامت معنوي با سازگاري اجتماعي و کیفیت زندگي در بیماران مبتلا به سرطان»، مجله سلامت و مراقبت، سال ۲۱، شماره ۴، صص ۲۸۳-۲۹۲
۱۵. همایون، محمدحسین و بد، محبوبه (۱۳۹۷ش)، «تبیین انگیزه‌هاي معنوي گردشگران در سفرهاي معنوي: مطالعه موردی رویداد پیاده‌روي اربعین»، مجموعه مقالات سمینار علمي جایگاه گردشگری در اقتصاد مقاومتی، صص ۱-۲۰
۱۶. یوسفی، فایق و دیگران (۱۳۹۸ش)، «بررسی سلامت معنوي و ارتباط آن با سلامت روان در دانشجویان جدیدالورود دانشگاه علوم پزشکی کردستان»، مجله روانشناسي و روانپزشکي شناخت، سال ۶، شماره ۴، صص ۱۰۹-۱۰۰
- Jaber, A., & MOMENNASAB, M., & CHERAGHI, M., & YEKTATALAB, S., & EBADI, A. (2019). Spiritual Health as

Experienced by Muslim Adults in Iran: A

Božek A, Nowak PF and Blukacz M (2020) The Relationship—  
Between Spirituality, HealthRelated Behavior, and Psychologi—  
cal Well-Being. Front

Burkely, Stan(١٩٩٦) people first a guide to self-reliant partici—  
patory Rural development. London: zedbooks

Farshadnia,E.,Koochakzaei,M., Borji,M. et al. Spritual Health—  
as a Predictor of Social and General Health in University Stu—  
dents? A Study in Iran,2018

Jafari N, Zamani A, Farajzadegan Z, Bahrami F, Emami H,—  
Loghmani A. The effect of spiritual therapy for improving the  
quality of life of women with breast cancer: A randomized con—  
trolled trial. Psychol Health Med. 2013;18 (1):56–69

Keyes, C,. M. and Shapiro, A. (2004). Social Well-being IN—  
.The U.S. ADescriptive Epidemiology, Orville Brim

Keyes, C. L,. M. (1998). Social well– being. Social Psychology—  
.Quarterly. 2, P.p:121-140

Keyes, C. L. M & Shapiro, A. (2004), Social well-being in—  
the United States: A Descriptive Epidemiology, In Orville  
Brim,Healthing are you? A national study of well-being of Mid—  
.life. University of Chicago press, 350-37127

Keyes, C. Lee, M. & Shapiro, Adam. (2004) Social well-being—  
.in the united states: A Descriptive Epidemiology

- Moaven Z, Movahed M, Iman M T I, Tabiee M. (2017)Spiri-  
tual Health through Pilgrimage Therapy: A Qualitative Study.  
Health Spiritual Med Ethics. 2017، 4 (4):39-31
- Paloutzian, R. F. & Ellison, C. W. (1982).Spiritual wellbeing-  
scale. In P. C. Hill & R. W.Hood )Eds.),Measures of religiosity.  
Birmingham, AL:Religious Education Press.p. 382-385
- Qualitative Content Analysis. SHIRAZ E MEDICAL JOUR-  
NAL, 20 (12), 1-10
- Rezaei M, Adib-Hajbaghery M, Seyedfatemi N, Hoseini F.-  
(2008). Prayer in Iranian cancerpatients undergoing chemother-  
apy. Complementary therapiesin clinical practice.14 (2):90-7
- Shapiro, A. & Keyes, C. (2007) “Marital Status and Social-  
Well-Being: Are the Married Always Better Off?”, Springer  
.Science+Business Media B.V., No. 5, P154-167
- Tognetti M.(2014) Social Health.In: Michalos A.C.(eds) Ency-  
clopedia of Quality of Life andWell-Being Research. Springer,  
.Dordrecht
- Wulff DM (2007). Psychology of religion: Classic and contem-  
porary. Dehghani M, translator. Tehran: Roshd